



فصلنامه علمی تخصصی  
مطالعات اقتصادی و کسب و کار

## اهداف فصلنامه علمی - تخصصی مطالعات اقتصادی و کسب و کار

- ۱- اشاعه و نشر یافته‌های علمی، پژوهشی و تحقیقاتی مرتبط با اقتصاد، حسابداری و مدیریت و تلاش جهت رفع نیازهای علمی و تحقیقاتی استان.
- ۲- فراهم نمودن زمینه تبادل افکار و اطلاعات بین مراکز دانشگاهی و تحقیقاتی استان در زمینه مسائل راهبردی علم اقتصاد.
- ۳- بسترسازی پژوهشی جهت ارتقاء سطح دانش علمی مدیران، کارشناسان، دانشجویان، صاحب‌نظران و پژوهشگران استان.
- ۴- ارتقای سطح مطالعات و پژوهش‌های کاربردی اقتصادی در زمینه موضوعات مورد نیاز استان.

## شرایط پذیرش مقاله‌ها و نحوه ارسال آن

- ۱- در مقاله از آخرین آمارها و اطلاعات که متناسب با عنوان مقاله باشد، استفاده شود.
- ۲- مقاله در سایر نشریات داخلی و خارجی چاپ نشده باشد.
- ۳- تعداد صفحات مقالات ۱۵-۲۵ صفحه بیشتر نباشد.
- ۴- فرمول‌ها، جداول، نمودارها عکس نباشد همچنین فرمول‌ها در نرم‌افزار تایپ شود.
- ۵- مقالات از طریق سایت فصلنامه به نشانی الکترونیکی [www.iccima.ir](http://www.iccima.ir) و یا به ایمیل فصلنامه به آدرس [info@iccima.ir](mailto:info@iccima.ir) ارسال گردد.

## راهنمای تدوین مقالات

- ۱- مقالات حتی الامکان دارای بخشهای چکیده، مقدمه، پیشینه و ادبیات موضوع، روش تحقیق، تجزیه و تحلیل داده‌ها و یا برآزش مدل، نتیجه‌گیری و پیشنهادات و در نهایت منابع و مأخذ باشد.
- ۲- در پانویس اولین صفحه مقاله (صفحه عنوان و چکیده) تحصیلات، سمت علمی، دانشگاه محل تحصیل و آدرس ایمیل نگارندگان قید گردد.
- ۳- متن فارسی مقاله قلم Mitra فونت ۱۳ در برنامه word 2010 تایپ شود. معادلات و نماد متغیرها و زیرنویس‌های انگلیسی با قلم Times New Roman غیر ایتالیک و با فونت ۱۱ و زیر نویس‌های انگلیسی با قلم، Times new Roman و با فونت ۱۰ تایپ شود.
- ۴- تهیه چکیده با حداکثر ۳۰۰ کلمه به زبان فارسی و انگلیسی به همراه حداکثر ۵ واژه کلیدی.

- ۵- تعیین طبقه‌بندی JEL پیش از کلید واژه فارسی و انگلیسی.
- ۶- عنوان‌ها و زیر نویس‌ها کوتاه باشند و منابع در صفحه مستقل و در انتهای مقاله ذکر شوند.
- ۷- مأخذ داده‌ها به‌طور دقیق بیان گردد و در صورت نیاز داوران یک نسخه از آن به دفتر مجله ارسال گردد.
- ۸- فرمول‌ها و معادلات مقاله به صورت پیاپی در سمت راست به فارسی شماره‌گذاری شوند.
- ۹- ذکر معادل انگلیسی واژه‌های تخصصی مورد استفاده در مقاله در پانویس همان صفحه ارائه شود.
- ۱۰- ضرورت دارد فایل جداول و نمودارها به گونه‌ای ارائه شوند تا امکان اصلاحات جزئی و تغییر اندازه آن امکان پذیر باشد. یادآوری می‌شود جداول وسط چین، فارسی و دارای عنوان و مأخذ باشند. مقیاس‌ها در بالای جدول و در سمت چپ آن قید شود. در صورت تنوع مقیاس‌ها، پیشنهاد می‌شود هر یک از آنها در بالای ستون مربوطه ذکر شود. علاوه بر این، عنوان نمودارها در زیر آنها قید شود و واحدها مشخص باشند.
- ۱۱- اعداد داخل جداول فارسی (قلم BMitra10) باشد و برای ارقام اعشاری از ممیز استفاده شود.
- ۱۲- مقالات ارسالی حتماً دارای چکیده انگلیسی باشد.
- ۱۳- منابع مقاله اعم از کتاب یا مقاله، به ترتیب الفبایی بر حسب نام خانوادگی نویسندگان مطابق با نمونه‌های ذیل تنظیم شود:

#### - نمونه کتاب:

شاکری، عباس (۱۳۸۷)، اقتصاد کلان نظریه‌ها و سیاست‌ها، تهران: انتشارات پارس نويس، چاپ ۱/

#### - نمونه مقاله:

طیبي، سيد كميل و گوگردچیان، احمد (۱۳۸۵)، "بررسی عوامل جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در صنایع پتروشیمی ایران به روش داده‌های تابلویی"، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، سال هشتم، شماره ۲۶، صص ۲۰۳-۱۸۱.

#### - نمونه مجموعه مقاله:

رضایی، ابراهیم و رضایی، محمد قاسم (۱۳۸۹)، "نگرشی بر اثرات نوسانات اقتصادی بر درآمدهای مالیاتی: شواهدی جهت بسط پایه‌های مالیاتی مصرف - محور در ایران"، مجموعه مقالات چهارمین همایش سیاست‌های مالی و مالیاتی ایران، تهران: سازمان امور مالیاتی کشور.

– نمونه انگلیسی کتاب:

Leontief, Wassily(1966), Input Output Economics, New York,Oxford University Press.

– نمونه انگلیسی مجموعه مقاله:

Diamond, Peter A. (2000) “Administrative Costs and Equilibrium Charges with Individual Accounts”, in Administrative Costs and Social Security Privatization John Shavened, Chicago:University of Chicago Press, Chapter 4.

– نمونه انگلیسی مقاله در مجله

Aizenman, Joshua, And Yothin Jinjark (2005), “The Collection Efficiency Of The Value Added Tax: Theory and International Evidence”, The Journal of International Trade & Economic Development, Vol. 17, No. 3, PP. 391-410.



---

اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی بیرجند

فصلنامه علمی تخصصی مطالعات اقتصادی و کسب و کار  
سال اول، شماره ۳، تابستان ۱۴۰۱

شناسنامه نشریه:

صاحب امتیاز: اتاق بازرگانی صنایع معادن و کشاورزی بیرجند

مدیر مسئول: مهندس محسن احتشام

سرمدبیر: دکتر مهدیه ضیائیان

مدیران داخلی:

مهندس سعیده خلیلی، مهندس ریحانه اکبری، مهندس نیوشا روحی، مهندس مینو علیزاده  
مهندس سمیرا محتشمی، مهندس مهتری دستجردی، مهندس بهناز اطمینان

ناشر: معاونت پژوهشی

طراح جلد و صفحه آرا: حلیمه کیانی

چاپ و لیتوگرافی: چاپ مهرنگ

نشانی نشریه: خراسان جنوبی، بیرجند، سایت اداری، اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی؛

معاونت پژوهشی

تلفن: ۰۵۶-۳۲۴۰۰۵۹۳

پست الکترونیکی: [info@biccima.ir](mailto:info@biccima.ir)

---

---

# فهرست مطالب

---

- ◆ بررسی نقش برندسازی شهری بر درآمدهای پایدار شهرداری‌ها..... ۱  
ملیحه سلیمی، نویسنده حسین نوری
  - ◆ کاربرد فن‌آوری‌های انقلاب صنعتی چهارم Industry 4.0 در شرکت‌های کوچک و متوسط برای بهره‌برداری اخلاقی و پایدار..... ۱۳  
مصطفی بذری، عاتکه اعتبار
  - ◆ مزایای استفاده از تکنیک‌های نوین حسابداری مدیریت در کسب و کار رقابتی و پویا..... ۲۹  
خدیجه سادات برکیاف
  - ◆ بررسی تاثیر نوسانات نرخ ارز ناشی از برجام بر فعالیت‌های اقتصادی و مالی ایران با استفاده از مدل معادلات شبه مرتبط..... ۴۱  
حسین آرزومندان
  - ◆ توسعه‌ی سرمایه‌های اجتماعی فصلی نوین در فضای کسب و کار..... ۵۵  
زهرا صفوی‌راد، فرهاد مرآتی، نگار رفیعی
  - ◆ پیامدهای به‌کارگیری رویکرد مدیریت مالی عمومی نوین..... ۷۷  
محمدحسن نژاد
  - ◆ مدیریت کارآفرینی و نوآوری..... ۱۰۳  
سمانه کرم پور هوشمند
  - ◆ بررسی و ارزیابی مبارزه با مفاسد اقتصادی در سازمان‌ها..... ۱۱۵  
دکتر مهدیه ضیائیان
  - ◆ بررسی رابطه بین دیپلماسی اقتصادی و سیاست خارجی در ایران..... ۱۳۷  
سعید امینی نسب
  - ◆ بررسی تاثیر قاچاق کالاهای فرهنگی در اقتصاد ایران..... ۱۵۷  
حسین آرزومندان
  - ◆ بررسی اثر کرونا و ویروس بر اقتصاد ایران و ارائه راهکارها..... ۱۷۳  
مهندس مینو سادات علیزاده
  - ◆ بررسی تاثیر کرونا و ویروس بر حکمرانی اقتصادی..... ۱۸۵  
مهندس نیوشا روحی جویباری
  - ◆ کاربرد استراتژی مدیریت دانش با استفاده از رویکرد تلفیقی ANP و DEMATEL..... ۱۹۹  
مهندس سعیده خلیلی
  - ◆ راهکارهای اقتصادی تامین منابع آب استان خراسان جنوبی..... ۲۲۱  
مهندس سمیرا محتشمی
  - ◆ ارائه مدل تلفیقی ارزیابی عملکرد شرکت‌های لجستیکی طرف سوم (3pls) در صنایع خودرو سازی کشور..... ۲۴۵  
مهندس بهناز اطمینان
  - ◆ تاثیر عرضه‌یابی از واحدهای صنعتی بر رونق تولید و رشد اقتصادی..... ۲۵۱  
حسن سهرابی‌فرد، حامد زارعی
-





# بررسی نقش برندسازی شهری بر درآمدهای پایدار شهرداری‌ها

ملیحه سلیمی، نویسنده حسین نوری

## چکیده:

امروزه دیگر در دنیا به شهرداری به عنوان پیمان کاری بزرگ که می‌بایست برخی از فعالیت‌های عمرانی و خدماتی شهر را انجام دهد، نگریسته نمی‌شود. بلکه شهرداری مؤسسه‌ای مدنی و برخاسته از مردم است که وظیفه فعالیت به سمت توسعه پایدار شهری و توسعه انسانی را بر عهده دارد. به همین دلیل است که شهرداری‌ها باید در کنار فعالیت‌های سنتی و مرسوم خود به فعالیت‌های فرهنگی، بهزیستی و زیست محیطی بپردازند. در کشور ایران، شهرداری به عنوان نهاد محلی و برخاسته از متن مردم منطقه، متولی اصلی اداره امور خدماتی، عمرانی و نوسازی شهری، ناچار است در قبال ایفای وظایف قانونی خود، به دلیل عدم وابستگی مالی به دولت و بودجه عمومی، به طرق مختلف و بر پایه قانون، عوایدی را کسب و به مصرف امور مورد نظر برساند. اما این منابع درآمدی نمی‌توانند تمام نیازهای سرمایه‌گذاری و عمرانی شهرداری‌ها را پوشش دهند. به همین دلیل توجه به رویکردهای نوین در مدیریت شهری که همساز با توسعه پایدار شهری و موجب درآمدزایی پایدار برای شهرها نیز می‌باشند، باید مورد توجه قرار گیرد. که از جمله این رویکردها تهیه برند شهری می‌باشد نتایج نشان می‌دهد ایجاد و تقویت یک درک و احساس مشترک نسبت به شهر، خصوصیت‌ها، مشکلات و توانمندی‌های آن در افراد و گروه‌های تأثیرگذار در این عرصه و ایجاد مدیریت یکپارچه شهری با داشتن اختیارات کامل که به صورت علمی و خلاقانه به هدایت امور و سنجش و پایش درست شرایط بپردازد، می‌تواند داشته‌های یک شهر را تبدیل ارزش‌های مطرح در سطح جهانی نماید و از این طریق هم به کسب اعتبار و شهرت برای شهر بینجامد و هم باعث رونق و درآمدزایی پایدار برای شهر گردد. روش تحقیق این مقاله از نظر هدف کاربردی و از نظر نیاز داشتن به فرضیه توصیفی می‌باشد.

**واژه‌های کلیدی:** برندینگ شهری (یادسازی)، درآمدزایی پایدار شهری، مدیریت شهری، شهرداری‌ها

## ۱- مقدمه

توسعه‌ی اقتصادی، هدف اصلی هر کشور در جهت بهبود سطح استاندارد زندگی می‌باشد و توسعه‌ی شهرها به عنوان مجموعه‌ای که یک کشور را تشکیل می‌دهند، از منابع مهم توسعه محسوب می‌شود. شهرداری<sup>۱</sup> به عنوان، یکی از نهادهای مردمی است که وظیفه‌ی خدمت‌رسانی به شهروندان برای تأمین خواسته‌های اولیه زندگی شهروندی و پس از آن تلاش برای رسیدن به شهری توسعه یافته را بر اساس ماده ۵۵ قانون شهرداری‌ها به عهده دارد. طی چند دهه‌ی اخیر، با توسعه سریع شهرها و رشد بی‌رویه جمعیت و بزرگ شدن محدوده‌های شهری، ابعاد و حجم وظایف شهرداری‌ها، چندین برابر شده است.

در واقع، امروزه شهرداری‌ها در اکثر کشورهای توسعه یافته به عنوان یکی از انواع دولت‌های محلی، در اداره‌ی شهرها و عرضه‌ی کالاها و خدمات عمومی محلی، نقش مهم و برجسته‌ای به عهده دارند. معرفی منابع نوین درآمدی، می‌تواند در پایداری توسعه‌ی شهری نقش مهمی را ایفا کند، که از مبانی مهم آن می‌توان به چگونگی تأمین درآمد شهرداری‌ها به عنوان رکن اصلی مدیریت شهری اشاره کرد. زندگی شهروندی امروزی، هزینه‌های بسیار بالایی برای شهرداری‌ها دارد و هر روز به آن افزوده می‌شود. اداره‌ی مطلوب شهرها و ارائه‌ی خدمات مناسب به شهروندان و هدایت پروژه‌های عمرانی مستلزم دستیابی به منابع درآمد پایدار و جدید است. افزایش درآمد شهرداری‌ها در ایران، مستلزم افزایش کارایی در روش‌های فعلی کسب درآمد یا جستجوی منابع جدید درآمدی است. اگرچه از زمان تصویب قانون خودکفایی درآمدی شهرداری‌ها، تلاش‌هایی برای تأمین درآمد و استقلال آنها از دولت انجام شده است، ولی این تلاش‌ها چندان مؤثر نبوده است. وجود بیش از ۶۰ درصد از جمعیت کشور در شهرها، بالاتر بودن نرخ رشد جمعیت شهری نسبت به نرخ رشد جمعیت ملی و اختصاص درصد بسیار بالایی از ارزش افزوده و اشتغال کشور به شهرها، نشان از جایگاه اقتصاد شهری در اقتصاد ایران دارد. رشد جمعیت مهاجر وارد شده به شهرها در کنار رشد طبیعی جمعیت، اهمیت شهرها در اقتصاد را روز به روز بیشتر می‌کند. ارتقای سطح انتظارات مردم از شهرداری‌ها، گسترش دامنه‌ی فعالیت دولت‌های شهری و محلی و تشدید مشکلات ناشی از افزایش جمعیت شهری مثل بیکاری، حاشیه‌نشینی، آلودگی‌های زیست محیطی، کمبود مسکن، معضلات ترافیکی و معضلات اجتماعی و اقتصادی، نیاز به گسترش منابع مالی شهرداری‌ها را بیشتر می‌کند. تأمین منابع مالی، راهی جز افزایش

کارایی روش‌های قبلی و جستجوی منابع جدید درآمدی، پیشروی شهرداری‌ها نخواهد گذاشت. افزایش کارایی مستلزم گذشت زمان، تعامل با اقتصاد جهانی، استفاده از شیوه‌های مدرنتر و افزایش در نسبت نیروهای تخصصی کل نیروهای شهرداری است. فقدان درآمد کافی برای شهرداری‌ها نه تنها امکان ارایه‌ی خدمات مناسب برای مدیریت شهری را کاهش می‌دهد، بلکه اساساً اجرای تمامی طرح‌ها و برنامه‌های شهری را با مشکل مواجه خواهد ساخت. اهمیت این موضوع زمانی بیشتر روشن می‌شود که بدانیم امروزه بیش از ۹۵ درصد از منابع مالی شهرداری‌ها از محل درآمدهای محلی درون شهرها تأمین می‌شود و وابستگی شهرداری‌ها به کمک‌های بلاعوض دولتی کمتر از ۵ درصد است. "هر چند از بدو تأسیس بلدیة در سال ۱۲۸۶ (ه. ش) و به دنبال آن در قانون جدید شهرداری‌ها در سال ۱۳۰۹ (ه. ش)، قوانینی در زمینه‌ی تأمین هزینه‌های شهری وضع شده است، اما درآمد حاصل چندان زیاد نبوده و نظام شهری به کمک‌های دولتی بسیار متکی بوده است. در قانون بودجه‌ی سال ۱۳۶۲ خودکفایی شهرداری‌ها در یک دوره‌ی سه ساله مورد تصویب قرار گرفت و شمارش معکوس برای کاهش سهم آنها از بودجه‌ی دولت آغاز شد [۱]"

طی دهه‌های اخیر مطالعات گسترده‌ای روی نقش شهرها به عنوان محرک نوآوری و رشد اقتصادی صورت گرفته و گرایش به پیگیری استراتژی‌های برندینگ، برندینگ مجدد (کامل و جزئی)، نوسازی و تجدید حیات شهری فراوان دیده می‌شود. امروزه این فعالیت‌ها به عنوان جزء لاینفک مقوله مدیریت و توسعه شهری مد نظر بوده و نه تنها در تجهیز فیزیکی زیرساخت‌های شهری بلکه در تدوین فرآیندهای روانی و ایجاد تصویر و هویتی متمایز از شهر مورد عنایت می‌باشند. این مفهوم با تاکید بر ارزش‌های محوری، با تبدیل تصاویر و جذابیت‌های شهری به هویتی برجسته و ملموس، شهر را به عنوان محصولی ماندگار در عرصه ملی و بین‌المللی معرفی می‌نماید. برندینگ شهری به منزله چتری حمایتی برای تمامی برندهایی است که در شهر دارای خاستگاهی مشترک هستند. در عصر جهانی شدن، برندینگ شهری ابزاری ارزشمند برای شهرهاست تا به گونه‌ای مؤثر فرصت‌های داخلی و خارجی را اداره کرده و آنها را تبدیل به مزیت‌های رقابتی نمایند [۲]. برای رسیدن به این منظور و جایگاه، مدیران شهری می‌توانند با استخراج و تبیین استراتژی‌های برندینگ برای شهر خود، تحولی همیشگی و جاودان را سبب شوند برند شهر به صورت روزافزونی به مثابه دارایی مهم در راستای توسعه شهر و همچنین ابزاری اثربخش به منظور تمایز، بهبود جایگاه و افزایش نفوذ و اعتبار شهر، انگاشته می‌شود. [۳]

## ۲- برند و مفهوم آن

برند، نام؛ واژه؛ علامت؛ سمبل یا ترکیبی از آنهاست که برای شناسایی کالاها و خدمات فروشنده مورد استفاده قرار بگیرد. یک برند چند وظیفه کلیدی را انجام می‌دهد که شامل موارد زیر است:

۱. محصول یا خدمت را مشخص و متمایز می‌کند و به مشتری اجازه تشخیص، رد یا سفارش آنرا می‌دهد.
۲. پیام‌ها را به مشتری ابلاغ می‌نماید؛ اطلاعات فراهم شده می‌تواند شامل بیاناتی مربوط به سبک و روش زندگی استفاده کنندگان، مدگرایی و یا افزایش ثروت آنها باشد.
۳. به عنوان قسمتی از دارایی قانونی محسوب می‌شود که دارنده این امتیاز می‌تواند از طریق آن سرمایه‌گذاری کند و یا از طریق قانون در مقابل رقبا حمایت شود. یک نام تجاری هم ماهیت فیزیکی و هم ماهیت ذهنی و ادراکی دارد. جنبه فیزیکی آن در قفسه سوپرمارکت یا مراکز ارائه‌کننده خدمت یافت می‌شود، ولی ماهیت مفهومی و ادراکی آن در فضای روانی و ذهن یک مشتری جا دار [۴] و [۵]

## ۳- برند شهری

اصطلاح برندسازی مکان، گاهی مترادف با بازاریابی مکان آورده شده است که به رقابت برای جذب گردشگران بازدیدکنندگان، سرمایه‌گذاران، شهروندان و سایر منابع داخلی شهرها برمی‌گردد [۶] به عبارت دیگر، برند شهری ارائه دهنده تصویر و بسته‌ای در مورد مکان است؛ که به تأکید بر ویژگی‌های منحصر به فرد شهر می‌پردازد به گونه‌ای که شهر بتواند در رقابت از سایر رقبا پیشی بگیرد. فرآیند برندسازی شهری نیز فرآیندی دنباله‌دار است [۷] و [۸]

## ۴- اهمیت برندسازی شهری

هدف از راهبرد دشوار برندسازی شهری، ایجاد هویتی برای شهر است که در پرتو گستره‌ای از متغیرهای مفهومی نظیر تاریخ، مردم‌شناسی، اقتصاد، سیاست و خط مشی‌ها توسعه می‌یابد. بیل بیکر موسس و مدیر عامل شرکت بازاریابی جامع مقصد<sup>۲</sup>، بیست مزیت استراتژی برند شهری را در سه دسته منافع اجتماع محلی، بازاربایان شهری و مشتریان خارجی چنین بیان می‌کند:

2- Total destination marketing (TDM)

#### ۴-۱ منافع - اجتماع محلی:

۱. برند شهر باید جهت کمک به تمامی سازمان‌های عمومی، خصوصی و غیرخصوصی که معاش آنها به تصویر و آوازه شهر بستگی دارد تمرکز نماید.
۲. برند شهر موجب ایجاد شناخت و احترام روزافزون حضور در یک مکان به عنوان ساکن، بازدیدکننده، بازرگان یا دانشجو می‌شود.
۳. ادراک‌های منسوخ، نادرست یا نامتوازن را اصلاح می‌کند.
۴. درآمد، حاشیه سود و درآمد مالیاتی ذینفعان را افزایش می‌دهد.
۵. توانایی جذب، به کارگیری و حفظ افراد مستعد را افزایش می‌دهد.
۶. غرور شهروندی را افزایش می‌دهد.

#### ۴-۲ منافع - بازاریابان شهری:

۱. موجب تمرکز استراتژیک بر مبنای مزیت رقابتی و همبستگی با ذینفعان می‌شود.
۲. رویکرد یکپارچه و مشارکت‌جویانه به منظور ایجاد آوازه شهر و خلق فضای کسب و کار پر رونق در درون شهر را ترویج می‌کند.
۳. چارچوب تصمیم‌گیری به منظور ایجاد هویت سازگار و استوار برای شهر ایجاد می‌کند و مانع از مخاברה پیام‌ها و تصاویر متناقض، تصادفی و متغیر از شهر می‌شود.
۴. موجب دستیابی به بازگشت سرمایه بالاتر ناشی از سرمایه‌گذاری بازاریابی می‌شود.
۵. توانائی‌ها و ویژگی‌های مکان را مجسم می‌کند به گونه‌ای که تمام ذینفعان برای استفاده از پیام‌های مشابه، سازگار و برانگیزاننده توانمند می‌شوند.
۶. بن‌مایه‌ای واحد جهت خلق فرصت توسعه محصول و کسب و کار در شهر فراهم می‌کند.
۷. به دلیل تمرکز بر موقعیت‌یابی، گروه‌های هدف و برآوردن نیازها و خواست‌های مشتریان، اتلاف تلاش‌های بازاریابی کمینه می‌شود.

#### ۴-۳ منافع - مشتریان خارجی (بازدیدکنندگان و کسانی که به دنبال تغییر محل هستند):

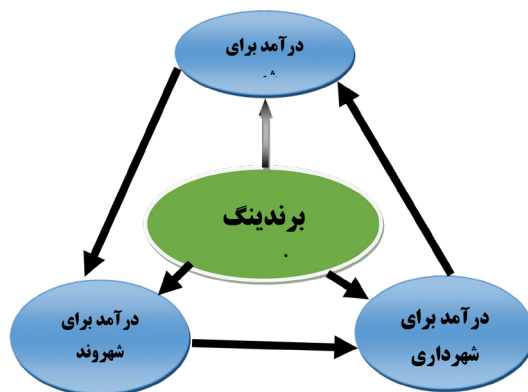
۱. از طریق افزایش اعتماد و کاهش عدم اطمینان در تصمیم‌گیری موجب آرامش ذهنی آنان می‌شود.
۲. نقطه تفاوت شفاف و ارزشمند در ذهن مشتری ایجاد می‌کند.

۳. موجب اندوختن وقت و هزینه به منظور یافتن گزینه‌های مختلف می‌شود.
۴. موجب تقویت وابستگی مشتری با مکان می‌شود.
۵. با خواست‌ها و نیازهای مشتریان ارتباط برقرار می‌کند و منافع دارای ارزش افزوده ارائه می‌نماید. [۹]
- برند امروز به عنوان یک ابزار استراتژیک جهت همسوسازی اهداف و برنامه‌های شهری و نیز پیام‌هایی که از شهر مخابره می‌شود به کار گرفته می‌شود. برندسازی در فرهنگ تصویری و بارش اطلاعاتی دنیای امروز ابزاری قدرتمند جهت نفوذ در ناخودآگاه افراد و تأثیر بر تصمیم‌گیری آنها تلقی می‌شود.

## ۵- استقلال مالی شهرداری‌ها، تضمین کننده منابع جدید درآمدی

در طول یک دهه گذشته مسئولین نهادهای شهری کشورهای درحال توسعه با فشار روزافزون مشکلات مالی دست به گریبان بوده‌اند. این کشورها به دلیل رشد مداوم جمعیت شهرنشینی، در حال حاضر با رشد فزاینده نیاز به خدمات شهری مواجه‌اند، درحالی‌که توان آنها در ارایه‌ی این خدمات و امکانات زیربنایی به علت کمبود منابع مالی به هیچوجه کفایت نمی‌کنند. در این راستا نهاد حاکمیت شهری تنها با پیاده‌سازی دو استراتژی می‌تواند منابع مالی خود را تأمین کند. نخستین روش اجرای استراتژی تهاجمی است. در ایران تاکنون درآمد شهرداری برای محور استوار بوده است، که به طور قطع در این روش اثرگذاری بر سایر بخش‌ها در آن نادیده گرفته می‌شود. روش دوم، استراتژی تدافعی است که بر محورهای ارتقای بهره‌وری، مدیریت هزینه‌ها و استفاده از پتانسیل بخش خصوصی پایه‌گذاری می‌شود. این استراتژی در مدیریت شهری ایران با آغاز به کار شوراها تا حدودی عینیت یافته است؛ چرا که فرآیند مدیریت شهری ناشی از دو رهگذار اقتصادی-سیاسی است. شوراها موتور محرک شهرداری‌ها در جهت بالابردن توان مدیریتی، برنامه‌ریزی، فنی و اجرایی و سوق دادن آنها به سمت خودکفایی در شهرهای کشور هستند. خودکفایی شهرداری‌ها در ایجاد و تأمین منابع جدید در آمدی از طریق وصول عوارض قانونی و مالیات‌های محلی در محدوده شهرها امکانپذیر است. اغلب کارشناسان و محققین امور شهری به این نکته تأکید می‌کنند که حل مسایل شهری در کشورهای روبه رشد تنها از طریق تقویت سازمان‌های محلی به ویژه شهرداری‌ها میسر است. یکی از محورهای اصلی در این ظرفیت‌سازی، استقلال شهرداری‌ها از نظر منابع مالی و عدم وابستگی آنها به بودجه‌های عمومی دولتی است. استقلال مالی شهرداری‌ها ناشی از تقویت این تفکر است که

نقش دولت‌ها در اجرای برنامه‌های عمران شهری باید تقلیل یافته و از تأمین کننده مستقیم نیازها و برطرف کننده کمبودها، به فراهم کننده شرایط و بستر مناسب برای گسترش فعالیت بخش خصوصی و مشارکت‌های مردمی تغییر یابد. نیاز به منابع مالی پایدار برای پاسخگویی به تقاضای ناشی از روند سریع شهرنشینی از یکسو و تأکید بر استقلال مالی شهرداری از سوی دیگر، موجب شده تا شناسایی منابع جدید برای افزایش درآمد شهرداری‌ها به عنوان یکی از محورهای استراتژیک مورد توجه کارشناسان و برنامه‌ریزان شهری قرار گیرد. علیرغم آن که دولت همه ساله به منظور شتاب بخشیدن به اجرای طرح‌های توسعه شهری و فرآیند توسعه شهرها از محل اعتبارات استانی، تملک دارایی‌های سرمایه‌ای و ردیف‌های قانون بودجه نسبت به اختصاص اعتبارات کمکی به شهرداری‌ها اقدام می‌نماید، لیکن بر اساس طرح خودکفایی و خودگردانی مالی، شهرداری‌ها به منظور انجام امور جاری و عمرانی خود در قالب برنامه‌های کوتاه مدت (بودجه‌ی یکساله) و میان مدت (برنامه‌ی ۵ ساله) نیازمند کسب درآمدهای محلی می‌باشند. وصول اینگونه درآمدها در شهرداری‌ها به گونه‌ای دارای اهمیت است که قانون‌گذار در تبصره (۱) ماده ۱ قانون شهرداری‌ها، اختیار انحلال شهرداری‌هایی که در محدوده آنها وصول عوارض تکافوی هزینه‌های شهرداری را نمی‌نماید، به وزارت کشور محول نموده است، ولی باید دانست که اتکا به این سیستم قوای شهرداری‌ها را در ارایه‌ی خدمات ضعیف می‌کند. پر واضح است که دستیابی به روش‌های جدید درآمدی و منابع مالی مطمئن و پایدار نقش بسیار مهم و مؤثری را در سرعت بخشیدن به توسعه و عمران محدوده‌های شهری، ایجاد شهرهای آباد، و نهایتاً جلب رضایت شهروندان ایفا می‌نماید.



شکل ۱- نقش برندینگ بر درآمد

## ۶- برندینگ شهری یک منبع درآمد پایدار برای شهرداری‌ها

گزیده‌ای از سخنان استاد ندیم در اجلاس شهر ایده آل؛ (کیش)

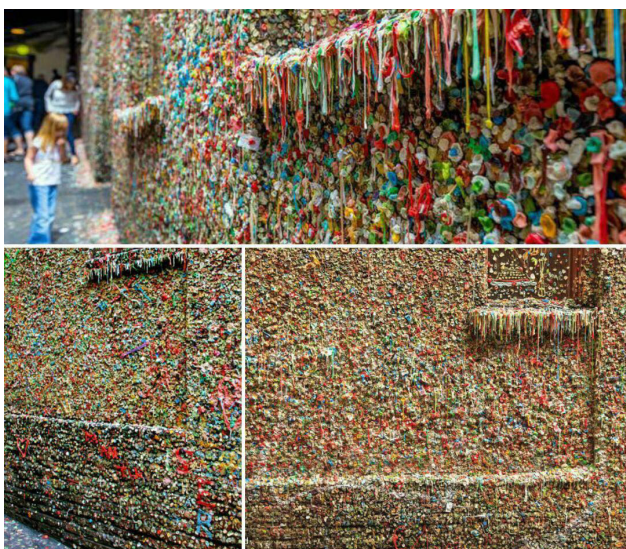
- ارزش برند اپل برابر ۱۵۴ میلیارد دلار برآورد شده است تقریباً بیست برابر بودجه عمرانی کل کشورمان.
- ارزش علامت M زرد بر روی صفحه قرمز (لوگوی مک دونالد) را برابر ۹۴ میلیارد دلار برآورد نموده‌اند.
- مک دونالد دیگر مرغ نمی‌پزد و رستوران‌داری نمی‌کند بلکه برند خود را و آرم خود را به رستوران‌ها اجاره می‌دهد و میزان این اجاره‌ها بقدری هست که بتوان ده کشور را با آن اداره نمود.
- در ایران هم برندهای خوبی وجود دارند که برندشان ارزش آفرین است مانند برند دیجی‌کالا.
- کلمه "محسن" یک برند ارزشمند است و به خوبی تجاری‌سازی شده است.
- گرچه ارزش برندهای ایرانی به یک میلیارد دلار نمی‌رسد اما برخی شروع و مسیر خوبی دارند.
- اگر در دهه شصت وقتی که شهرداری‌ها را مستقل اعلام نمودند، علم و تعقل لازم وجود داشت و هر شهرداری برای خود برندی مطالعه نموده و آن را ثبت و تجاری‌سازی می‌نمود امروزه نه تنها با چالش پرداخت حقوق مواجه نبود بلکه درآمد حاصله از آن بعنوان یک درآمد پایدار مورد بهره‌برداری مدیران شهری بود. هنوز هم دیر نشده است.
- شهرداری کرمانشاه اولین شهرداری کشور است که برندینگ شهری را از مرحله مطالعات گذرانده و در مرحله تجاری‌سازی آن است و بعد از دو سال، درآمدزایی آن آغاز خواهد شد.
- برند، مخصوص کالا نیست، برند مخصوص رستوران یا گوشی تلفن نیست، علم برند بقدری پیش رفته است که برند اشخاص، برند شرکت‌ها، برند سازمان‌ها، برند شهرها و برند مکانی نیز بصورت علمی در دانشگاه‌های معتبر دنیا تدریس می‌شود.
- برند مثل یک معدن بزرگ لعل و جواهر و طلاست با این تفاوت که با مصرفش نه تنها تمام نمی‌شود بلکه هر چقدر استخراج و مصرفش کنید همان قدر ارزش و خلوص‌اش بیشتر می‌شود و رگه‌های ناب و خالص‌تر می‌شود و مقدارش افزایش پیدا می‌کند.
- امیدوارم مدیران شهری کشورمان پس از چهار دهه غفلت از این منبع عظیم ثروت آفرین، ایجاد این منبع درآمد پایدار را در اولویت برنامه‌های خود قرار دهند. [۱۰]



## ۷- انواع برندینگ شهری

- برندینگ شهری می‌تواند طبیعی یا مصنوعی باشد. برندسازی طبیعی ویژگی‌های بومی یک شهر را نشان می‌دهد. این ویژگی‌ها معمولاً منحصر به فرد هستند. برندسازی مصنوعی یک نمای کلی از شهر را نشان می‌دهد که هنوز به منصفه ظهور نرسیده است.
- در کل برندسازی طبیعی به شدت موثرتر گیراتر از برندسازی مصنوعی است، زیرا بر جاذبه‌های طبیعی شهر تأکید دارد. اگر چه این جاذبه‌ها ممکن است مناظر دیدنی و تاریخی، غذایی خاص، ویژگی‌های زیست محیطی و مواردی از این قبیل باشند، اما توریست‌ها به این دست موارد علاقه ویژه‌ای دارند و استقبال از جاذبه‌های طبیعی بسیار زیاد است. عموماً در برندسازی طبیعی ما به نوعی اسم مستعار شهر می‌رسیم و آن شهر به وسیله ویژگی متمایزش شناخته می‌شود.
- برندینگ شهری پتانسیل فراوانی دارد. اجرای صحیح آن سودهای زیادی را به شهر می‌رساند. اما برای اینکه به درستی پیاده شود باید به مدیریت صحیح، انجام دادن کارها به صورت مستمر، برگزاری رویدادهای مناسب، متمایز جلوه دادن جاذبه‌های طبیعی و حفظ آنها و معرفی جاذبه‌های مصنوعی توجه داشته باشیم تا به نتیجه مطلوب برسیم.

## نمونه‌های برندینگ شهرهای مختلف جهان



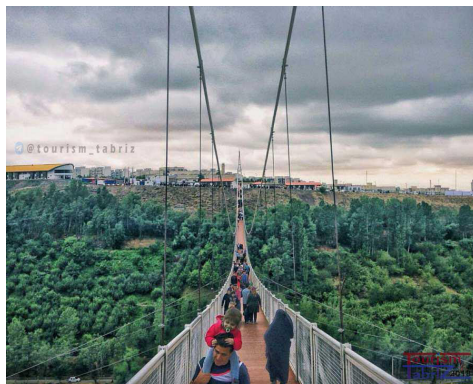
شکل ۲- دیوار آدامسی سیاتل در واشنگتن



شکل ۳- کشتی نوح در آمریکا



شکل ۴- هتل کپری در کرمان



شکل ۵- پل معلق مشکین شهر

## نتیجه گیری

برای استفاده از منابع نوین در آمدی در شهرداری‌ها، آن چه که قبل از فراهم کردن منابع درآمدی حایز اهمیت می‌باشد، بسترسازی مناسب برای استفاده از این منابع است. همان طور که تجربه‌ی طرح خودکفایی شهرداری‌ها در سال ۱۳۶۲ به خاطر عدم آماده‌سازی سازمان و جامعه نشان دهنده‌ی این مقوله است، برای مطرح کردن طرح‌های جدید باید به تجارب ناموفق و موفق چه در ایران و چه در خارج ایران توجه شود. چرا که ممکن است استفاده از منبع نوینی در کشوری به دلایل مختلف موفق باشد ولی چه بسا همان منبع برای کشور ایران نه تنها کارآمد نباشد مضر هم باشد. بنابراین تا زمانی که این منابع نوین در جامعه نهادینه نشده‌اند، شهرداری‌ها نباید به آنها به عنوان منابع جایگزین بنگرند، چرا که در صورت ناموفق بودن و عدم کسب این منابع، ممکن است از کارایی شهرداری‌ها در این فاصله کاسته شود. نکته دیگر به مربوط می‌شود به مورد غفلت واقع شدن شهرداری‌ها در مجلس شورای اسلامی. مجلس شورای اسلامی هیچ وقت به صورت تخصصی به این بحث ورود پیدا نکرده است. قانون شهرداری فعلی متعلق به سال ۱۳۳۴ می‌باشد و نکته حایز اهمیت این است که بیش از ۸۰ ماده از قانون مزبور منسوخ گردیده با وجود چنین شرایطی پیشنهاد می‌گردد گروهی نسبت به تشکیل قانون جدید و متناسب با وضعیت توسعه شهرها اقدام نمایند. چرا که وضعیت کنونی نه تنها به نفع شهرداری نمی‌باشد، بلکه به نفع شهروندان نیز نمی‌باشد. که نمونه‌ی آن تشکیل و ایجاد تعدادی شعبه دیگر در دیوان عدالت اداری برای رسیدگی به شکایت علیه شهرداری‌ها نشانگر وجود چالش و مشکلات عدیده در حوزه‌ی شهرداری است. برندینگ شهری، یکی از مفاهیم نوظهور و پرجاذبه در مدیریت شهرها می‌باشد که در صورت تدوین و پیاده‌سازی صحیح می‌تواند نقش مؤثری در هویت‌بخشی به شهرها و نیز رونق فضای کسب و کار برای آنها داشته باشد که در نتیجه درآمدزایی شهرها را به صورت اصولی و پایدار افزایش می‌دهد. همانگونه که شهر از مجموعه‌ای پیچیده و چند لایه از عوامل تأثیر می‌پذیرد، برندینگ شهری نیز باید با احاطه و اشراف بر همه عوامل بالقوه و بالفعل اثرگذار بر هویت شهری انجام گیرد. در برندینگ شهری از رویدادها، وقایع، پتانسیل‌های تاریخی، فرهنگی، اقتصادی و هر عامل دیگری که به نحوی جزء داشته‌های شهر محسوب می‌شود یا می‌تواند محسوب شود، به منظور ایجاد و تقویت تصویر ذهنی مناسب در مخاطبان استفاده می‌گردد. برای یک برندینگ شهری موفق می‌توان ترکیبی درست و منطقی از عوامل سنتی و مدرن را در کنار هم به کار برد.

[۱] سیدعلی، پایتختی اسکویی، علی بشارت، مالیه عمومی و دولت اقتصادی، نشر/ختر، چاپ دوم ۱۳۸۷، ص

[2] Retrieved from <http://www.brandztech.com/article>

[3] Ashworth, G., & Kavaratzis, M. (2019). "Beyond the logo: Brand management for cities", *Journal of Brand Management*, 16(8), 121-101.

[4] Pamela L. Alreck, Robert B. Settle, (1999). "Strategies For Bulding Consumer Brand Preference", *Journal Of Products & Brand Management*, VOL.8No.2, pp.101-144.

[۵] احمدی، پ.، و همکاران، (۱۰۸۸). "برندینگ، قلب استراتژی‌های تجاری"، *نشریه کاوش‌های مدیریت بازرگانی*، سال اول، شماره اول، - ص ۲۰ ۴۴

[6] Avraham, E., & Ketter, E. (2018). *Media Strategies for Marketing Places in Crisis: Improving the Image of Cities, Countries, and Tourist Destinations*. Butterworth Heinemann.

[7] Dinnie, K. (2011). *City Branding: Theory and Cases (First Published ed.)*. Palgrave Macmillan.

[۸] خوارزمی، ا.، و همکاران، (۱۰۹۰). "بررسی تطبیقی تجارب جهانی فرآیند برندسازی شهری و ارائه راهکار برای کلانشهر مشهد"، *اولین کنفرانس ملی جغرافیایی، گردشگری، منابع طبیعی و توسعه پایدار، مؤسسه ایرانیان*، قطب علمی برنامه‌ریزی و توسعه پایدار گردشگری دانشگاه تهران، تهران.

[9] Baker, B. (2010). "Twenty benefits of a city branding strategy." Retrieved from [www.destinationbranding.com](http://www.destinationbranding.com)

[۱۰] "گزیده‌ای از سخنرانی استاد داود ندیم، موسس مدرسه سرمایه‌گذاری و پدر سرمایه‌گذاری شهری ایران در جمع مدیران شهری - اجلاس شهر ایده آل - کیش".

# کاربرد فن‌آوری‌های انقلاب صنعتی چهارم Industry 4.0 در شرکت‌های کوچک و متوسط برای بهره‌برداری اخلاقی و پایدار

مصطفی بذری، عاتکه اعتبار

## چکیده

در عصر انقلاب صنعتی چهارم و اقتصاد دایره‌ای، شرکت‌های کوچک و متوسط (SMEs) تحت فشار زیادی هستند تا عملیات تولیدی خود را اخلاقی و پایدار کنند. تجارت با عملیات اخلاقی و پایدار به نیاز روز در محیط فعلی انقلاب صنعتی چهارم و اقتصاد دایره‌ای تبدیل شده است. مشاهده شده است که استفاده از فناوری‌های انقلاب صنعتی چهارم می‌تواند در دستیابی به هدف بهره‌برداری اخلاقی و پایدار کمک کند. اگرچه تحقیقات زیادی در زمینه شرکت‌های بزرگتر انجام شده است، تحقیقات محدودی در مورد کاربرد فن‌آوری‌های انقلاب صنعتی چهارم در SMEها برای عملیات اخلاقی و پایدار در دسترس است. حمایت از فناوری‌های انقلاب صنعتی چهارم Industry 4.0 به دلیل محدودیت‌های عملیاتی و مالی مختلف، یک کار چالش برانگیز برای SMEها است. این مشکل به ویژه در زمینه کشورهای در حال توسعه حادث است. با در نظر گرفتن نقش فناوری‌ها در تجارت اخلاقی و اقتصاد دایره‌ای، ما پانزده چالش را شناسایی کرده‌ایم که بر کاربرد فناوری‌های انقلاب صنعتی چهارم در شرکت‌های کوچک و متوسط تأثیر می‌گذراند. نویسندگان مشاهده کرده‌اند که عدم انگیزه شرکا و مشتریان در استفاده از فناوری‌های I4.0 چالش اصلی است. ترس از شکست فناوری‌های I4.0 چالش اصلی گروه اثر است. یافته‌های این مطالعه به SMEها در تدوین استراتژی‌هایی برای اجرای فناوری‌های انقلاب صنعتی چهارم برای فرآیندهای تجاری اخلاقی و پایدار کمک می‌کند.

**کلیدواژه‌گان:** انقلاب صنعتی چهارم، شرکت‌های کوچک و متوسط، SME، تولید پایدار

برای تداوم در چنین فرایندی، سازمان‌ها باید زنجیره تامین خود را با تامین مواد خام و اجزاء از منابع مختلف از جمله SMEها بازسازی کنند (راملی و واگنر، ۲۰۲۰). شرکت‌های کوچک و متوسط سهم عمده‌ای در رشد صنعتی در اقتصادهای در حال توسعه در سرتاسر جهان دارند (سینگ و کومار، ۲۰۲۰؛ راج و همکاران، ۲۰۱۹). مشارکت شرکت‌های کوچک و متوسط با سازمان‌های بزرگ می‌تواند فرصت‌های توسعه عملیات اخلاقی و پایدار را برای آنها افزایش دهد. برای رقابتی شدن در سطح جهانی برای بهره‌مندی از فرصت‌های نوظهور، شرکت‌های کوچک و متوسط باید استانداردهای جهانی در مورد کیفیت، فناوری، پایداری و قیمت گذاری را رعایت کنند (سینگ و کومار، ۲۰۲۰). بسیاری از سازمان‌ها در مرحله گذار از اقتصاد خطی به اقتصاد دایره‌ای هستند. پذیرش مفهوم اقتصاد دایره‌ای (CE) توسط SMEها ممکن است فرصت‌های تجاری نوظهوری را به آنها بدهد (Mura et al., 2020). سازمان‌ها باید اصول CE را برای پایداری در عملیات خود اتخاذ کنند. فن‌آوری‌ها همچنین ممکن است به سازمان‌ها در دستیابی به اهداف اقتصاد دایره‌ای کمک کنند (پریتو-ساندووال و همکاران، ۲۰۱۹؛ رزا و همکاران، ۲۰۲۰).

استفاده از فناوری‌های انقلاب صنعتی چهارم ممکن است یک جهت مثبت به سمت مسئولیت اجتماعی شرکت و بهره‌برداری پایدار ارائه دهد. با تجربه بازار جهانی به دستیابی به فناوری‌ها و نوآوری در فرآیندها کمک می‌کند. شرکت‌های کوچک و متوسط در بخش تولید نسبت به تغییر تقاضاهای تجاری مشتریان در عصر مدرن واکنش کمتری نشان می‌دهند. آنها به دلیل افزایش سفارشی‌سازی و پیچیدگی محصولات تحت فشار هستند (Dutta et al., 2020). کاهش زمان عرضه به بازار، بهینه‌سازی منابع، به حداقل رساندن ضایعات و گردش منابع چند چالش کلیدی دیگر هستند. بکارگیری شیوه‌های پایدار از نظر فناوری پیشرفته، مزیت رقابتی را به سازمان‌های تولیدی اقتصادهای توسعه یافته می‌بخشد (یاداو و همکاران، ۲۰۲۰؛ ماستوس و همکاران، ۲۰۲۰). به گفته گارسیا-موینا و همکاران (۲۰۱۸)، فناوری‌های انقلاب صنعتی چهارم به انتقال از خطی به CE کمک خواهند کرد. روش‌های پیشرفته انقلاب صنعتی چهارم می‌تواند هزینه‌ها را کاهش دهد، پایداری را بهبود بخشد و محصولات قابل سفارشی‌سازی را به مشتریان ارائه دهد (Turner et al., 2019; Machado et al., 2019). لیندر (۲۰۱۹) اظهار داشت که در SMEها، بهبود ارتباطات و جریان اطلاعات می‌تواند به دستیابی به فرآیندهای کارآمد و کاهش هزینه کمک کند. در محیط سایبری،



ماشین‌ها قادر به برقراری ارتباط، جمع‌آوری اطلاعات و تصمیم‌گیری آگاهانه با جمع‌آوری داده‌های زمان واقعی از طریق ابزارهایی مرتبط مانند اینترنت اشیا، آی-کلود هستند. خواسته‌های مشتریان و درخواست‌های محصول را می‌توان در زمان واقعی با فناوری‌های هوشمند جمع‌آوری کرد. پذیرش فناوری‌های هوشمند به عنوان انقلاب صنعتی بعدی پیش‌بینی می‌شود (هوفمن و راش، ۲۰۱۷). فناوری‌های انقلاب صنعتی چهارم به مدیریت موثر چرخه عمر محصولات در عصر اقتصاد دایره‌ای CE کمک می‌کند (Zhou et al., 2020; Bag et al., 2020c). بنابراین، برای ارائه یک محیط نوآورانه جدید در صنعت، مدیران باید آخرین فناوری‌ها مانند چاپ سه بعدی، اینترنت اشیا (IoT) و سیستم سایبری را اتخاذ یا پیاده‌سازی کنند (Almada-Lobo, 2015; Song and Wang, 2018). راج و همکاران (۲۰۱۹) بیان کرده‌اند که علیرغم سهم قابل توجهی از SMEها در امور اقتصادی و اشتغال، آنها از نظر پذیرش فناوری حتی در کشورهای توسعه یافته مانند اتحادیه اروپا و ایالات متحده کمبود دارند و استراتژی‌های مؤثر برای کاربرد فناوری‌ها در شرکت‌های کوچک مورد نیاز است. بسیاری از کشورها مانند استرالیا، چین و تایلند نیز در حال کار بر روی پذیرش فناوری‌های انقلاب صنعتی چهارم هستند (Orzes et al., 2020).

## ۱- شرح مسئله و اهداف تحقیق

نود و پنج درصد واحدهای تولیدی با چهل درصد ارزش افزوده در دسته مقیاس کوچک قرار می‌گیرند. شرکت‌های کوچک و متوسط به دلیل کمبودهای تکنولوژیکی و عدم پایداری در عملیات، قادر به رقابت در بازارهای جهانی نیستند (سینگ و کومار، ۲۰۲۰). برای برتری در رقابت جهانی، شرکت‌های تولیدی باید فناوری‌های خود را برای عملیات تجاری اخلاقی و پایدار ارتقا دهند. تکنیک‌های انقلاب صنعتی چهارم در گذار از اقتصاد خطی به اقتصاد دایره‌ای مهم هستند (لوترا و منگلا، ۲۰۱۸). ادغام آن‌ها با سیستم‌های تولید فرصت‌هایی را برای مدل‌های کسب‌وکار پایدار در راستای اصول اخلاقی مسئولیت اجتماعی شرکت ایجاد می‌کند (de Sousa Jain et al., 2018 a).

براساس تحقیق سینگ و کومار (۲۰۲۰) شرایط بازار جهانی برای شرکت‌های کوچک و متوسط بسیار بلندپروازانه است. شرکت‌های کوچک و متوسط باید از کاربرد فناوری‌ها برای بهبود پایداری عملیات تولیدی در عصر اقتصاد دایره‌ای استفاده کنند. در محیط کسب و کار مدرن، سازمان‌های به

شدت رقابتی در حال برنامه‌ریزی استراتژی‌های تجاری با در نظر گرفتن معیارهای تجاری اخلاقی و پایدار هستند. پایداری اجتماعی بر عملکرد شرکت تأثیر می‌گذارد. ضمن اینکه فناوری‌های انقلاب صنعتی چهارم و رویکرد اقتصاد دایره‌ای می‌تواند مزیت رقابتی را به زنجیره‌های تامین بدهد. تمرکز بر جنبه‌های اجتماعی پایداری می‌تواند عملکرد و رضایت شغلی را بهبود بخشد. بهره‌وری و صرفه‌جویی در انرژی فرآیندهای تولید را می‌توان با پذیرش فناوری بهبود بخشید (Nascimento et al., 2018). فرآیندهای تولید را می‌توان با استفاده موثر از دیجیتالی کردن فرآیند و ابزارهای کنترل کیفیت کارآمد و پایدار کرد (شیواجی و همکاران، ۲۰۱۹). قباخلو (۲۰۲۰) مشاهده کرده است که با استفاده از فناوری‌های انقلاب صنعتی چهارم می‌توان کارایی تولید، نوآوری‌های فرآیندی و پایداری را بهبود بخشید. برای بقا و برتری در سناریوی تجاری فعلی، SMEها نیاز به پیاده‌سازی فناوری‌های نوظهور برای رشد پایدار خود دارند (کومار و همکاران، ۲۰۱۵).

شرکت‌های کوچک و متوسط در کشورهای در حال توسعه مانند ایران به دلیل هزینه بالای شیوه‌های پایدار، فقدان مهارت و آموزش، فقدان معیارهای استاندارد و عدم پذیرش فناوری‌های نوظهور، قادر به تضمین عملیات تولید پایدار نیستند. اجرای ناقص فرآیندهای فنی پایدار و نوآورانه می‌تواند بر عملکرد SMEها تأثیر بگذارد. رادزیون و همکاران (۲۰۱۴) مشخص کرده‌اند که فناوری‌های انقلاب صنعتی چهارم می‌تواند به بهبود پایداری و کارایی عملیات کمک کند. با به کارگیری فناوری‌های نوظهور، SMEها می‌توانند بهره‌وری، انعطاف‌پذیری، پاسخگویی و عملکرد محیطی را افزایش دهند (پدرسن و همکاران، ۲۰۱۶). فن آوری‌های انقلاب صنعتی چهارم را می‌توان برای حل مشکلات پایداری استفاده کرد. SMEها در مدیریت زنجیره تامین خود به دلیل فقدان استراتژی‌های موثر با چالش‌هایی روبرو هستند. در دوره‌های اخیر، استفاده از فناوری‌های هوشمند توجه بخش تولید را به شدت تغییر داده است. تأثیر شیوه‌های انقلاب صنعتی چهارم در شرکت‌های کوچک و متوسط با مسائل مختلفی مانند امنیت، شبکه، یکپارچه‌سازی زنجیره تامین و غیره مواجه است. بنابراین، برای رفع این گونه مشکلات در SMEها، نیاز به تحلیل چالش‌های مختلف در اثرگذاری فناوری‌های نوظهور وجود دارد. مشاهده می‌شود که مطالعات بسیار کمی چالش‌های پیش‌رو در مسیر پذیرش فناوری جدید توسط شرکت‌های کوچک و متوسط در کشورهای در حال توسعه را به طور کلی بررسی کرده‌اند. اکثر مطالعات در سطح کشورهای توسعه یافته و شرکت‌های بزرگتر انجام شده است. بنابراین، نویسندگان در تلاشند تا سوالات تحقیقاتی زیر را در مورد SMEهای کشورهای در حال توسعه مانند هند حل کنند.



سوال ۱. چالش‌های بالقوه در پذیرش فناوری‌های انقلاب صنعتی چهارم در شرکت‌های کوچک و متوسط برای عملیات‌های اخلاقی و پایدار در زمینه CE چیست؟

سوال ۲. چگونه می‌توان این چالش‌ها را از منظر استراتژی اولویت‌بندی و طبقه‌بندی کرد؟

سوال ۳. کدام چالش اصلی باید بر اساس اولویت توسط SMEها برای اتخاذ مدل‌های تجاری اخلاقی و پایدار حل شود؟

پس از فرمول‌بندی پرسش‌های پژوهشی بالا و مشاهدات از ادبیات، نویسندگان نیاز به مطالعه‌ای برای تحلیل چالش‌های پذیرش فناوری‌های نوظهور توسط SMEها را احساس می‌کنند. بخش باقی مانده از این مطالعه به شرح زیر سازماندهی شده است:

## ۲- بررسی مسئله

بررسی ادبیات مرتبط به دو بخش تقسیم شده است. بخش اول (۲-۱) در مورد کاربرد فن‌آوری‌های انقلاب صنعتی چهارم برای عملیات اخلاقی و پایدار است و بخش دوم در مورد چالش‌های پیاده‌سازی فناوری‌های انقلاب صنعتی چهارم است.

### ۲-۱ کاربردهای فناوری انقلاب صنعتی چهارم برای عملیات اخلاقی و پایدار

Industry 4.0 شامل فناوری‌های مختلفی مانند اینترنت اشیا (IoT)<sup>(۱)</sup>، رایانش ابری، تولید افزایشی (چاپ سه‌بعدی)، امنیت سایبری با بلاک چین، واقعیت افزوده با هوش مصنوعی (AI)، داده‌های بزرگ، یکپارچه‌سازی سیستم، شبیه‌سازی و ربات مستقل است (شکل ۱). تکنیک‌های انقلاب صنعتی چهارم ظرفیت‌هایی برای بهبود انرژی، تجهیزات و استفاده از منابع انسانی دارد. انقلاب صنعتی چهارم یک ساختار آینده‌نگر است که تکامل سیستم‌های تولید مستقل را با استفاده از اینترنت اشیا (IoT)، سیستم‌های سایبر-فیزیکی (CPS)<sup>(۲)</sup> و هوش مصنوعی (AI)<sup>(۳)</sup> پرورش می‌دهد. فن‌آوری‌های جدید مبتنی بر حسگر به SMEها در نظارت مستمر استفاده از ماشین، نیازهای انرژی و آموزش کارکنان کمک می‌کند. با تجزیه و تحلیل کامل فناوری‌های مختلف انقلاب صنعتی چهارم، داده‌های دستگاه‌های مختلف مرتبط با اینترنت اشیا را می‌توان برای بهبود پایداری عملیات تولید پردازش کرد (Song and Wang, 2017).

2- Internet of Things

3- Cyber-Physical System

4- Artificial Intelligence

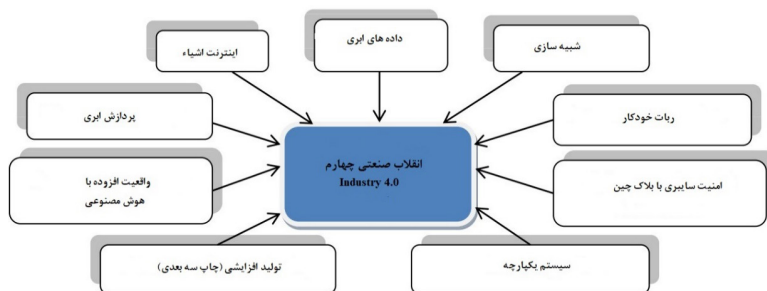
برای عملیات پایدار، محصولات باید با فرآیندهای سازگار با محیط زیست، اجتماعی قابل دوام و از نظر اقتصادی سالم تولید شوند. سیستم‌های تولید مبتنی بر فرآیندهای تولید اخلاقی و پایدار در صرفه‌جویی در انرژی و منابع طبیعی بسیار کارآمد هستند. فرآیندهای تولید را می‌توان با استفاده موثر از دیجیتال کردن فرآیند و ابزارهای کنترل کیفیت کارآمد و پایدار کرد. انقلاب صنعتی چهارم یک ساختار اجتماعی-تکنیکی است که در آن چشم‌اندازهای فناوری، اجتماعی و سازمانی با هم تعامل دارند. اتصال پایدار با Industry 4.0 نیاز به مطالعه عمیق دارد. برای صرفه‌جویی در انرژی، کاهش ضایعات و تاثیر آن بر محیط زیست، زنجیره ارزش صنعتی باید به سمت پایداری سوق داده شود. چالش‌های زنجیره تامین اخلاقی و پایدار را می‌توان با مفاهیم انقلاب صنعتی چهارم و CE مدیریت کرد. به گفته گارسیا-موینا و همکاران. (۲۰۱۸)، زمانی که اقدامات زیست محیطی در سراسر چرخه عمر محصولات به کار گرفته می‌شود، نوآوری‌ها منجر به عملیات اخلاقی و پایدار می‌شود.

پیاتانائوونگ و همکاران (۲۰۱۹) مشاهده کرده‌اند که دانش، سرمایه‌گذاری و آموزش مفاهیم پایداری الزامات حیاتی برای اجرای شیوه‌های پایدار در سازمان‌های تولیدی تایلند است. کارایی و صرفه‌جویی در انرژی فرآیندهای تولید را می‌توان با پذیرش فناوری بهبود بخشید. مطابق با مشخصات، مصرف انرژی کارآمد، قابلیت کشش و مدیریت زنجیره تامین (SCM<sup>۵</sup>) حلقه بسته را می‌توان با استفاده از فناوری‌های انقلاب صنعتی چهارم مدیریت کرد (Cezarino et al., 2019). مبانی زنجیره تامین بسته (اقتصاد دایره ای) رویکرد جدیدی را برای پایداری معرفی کرده است. زنجیره تامین حلقه بسته مزایای پایداری بیشتری را در مقایسه با زنجیره تامین حلقه باز ارائه می‌کند (لیدر و همکاران، ۲۰۱۷). شیوه‌های دیجیتال و الکترونیکی می‌توانند با کاهش دی اکسید کربن، استفاده از انرژی تجدیدپذیر و راه‌حل‌های فناوری مناسب هم برای افراد و هم برای جامعه به پایداری کمک کنند. تکامل Industry 4.0 به استفاده بهینه از منابع به روشی شفاف‌تر کمک می‌کند. با اعمال شیوه‌های انقلاب صنعتی چهارم، کارایی تولید و نوآوری را می‌توان بهبود بخشید که بر پایداری اجتماعی و زیست محیطی تأثیر می‌گذارد. مزایای زیادی وجود دارد که به صورت جداگانه توسط فناوری‌های مختلف Industry 4.0 ارائه می‌شود. کاربردهای حیاتی این فناوری‌های Industry 4.0 در جدول ۱ خلاصه شده است.

## ۲-۲ چالش‌های پیاده‌سازی فناوری‌های انقلاب صنعتی چهارم برای عملیات‌های اخلاقی و پایدار

در محیط کسب و کار مدرن اقتصاد دایره‌ای، سازمان‌ها نیاز به استفاده از فناوری برای افزودن ارزش اخلاقی و پایدار دارند. کسب و کارها نباید فقط بر روی سود تمرکز کنند. آنها باید تعادل مناسبی بین دیدگاه‌های مختلف عملکرد ایجاد کنند. برای اطمینان از رشد بلندمدت، مدل‌های کسب‌وکار اتخاذ شده باید اخلاقی، پایدار و شفاف بدون بهره‌برداری از ارزش‌های انسانی باشند (Machado et al., 2019).

فناوری‌های انقلاب صنعتی چهارم می‌تواند کل چرخه عمر محصول را از طراحی تا تحویل محصول حفظ کند (هوفمن و راش، ۲۰۱۷). توسط اینترنت اشیا، دستگاه‌ها از طریق اینترنت به هم متصل می‌شوند و می‌توانند اطلاعات را در قالب دستورات یا داده‌ها بین دو یا چند نفر به اشتراک بگذارند. اینترنت اشیا نقش مهمی در رفع ابهامات در مورد زمان حال و زندگی پایدار هر محصول ایفا می‌کند. چاپ سه بعدی به دستیابی به محصولات ارزان‌تر و سبک‌تر کمک می‌کند. یکپارچه‌سازی سیستم ترکیبی از نرم‌افزار و سخت‌افزار مختلف برای دستیابی به اصلاح آسان طراحی و ایجاد حداکثر ارزش است. با استفاده از تجزیه و تحلیل داده‌های بزرگ، می‌توانیم در مورد رشد آینده و بهبود کسب و کار تصمیم‌گیری کنیم. واقعیت مجازی (واقعیت افزوده) امروزه کاربردهای متعددی مانند بازی، تجارت و آموزش دارد. امنیت سایبری یک سیستم ایمن و ایمن را ایجاد می‌کند. فناوری شبیه‌سازی به ساخت محصولات فیزیکی در دنیای مجازی کمک می‌کند و در هزینه‌ها و انرژی بسیار صرفه‌جویی می‌کند. رباتیک و هوش مصنوعی به طراحی و ساخت محصولات با دقت و کیفیت بالا بدون دخالت منظم انسان کمک می‌کند (پدرسن و همکاران، ۲۰۱۶). خدمات فناوری اطلاعات «iCloud» ذخیره‌سازی داده مقرون به صرفه را فراهم می‌کند.



شکل ۱- تکنولوژی‌های انقلاب صنعتی چهارم

مطالعات اندکی از پیاده‌سازی Industry 4.0 پشتیبانی می‌کنند و یک نقشه راه برای اجرای آن ارائه می‌کنند. تولید و سیستم‌های فیزیکی-سایبری را می‌توان با یادگیری دیجیتال ادغام کرد. برخی از نمونه‌های یادگیری ترکیبی می‌تواند کلاس‌های درس مجازی، تجسم داده‌های واقعی و یادگیری تطبیقی باشد. در زمان‌های اخیر توجه به اقتصاد دایره‌ای افزایش یافته است و از این رو سازمان‌ها به دنبال فناوری‌های نوآورانه و پایدار هستند. با توجه به افزایش رقابت جهانی در شبکه تولید بین‌المللی، نیاز به بررسی چالش‌های این بخش در عصر انقلاب صنعتی چهارم وجود دارد. سازمان‌ها باید روی مسائل اخلاقی نیز در کنار اقدامات اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی تمرکز کنند، در حالی که عملیات خود را برای رشد پایدار مدیریت می‌کنند. علی‌رغم کمک‌های فراوان Industry 4.0 برای تجارت اخلاقی و پایدار، بسیاری از سازمان‌ها در اجرای این فناوری‌ها در فرآیندهای خود تلاش می‌کنند. تغییرات سریع تکنولوژیکی چالش‌های زیادی را برای شرکت‌های کوچک و متوسط در کشورهای در حال توسعه تحمیل می‌کند. شرکت‌های کوچک و متوسط کشورهای در حال توسعه به دلیل شرایط مالی ضعیف، فقدان مهارت‌های فنی در کارگران، و هزینه بالای شیوه‌های پایدار با مشکلاتی مواجه هستند. جدای از آن، ایجاد راه‌حل‌های سازگار با محیط، فرهنگ و جامعه نیز چالش برانگیز است. عدم آگاهی کارگران در مورد فناوری‌های نوظهور، خطر جابجایی اجتماعی ناشی از بیکاری، تغییرات در ساختار بازار به دلیل فناوری‌های نوظهور از دیگر چالش‌های اصلی توسعه پایدار هستند. فقدان استانداردها و دستورالعمل‌های جهانی در مورد اجرای فناوری‌های پایدار نیز برای SMEها در اقتصادهای در حال توسعه چالش برانگیز است. انقلاب صنعتی چهارم فرصتی بزرگ برای مهار این چالش‌ها و ایجاد مزیت رقابتی در اجرای شیوه‌های پایدار ایجاد می‌کند.

جدول ۱- کاربرد فناوری‌های Industry 4.0 برای عملیات اخلاقی و پایدار SMEها

فناوری‌های انقلاب صنعتی چهارم	کاربردهای فناوری‌ها	محققان
اینترنت اشیا	راحتی جمع‌آوری داده‌ها از منابع متعدد در مورد انرژی، آلودگی، بهره‌وری، استفاده از ماشین و غیره؛ کاهش هزینه در تولید؛ ارتقاء فناوری مطابق با استانداردهای اخلاقی و پایدار؛ اطلاعات مربوط به چرخه عمر محصول برای ترویج استفاده مجدد قابل دسترسی است	Bhatia et al. (2020); Frank et al. (2019); Kerin and Pham (2019); Thakur and Mangla (2019); Chauhan et al. (2019); (Bag and Pretorius (2020

Frank et al. (2019); Zhou et al. (2020); Ghobakhloo (2020); Yadav et al. (2020); Cezarino et al. (2019); Pacaux-Lemoine and Trentesaux (2019)	دسترسی همیشگی در هر نقطه به داده‌های موجود؛ شفافیت و پاسخگویی زنجیره تامین؛ به اشتراک گذاری آسان داده‌های مهم؛ پشتیبانی از شرکای زنجیره تامین در بهبود عملیات اخلاقی و پایدار، ارتقای فناوری، داده‌های مربوط به چرخه عمر محصول را می‌توان بر اساس فلسفه CE ذخیره و بازیابی کرد.	پردازش ابری
(Yadav et al. (2020	کاهش زمان تحویل؛ افزایش بهره‌وری و کیفیت؛ بهبود استفاده از ماشین؛ مصرف انرژی کارآمدتر، فرآیندهای اخلاقی و پایدار.	تولید انعطاف‌پذیر
Frank et al. (2019); Horvath and Szabo (2019); Thakur and Mangla (2019); Bag et al. (2020a); Dubey et al. (2020); Pacaux-Lemoine and Trentesaux (2019)	داده‌های جمع‌آوری شده از چندین دستگاه مبتنی بر اینترنت اشیا را می‌توان برای به دست آوردن اطلاعات و روندها تجزیه و تحلیل کرد. داده‌ها را می‌توان برای برنامه نویسی دستگاه‌های هوش مصنوعی استفاده و با استفاده از ماشین و منابع انسانی می‌توان اطلاعات را بهینه کرد. قابلیت ردیابی محصولات، ادغام CE و پایداری اخلاقی عملیات را بهبود می‌بخشد.	تجزیه و تحلیل داده‌های بزرگ
Masood and Egger (2019); Ghobakhloo (2020); Yadav et al. (2020); Guarnieri and Trojan (2019)	یکپارچگی روان نیروی کار و منابع موجود در محیط دیجیتال را امکان پذیر می‌کند. دنیای واقعی را بدون جایگزینی با آن ترکیب می‌کند. افزایش تطبیق پذیری، سرعت، کارایی و پایداری اخلاقی فرایندها؛ حتی نیروی کار نیمه ماهر نیز می‌تواند روی فناوری‌های پیشرفته کار کند.	واقعیت افزوده با هوش مصنوعی (AR)
Pater and Gils (2003); Lass and Gronau (2020); Schleinkofer et al. (2019); Alcacer and Cruz-Machlado (2019); Bag et al. (2020d)	استفاده از ماشین‌آلات بهبود خواهد یافت. داده‌ها/اطلاعات مربوط به ماشین ابزار را می‌توان برای بهبود عملکرد کلی استفاده کرد. تعامل ماشین-انسان برای عملیات پایدار کاربرپسند می‌شود؛ تصمیم‌گیری مستقل؛ انجام کارهای که برای انسان دشوار است.	سیستم‌های فیزیکی-سایبری (CPS)
Alcacer and Cruz-Machlado (2019); Ghobakhloo (2020); Yadav et al. (2020); Guarnieri and Trojan (2019)	مناسب برای استفاده صنعتی در محیط‌های پرخطر. افزایش تطبیق‌پذیری، اخلاقی و پایداری عملیات تولیدی.	ربات‌های خودکار

SMEها قادر به اجرای کارآمد فناوری برای توسعه پایدار خود نیستند (آلما-لوبو، ۲۰۱۵). حمایت

مدیریت ارشد برای تغییرات تکنولوژیک در SMEها حیاتی است. مدیریت ارشد باید در میان کارکنان

در مورد مشارکت این فناوری‌ها برای عملیات اخلاقی و پایدار آگاهی ایجاد کند، زیرا نیاز به ارتقای دانش در این فناوری‌ها وجود دارد. شرکت‌های کوچک و متوسط اقتصادهای در حال توسعه با مشکل کمبود بودجه در هنگام اجرای فناوری‌های انقلاب صنعتی چهارم مواجه هستند، سازمان‌ها از سیاست‌های دولت در مورد فناوری‌های نوظهور و مدل‌های کسب و کار پایدار آگاه نیستند، فلسفه برنامه‌ریزی کوتاه مدت SMEها باید در برنامه‌ریزی بلندمدت برای رویکردی آینده‌نگر نسبت به فناوری‌ها و عملیات پایدار تغییر کند. SMEها دارای مشکلات مرتبط با زیرساخت فناوری اطلاعات (هم نرم‌افزار و هم سخت‌افزار) در اقتصادهای در حال توسعه هستند. شرکت‌های کوچک و متوسط فاقد نیروی کار ماهر هستند. همچنین نیاز به آموزش در مورد فن‌آوری‌ها برای ارتقای مهارت‌های مدیریت و کارکنان وجود دارد. از بررسی ادبیات و بحث با کارشناسان صنعتی و دانشگاهی، نویسندگان پانزده چالش کلیدی را که بر حمایت انقلاب صنعتی چهارم در SMEها برای ارزش افزوده اخلاقی و پایدار تأثیر می‌گذارند، نهایی کرده‌اند (جدول ۲).

جدول ۲- چالش‌ها در حمایت از فناوری‌های انقلاب صنعتی چهارم

کد	چالش	محققان
Chn1	عدم آگاهی در مورد سهم انقلاب صنعتی چهارم در تولید اخلاقی و پایدار	Almada (2016); Hofmann et al. (2017); Luthra and Mangla (2018); de Sousa Jabbour et al
Chn2	عدم پشتیبانی مدیریتی برای فناوری‌های I4.0	2018a), Liao et al. (2018); Dutta et al. (2020); Bhatia et al. (2020); Yadav et al. (2020)
Chn3	هزینه اولیه بالای فناوری‌های I4.0 برای اخلاقی و عملیات پایدار	Feng et al. (2018); Luthra and Mangla (2018); Morrar et al. (2017); Turner et al. (2019); Kumar (2020 b)
Chn4	کمبود بودجه برای سرمایه‌گذاری در فناوری‌های I4.0	Marques et al. (2017); Dawson (2014); Mokhtadir et al. (2018); Kumar (2020 b); (Bhatia et al. (2020); Yadav et al. (2020)
Chn5	عدم آگاهی در مورد سیاست‌های دولت برای I4.0 و پایداری	Mokhtadir et al. (2018); Chien et al. ((2020); Garcia-Muina et al. (2018)
Chn6	کمبود منابع اختصاصی برای تحقیق و توسعه در I4.0 فن‌آوری‌ها	BRICS Business Council (2017); Luthra and Mangla (2018); Rauch et al. ((2019); Chauhan et al.(2019)
Chn7	عدم برنامه‌ریزی بلندمدت در مورد پذیرش فناوری I4.0 برای عملیات اخلاقی و پایدار	Mokhtar et al. (2018); Almada (2016), (Schwab et al. (2019); Dutta et al. (2020)
Chn8	فقدان انگیزه از سوی مشتریان/سازندگان OEM در اتخاذ I4.0 فن‌آوری برای عملیات اخلاقی و پایدار	Muller et al. (2018a); Feng et al. (2018); Luthra and Mangla (2018); Kumar ((2020a

Mokhtar et al. (2018); Marques et al. (2017); Dutta et al. (2020); de Sousa Jabbour et al., (2018b); Shashi et al. (2019)	فقدان زیرساخت مبتنی بر فناوری اطلاعات (نرم افزار و سخت افزار)	Chn9
Leitao et al.(2016); Bedekar (2017); (Pfohl et al. (2017	کمیود نیروی کار آموزش دیده برای عملیات پایدار و I4.0 فن آوری ها	Chn10
Sommer (2015); Luthra and Mangla (2018); Muller et al. (2018a); Bhatia et al. (2020	عدم هماهنگی و همکاری بین زنجیره تامین شرکای	Chn11
Wang et al. (2016); Moktadir et al. (2018); Zezulka et al. (2016), Bag et al. ((2020b); Kumar (2020a	ترس از بیکاری/کاهش نیروی کار	Chn12
Satapathy (2017); Zezulka et al. (2016); Shin et al. (2019); Kumar (2020b); (Cezarino et al. (2019	ترس از شکست فناوری های I4.0	Chn13
Satapathy (2017); Pfohl et al. (2017); Jain et al. (2017); Yadav et al. (2020) (and Cezarino et al. (2019	عدم وجود راه حل های جایگزین برای شکست فن آوری	Chn14
Dawson (2014); Moktadir et al. (2018); Kumar et al. (2018). Wang et al. (2016); Theorin et al. (2017); Luthra and Man-gla (2018	ترس از عدم قطعیت تقاضا به دلیل اختلالات بازار	Chn15

### ۳- نتیجه گیری و پیامدها

در سراسر جهان، به ویژه در کشورهای در حال توسعه، SMEها ستون فقرات اقتصاد در نظر گرفته می شوند. در کشورهای در حال توسعه مانند هند، از مجموع ۱۶ درصد سهم بخش تولید در تولید ناخالص داخلی هند، تقریباً ۸ درصد از شرکت های کوچک و متوسط است (سینگ و کومار، ۲۰۲۰). SMEها همچنین منبع مهمی برای اشتغال در سطح کشورهای در حال توسعه هستند. برای رقابت در بازارهای جهانی، شرکت های کوچک و متوسط نیاز به اتخاذ مدل های تجاری اخلاقی، کارآمد و پایدار دارند. بسیاری از محققین اهمیت فناوری های انقلاب صنعتی چهارم را برای عملیات های اخلاقی و پایدار در زمینه شرکت های بزرگ تر مشاهده کرده اند. با این حال، مطالعات در زمینه SMEs محدود است. بنابراین، نویسندگان می خواستند چالش های پیاده سازی فناوری های Industry 4.0 در شرکت های کوچک و متوسط را برای عملیات های اخلاقی و پایدار تحلیل کنند. پانزده چالش حیاتی پس از بررسی ادبیات شناسایی شده است. فقدان انگیزه در مشتریان/سازندگان تولیدکننده در به کارگیری فناوری های I4.0 برای عملیات های اخلاقی و پایدار به عنوان مهم ترین چالش در مقوله

علت یافت می‌شود. عدم برنامه‌ریزی بلندمدت در مورد پذیرش فناوری‌های I4.0 برای عملیات‌های اخلاقی و پایدار، عدم آگاهی از سهم I4.0 در تولید پایدار و اخلاقی، عدم پشتیبانی مدیریتی برای فن‌آوری‌های I4.0 و هزینه اولیه بالای I4.0. فن‌آوری‌های ۰,۰ برای عملیات اخلاقی و پایدار یکی دیگر از چالش‌های مهم در دسته علت است. تحت مقوله اثر، ترس از شکست فناوری‌های I4.0 و ترس از عدم قطعیت تقاضا به دلیل اختلالات بازار، چالش‌های مهمی در اجرای فناوری‌های انقلاب صنعتی چهارم برای عملیات اخلاقی و پایدار در شرکت‌های کوچک و متوسط هستند. چالش‌هایی که در دسته علت قرار می‌گیرند ممکن است بر چالش‌های دیگر تأثیر بگذارند، بنابراین مدیریت باید استراتژی‌ها را بر این اساس اولویت‌بندی کند.

### ۳-۱ مفاهیم مدیریتی

یافته‌های این مطالعات حاکی از آن است که SMEها باید برای اتخاذ مدل‌های تجاری اخلاقی و پایدار انگیزه داشته باشند. شرکت‌های کوچک و متوسط باید در مورد این فناوری‌ها و مشارکت‌های آن‌ها در سازمان خود و سایر ذینفعان آگاهی ایجاد کنند. مدیریت شرکت‌های کوچک و متوسط باید با در نظر گرفتن آن به عنوان اهداف بلندمدت، بودجه کافی برای چنین طرح‌هایی اختصاص دهد. معمولاً بنگاه‌های کوچک و متوسط تصمیمات خود را بر اساس دستاوردهای کوتاه مدت می‌گیرند. این بدان معناست که فرهنگ کلی در SMEها باید تغییر کند.

شرکت‌های کوچک و متوسط باید این فناوری‌های انقلاب صنعتی چهارم را با فرآیندهای تولیدی مختلف برای عملیات‌های اخلاقی و پایدار ادغام کنند. از آنجایی که شرکت‌های کوچک و متوسط از نظر دانش و تخصص کمبود دارند (Kumar, 2020 b)، بنابراین مشاوران باید برای تدوین استراتژی موثر درگیر شوند.

ادغام فناوری‌های دیجیتال با فرآیندهای تولید برای ارزش افزوده اخلاقی و پایدار باید بخشی از استراتژی‌ها باشد. این نه تنها به آنها در بهینه‌سازی منابع کمک می‌کند، بلکه آنها را به نیازهای بازار در حال تغییر پاسخگو می‌سازد. تلوکداری و همکاری (۲۰۱۸) کاربردهای فناوری‌های Industry 4.0 را برای عملیات پایدار در برنامه‌ریزی استراتژی‌های بلند مدت در نظر گرفته‌اند.

### ۳-۲ مفاهیم نظری

یافته‌های پژوهشی مفاهیم نظری زیادی نیز دارد. دولت و اعضای زنجیره تامین بزرگتر باید بر



نیاز به برنامه‌های آگاهی برای SMEها در پذیرش فناوری‌های انقلاب صنعتی چهارم تمرکز کنند. بوگوویز و همکاران (۲۰۱۹) بر نیاز به سیاست‌ها و مقررات در مورد اجرای انقلاب صنعتی چهارم در اقتصادهای در حال توسعه تاکید کرده‌اند. برای برتری در جبهه جهانی، SMEها به برنامه‌ای برای آینده نیاز دارند و فناوری‌هایی را برای عملیات اخلاقی و پایدار اتخاذ می‌کنند. ابتکارات به موقع در این راستا آنها را انعطاف‌پذیرتر و رقابتی‌تر می‌کند.

محققان و کارشناسان دانشگاهی باید بیشتر بر روی مطالعات موردی و تحقیقات تجربی برای جهت‌گیری‌های آینده در این زمینه تمرکز کنند. تحقیقات و مشاهدات متعدد به کاهش چالش‌های پذیرش فناوری در SMEهای اقتصادهای در حال توسعه و توسعه‌یافته کمک خواهد کرد.

#### ۴- محدودیت‌ها و جهت‌گیری‌های تحقیقاتی آتی

علیرغم سهم قابل توجهی در ایجاد انگیزه در SMEها برای کسب و کار اخلاقی و پایدار با پیاده‌سازی فناوری‌های انقلاب صنعتی چهارم، این مطالعه محدودیت‌های کمی نیز دارد. نویسندگان پانزده چالش را برای پذیرش فناوری‌های انقلاب صنعتی چهارم برای عملیات اخلاقی و پایدار در شرکت‌های کوچک و متوسط انتخاب کرده‌اند. SMEهای سایر بخش‌ها و کشورهای توسعه‌یافته ممکن است با چالش‌های متفاوتی روبرو شوند. بنابراین، یافته‌ها را نمی‌توان تعمیم داد.

تأثیر بیماری همه‌گیر کرونا (COVID-19) بر عملکرد تقریباً تمام زنجیره‌های تأمین تأثیر گذاشته است. قرنطینه، انزوا، مهاجرت اجتماعی نیروی کار، شرکت‌ها را به بازنگری در مورد مکان و استراتژی‌های سرمایه‌گذاری خود سوق می‌دهد. در آینده نیز برای از سرگیری تولید در حالت عادی جدید، یافته‌های این مطالعه برای SMEها در توسعه عملیات اخلاقی و پایدار بسیار مفید خواهد بود.

- Alcacer, V., Cruz-Machado, V., 2019. Scanning the industry 4.0: a literature review on technologies for manufacturing systems. *Eng. Sci. Technol. Int. J.* 22, 899e919. <https://doi.org/10.1016/j.jestch.2019.01.006>.
- Almada-Lobo, F., 2016. The industry 4.0 revolution and the future of manufacturing execution systems (MES). *J. Innovat. Manag.* 3, 16e21. [https://doi.org/10.24840/2183-0606\\_003.004\\_0003](https://doi.org/10.24840/2183-0606_003.004_0003).
- Alqahtani, A.Y., Gupta, S.M., Nakashima, K., 2019. Warranty and maintenance analysis of sensor embedded products using internet of things in industry 4.0. *Int. J. Prod. Econ.* 208, 483e499. <https://doi.org/10.1016/j.ijpe.2018.12.022>.
- Alsmadi, D., Prybutok, V., 2018. Sharing and storage behavior via cloud computing: security and privacy in research and practice. *Comput. Hum. Behav.* 85, 218e226. <https://doi.org/10.1016/j.chb.2018.04.003>.
- Bag, S., Gupta, S., Kumar, S., 2021. Industry 4.0 adoption and 10R advance manufacturing capabilities for sustainable development. *Int. J. Prod. Econ.* 231, 107844. <https://doi.org/10.1016/j.ijpe.2020.107844>.
- Bag, S., Wood, L.C., Mangla, S.K., Luthra, S., 2020b. Procurement 4.0 and its implications on business process performance in a circular economy. *Resour. Conserv. Recycl.* 152, 104502. <https://doi.org/10.1016/j.resconrec.2019.104502>.
- Bag, S., Yadav, G., Wood, L.C., Dhamija, P., Joshi, S., 2020c. Industry 4.0 and the circular economy: resource melioration in logistics. *Resour. Pol.* 68, 101776. <https://doi.org/10.1016/j.resourpol.2020.101776>.
- Bai, C., Satir, A., 2020. Barriers for green supplier development programs in manufacturing industry. *Resour. Conserv. Recycl.* 158, 104756. <https://doi.org/10.1016/j.resconrec.2020.104756>.
- Battaglia, D., Neirotti, P., Paolucci, E., 2018. The role of R&D investments and export on SMEs' growth: a domain ambidexterity perspective. *Manag. Decis.* 56, 1883e1903. <https://doi.org/10.1108/MD-02-2017-0136>.
- Bedekar, A., 2017. Opportunities & challenges for IoT in India. Online available at: <http://www.startupcity.com/leaders-talk/-opportunities-challenges-for-IoT-inindia-nid-3444.html>.
- Bhatia, M.S., Jakhar, S.K., Mangla, S.K., Gangwani, K.K., 2020. Critical factors to environment management in a closed loop supply chain. *J. Clean. Prod.* 255, 120239. <https://doi.org/10.1016/j.jclepro.2020.120239>.

- Cezarino, L.O., Liboni, L.B., Oliveira Stefanelli, N., Oliveira, B.G., Stocco, L.C., 2019. Diving into emerging economies bottleneck: industry 4.0 and implications for circular economy. *Manag. Decis.* <https://doi.org/10.1108/MD-10-2018-1084>.
- Chauhan, C., Sharma, A., Singh, A., 2019. A SAP-LAP linkages framework for integrating Industry 4.0 and circular economy. *Benchmark Int. J.* <https://doi.org/10.1108/BIJ-10-2018-0310> ahead-of-p.
- Chien, C.F., Tseng, M.L., Tan, R.R., Tan, K., Velek, O., 2020. Industry 3.5 for sustainable transition and total resource management, 2020. *Resour. Conserv. Recycl.* 152, 104482. <https://doi.org/10.1016/j.resconrec.2019.104482>.
- Dawson, T., 2014. Industry 4.0 e Opportunities and Challenges for Smart Manufacturing. <http://blog.ihs.com/q13-industry-40-opportunities-and-challenges-for-smart-manufacturing>.
- de Sousa Jabbour, A.B., Jabbour, C.J.C., Godinho Filho, M., Roubaud, D., 2018b. Industry 4.0 and the circular economy: a proposed research agenda and original roadmap for sustainable operations. *Ann. Oper. Res.* 270, 273e286. <https://doi.org/10.1007/s10479-018-2772-8>.
- DebRoy, T., Wei, H.L., Zuback, J.S., Mukherjee, T., Elmer, J.W., Milewski, J.O., Beese, A.M., Wilson-Heid, A., De, A., Zhang, W., 2018. Additive manufacturing of metallic components e Process, structure and properties. *Prog. Mater. Sci.* 92, 112e224. <https://doi.org/10.1016/j.pmatsci.2017.10.001>.
- Dutta, G., Kumar, R., Sindhvani, R., Singh, R.K., 2020. Digital transformation priorities of India's discrete manufacturing SMEs e a conceptual study in perspective of Industry 4.0. *Compet. Rev. An Int. Bus. J.* 30, 289e314. <https://doi.org/10.1108/CR-03-2019-0031>.
- Ehrgott, M., Reimann, F., Kaufmann, L., Carter, C.R., 2011. Social sustainability in selecting emerging economy suppliers. *J. Bus. Ethics* 98 (1), 99e119. <https://doi.org/10.1007/s10551-010-0537-7>.
- Fatimah, Y.A., Govindan, K., Murniningsih, R., Setiawan, A., 2020. Industry 4.0 based sustainable circular economy approach for smart waste management system to achieve sustainable development goals: a case study of Indonesia. *J. Clean. Prod.* 269, 122263. <https://doi.org/10.1016/j.jclepro.2020.122263>.
- Fernandes, N., 2020. Economic effects of coronavirus outbreak (COVID-19) on the world economy. SSRN Working paper, available at: <https://ssrn.com/abstract/43557504>.

- Ford, S., Despeisse, M., 2016. Additive manufacturing and sustainability: an exploratory study of the advantages and challenges. *J. Clean. Prod.* 137, 1573e1587. <https://doi.org/10.1016/j.jclepro.2016.04.15>
- Kumar, A., Dixit, G., 2018. An analysis of barriers affecting the implementation of ewaste management practices in India: a novel ISM-DEMATEL approach. *Sustain. Prod. Consum.* 14, 36e52. <https://doi.org/10.1016/j.spc.2018.01.002>.
- Ravinder K a , Rajesh Kr. Singh b, Yogesh Kr. Dwivedi. Application of industry 4.0 technologies in SMEs for ethical and sustainable operations: Analysis of challenges. *Journal of Cleaner Production* 275 (2020) 124063
- Turner, C., Moreno, M., Mondini, L., Salonitis, K., Charnley, F., Tiwari, A., Hutabarat, W., 2019. Sustainable production in a circular economy: a business model for Re-distributed manufacturing. *Sustainability* 11, 4291. <https://doi.org/10.3390/su11164291>.
- Yadav, G., Luthra, S., Jakhar, S.K., Mangla, S.K., Rai, D.P., 2020. A framework to overcome sustainable supply chain challenges through solution measures of industry 4.0 and circular economy: an automotive case. *J. Clean. Prod.* 254, 120112. <https://doi.org/10.1016/j.jclepro.2020.120112>.
- Zezulka, F., Marcon, P., Vesely, I., Sajdl, O., 2016. Industry 4.0 e an introduction in the phenomenon. *IFAC-PapersOnLine* 49, 8e12. <https://doi.org/10.1016/j.ifacol.2016.12.002>.
- Zhou, X., Song, M., Cui, L., 2020. Driving force for China's economic development under Industry 4.0 and circular economy: technological innovation or structural change? *J. Clean. Prod.* 271, 122680. <https://doi.org/10.1016/j.jclepro.2020.122680>.

## مزایای استفاده از تکنیک‌های نوین حسابداری مدیریت در کسب و

### کار رقابتی و پویا

#### خدیجه سادات برکباف

#### چکیده

با گسترش جوامع بشری، بازارهای تجاری نیز گسترش یافته و به رقابت با یکدیگر می‌پردازند. با توجه به پیشرفت روزافزون تجارت، علم، تکنولوژی و مسئله جهانی شدن، دگرگونی‌های مستمر و تحولات پرشتابی در عرصه فعالیت‌های اقتصادی به وقوع پیوسته است. آنچه که امروزه همراه با تحولات و پیشرفت‌های اخیر مهم جلوه می‌کند باقی ماندن واحدهای اقتصادی در عرصه رقابت و پیشی گرفتن از سایر رقبای در فضای کسب و کار رقابتی است، این نکته همان چیزی است که ذهن همه مدیران واحدهای اقتصادی را مخصوصاً در دهه‌های اخیر به خود مشغول کرده است. سازمان‌ها برای حفظ مزیت رقابتی خود در محیط پویا و متغیر امروزی باید بتوانند خود را با تغییرات هماهنگ نموده و توانایی پیش‌بینی و پاسخگویی در برابر آنها را در خود ایجاد کنند. بدین منظور سازمان‌ها بایستی با توجه به شرایط محیطی ارزیابی از وضع موجود و مطلوب داشته باشند تا بتواند مناسب‌ترین استراتژی را اتخاذ و به مرحله اجرا بگذارد. حسابداری مدیریت مدیران را در رسیدن به هدف‌هایی همچون کاهش هزینه‌ها، افزایش کیفیت و تخصیص بهینه منابع یاری رسانده و موجبات باقی ماندن آنها در فضای رقابتی و تجاری را فراهم می‌نماید. مقاله حاضر با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای سعی در بیان میزان تاثیر حسابداری مدیریت در ایجاد مزیت رقابتی برای سازمان‌ها در محیط متغیر و پویا دارد. نتیجه اینکه استفاده از تکنیک‌های نوین حسابداری مدیریت تنها یک توصیه نبوده و در عصر حاضر به عنوان ابزار مدیریت در فضای کسب و کار رقابتی و پویا، یک نیاز اساسی و یک ضرورت حیاتی به شمار می‌رود.

**واژه‌های کلیدی:** تغییرات محیط، حسابداری مدیریت، کسب و کار، فضای رقابتی

## ۱. حسابداری مدیریت

حسابداری مدیریت عبارت از فرآیند تشخیص، اندازه‌گیری، جمع‌آوری، تحلیل، تهیه، تفسیر و ارزیابی و کنترل فعالیت‌های سازمان برای تضمین و اطمینان از استفاده مناسب از سرمایه است. هدف اساسی حسابداری مدیریت کمک به سازمان به منظور به دست آوردن اصول استراتژیک آن سازمان است. فراهم آوردن این اصول نیاز مشتریان را برآورده می‌کند. استراتژی راهی است که سازمان به کمک آن خود را از دیگر رقیبان متمایز می‌سازد.

امتیازات رقابتی بر روی سه بعد کیفیت، هزینه و زمان استوار است. برای راضی نگه داشتن مشتریان و رقابت با سایر تولیدکنندگان باید به صورت همزمان روی این سه عنصر که مثلث استراتژیک را تشکیل می‌دهند رقابت کرد در حالیکه عناصر اصلی استراتژی در گذشته نیز بارها منتشر شده است لیکن استفاده از این گروه سه تایی برای نشان دادن آنها تازگی دارد. [۹]

## ۲. اهداف حسابداری مدیریت

از اهداف حسابداری مدیریت می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. تامین اطلاعات مورد نیاز مدیران جهت تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی.
  ۲. کمک به مدیران در رهبری و کنترل‌های عملیاتی فعالیت.
  ۳. انگیزش کارکنان و مدیران برای فعالیت در راستای اهداف سازمان.
  ۴. سنجش و ارزیابی عملکرد واحدهای تابعه، مدیران و سایر کارکنان سازمان. [۱]
- لازم به ذکر است که بازارهای رقابتی به شرایطی گفته می‌شود که در آن تولیدکنندگان نسبتاً زیادی فعالیت می‌کنند، در این بازارها تولیدکننده‌ای موفق‌تر خواهد بود که به خواسته بازارهای مصرف‌کنندگان توجه بیشتری داشته باشد. [۲]

## ۳. تغییر در محیط کسب و کار

کسب و کار همیشه پیچیده بوده، ولی امروزه از هر زمان دیگری پیچیده‌تر شده است. انقلاب فناوری و انفجار اطلاعات، منطق کسب و کار کلاسیک را با تردید مواجه ساخته و در نتیجه سازمان‌ها، شرکت‌ها و موسسات، طیف گسترده‌ای از گزینه‌های استراتژیک و شکل‌های سازمانی را تجربه می‌کنند. [۲۱]

اینکه فکر کنیم سازمان مرزهایی دارد که آن را از محیطش جدا می‌کند مفید و سودمند است ولی

باید به خاطر داشته باشیم که سازمان و محیط آن پیوند ناگسستنی دارند و هر کدام به طور گسترده‌ای بر دیگری تاثیر می‌گذارند. [۱۶] برای کنار آمدن با تغییرات ابتدا باید علل آن شناسایی شوند که عبارتند از: ۱- تغییر در ارائه خدمت ۲- عوامل محیطی ۳- تغییر فرآیندهای کسب و کار ۴- تغییر نقش‌ها و مسئولیت‌ها ۵- تغییر تکنولوژی

باتوجه به موارد ذکر شده و تغییرات اگر محیط کسب و کار به صورت پویا نباشد و متناسب با این تغییرات تصمیمات لازم اتخاذ نشود و سازمان ایستا باقی بماند علاوه بر از دست دادن جایگاه فعلی موقعیت آینده آنها نیز با خطر مواجه می‌شود.

#### ۴. ویژگی‌های سازمان‌های انعطاف‌پذیر و چابک

انعطاف‌پذیری بطورکلی توانایی یک سازمان برای درک تغییر محیطی سپس پاسخگویی سریع و کارا به آن تغییر است. این تغییر محیطی می‌تواند تغییرات تکنولوژیک و کاری یا تغییر نیاز مشتری باشد. و اما واژه چابک توصیفگر سرعت و قدرت پاسخگویی سازمان در هنگام مواجهه با رویدادهای داخلی سازمان است. این سازمان‌ها نه تنها باید پاسخگوی تغییرات موجود باشند بلکه باید با یک آرایش مناسب قادر به کسب مزایای رقابتی نیز باشند. [۲۰]

از ویژگی‌های این سازمان‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- مبتنی بر اطلاعات.
- تمرکز فعالیت‌ها بر شایستگی‌ها.
- انعطاف‌پذیری.
- حذف هزینه‌های سربار.
- خلاقیت.
- همراه با ساختارهای مجازی.
- فقدان سلسله مراتب.
- تمرکز روی قابلیت‌های کلیدی.
- ضرورت وجود اعتماد بین شرکت‌های همکار. [۱۹]

## ۵. ضرورت استفاده از روش‌های نوین حسابداری مدیریت در کسب و کار

با توجه به تعریف و کارکردهای حسابداری مدیریت مساله این است که چرا استفاده از تکنیک‌های نوین حسابداری مدیریت ضروری است؟ برای پاسخ به این سوال به بعضی از اطلاعات و ملاک‌های رایج حسابداری مدیریت اشاره می‌کنیم: هزینه‌های تولید محصول، منابع مورد استفاده در عملیات، اختلاف بین هزینه واقعی و بودجه شده، تخصیص هزینه‌های عمومی و غیره. حال سوال اینجاست آیا اطلاعات و ملاک‌های رایج ذکر شده برای تصمیم‌گیری در عرصه رقابت مربوط مناسب و کافی می‌باشد؟ با اندکی تامل می‌توان دریافت جواب منفی است چرا که اطلاعات یا روش‌های حسابداری مدیریت که در بالا ذکر شده‌اند زمانی به مدیریت هزینه، بهبود کیفیت و کاهش زمان کمک می‌کنند که با تصمیم‌گیری مرتبط باشند. یک روش یا سیستم حسابداری مدیریت در صورتی مفید، مناسب، کافی و فرآیند گراست که بتواند به سوالات زیر پاسخ دهد:

چه چیز باعث یا عامل ایجاد هزینه می‌شود؟ چه چیز باعث خرابی می‌شود و چگونه می‌توان منشا خرابی را حذف نمود؟ چه تصمیماتی باعث تغییر در بودجه می‌شود؟ چرا ظرفیت بکار گرفته نشده وجود دارد؟ چه اقدامی جهت کاهش هزینه می‌توان انجام داد؟ چه عملیاتی زمان دستیابی به موقع به بازار را افزایش می‌دهد؟ [۱۳]

تکنیک‌های نوین حسابداری مدیریت به این سوالات پاسخ داده و موجب کیفیت بخشیدن به تصمیمات مدیریت می‌شود و در اصل نیازهای مثلث استراتژیک را که ضامن بقای واحد اقتصادی در عرصه کسب و کار رقابتی است را مرتفع می‌کند.

## ۶. روش‌های نوین هزینه‌یابی حسابداری مدیریت در کسب و کار

سازمان‌ها جهت حفظ مزیت رقابتی باید با تغییرات بوجود آمده چه از منابع خارجی از قبیل رقبا، مشتریان، دولت و تغییر قوانین و چه از منابع داخلی از قبیل کاهش هزینه و بهبود کیفیت هماهنگ گردند حسابداری مدیریت می‌تواند مدیران را در اتخاذ تصمیمات صحیح جهت پویایی محیط کسب و کار یاری نماید. از جمله در بحث کاهش هزینه، روش‌های نوینی در حسابداری آمده مدیریت بوجود است که در زیر به برخی از آنها به طور خلاصه اشاره می‌کنیم:

### ۶-۱ روش هزینه‌یابی برگردان

مورد توجه شرکت‌هایی است که از سیستم JIT استفاده می‌کنند (در سیستم JIT تمام فرآیندهای



فاقد ارزش افزوده من جمله انبارداری باید حذف گردند) که خرید مواد اولیه و مخارج کار مستقیم و سربار در زمان تحقق به حساب بهای تمام شده کالای فروش رفته می‌روند و ثبتهای معمول انتقال کالای در جریان ساخت از یک بخش به بخش دیگر و نهایتاً کالای ساخته شده حذف می‌گردد.

## ۶-۲ روش هزینه‌یابی هدف

هزینه‌یابی هدف عبارت است از فرآیند مدیریت استراتژیک هزینه به منظور کاهش مجموع هزینه‌ها در مراحل طراحی و برنامه‌ریزی محصول.

شش اصل عمده در هزینه‌یابی هدف که گویای تفکری در مورد مدیریت هزینه است و کاملاً با نگرش سنتی مدیریت هزینه در برنامه‌ریزی سود تفاوت دارد، عبارت است از:

هزینه‌یابی مبتنی بر قیمت، تمرکز بر مشتری، تمرکز بر طراحی محصولات و فرآیندهای تولید، عملکرد متقابل واحدها، کاهش هزینه چرخه عمر محصول و زنجیره ارزش. [۱۵]

هزینه‌یابی هدف، فلسفه مدیریت فعال هزینه‌یابی به صورت استراتژیک می‌باشد که شامل قیمت گذاری، توجه به مشتری، مرکزیت دادن به طراحی و فعالیت‌های چند جانبه می‌شود. برخلاف روش‌های مرسوم و قدیمی سیستم‌های کنترل هزینه که در آنها هزینه‌ها قبل از اینکه تولید محصول شروع شود کنترل نمی‌شد، فلسفه هزینه‌یابی هدف نیازمند به کارگیری مدیریت بهای تمام شده به صورت پویا و سازنده‌ای است که در مراحل مختلف برنامه‌ریزی تولید محصول و فرآیند تولید انجام می‌گردد. هزینه‌یابی هدف با سیستم هزینه‌یابی تاریخی که هزینه اضافی را در نظر می‌گیرد کاملاً متفاوت است. برخلاف آنکه بهای فروش محصول منتج از بهای تمام شده پیش‌بینی شده است، بهای تمام شده هدف منتج از قیمت فروش هدف و سود مورد انتظار است. علاوه بر آن با به کارگیری سیستم بهای تمام شده هدف، بهای تمام شده هدف قبل از اینکه محصول طراحی گردد، تعیین می‌شود. معادله بهای تمام شده هدف به صورت زیر است:

بهای هدف = فروش هدف - سود هدف [۱۲]

پژوهش‌ها نشان داده است که کاربرد هزینه‌یابی هدف دارای مزایای زیادی می‌باشد که عبارتند از: کاهش هزینه‌ها، افزایش هزینه‌ها، بهبود مستمر (توان رقابت با رقبا)، اصلاح ساختار عملیاتی تامین کنندگان قطعات در مرحله آغازین فرآیند تکامل محصول، بهبود طراحی و توانایی مسئولیت خواهی. تکنیک هزینه‌یابی هدف باعث کاهش فاحش هزینه‌های واحدهای اقتصادی می‌شود و با اثر گذاری بر بازوی کاهش هزینه به عنوان یکی از عناصر مهم مثلث استراتژیک موجب افزایش توان رقابتی

### ۳-۶ هزینه‌یابی بر مبنای فعالیت

مدیریت هزینه سعی در کاهش و حذف هزینه‌های غیر ضروری زنجیره ارزش دارد. در محیط‌های رقابتی امروز، مزیت‌های رقابتی زمانی حاصل می‌شود که فعالیت‌های زنجیره ارزش دارای کیفیت بالا و هزینه پایین‌تری نسبت به رقبا باشد و فعالیت‌های فاقد ارزش افزوده حذف گردد. فعالیت‌هایی که هیچ ارتباطی با زنجیره ارزش یک واحد اقتصادی ندارند، جزء فعالیت‌های فاقد ارزش افزوده طبقه بندی می‌گردند. حذف این فعالیت‌ها موجب صرفه‌جویی، بهره‌برداری اقتصادی‌تر و استفاده بهینه از منابع و کاهش هزینه‌های سازمان خواهد شد.

در سیستم هزینه‌یابی بر مبنای فعالیت به فرآیند مصرف منابع توسط فعالیت‌ها و مصرف فعالیت‌ها توسط محصولات توجه می‌شود. در این سیستم هر محصولی که دارای پیچیدگی بیشتری باشد بخاطر استفاده از فعالیت‌های بیشتر، بهای سربار بیشتری را نیز جذب خواهد کرد، بر عکس سیستم بهایابی سنتی که به محصولی سربار بیشتری را تخصیص می‌دهد که در حجم بیشتری تولید می‌شود در سیستم بهایابی بر مبنای فعالیت، از متغیرهای مالی و غیر مالی برای تخصیص بهای سربار استفاده می‌شود و با دید بلندمدت، کلیه هزینه‌ها را هزینه‌های متغیر فرض می‌کنند. [۴]

هزینه‌یابی بر مبنای فعالیت، یک روش صحیح در مدیریت هزینه در مقابل سیستم‌های سنتی هزینه‌یابی است. این سیستم باعث شناسایی فرصت‌ها و تهدیدات و حرکت در جهت بهبود مداوم فرآیندها و در نهایت اثربخشی و کارایی سازمانی می‌شود. با استفاده از این سیستم می‌توان فعالیت‌ها را بر اساس درجه‌ای که آنها برای سازمان ارزش افزوده ایجاد می‌کنند طبقه بندی نمود. این فرآیند، در نهایت منجر به حذف فعالیت‌های فاقد ارزش افزوده خواهد شد. [۱۸]

### ۴-۶ هزینه‌یابی ناب

تولید ناب تلفیقی از تولید دستی و تولید انبوه است، به شکلی که انعطاف‌پذیری در تولید را از تولید دستی و قیمت ارزان کالا تولید شده را از تولید انبوه وام می‌گیرد. به طور کلی فلسفه‌ی تولیدی تولید ناب این است که زمان تدارک کالا را که بین سفارش مشتری و ارسال محصولات و قطعات است با از بین بردن انواع اتلاف‌ها کوتاه می‌کند. اغلب سازمان‌هایی که رویکرد تولید ناب را برگزیده‌اند دیری نمی‌پایند که در می‌یابند، فرآیندها و روش‌های مدیریت حسابداری ایشان با سیستم جدید هماهنگ

نیست. علت این امر آن است که روش‌های مدیریت و حسابداری سنتی برای پشتیبانی از سیستم تولید سنتی بر مبنای تفکر تولید انبوه طراحی شده‌اند. تولید ناب، قواعد انبوه تولید را می‌شکند.

در اینجا به شش جنبه مهم آن اشاره می‌شود:

- اندازه‌گیری عملکرد که عمل ناب را در سطح سلولی، در سطح جریان ارزشی و در سطح شرکت برمی‌انگیزاند.
- حذف اغلب تراکنش‌های کنترلی و حسابداری با رفع نیاز به آنها.
- ارزیابی معتبر تاثیر مالی ناشی از بهبود تولید ناب.
- هزینه‌یابی استاندارد جایگزین هزینه‌یابی جریان ارزش.
- تصمیم‌هایی که مبتنی بر هزینه‌های استاندارد بوده اکنون مبتنی بر عوامل سودآوری و حاشیه سود جریان ارزش می‌باشند.
- پیشبرد کسب و کار از نظر ارزش مشتری.

## ۶-۵ هزینه‌یابی بهبود مستمر یا کایزن

بر این مبنا استوار است که شیوه زندگی انسان شامل زندگی شغل، زندگی اجتماعی و غیره باید پیوسته و مداوم بهبود یابد. کایزن در مرحله تولید اتفاق می‌افتد و شامل توسعه روش‌های جدید تولید (از قبیل سیستم‌های تولیدی قابل انعطاف) و استفاده از تکنیک‌های مدیریتی جدید برای کاهش هزینه‌ها، حذف ضایعات و بهبود بازده تولید می‌باشد. [۲۳]

## ۷. فنون مدیریت هزینه در حسابداری مدیریت

مدیریت هزینه مستلزم بکارگیری ابزارها و فنونی است که در حوزه حسابداری مدیریت ابداع شده است و در سازمان‌های موفق به وسعت استفاده می‌شود. به چند مورد از این تکنیک‌ها در زیر اشاره خواهیم کرد. [۵]

## ۷-۱ مدیریت کیفیت جامع (TQM)

این تکنیک به سان استراتژی شرکتی سازمان تعریف می‌شود. آنچه هدف‌های سازمان را با منابع انسانی، مالی و سرمایه آنان یکپارچه می‌کند و همه آنها را در بر می‌گیرد استراتژی مبتنی بر نگرش گروهی است. آنچه برنامه‌ریزی، عملیات و نیازهای مشتریان و کارکنان را منسجم و هماهنگ می‌سازد،

همانا استراتژی شرکتی است. [۶]

این مفهوم بر این عقیده استوار است که ارتقاء کیفیت (کیفیت از نقطه نظر مشتری) همیشه باعث بهبود در عملکرد سازمان می‌شود چرا که ارتقاء کیفیت به ارتقاء کارایی در سازمان منجر می‌شود طوری که مشکلات موجود شناسایی و حذف می‌گردند. حامیان مدیریت کیفیت جامع بر این باورند که مشتریان همواره به دنبال محصولات و خدمات با بالاترین کیفیت بوده و حاضرند بهای بیشتری را برای آن بپردازند.

به طور کلی مدیریت کیفیت فراگیر دارای اصول کلی به شرح زیر است:

- مشتری محوری در تمام امور واحد تجاری.
- مدیریت باید بطور مستقیم در ایجاد کیفیت شرکت کند.
- مشارکت همه کارکنان و نیروهای سازمان در جلب خشنودی مشتریان از طریق ارائه محصولات مرغوب.

• رفع مشکلات مربوط به کیفیت محصولات از طریق روش‌های سیستماتیک. [۷]

مدیریت کیفیت جامع فرآیندی است متمرکز بر روی مشتریان، کیفیت محور، مبتنی بر حقایق، متکی بر تیم‌هایی که برای دستیابی به اهداف استراتژیک سازمان از طریق استمرار فرآیندها، توسط مدیریت ارشد سازمان رهبری می‌شود. این تکنیک بر کاربری از تمام پرسنل به خصوص بر تیم‌های چند تخصصی تاکید دارد که برای بهبود عملیات در داخل سازمان تشکیل شده‌اند. دو خصیصه اصلی در مدیریت کیفیت جامع پرهیز از تولید ضایعات و تاکید بر کیفیت در طراحی است. [۶]

## ۲-۷ نظریه محدودیت‌ها (TOC)

محدودیت در سازمان به هر عاملی گفته می‌شود که سازمان را در رسیدن به اهدافش محدود کند. نظریه محدودیت‌ها شیوه‌ای است برای اداره کردن فرآیندهای محدود شده به منظور بیشینه‌سازی سود از طریق ارزش افزوده. [۷] بدین ترتیب هر سازمانی حداقل دارای یک گلوگاه است که باعث محدودیت در تولید می‌شود. در غیر این صورت، سازمان می‌توانست به تولید مقدار نامحدودی از آنچه در پی آن است (مثل سود) بپردازد. [۱۰]

## ۳-۷ مدیریت بر مبنای فعالیت (ABM)

از این باور سرچشمه می‌گیرد که محصولات، فعالیت‌ها را مصرف می‌کنند و فعالیت‌ها منابع را. پس

مدیریت بر مبنای فعالیت عبارت است از یک روش سیستماتیک بررسی، برنامه‌ریزی، کنترل و بهبود هزینه‌های سرمایه‌ای که بر اصل هزینه‌های مصرفی فعالیت‌ها تمرکز دارد. [۹]

#### ۴-۷ بازده کیفیت (ROQ)

بر این عقیده استوار است که بایستی بین منافع و بهای تمام شده ارتقاء کیفیت یک توازن وجود داشته باشد. اگرچه طرفداران این نظریه بر این باورند که کیفیت ذاتا از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است، ولی اعتقاد دارند که بالاترین سطح سود در یک سطح بهینه از کیفیت محصولات و خدمات حاصل شود. [۱۰]

#### ۵-۷ سیستم‌های بموقع

(JIT) سیستمی است که در راستای کاهش بهای تمام شده محصولات و خدمات، بطور کلی سعی در شناسایی و حذف فعالیت‌هایی دارد که ارزش افزوده‌ای بر روی محصول ایجاد نمی‌کند. بطور خلاصه، می‌توان گفت که هدف از اجرای این سیستم عبارت است از:

- حذف تمام فعالیت‌های فاقد ارزش افزوده
- کیفیت مطلوب تولید
- تاکید بر بهبود مداوم و مستمر (فلسفه کایزن)
- تاکید بر ساده سازی عملیات. [۱۱]

اکثر منابع سیستم تولید بموقع را سیستمی معرفی کرده‌اند که هدف آن موجودی صفر می‌باشد. به گفته طراح اصلی این سیستم، سیستم تولید بموقع در واقع یک فلسفه تولید می‌باشد. تاکید این سیستم بر تولید و ارائه بموقع، مستلزم افزایش کیفیت مواد خریداری شده و نیز محصولات تولید شده می‌باشد. بنابراین بکارگیری سیستم مدیریت کیفیت جامع (TQM) همراه این سیستم کاملا ضروری می‌باشد. اگر سیستم (JIT) با موفقیت اجرا شود مزیت‌های مهمی را به دنبال خواهد داشت که اهم آنها عبارتند از:

- ۱- کاهش میزان موجودی
- ۲- کاهش فضای مورد نیاز
- ۳- افزایش کیفیت تولید و کاهش دوباره کاری و ضایعات
- ۴- کاهش زمان‌های تاخیر ساخت

۵- افزایش بهره‌وری و شاخص زمانی استفاده از ماشین آلات

۶- داشتن رابطه حسنه با فروشندگان

۷- کاهش نیاز به کارگر غیرمستقیم نظیر انباردار، بازرس مواد و غیره. [۱۱]

## ۸. راهکارهای پیشنهادی جهت هماهنگ شدن سازمان‌ها با تغییرات

۱. مدیران در انتخاب روش‌ها برای هماهنگی با تغییرات همواره سه بعد کیفیت، زمان و بهای تمام شده را در نظر داشته باشند؛ زیرا مشتریان همواره به دنبال محصولاتی با کیفیت بالا، تحویل سریع و بهای تمام شده پایین می‌باشند.
۲. برگزاری کارگاه‌های آموزشی در سازمان و استفاده از اساتید برجسته حسابداری مدیریت که جدیدترین مباحث را به کارکنان و مدیران آموزش دهند تا بتوانند بهترین تصمیم را جهت هماهنگی با تغییرات محیط اتخاذ کنند.
۳. در نظر گرفتن سه عامل اساسی، آگاهی، انعطاف‌پذیری و بهره‌وری در راستای داشتن یک سازمان چابک.
۴. داشتن یک محیط پویا در سازمان و به دور از هرگونه پافشاری در استفاده از روش‌های موجود.

## ۹. نتیجه‌گیری

مدیران یک سازمان همواره ناگزیر از تصمیم‌گیری‌های گوناگونی در مورد امور روزمره و همچنین هدف‌های سازمان در فضای کسب و کار رقابتی هستند. تصمیم‌گیری بدون تجزیه و تحلیل و ارزیابی صحیح و منطقی نتیجه‌ای جز اتلاف وقت و تحمل زیان‌های سنگین نخواهد داشت. مدیران امروزه به دنبال راهکارهایی برای کاهش هزینه‌ها، کاهش زمان تولید محصولات و خدمات و عرضه‌ی آنها و افزایش کیفیت محصولات و خدمات می‌باشند. تکنیک‌های نوین حسابداری مدیریت، این نیاز مدیران را مرتفع ساخته و آنها را در مسیر تحولات و پیشرفت‌های چشمگیر تجارت و تکنولوژی یاری می‌کند. همچنین این تکنیک‌ها در بحث هزینه‌یابی و فنون مدیریتی می‌تواند در جهت هماهنگی سازمان‌ها با تغییرات پیرامون محیط کسب و کارشان کمک فراوانی نماید. امروزه رقابت در ابعاد مختلف مطرح است، مثل سرعت تحویل محصول یا ارائه خدمات به مشتری، افزایش کیفیت محصول یا ارائه خدمات و کاهش قیمت محصول. بنابراین سازمان‌ها برای دستیابی به مزیت رقابتی باید به یک سازمان چابک

تبدیل شوند که یک سازمان چابک نه تنها پاسخگوی تغییرات موجود می‌باشد، بلکه با یک پیش‌بینی دقیق تغییرات آتی را نیز باید در نظر بگیرد. لذا استفاده از تکنیک‌های نوین حسابداری مدیریت برای مدیران در عصر کنونی نه به عنوان توصیه بلکه جهت باقی ماندن آنها در عرصه رقابت یک ضرورت بشمار می‌رود.

## منابع

- [۱] رضا شباهنگ، ۱۳۸۴. حسابداری مدیریت، جلد اول، چاپ چهارم، مرکز تحقیقات تخصصی حسابداری و حسابرسی سازمان حسابرسی.
- [۲] دومینیک سالواتوره، *تئوری و مسائل اقتصاد خرد* ترجمه حسن سبحانی، نشر نی، چاپ پانزدهم، ۱۳۷۷.
- [۳] محسن خوش طینت، شناخت ضرورت و بکارگیری هزینه‌یابی هدف، *مجله حسابرسی*، ۱۶.
- [۴] محمد نمازی، ۱۳۷۸. بررسی سیستم هزینه‌یابی بر مبنای فعالیت، *مجله بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۲۷.
- [۵] ابوالقاسم فخاریان، ۱۳۸۳. هزینه‌یابی هدف، *ابزار مدیریت هزینه، مجله حسابداری*، ۱۵۹.
- [۶] محمدرضا عباسی، ۱۳۸۱. *ارزیابی مدیریت کیفیت جامع و شیوه‌های لازم برای اجرای آن، تحول اداری*، ۳۵ - ۳۶.
- [۷] بتول زارعی، ۱۳۸۶. آشنایی با برخی مفاهیم اساسی حسابداری مدیریت، *مجله حسابرسی*.
- [۸] ایرج نوروش، غلامرضا کرمی، علیرضا مهرآذین، ۱۳۸۵. حسابداری بهای تمام شده ۱، انتشارات کتاب نو.
- [۹] احمدگودرزی، ۱۳۸۶. مدیریت بر مبنای فعالیت نشانه‌گیری به سمت علتها، *خبرگزاری فارس*، ۸۶۰۴۲۷۰۰۸۱.
- [۱۰] ایرج نوروش، بیتا مشایخی، ۱۳۸۶. حسابداری بهای تمام شده ۳، انتشارات کتاب نو.
- [۱۱] علی اصغر مشبکی، ۱۳۷۵. سیستم تولید بهنگام و تاثیر آن بر حسابداری مدیریت، *مجله بررسی‌های حسابداری سال چهارم*، ۱۶-۱۷.
- [۱۲] سعید افخمی، هزینه‌یابی هدف، *مجله حسابدار*، آبان ۸۱، ۱۶، ۲۶-۲۷.
- [۱۳] مهدی انصاریان، *مجله حسابرس شماره ۲۰*، تابستان ۸۲، ۱۸.

- [۱۴] حسین پناهیان، هزینه‌یابی هدف، مجله حسابدار، شهریور ۸۴، ۱۶۶، ۵۹.
- [۱۵] محسن خوش طینت، هزینه‌یابی هدف، شناخت و ضرورت و بکارگیری، مجله حسابرس، ۱۶، ۴۶.
- [۱۶] فریدون رهنمای رودپشتی، ۱۳۸۶، هزینه‌یابی هدف، تهران، ترمه.
- [۱۷] رضا شباهنگ، ۱۳۶۵. حسابداری مدیریت، سازمان حسابرسی، نشریه ۶۴
- [۱۸] یوسف نجفی، هزینه‌یابی فعالیت روشی اثربخش در مدیریت هزینه، مجله مدیریت، دی ۸۴، ۱۰۳-۱۲.
- [۱۹] مهشید دولت مدلی، ۱۳۸۵. راهکارهای نیل به چابکی در سازمان، مجله وب، ۷۲.
- [۲۰] محمد فتحیان، سرور خسروشاهی، مونا گلچین پور، ۱۳۸۶. راهکارهای چابکی در سازمان‌های تولیدی.
- [۲۱] علی رضائیان، ۱۳۸۰. سازمان و مدیریت در قرن ۲۱، مجله مدرس، ۱، ۷۱.
- [22] Roobin, cooper, 1994. Cost Management In A Confrontation Strategy, Harvard Business School Press.
- [23] Daury, Olin, 2004. Management & Cost Accounting.
- [24] Ray, Hga Rrison, 1976. Castand Managementing.



# بررسی تاثیر نوسانات نرخ ارز ناشی از برجام بر فعالیت‌های اقتصادی و مالی ایران با استفاده از مدل معادلات شبه مرتبط

حسین آرزومندان

## چکیده

**هدف:** اولین هدف در این پژوهش بررسی نوسانات نرخ ارز ناشی از برجام و تحریم‌های اقتصادی. و دومین هدف بررسی اثر گذاری نوسانات نرخ ارز بر فعالیت‌های اقتصادی و بازارهای مالی می‌باشد. **روش:** جهت شناسایی و برآورد شوک‌های قابل پیش‌بینی و غیر قابل پیش‌بینی ناشی از نوسانات نرخ ارز، از رابطه زیر استفاده می‌شود:

$$Drs_t = \beta_0 + \beta_1 Drs_{t-1} + \beta_2 Drs_{t-2} + \beta_3 Dopen_{t-1} + \beta_4 Dopen_{t-2} + V_t^{rs}$$

از داده‌های سالانه دوره ۱۳۴۹ - ۱۳۹۶ برای برآورد مدل و بررسی تاثیر نوسانات نرخ ارز استفاده می‌شود. داده‌ها از سایت مرکزی جمع‌آوری شده است. به جز دو متغیر نرخ ارز ((rs و عرضه پول (نقدینگی، m) سایر متغیرها (y، c، i، g، x، im) به ارزش واقعی (بر حسب سال پایه ۷۶) می‌باشند. یک روش مناسب به منظور در نظر گرفتن چنین عواملی استفاده از روش سیستم معادلات با خصوصیت شبه مرتبط است. از این رو، استفاده از روش معمول ols به برآوردهای ناکارآمد ضرایب منتهی شده ولی با بهره‌گیری از روش برآورد SUR این مشکل مرتفع می‌شود.

**یافته‌ها:** از نتیجه برآورد، مشاهده می‌شود که هرچند تاثیر مثبت حجم مبادلات بین‌المللی بر نرخ ارز، موید ارتباط نظری است ولی این تاثیر فاقد اهمیت آماری می‌باشد. تاثیر منفی نرخ ارز تاخیری بر نرخ ارز، موید دیدگاه نظری بوده و دارای اهمیت آماری نیز می‌باشد. با استفاده از نتایج برآورد ۳ و با کمک رابطه ۱، نوسانات غیر قابل پیش‌بینی نرخ ارز به دو شکل مثبت (pos) و منحنی (neg) برآورد و در سیستم معادلات ۲ مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرند. جدول ۲، نتایج برآورد مدل ۲ تاثیر گذار بوده ولی از چشم پوشیده مانده‌اند. این عوامل خطا، معادلات را به یکدیگر مرتبط می‌کنند.

**نتیجه گیری:** باتوجه به نتایج تحقیق در می‌یابیم که نوسانات غیر قابل پیش‌بینی نرخ ارز بر رشد

تولید واقعی کشور تأثیری نداشته ولی اجزای تقاضای کل و صادرات (غیرنفتی) با نوسانات غیر منتظره نرخ ارز واکنش نشان داده‌اند. این نوسانات غیر قابل پیش‌بینی با افزایش نرخ ارز بر رشد صادرات غیر نفتی کشور تأثیر گذار بوده و به کاهش آن منجر شده از نوسانات غیر قابل پیش‌بینی (مثبت و منفی) نرخ ارز بر رشد سرمایه‌گذاری خصوصی و واردات تأثیری مشاهده نمی‌شود.

## واژگان کلیدی: ارز، برجام، بازارهای مالی، تحریم‌های اقتصادی، شوک منفی و مثبت

### ۱ - مقدمه و بیان مساله

تعیین نرخ ارز یکی از موضوعات بحث برانگیز در حوزه اقتصاد معرفی می‌شود. یکی از مباحثی که در اقتصاد مطرح می‌شود این است که نرخ‌های با ثبات ارز از طریق حفظ ارزش پول ملی و شتاب بخشیدن به رشد اقتصادی چهار چوب یا ثباتی برای تعدیل بازارهای مالی، نیروی کار و دارایی کشورها فراهم می‌کند. مطالعات مختلفی وجود دارد که نشان می‌دهد. بین نوسانات نرخ ارز و رشد اقتصادی رابطه منفی وجود دارد. این مساله خصوصاً برای کشورهایی که اقتصاد آنها در حال گذار بوده و آزادی حساب سرمایه وجود دارد صادق است. همچنان افزایش نرخ ارز روی رشد اقتصادی اثر منفی داشته است. همچنین این افزایش نرخ ارز می‌تواند روی فرصت‌های شغلی خصوصاً در بخش قابل مبادله آثار مخربی داشته باشد. در شرایطی که افزایش نرخ ارز اسمی روی تجارت اثر منفی دارد بهبود و اصلاح اندازه دولت و همچنین کیفیت قوانین می‌تواند موثر باشد، در این راستا تشکیل اتحادیه‌های تجاری توسط کشورهای ذی نفع می‌تواند آثار منفی نوسانات نرخ ارز را روی بخش‌های مختلف اقتصادی کاهش دهد. نرخ ارز قیمت یک واحد پول رایج دیگر است. لذا مقدار لازم از یک واحد پولی که می‌تواند مقداری از واحد پولی دیگر خریداری کند، همان نرخ ارز است. بنابر این نرخ ارز می‌تواند یک عامل تبدیل باشد. نکته قابل توجه آن است که یکی از اتفاقاتی که قرار بود با اجرای برجام عملی شود رفع تحریم‌ها و بازگشت کشور ایران به شبکه بانکی جهانی بود، موضعی که با گذشت دو سال از آن، هنوز شاهد مشکلاتی چون نوسانات نرخ ارز و افزایش تورم می‌باشیم. شاید بارزترین نمونه‌ای که نشان دهنده پا برجا بودن تحریم‌ها باشد همین بازار نرخ ارز می‌باشد، مشکلات بانکی که در دو سال اخیر همچنان گریبانگیر مبادلات اقتصادی کشور بوده به عنوان یکی از دلایل ناتوانی دولت در عرضه ارز عنوان می‌شود. اما پس از اجرای برجام نوسانات بازار ارز به شدت بیش‌تر از قبل از آن شد. بنابراین

درباره علت افزایش شدید قیمت دلار پس از برجام باید به عدم رفع تحریم‌های بانکی و حتی شدید تر شدن محدودیت‌ها اشاره کرد. قبل از اجرای برجام، دست دولت یازدهم برای کنترل ارز، بازتر بود زیرا طبق توافق هسته‌ای موقت ۷۰۰ ماهانه ۷۰۰ میلیون دلار به ایران ارز داده می‌شد اما پس از اجرای برجام این کانال ارزی نیز مسدود شد. اما تعهدات طرف غربی برای رفع تحریم‌های بانکی محقق نشد و ایران دیگر نتوانست به ارزهای مرد نیاز خود دست پیدا کند. دلیل آن هم این بود که دولت یازدهم به امید رفع تحریم‌ها، تمامی کانال‌های دور زدن تحریم‌ها را کنار گذاشت.

بنابراین پس از اجرای برجام دسترسی کشور به ارزهای خود دشوارتر از قبل شد و همین موضوع کشور را با کمی منابع ارزی رو به رو ساخت و منجر به نوسانات شدید نرخ ارز شد. همانطور که گفته شد نوسانات ارزی تأثیرات زیادی بر فعالیتهای اقتصادی و مالی ایران به همراه دارد. با تنزل ارزش پول رایج کشور قیمت کالاهای خارجی نسبت به کالاهای داخلی گران تر می‌شود و رقابت بین‌الملل بهبود پیدا می‌کند. نتیجه نهایی می‌تواند بهبود فعالیتهای اقتصادی باشد. از دیدگاه اقتصاد دانان سنتی، تأثیر تنزل ارزش پول بر اقتصاد به صورت انبساطی است در حالی که ساختارگرایان جدید بر اثر انقباضی تنزل ارزش پول بر اقتصاد تأکید می‌ورزند. در اثر تنزل ارزش پول داخلی (افزایش نرخ ارز) خالص صادرات بهبود یافته ولی بر شدت هزینه‌های تولید نیز افزوده می‌شود. به طور مشابه با بهبود ارزش پول داخلی (کاهش نرخ ارز) از خالص صادرات کاسته شده و هزینه‌های تولید سقوط می‌کنند. از بررسی ترکیب ناشی از دو کانال عرضه و تقاضا است که می‌توان نتیجه نوسانات نرخ ارز بر اقتصاد کشور را مشخص نمود. تجربیات بحران‌های حاصل از شوک‌های غیر قابل پیش‌بینی نوسانات نرخ ارز اهمیت پیش‌بینی‌های واحدهای اقتصادی از این گونه شوک‌ها را در طراحی سیاست‌های نرخ ارز مناسب حائز اهمیت نموده است. از این رو در بررسی‌های نظری به دو شوک قابل پیش‌بینی و غیر قابل پیش‌بینی در تحقیقات اخیر توجه ویژه شده است. در مقاله حاضر این نوسانات مد نظر قرار می‌گیرند.

## ۲- فرضیه‌های تحقیق

۱. به نظر می‌رسد نوسانات نرخ ارز ناشی از برجام و تحریم‌های اقتصادی باشد.
۲. به نظر می‌رسد نوسانات نرخ ارز بر فعالیتهای اقتصادی و بازارهای مالی تأثیر می‌گذارد.

### ۳- اهداف تحقیق

۱. بررسی نوسانات نرخ ارز ناشی از برجام و تحریم‌های اقتصادی.
۲. بررسی اثر گذاری نوسانات نرخ ارز بر فعالیت‌های اقتصادی و بازارهای مالی.

### ۴- ادبیات نظری پژوهش

#### ۴-۱ بازار ارز متأثر از برجام

آنچه که با آن رو به رو هستیم این است که آمریکا به ویژه بعد از روی کار آمدن رئیس جمهور جدید، با بهره‌گیری از جایگاه خود در اقتصاد جهانی آرامش اقتصادی ایران را نشانه گرفته و با سناریوی ایجاد التهاب تصنعی و تزریق نگرانی در ذهن فعالان داخلی و خارجی به دنبال تضعیف سرمایه‌گذاری در اقتصاد ایران و عدم انتفاع کشورمان از فرصت‌های پس‌ابرجام است. علی‌رغم تلاش‌های مستمر در حوزه دیپلماسی توسط وزارت امور خارجه و به تبع آن گشایش‌های قابل توجه ایجاد شده پس از برجام کماکان برخی محدودیت‌ها در روابط بانکی بین‌المللی پابرجا مانده است. همچنین علی‌رغم وجود استحکام بالای داخلی اقتصاد وضعیت مثبت تراز تجاری و وجود افق‌های مثبت در اقتصاد و هم‌چنین ذخایر ارزی مطلوب، تلاش دشمن متمرکز بر این است که اقتصاد ایران در عمل نتواند به نحو مطلوبی از ظرفیت‌ها و ذخایر خود در رفع ابهامات روانی موجود بهره‌بردار.

ذکر این نکته ضروری است که بسیاری از این محدودیت‌ها اصولاً ارتباطی به برجام نداشته و انتساب نوسانات ارزی اخیر به ضعف برجام در حقیقت در نظر نگرفتن کلیه مولفه‌های تاثیرگذار بر یک تحلیل قلمداد می‌شود، به عنوان مثال ممنوعیت استفاده از دلار بر تحریم‌های اولیه آمریکا مربوط بوده و ارتباطی به برجام ندارد و البته قرار هم نبوده که برجام وارد حوزه تحریم‌های اولیه شود. در ضمن ارتقای قوانین و مقررات در جهت مبارزه با پولشویی و تامین مالی تروریسم نیز ضروری و در دست انجام است. در این زمینه بانک مرکزی با هدف افزایش شفافیت و تسهیل در مبادلات مالی بین‌المللی اقدامات مناسبی را در زمینه مقررات مربوط به پولشویی و مبارزه با تامین مالی تروریسم انجام داده است. بنابراین سناریوی سیاسی - روانی دشمنان در ایجاد ابهام و تردید میان سرمایه‌گذاران خارجی در برقراری ارتباط با اقتصاد ایران عمدتاً با هدف منصرف کردن آن‌ها از سرمایه‌گذاری در فرصت‌های بکر و منحصر به فرد اقتصاد ایران صورت می‌گیرد (شاگری، ۱۳۸۷). قاعدتاً با توجه به بازدهی جذاب سرمایه‌گذاری در اقتصاد ما در مقایسه با سایر کشورها، تلاش آن‌ها در ممانعت از پیشرفت اقتصاد ایران

عمدتاً از مسیر القای کاذب ریسک بالای سرمایه‌گذاری و به تبع آن بالا بردن هزینه‌های ورود به اقتصاد ایران انجام می‌شود. البته اقتصاد ایران با اتکا به توان داخلی و پشتوانه ذخایر ارزی مناسب و بهبود روند متغیرهای اقتصاد کلان داخلی، این تلاش‌ها را ناکام خواهد گذاشت. (طباطبایی، ۱۳۸۶)

همان‌طور که اشاره شد راهبرد اقتصادی بانک مرکزی و دولت در مدیریت بازار ارز هدایت نرخ ارز متناسب با وضعیت اقتصادی است. متأسفانه بعضاً ملاحظه می‌شود که برخی از افراد و رسانه‌ها با ارایه تحلیل‌های بی پایه و ناقص به‌طور مستمر بر کوره التهابات ارزی می‌دمند و با القای بالاتر بودن نرخ تعادلی ارز از نرخ کنونی، سعی در تشویق مردم به رویگردانی از پول ملی و هدایت آن به بازار ارز با ایجاد سراب کسب سود از این التهابات دارند. باید به این نکته دقت کرد که این مسیر دقیقاً همان سناریویی است که رسانه‌های خارجی معاند و دشمنان دنبال می‌کنند (شاگری، ۱۳۹۱).

#### ۴-۲ تعادل در بازار ارز خارجی

برای ملاحظه این که چگونه شرط تعادلی برابری نرخ بهره در تعیین نرخ ارز عمل می‌کند مرحله اول آن است که ببینیم چگونه بازدهی‌های مورد انتظار برای سپرده‌های یورویی و دلاری به دنبال تغییر در نرخ ارز جاری دستخوش تغییر قرار می‌گیرند:

#### الف: بازدهی مورد انتظار برای سپرده‌های یورویی

بازدهی مورد انتظار بر حسب دلار بر روی سپرده‌های خارجی  $RET^f$  عبارت است از نرخ بهره خارجی منهای تقویت ارزش مورد انتظار برای پول داخلی:

$$i^f - \frac{E_{t+1}^e - E_t}{E_t} \quad (\text{رابطه ۱})$$

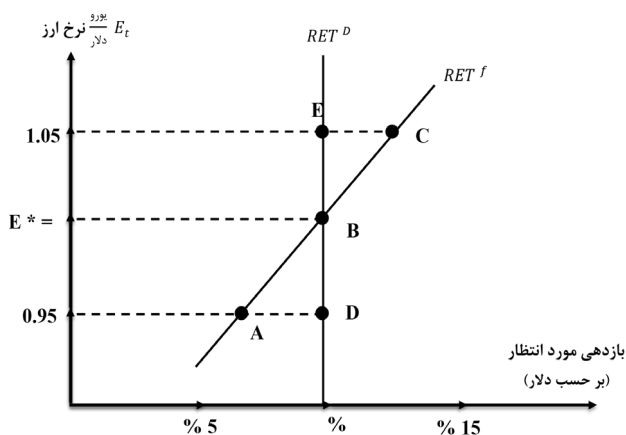
فرض کنید نرخ بهره خارجی  $i^f$  برابر ۱۰٪ و نرخ ارز مورد انتظار برای دوره بعد  $E_{t+1}^e$  برابر یک یورو در مقابل هر دلار باشد. اگر نرخ ارز جاری  $E_t$  برابر ۹۵٪ یورو در مقابل هر دلار باشد، تقویت ارزش مورد انتظار دلار برابر خواهد بود با:

$$\frac{1 - 0.95}{0.95} \rightarrow 0.052 \rightarrow 5.2\% \quad (\text{رابطه ۲})$$

بنابراین بازدهی مورد انتظار برای سپرده‌های یورویی  $RET^f$  بر حسب دلار ۴/۸٪ خواهد شد (که برابر است با ۱۰٪ نرخ بهره خارجی منهای ۵/۲٪ تقویت ارزش برای دلار)

این بازدهی مورد انتظار برای وقتی که  $0.95E_t =$  یعنی ۰٫۹۵ یورو برای هر دلار باشد با نقطه A در نمودار ۱ نشان داده شده است. در یک نرخ ارز جاری بالاتر و  $E_t = ۱$  یعنی یک یورو در

مقابل هر دلار تقویت ارزش مورد انتظار برای دلار برابر صفر خواهد شد، زیرا  $E_{t+1}^e$  نیز برابر یک یورو برابر هر دلار می‌باشد. به این ترتیب  $f RET^f$  بازدهی دلاری مورد انتظار بر روی سپرده‌های یورویی برابر  $i^f = 10\%$  خواهد شد، این بازدهی مورد انتظار بر روی سپرده‌های یورویی وقتی که  $E_t = 1$  یعنی یک یورو در مقابل هر دلار باشد با نقطه B مشخص شده است. در یک نرخ ارز بالاتر  $E_t = 1.05$  یعنی ۱.۰۵ یورو در مقابل هر دلار، تغییر مورد انتظار در ارزش دلار برابر  $4.8\%$  یا  $(\frac{1-1.05}{1.05} = -0.048)$  خواهد شد. لذا بازدهی مورد انتظار دلاری برای سپرده‌های خارجی  $f RET^f$  به سطح  $[(\% - 4.8) - 10\%]$  افزایش پیدا خواهد کرد. این ترکیب از نرخ ارز و بازدهی مورد انتظار بر روی سپرده‌های دلاری با نقطه c نشان داده شده است. (ترابی، ۱۳۹۰)



شکل ۱

منحنی رسم شده از بهم پیوستن این نقاط بازدهی مورد انتظار بر روی سپرده‌های یورویی  $f RET^f$  را نشان می‌دهد که دارای یک شیب مثبت می‌باشد. یعنی هرچه نرخ ارز  $E_t$  افزایش پیدا می‌کند بازدهی مورد انتظار بر روی سپرده‌های یورویی افزایش می‌یابد. از شیب مثبت این منحنی این چنین استنباط می‌شود که بخاطر ثابت فرض کردن نرخ ارز مورد انتظار برای دوره آینده هرچه نرخ ارز جاری افزایش پیدا می‌کند تقویت ارزش مورد انتظار برای دلار کمتر خواهد بود. بنابراین یک نرخ ارز جاری بالاتر به معنای یک تقویت ارزش مورد انتظار بیش تر برای پول خارجی در آینده می‌باشد که بازدهی مورد انتظار بر روی سپرده‌های خارجی را بر حسب دلار افزایش خواهد داد. (ترابی، ۱۳۹۰)

#### ۴-۳ بازدهی مورد انتظار بر روی سپرده‌های دلاری

بازدهی مورد انتظار بر روی سپرده‌های دلاری بر حسب دلار  $RET^d$  معمولاً همان نرخ بهره سپرده‌های دلاری (iD) است، صرف نظر از این که نرخ ارز چگونه باشد. فرض شود که نرخ بهره‌وری بر روی سپرده‌های دلاری ۱۰٪ باشد. بازدهی مورد انتظار بر روی سپرده‌های دلاری در صورت نرخ‌های ارزی ۰/۹۵ و ۱ و ۰/۵۱ یورو برای هر دلار برابر ۱۰٪ (یعنی نقاط D و B و E خواهد شد) لذا هیچگونه مبادله ارز خارجی به منظور تبدیل پرداخت‌های بهره به دلار مورد نیاز نخواهد بود. خطی که از بهم پیوستن این نقاط بدست می‌آید همان بازدهی مورد انتظار بر روی سپرده‌های دلاری  $RET^d$  را نشان می‌دهد. (شاکری، ۱۳۹۰)

#### ۵- تحقیقات انجام شده در رابطه با موضوع تحقیق

تحقیق انجام شده توسط هادی ورتاییان کاشانی (۱۳۹۲) با عنوان تحلیل منشا نوسانات نرخ ارز طی سال‌های (۱۳۸۹-۱۳۹۱) نشان داد: تحریم‌های غرب علیه کشور عامل اصلی شکل‌گیری تلاطمات ارزی و ورود تقاضای سوداگری به بازار ارز و همچنین تشدید روزافزون آن از ناحیه نقدینگی‌های مضر انباشت شده طی سال‌های گذشته مهم‌ترین عامل تداوم آن بوده است. به علاوه، آنچه سبب شد تا تحریم‌های اقتصادی نظام ارزی کشور را به شدت متأثر سازد عدم شکل‌گیری نظام ارزی و بازار ارزی عمیق و کارا در اقتصاد ایران طی سال‌های گذشته بوده است.

تحقیق انجام گرفته توسط کابک خیبری و منوچهر محمدی (۱۳۹۶) با عنوان تاثیر برجام بر جایگاه ایران در معادلات غرب آسیا نشان داد: ایران در فضای پس از برجام از جایگاه کنترل شده قبلی خارج و به صورت یک بازیگر فعال در مدیریت بحران‌های منطقه‌ای ایفای نقش نموده و این امر باعث تغییر موازنه قدرت در منطقه به ضرر عربستان و ترکیه گردیده است. امضای برجام نشان داد که دنیا نیز علی‌رغم کارشکنی‌های رژیم صهیونیست و لایه‌های آن در اروپا و آمریکا و شیطنت ارتجاع منطقه، جایگاه والای ایران را پذیرفته است. همچنین سیاست خارجی ایران باید از ظرفیت‌های ژئوپولیتیک دوران پسا برجام و روابط متعادل با قدرت‌های بزرگ برای رفع تنش‌های منطقه‌ای و پیشبرد رویکرد توسعه‌ای و رونق اقتصادی استفاده کند.

تحقیق انجام گرفته توسط ابراهیم هادیان و مرتضی خورسندی (۱۳۸۶) با عنوان شناسایی منابع نوسان نرخ حقیقی ارز در ایران نشان داد: شوک‌های حقیقی طرف تقاضا اصلی‌ترین منبع نوسانات

نرخ حقیقی ارز در ایران است بطوری که سهم آن در واریانس نرخ حقیقی ارز در بلند مدت بیش از ۸۵ درصد بوده است. پس از آن، شوک‌های حقیقی طرف عرضه با سهم حدود ۱۲ درصد رتبه دوم را در ایجاد این نوسانات به خود اختصاص داده است. افزون بر این، یافته‌های این پژوهش نشان داد که سهم شوک‌های اسمی در ایجاد نوسانات نرخ حقیقی ارز در ایران از حداقل مقدار برخوردار بوده و در واقع نقش بسیار اندکی در این خصوص داشته است.

## ۶- تشریح مدل تحقیق

تولید و تقاضای کشور به متغیرهای اساسی اقتصاد کلان و نرخ ارز واکنش نشان می‌دهد. با فرض انتظارات عقلایی، تغییرات نرخ ارز به تغییرات قابل پیش‌بینی و غیر قابل پیش‌بینی تقسیم می‌شوند. تغییرات قابل پیش‌بینی شامل مشاهده‌های واحدهای اقتصادی از متغیرهای اساسی اقتصاد کلان است. در حالی که تغییرات غیر قابل پیش‌بینی شامل شوک‌های تصادفی بوده که از توزیع متقارن در طول زمان بهره‌مند می‌باشند. با پیروی از کاور شوک‌های مثبت و منفی نوسانات نرخ ارز به صورت زیر از یکدیگر متمایز و تعریف می‌شوند:

$$Pos_t = 0.05\{abs(Drs_t) + Drs_t\} \quad \text{رابطه ۳}$$

$$Neg_t = 0.05\{abs(Drs_t) - Drs_t\} \quad \text{رابطه ۴}$$

در رابطه فوق  $Drs_t$  شوک نرخ ارز و  $Poa_t$  و  $Neg_t$  به ترتیب مولفه‌های مثبت و منفی شوک‌های نرخ ارز و یا ترقی و تنزل ارزش پول داخلی می‌باشند.  $abs$  نماد مقدار مطلق متغیر است. طبق روابط ۱، شوک‌های مثبت (بهبود نرخ ارز) و منفی (افزایش نرخ ارز) تقریبی از نوسانات نرخ ارز غیر قابل پیش‌بینی می‌باشند. در مدل مورد بررسی فرض می‌شود که تولید واقعی کشور و مولفه‌های تقاضای کل (شامل مصرف خانوارها، سرمایه‌گذاری بخش خصوصی، صادرات و واردات) با شوک‌های نرخ ارز و سیاست‌های مالی و پولی در تغییر می‌باشند؛ این متغیرهای اقتصادی به نوسانات نرخ ارز (قابل پیش‌بینی یا غیر قابل پیش‌بینی) واکنش نشان می‌دهند، تازگی نداشته و در بررسی سایر پژوهشگران نیز مورد توجه قرار گرفته است. مدل مورد بررسی از یک سیستم معادلات تشکیل می‌شود که در برگیرنده متغیرهای تولید واقعی، مصرف خانوارها، سرمایه‌گذاری بخش خصوصی، صادرات و واردات به عنوان متغیرهای وابسته و متغیرهای مخارج دولتی، عرضه پول (نقدینگی) و مولفه‌های مثبت و منفی شوک‌های نرخ ارز به همراه یک مرتبه تاخیر هر یک از متغیرها به عنوان متغیرهای مستقل می‌باشد:



$$Dy_t = A_0 + A_t Dg_t + A_2 Dg_{t-1} + A_3 Dm_t + A_4 Dm_{t-1} + A_5 Pos_t + A_6 pos_{t-1} + A_7 Neg_t + A_8 Neg_{t-1} + V_t^y \quad \text{رابطه ۵}$$

$$Dc_t = B_0 + B_t Dg_t + B_2 Dg_{t-1} + B_3 Dm_t + B_4 Dm_{t-1} + B_5 Pos_t + B_6 pos_{t-1} + B_7 Neg_t + B_8 Neg_{t-1} + \quad \text{رابطه ۶}$$

$$Di_t = C_0 + C_t Dg_t + C_2 Dg_{t-1} + C_3 Dm_t + C_4 Dm_{t-1} + C_5 Pos_t + C_6 pos_{t-1} + C_7 Neg_t + C_8 Neg_{t-1} + V_t^i \quad \text{رابطه ۷}$$

$$Dx_t = E_0 + E_t Dg_t + E_2 Dg_{t-1} + E_3 Dm_t + E_4 Dm_{t-1} + E_5 Pos_t + E_6 pos_{t-1} + E_7 Neg_t + E_8 Neg_{t-1} + V_t^x \quad \text{رابطه ۸}$$

$$Dim_t = F_0 + F_t Dg_t + F_2 Dg_{t-1} + F_3 Dm_t + F_4 Dm_{t-1} + F_5 Pos_t + F_6 pos_{t-1} + F_7 Neg_t + F_8 Neg_{t-1} + V_t^{im} \quad \text{رابطه ۹}$$

که در آن  $v_t$ : تولید ناخالص داخلی،  $c_t$ : هزینه مصرف خانوارها،  $i_t$ : سرمایه‌گذاری (ماشین‌آلات و تجهیزات) بخش خصوصی،  $x_t$ : صادرات،  $im_t$ : واردات،  $g_t$ : مخارج دولت،  $m_t$ : عرضه پول (نقدینگی)،  $D_{(0)}$ : اختلاف مرتبه اول لگاریتم متغیر،  $v_t$ : عامل خطا با شرایط استاندارد می‌باشد.

## ۷- تجزیه و تحلیل روش و مدل تحقیق:

جهت شناسایی و برآورد شوک‌های قابل پیش‌بینی و غیر قابل پیش‌بینی ناشی از نوسانات نرخ ارز، از رابطه زیر استفاده می‌شود:

$$Drs_t = \beta_0 + \beta_1 Drs_{t-1} + \beta_2 Drs_{t-2} + \beta_3 Dopen_{t-1} + \beta_4 Dopen_{t-2} + V_t^{rs} \quad \text{رابطه ۱۰}$$

نرخ ارز:  $rs$

Open: شاخص اقتصاد بازار (نسبت مجموع صادرات (غیر نفتی) و واردات کشور به GDP)

$D_{(0)}$ : اختلاف مرتبه اول لگاریتم متغیر.

$v_t$ : عامل خطا با شرایط استاندارد.

از داده‌های سالانه دوره ۱۳۴۹-۱۳۹۶ برای برآورد مدل و بررسی تاثیر نوسانات نرخ ارز استفاده می‌شود. داده‌ها از سایت مرکزی جمع‌آوری شده است. به جز دو متغیر نرخ ارز ( $rs$ ) و عرضه پول (نقدینگی،  $im$ ) سایر متغیرها ( $y, c, i, g, x, im$ ) به ارزش واقعی (بر حسب سال پایه ۷۶) می‌باشند. در رابطه‌های ۲ و ۳ مقادیر تاخیری بر اساس معیار AIC تعیین شده است. از تفاضل مرتبه اول لگاریتم متغیرهای اصلی، به منظور ساکن کردن آنها استفاده شده است. نتیجه برآورد رابطه ۳ از روش حداقل مربعات معمولی در جدول ۱ گردآوری شده است. از نتیجه برآورد، مشاهده می‌شود که هرچند تاثیر مثبت حجم مبادلات بین‌المللی بر نرخ ارز، موید ارتباط نظری است ولی این تاثیر فاقد اهمیت آماری

می‌باشد. تاثیر منفی نرخ ارز تاخیری بر نرخ ارز، موید دیدگاه نظری بوده و دارای اهمیت آماری نیز می‌باشد. با استفاده از نتایج برآورد ۳ و با کمک رابطه ۱، نوسانات غیر قابل پیش‌بینی نرخ ارز به دو شکل مثبت (pos) و منفی (neg) برآورد و در سیستم معادلات ۲ مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرند. جدول ۲، نتایج برآورد مدل ۲ تاثیر گذار بوده ولی از چشم پوشیده مانده‌اند. این عوامل خطا، معادلات را به یکدیگر مرتبط می‌کنند. یک روش مناسب به منظور در نظر گرفتن چنین عواملی استفاده از روش سیستم معادلات با خصوصیت شبه مرتبط است. از این رو، استفاده از روش معمول Ols به برآوردهای ناکارآمد ضرایب منتهی شده ولی با بهره‌گیری از روش برآورد SUR این مشکل مرتفع می‌شود. در نمودار ۱ روند نرخ‌های رشد واقعی متغیرها با نرخ‌های رشد حاصل از برآورد آنها باهم مقایسه شده‌اند. از بررسی این نمودارها مشاهده می‌شود که برآزش مقادیر واقعی و برآوردی نسبتاً بهم نزدیک بوده و تناسب صحیح مدل و روش برآورد را بازگو می‌کند.

جدول ۱: رابطه نرخ ارز

Dw	R <sub>2</sub>	Dopen <sub>t2</sub>	Dopen <sub>t-1</sub>	Drs <sub>t-2</sub>	Drs <sub>t-1</sub>	عرض از مبدا	متغیر
2/1	0/27	3/49 (0/32)	5/17 (0/48)	*-0/31 (-2/11)	** -0/68 (-4/46)	9/17 (0/05)	Drs <sub>t</sub>

مقدار آماره t در پرانتز قرار دارد.

\* و \*\* به ترتیب سطح‌های اهمیت آماری ۵ درصد و ۱۰ درصد را نشان می‌دهد.

جدول ۲: برآورد مدل

Dim <sub>t</sub>	Dx <sub>t</sub>	Di <sub>t</sub>	Dc <sub>t</sub>	Dy <sub>t</sub>	متغیر
-0/02371 (-0/36)	1/152566* (1/92)	0/131956 (0/97)	0/014147* (0/078)	0/071218* (3/73)	عرض از مبدا
1/240015 (4/52)	0/596464** (1/8)	1/405029* (2/48)	0/204605* (2/70)	0/316567* (4/04)	Dg <sub>t</sub>
-0/0921 (-0/35)	0/130247 (0/41)	-0/403973 (-0/92)	0/152472 (2/12)	0/065994 (0/87)	Dg <sub>t-1</sub>
0/77574* (-2/18)	-0/517558 (-1/20)	-2/67378* (-3/65)	-0/01997 (-0/20)	-0/18207* (-1/78)	Dm <sub>t</sub>
0/756694* (-2/18)	-0/44131 (-1)	2/196186* (2/94)	0/130774 (1/31)	-0/01154 (-0/11)	Dm <sub>t-1</sub>
2/31E-05 (0/88)	2/36E-05 (0/75)	-5/03E-06 (-0/09)	8/89E-06 (1/23)	5/32E-0/6 (-0/71)	pos <sub>t</sub>

1/86E-06 (0/07)	2/84E-05 (0/9)	-1/69E-05 (-0/31)	2/15E-06- (-0/3)	3/73E-0/6 (0/5)	pos <sub>t-1</sub>
-0/01326 (-1/02)	0/0023224 (0/15)	0/04218 (1/58)	0/007681* (2/14)	-0/00206 (-0/55)	Neg <sub>t</sub>
-0/00791 (-0/64)	-0/03003 (-2/01)	-0/036373 (-1/42)	-0/001403 (-0/41)	0/001749 (0/49)	Neg <sub>t-1</sub>
-	-	-	-	-0/02662* (-2/11)	D <sub>1</sub>
0/25	0/20	0/22	0/41	0/42	R <sub>2</sub>
1/67	1/75	1/68	1/44	1/57	Dw

مقدار آماره T در پرانتز قرار دارد.

نمادهای \* و \*\* به ترتیب سطح‌های اهمیت آماری ۵ درصد و ۱۰ درصد را نشان می‌دهد. D متغیر مجازی و انعکاس دوره می‌باشد.

## ۸- بحث و نتیجه‌گیری

در تحقیق حاضر اثرات شوک‌های مثبت و منفی نوسان نرخ ارز ناشی از برجام در کنار اعمال سیاست‌های مالی و پولی بر فعالیت‌های اقتصادی کشور مورد بررسی قرار گرفت با توجه به نتایج تحقیق در می‌یابیم که نوسان‌های غیر قابل پیش‌بینی نرخ ارز بر رشد تولید واقعی کشور تاثیری نداشته ولی اجزای تقاضای کل و صادرات (غیرنفتی) با نوسانات غیر منتظره نرخ ارز واکنش نشان داده‌اند. این نوسانات غیر قابل پیش‌بینی با افزایش نرخ ارز بر رشد صادرات غیر نفتی کشور تاثیر گذار بوده و به کاهش آن منجر شده از نوسانات غیرقابل پیش‌بینی (مثبت و منفی) نرخ ارز بر رشد سرمایه‌گذاری خصوصی و واردات تاثیری مشاهده نمی‌شود.

یکی از عواملی که همین نوسانات نرخ ارز (مثبت و منفی) را موجب شد تحریم‌های اقتصادی علیه ایران و برجام می‌باشد. رئیس‌جمهور آمریکا پس از برجام تلاش‌های زیادی کرد تا آثار آن را برای ایران کم رنگ کند و بیشتر این تلاش‌ها هم روی این محور ساماندهی شده بود که کانال‌های انتقال ارز را در نظام پولی بین‌الملل مسدود کند. این تلاش‌ها شامل تحریم‌های تمدید یا تشدید شده و فعالیت‌های نظامند ایالات متحده برای دستیابی به این هدف بود که کانال‌های ارزی در دسترس ایران برای انتقال پول کم تر و کم تر شود. هرچند که توریست‌هایی که وارد ایران می‌شوند با خود ارز وارد می‌کنند اما همچنان ایران با کمی منابع ارزی روبروست که این خود موجب نوسانات ارزی

می‌شود. همچنین باید توجه داشت که برخی از مشکلات کنونی اقتصاد کشور ریشه در مشکلات ساختاری دارند و نباید انتظار داشت که رفع آنها تنها منوط به اجرای برجام باشد. تحریم‌های اقتصادی هم چنین نشان داد که الگوهای پیشین همکاری‌های اقتصادی از کارآمدی لازم برخوردار نبوده است به گونه‌ای که با اعمال تحریم‌ها و خروج شرکت‌های خارجی توان تولید بسیاری از کالاها از بین رفت یا به حداقل رسید. علاوه بر این تولید کشور از ناحیه وابستگی به مواد اولیه و کالاهای سرمایه‌ای با محدودیت‌های جدی مواجه شد. این تجربه‌ها این نکته را گوشزد می‌کنند که مسئولین امر باید در الگوی پیشین همکاری‌های اقتصادی تجدید نظر نموده و با طراحی الگوهای جدید توان تولید کشور را افزایش دهند. امید است پس از برجام دولت با سیاست‌های مناسب نظام بانکی را به سمت و سویی ببرد که تشویق کننده فعالیت‌های تولیدی باشد. چنانچه موارد فوق از سوی دولت مورد توجه قرار گیرد و برای آن چاره اندیشی شود زمین پس با مشکلات نوسان نرخ ارز و کاهش ارزش پول ملی رو به رو نخواهیم بود، امید است نتایج این تحقیق مورد استفاده دیگر محققان در این زمینه قرار گیرد.

## ۹- منابع فارسی

- ۱- دفتر تحقیقات و سیاست‌های پولی و بازرگانی، وزارت امور اقتصادی و دارایی، «بررسی ساختار ارزی کشور و ارائه راهکار برای اصلاح آن»
- ۲- دفتر تحقیقات و سیاست‌های پولی و بازرگانی، وزارت امور اقتصادی و دارایی، «مروری جامع بر کلیه تحریم‌های اعمال شده علیه ایران»
- ۳- شاکری، عباس (۱۳۸۷)، *نظریه‌ها و سیاست‌های اقتصاد کلان*، جلد دوم، انتشارات پارس نویسا.
- ۴- شاکری، عباس (۱۳۹۱)، *نظام ارزی موجود و اقتصاد کلان*، اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران.
- ۵- شاکری، عباس (۱۳۹۰)، *مدیریت منابع و مصارف ارزی*، معاونت امور اقتصادی، وزارت امور اقتصادی و دارایی.
- ۶- ترابی، یوسف (۱۳۹۰)، *بررسی روابط اقتصادی، نظامی ایران و آمریکا*، تهران، نشر عروج.
- ۷- طباطبایی، سید احمد (۱۳۸۶)، *تحریم‌های اقتصادی شورای امنیت سازمان ملل متحد*، مجله مجتمع آموزش عالی قم.

8- Cole, Harold R. & Timothy J. Kehoe (1996), "A Self-Fulfilling Model of Mexico's (1994-1995) Debt Crisis", *Journal of International Economics*, Vol.

41, PP. 309- 330, November.

9- Drazen, Allan (1998), “Political Contagion in Currency Crises”, University of Maryland, Mimeo, March.

10- Glick, Reuven & Hutchison, Michael (2011), “Currency Crises”, Federal Reserve Bank of San Francisco Working Paper Series 2011/22.

11- Krugman, Paul (1979), “A Model of Balance-of-Payments Crises”, Journal of Money, Credit and Banking, Vol. 11, PP. 311-25.

12- Obstfeld, Maurice (1986), “Rational and Self-Fulfilling Balance-of-Payments Crises”, American Economic Review, Vol. 76, No. 1, PP. 72-81.

## Investigating the effect of exchange rate fluctuations on efficiency on Iranian economic and financial activities using a quasi-related equations model

### Abstract

**Purpose:** The first objective of this study was to assess the exchange rate fluctuations caused by economic and economic sanctions. The second goal is to examine the effect of exchange rate fluctuations on economic activity and financial markets.

**Method:** The following equation is used to identify and estimate predictable and unpredictable shocks caused by exchange rate fluctuations:

$$\ln(Drs)_t = \beta_0 + \beta_1 \ln(Drs)_{t-1} + \beta_2 \ln(Drs)_{t-2} + \beta_3 \ln(Dopen)_t + V_t^rs$$

The annual data for the period 1349 to 1396 are used to estimate the model and to evaluate the effect of exchange rate fluctuations. Data is collected from the central site. Except for the two exchange rate variables ( $rs$  and cash supply (liquidity,  $m$ ), the other variables ( $im$ ,  $x$ ,  $g$ ,  $i$ ,  $c$ ,  $y$ ) are in real value (based on base year 76). An appropriate method for In order to consider such factors, the use of the system of equations with pseudo-related properties is related. Therefore, the use of the usual ols method is a result of inefficient coefficients estimates, but this problem is solved using the SUR estimation method.

**Findings:** From the estimated result, it can be seen that although the positive effect of the volume of international exchanges on the exchange rate is a theoretical correlation, this effect is not statistically significant. The negative impact of a lagged exchange rate on the exchange rate has been confirmed by a theoretical view and is of statistical significance. Using estimation results 3 and with the aid of equation 1, unpredictable fluctuations of the exchange rate are estimated to be positive and negative ( $neg$ ) and applied to the system of equations 2. In Table 2, the results of the estimation of Model 2 were effective but not covered. These error factors connect the equations to each other.

**Conclusion:** According to the results of the research, we find that unpredictable exchange rate fluctuations did not affect the country's actual production growth, but total demand and export components (non-oil) responded to unexpected exchange rate fluctuations. This unpredictable fluctuation has affected the growth of non-oil exports with the increase in the exchange rate, which has led to unpredictable (positive and negative) fluctuations in exchange rates on the growth of private investment and imports.

**Key words:** currency, futures, financial markets, economic sanctions, negative and positive shocks

## توسعه‌ی سرمایه‌های اجتماعی فصلی نوین در فضای کسب و کار

زهرا صفوی راد، فرهاد مرآتی، نگار رفیعی

### چکیده

هدف این مقاله بهبود درک ما از مفاهیم نظری و مدیریتی کارآفرینی است. به زبان ساده، «کارآفرینی» همان فرایند تاسیس یک کسب و کار (شرکت) بر مبنای یک فکر و ایده نو است. اکنون در عرصه جهانی افراد خلاق و نوآور به عنوان کارآفرینان منشا تحولات بزرگی در عرصه تولید و خدمات شده‌اند. حتی شرکت‌های بزرگ جهانی برای حل مشکلات خود به کارآفرینان مراجعه می‌کنند. چرخ‌های توسعه اقتصادی با توسعه کارآفرینی حرکت می‌کنند. وقتی مسیر حوادث، وقایع و روند فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی جوامع را بررسی می‌کنیم، در می‌یابیم که انسان‌ها همواره به دنبال تغییر بوده‌اند و در این میان، افرادی بوده‌اند که از قوانین کلی جوامع تبعیت نکرده و باعث تغییر در جوامع خود و به طور کلی جوامع بشری شده‌اند. کارآفرینی هم دارای بعد نظری (تئوریک) و هم دارای بعد عملی (کاربردی) است که می‌توان با روش‌های مختلف آموزشی، به آموزش کارآفرینان همت گماشت. عصر جدید، عرصه رقابت بر سر منابع و سرمایه هاست، کشورهای بزرگ صنعتی که فاتحان این عرصه‌اند بهره‌وری از منابع و سرمایه‌ها را در سرلوحه کار خود قرار داده‌اند و در پرتو وجود افراد تحصیل کرده و متخصص، چرخ‌های رشد و توسعه را به حرکت در آورده‌اند و به ابداعات و نوآوری‌هایی دست یافته‌اند. دسترسی به این نوآوری‌ها که اقتصاد کشورهای توسعه یافته را از نو زنده کرده است منوط به کارآفرینی است. در حال حاضر که اقتصاد کشور ما گرفتار نارسایی‌ها، کمبودها، و سوء مدیریت‌هایی است که منجر به وضعیت ناهنجار بیکاری، کمبود تولید ناخالص داخلی، کاهش قدرت سرمایه‌گذاری دولت، ضعف در صادرات غیر نفتی و بیماری‌هایی از این قبیل شده است، نیم‌نگاهی به وضعیت جهانی اقتصاد ما را به سوی این باور می‌کشانند که رشد کارآفرینی و فرهنگ کارآفرینانه به شرطی که هنرمندانه، با فرهنگ، امکانات، توانایی‌ها و سلیقه ایرانی آمیخته شود تنها راه بهبود بیماری امروز اقتصاد کشور و پیشگیری از وخامت حال فرداست. با توجه به دلایلی که در زمینه اهمیت کارآفرینی

وجود دارد ضروری است برنامه‌ریزان و کارگزاران دولتی با حمایت همه جانبه از فرایند کارآفرینی و برنامه‌ریزی جامع، زمینه رشد و ترویج فرهنگ کارآفرینی را فراهم کنند. امروزه شواهد موجود نشان می‌دهد که کارآفرینی می‌تواند در نتیجه برنامه‌های آموزشی، پرورش یابد. نظریه‌پردازان علم مدیریت که بعد فنی کارآفرینی را بررسی می‌کنند بر این اعتقاد هستند که کارآفرینان می‌توانند در کلاس درس آموزش ببینند و بالنده شوند. بنابراین کارآفرینی امروزه به یکی از مهم‌ترین و گسترده‌ترین فعالیت‌های دانشگاه‌ها تبدیل شده است. دانشگاه‌ها ملزمند برای ترقی و ترویج آموزش کارآفرینی ببینند، چون نسل جوان نیاز دارد که بدانند چطور در برابر محیط‌های ناامن و پیچیده و قوانین و مقررات متغیر در بازار کار بطور انعطاف‌پذیر عمل کند. نخستین گام جهت شناخت و تبیین درست هر مفهوم یا پدیده، ارائه تعریف روشنی از آن است. کارآفرینی مانند سایر واژه‌های مطرح در علوم انسانی هنگامی قابل تحلیل و تبیین است که بتوان تعاریف روشن و مشخصی از آن ارائه کرد. در مورد کارآفرینی تعریف واحدی وجود ندارد و از ابتدای طرح آن در محافل علمی، تعاریف متفاوتی از دیدگاه‌های گوناگون برای آن بیان گردیده است. اکنون در عرصه جهانی افراد خلاق، نوآور و مبتکر به عنوان کارآفرینان منشاء تحولات بزرگی در زمینه‌های تولیدی و خدماتی شده‌اند که از آنها به عنوان قهرمانان ملی یاد می‌شود.

## واژه‌های کلیدی: کارآفرینی، ابداعات، نوآوری، سرمایه‌گذاری، کسب و کار، خلاقیت

### ۱. متن مقاله

Entrepreneur واژه کارآفرین به معنای متعهد شدن که در اصل از زبان فرانسه به دیگر زبان‌ها راه یافته است. انگلیسی‌ها سه اصطلاح با نام‌های ماجراجو، متعهد و کارفرما را در مورد کارآفرین به کار می‌بردند. از نظر آنها، کارآفرین کسی است که متعهد می‌شود مخاطره‌های یک فعالیت اقتصادی را سازماندهی، اداره و تقبل کند.

در واقع کارآفرین کسی است که نوآوری خاص داشته باشد. این نوآوری می‌تواند در ارائه یک محصول جدید، ارائه یک خدمت جدید، در طراحی یک فرآیند نوین و یا نوآوری در رضایت مشتری و ... باشد.

کارآفرینان در واقع به تغییر به عنوان مقوله تعیین کننده می‌نگرند، آنها ارزش‌ها را تغییر می‌دهند و ماهیت آنها را دچار تحول می‌کنند. آنان برای تحقق این ایده، قدرت ریسک‌پذیری خود را به کار



می‌گیرند. به درستی تصمیم‌گیری می‌کنند و از این رو هر کس به درستی اتخاذ تصمیم نماید به نوعی کارآفرین تلقی می‌شود.

از نظر «شومیتز» کارآفرین نیروی محرکه و موتور توسعه اقتصادی است. وی مشخصه کارآفرین را نوآوری می‌داند. همچنین «جفری تیمونز» معتقد است که کارآفرین فردی است که باعث خلق بینشی ارزشمند از هیچ می‌شود.

## ۱-۱ کارآفرینی:

فرآیندی که بتواند با استفاده از خلاقیت، چیز نویی را همراه با ارزش جدید با استفاده از زمان، منابع، ریسک و به کارگیری همراهان بوجود آورد کارآفرینی گویند. کارآفرینی فقط فردی نیست. سازمانی هم می‌تواند باشد حتی شرکت‌های بزرگ اعم از دولتی و خصوصی هم می‌توانند به کارآفرینی دست زنند. امروزه حتی صحبت از دولت کارآفرین به میان آمده است.

به عقیده «ارتور کول» کارآفرینی عبارت است از فعالیت هدفمند که شامل یک سری تصمیمات منسجم فرد یا گروهی از افراد برای ایجاد، توسعه یا حفظ واحد اقتصادی است. «روبرت نشتات» کارآفرینی را قبول مخاطره، تعقیب فرصت‌ها، ارضای نیازها از طریق نوآوری و تأسیس کسب و کار می‌داند. از نظر «پیتر دراگر» کارآفرینی رفتار می‌باشد و در واقع بکاربردن مفاهیم و تکنیک‌های مدیریتی، استانداردهای محصول، بنا نهادن کار بر پایه آموزش می‌باشد.

در تحقیقات کارآفرینی، به منظور شناسایی زودتر دیدگاه‌ها و عوامل زمینه ساز آنها، ماهیت فرصت‌ها، جهت‌گیری پروژه، برای ارائه با چشم انداز تحقیقات تثبیت شده، تحقیقات قبلی در تقاطع بین فرصت‌های کارآفرینی و پروژه جهت‌گیری، برای روشن کردن شکاف‌های نظری و فضا برای پیشرفت و نقش مدل کسب و کار در تعقیب فرصت و ابعاد مرتبط فراهم می‌گردد.

## ۱-۲ فرصت‌ها به عنوان تمرکز کارآفرینی

فرصت‌ها قانونی برای کارآفرینی هستند (شین، ۲۰۰۰؛ ونکاتارامان و همکاران، ۲۰۱۲؛ شین، ۲۰۱۲؛ آلوارز و بارنی ۲۰۱۳، تا حدی که ادعا می‌شود کارآفرینی «فرآیندی که طی آن افراد - چه به تنهایی و چه در داخل سازمان‌ها - فرصت‌ها را دنبال کنند» (استیونسون و جریلو، ۱۹۹۰، ص ۲۳ (Shane and Venkataraman (2000, p.218) بحث کردند.

کارآفرینی یک رفتار مبتنی بر فرصت است و این عمل کارآفرینی اساساً حول محور چگونگی، توسط چه کسانی و با چه تأییراتی فرصت‌هایی برای ایجاد آینده کالاها و کشف خدمات، ارزیابی و بهره‌برداری می‌شوند.

به روشی مشابه، تیمونز و اسپینلی (۲۰۰۴، ص ۱۰۱) کارآفرینی پیشنه‌ادی «یک روش تفکر، استدلال استو بازیگری که وسواس فرصت دارد. (Casson (2000, p.2) خاطر نشان کرد: کارآفرین کسی است که در آن تخصص دارد». شناسایی فرصت‌های جدید برای هماهنگی «و Short و همکاران (2010، p.40) مدعی شد: بدون فرصت، وجود ندارد. کارآفرینی. یک کارآفرین بالقوه می‌تواند فوق العاده خلاق و سخت کوش، اما بدون فرصتی برای هدف گذاری باشد.

### ۱-۲-۱ عوامل کلیدی کارآفرینی:

شش عامل کلیدی در مورد کارآفرینی وجود دارد که عبارتند از:

۱. شناخت هدف
۲. داشتن افق
۳. بکارگیری خلاقیت‌های ذهنی
۴. جامعه‌گرا و جامعه‌پذیر بودن
۵. شهامت، ابتکار، امیدوار و ریسک‌پذیر بودن
۶. واقع‌بینانه برخورد کردن با تفاوت بین خلاقیت‌ها و فرصت‌ها

### ۱-۲-۲ ویژگی‌های کارآفرینان:

تا به حال ویژگی‌های زیادی در خصوص کارآفرینان بیان شده است. همه کارآفرینان در صفات فردی یکسان نیستند اما ویژگی‌های عمومی در آنها وجود دارد که عبارتند از:

۱. خلاقیت و نوآوری
۲. هدف‌گرایی
۳. ریسک‌پذیری
۴. فرصت‌گرایی و فرصت‌شناسی
۵. آینده‌نگری و دوراندیشی
۶. انعطاف‌پذیری

۷. اهل کار و عمل

۸. اعتماد به نفس و خودباوری

۹. واقع بینی

### ۱-۲-۳ مزایا و منافع کارآفرینی:

۱. کارآفرینی عامل ترغیب و تشویق سرمایه‌گذاری است.

۲. کارآفرینی عامل تحریک و تشویق حس رقابت است.

۳. کارآفرینی عامل تغییر و نوآوری است.

۴. کارآفرینی باعث ایجاد اشتغال می‌شود.

۵. کارآفرینی کیفیت زندگی را بهبود می‌بخشد.

۶. کارآفرینی موجب توزیع مناسب درآمد می‌شود.

بنابر منافع مذکور، امروزه در تمام سرمایه‌گذاری‌های دنیا سعی بر این است که مغزهای متفکر صنعتی را شناسایی و جذب کنند به دلیل اینکه دنیای امروز، جهان علم و تکنولوژی است و ارزش اصلی تولید در مغز انسان‌ها نهفته است.

### ۱-۳ نقش کارآفرینی در اشتغال:

زمانی که کارآفرینان یک شغل جدید را شروع می‌کنند بالطبع حداقل به یک یا چند نیروی استخدامی نیاز دارند تا کارهای خود را سامان بخشند. کارآفرینان به علت قابلیت اشتغال‌زایی که دارند، به کاهش نرخ بیکاری که از اهداف کلان اقتصادی، اجتماعی، دولت‌ها است کمک می‌کنند. بنابراین، کارآفرینی می‌تواند زمینه‌ساز اشتغال نیروی کار باشد و نوآوری که در یک فعالیت اقتصادی توسط خود فرد ایجاد می‌شود منجر به ایجاد اشتغال در جامعه می‌شود. بر اساس آخرین نظرسنجی که تحت عنوان فرهنگ کار و نگاه ایرانیان در آن انجام شده است فقط ۴۲ درصد از جمعیت ایران خواهان شغل‌های ثابت اداری و یا در چارچوب شغل‌های وظیفه‌گرایی هستند. این در حالی است که در سال ۲۰۰۰ بیش از ۶۲ درصد از جمعیت دنیا اظهار داشتند که می‌خواهند دارای شغل مستقل (فعالیت خوداشتغالی) باشند، ۳۴ درصد از کل جمعیت بالا آماده پذیرش ریسک به منظور دستیابی به رضایت شغلی متکی بر فعالیت‌های فردی تأکید داشتند. امروزه روحیه کارآفرینی به شدت در میان جمعیت جوان ایران در حال گسترش است. از طرفی با توجه به شرایط اقتصادی، اجتماعی کشور در حال حاضر، توجه به

کارآفرینی بیش از پیش حائز اهمیت شده است. با عنایت به اعمال سیاست کاهش تصدی‌گری دولت و همچنین محدودیت‌های سرمایه‌گذاری در بخش خصوصی، سوق‌دهی جوانان و زنان جویای کار به سمت مشاغل کارآفرینی و خوداشتغالی ضرورت می‌یابد. مملکتی که یکی از آغاز کنندگان تمدن بشری بوده احتیاج به جوانانی دارد که کانون‌های تولید و اشتغال را در جامعه تشکیل دهند.

#### ۱-۴ آموزش کارآفرینی:

پژوهش‌ها نشان می‌دهد که مهمترین عامل مؤثر در حرکت کارآفرینی از قوه به فعل، بروز روحیه کارآفرینی در افراد از طریق آموزش می‌باشد. سازمان بین‌المللی کار (ILO) به منظور ارتقاء کارآفرینی مدیران صنایع کوچک، برنامه‌های آموزشی و مشاوره‌ای با عنوان SIYB در کشورها مختلف بوجود آورده است. این برنامه‌ها که عملکرد مؤسسات کوچک اقتصادی را بهبود می‌بخشد برحسب توانایی مدیران صنایع کوچک و نوع فعالیت طراحی شده‌اند. قابل توجه است که با طی دوره SIYB، ۹۰ درصد شرکت‌کنندگان با اصول اولیه کسب و کار آشنا شده‌اند و ۵۰ درصد از کارآفرینان مهارت‌های خاص مدیریتی را فرا گرفته‌اند. در حال حاضر ILO در ۷۰ کشور دنیا برنامه SIYB را که هدف آن رشد کارآفرینی در صنایع کوچک است به اجرا آورده است.

#### ۱-۵ راهکارهای ترویج کارآفرینی:

با ضرورت روزافزون نیاز به افراد کارآفرین در جامعه ما به ویژه بعد از انقلاب و دوران سازندگی که با رشد صنعت مواجه هستیم باید تمامی ارگان‌ها با همکاری هم در این زمینه قدم بردارند و هر کدام نقشی را بر عهده گیرند و نقش دولت در این میان از همه مهمتر است. از جمله:

- تنظیم و تدوین سیاست‌های بلند مدت و میان مدت در خصوص حمایت از فعالیت‌های کارآفرینی و کارآفرینان نوپا.
- ترویج فرهنگ کارآفرینی و معرفی کارآفرینان نمونه از طریق مطبوعات و قدردانی از آنها.
- ساختن فیلم و سریال در مورد زندگی کارآفرینان نمونه و تشویق مردم به سوی کارآفرینی توسط صدا و سیما.
- وارد کردن مضامین کارآفرینی در کتاب‌های درسی می‌تواند بذر ایجاد انگیزه کارآفرینی را در کودکان بارور کند.

- تبیین شرایط محیطی لازم برای پرورش و رشد استعداد‌های کارآفرینی.
- برگزاری سمینار، نشر مقاله و ارائه سخنرانی به منظور تغییر دانش و معرفت مدیران و سیاستگذاران و کارگزاران مؤسسات.
- گسترش فرهنگ کارآفرینی در بخش دولتی و تعاونی.
- تدوین دوره‌های آموزشی بلند مدت در چارچوب دوره‌های تحصیلی کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکترا در دانشگاه‌ها، ایجاد مراکز آموزشی مستقل و مراکز آموزشی مدیریت در سطح دبیرستان‌ها و مدارس راهنمایی و ابتدایی.
- حمایت‌های دولتی و خصوصی جهت فعالیت بیشتر و مطلوب‌تر کارآفرینان.
- ایجاد و گسترش صنایع کوچک به منظور بهره‌برداری از ظرفیت‌های خالی اقتصاد کشور.
- اصلاح سیاست‌ها و قوانین دست و پاگیر دولتی.
- برگزاری جلساتی با حضور کارآفرینان و بیان مشکلات موجود بر سر راه آنان و ارائه شیوه‌های مقابله با آن مشکلات.
- معرفی یک روز به عنوان روز کارآفرین تا به عمل آنها ارزش و اعتبار بخشیم. در خاتمه امید آن می‌رود که فضای کشور به گونه‌ای فراهم شود که کارآفرینان بتوانند رشد نمایند و این امر مستلزم همکاری نزدیک محافل علمی و مؤسسات اجرایی برای شناسایی و پرورش و توسعه استعداد‌های افراد است تا بتوانیم هر چه بهتر و بیشتر از این ذخایر گرانبها به نحو احسن استفاده نماییم.

## ۱-۶ خانواده و کارآفرینی:

کارآفرینی مفهومی است که همراه با خلقت بشر وجود داشته است. مروری بر ادبیات کارآفرینی نشان می‌دهد که مفهوم کارآفرینی برای اولین بار توسط اقتصاددانان مطرح شد. سپس با توجه به اهمیت و نقش کارآفرینی در شکل‌گیری تحولات اقتصادی در جوامع، دانشمندان علوم اجتماعی نیز به بررسی ویژگی‌های فردی و اجتماعی کارآفرینان پرداختند. خانواده، کانونی است که در شکل‌گیری این ویژگی‌ها، می‌تواند نقش حیاتی ایفا کند. در جوامع سنتی که مردان نقش «نان‌آوری» و زنان نقش «خانه‌داری و تربیت فرزندان» را بر عهده داشتند، انتقال ایده کسب و کار بیشتر از طرف مرد صورت می‌گرفت؛ ساختار جدید خانواده در جامعه امروز و به تبع آن خروج زن از خانه، ظهور جلوه‌های تازه‌ای

از بروز خلاقیت و نوآوری را در هر دو جنس زن و مرد باعث شد. بدنبال این تغییر نگرش؛ شیوه تولید، سبک زندگی و نقش‌های والدین در درون خانواده نیز دچار دگرگونی شد. به شکلی که هر کدام از والدین با رفتار خود می‌توانند در رشد اعتماد به نفس، خلق ایده‌های جدید در خانواده و تعیین مسیر شغلی فرزندان، نقش‌های اساسی را ایفاء کنند. اگر خانواده را از دیدگاه نهادی مورد بررسی قرار دهیم به این نتیجه می‌رسیم که که خانواده از نظر کمی و کیفی می‌تواند کانون اصلی اندیشه کار و تلاش و پرورش روحیه خلق ایده و کار در افراد باشد. تحقق این امر مستلزم توجه ویژه والدین به ابعاد و ساحت‌های حیات فردی فرزند از هنگام تولد تا زمان تکوین شخصیت اوست. وقتی پدر یا مادر همچون الگویی تلاشگر و مؤثر در عرصه کار و تولید در جامعه ظاهر شوند، کارکردهای مثبت ناشی از فعالیت آنها فرزند را به سمت و سویی ترغیب می‌نماید تا ذهن خود را به صورتی منسجم و ثمربخش به ادامه شغل والدین و یا حرفه‌ای جدیدتر سوق دهد. برای چنین فردی دستیابی به منابع اقتصادی ناشی از کار و تسخیر فضاها، جدید، ارزش تلقی می‌شود. چنین طرز تلقی از دنیای پیرامون، ذهن فرد را نسبت به خلق ایده‌ای نو و استقلال اقتصادی و کسب موفقیت، دگرگون می‌سازد. در این مرحله، نوجوان یا جوان ایده‌کاری خود را با خانواده در میان می‌گذارد چه بسا بتواند از تجربیات و رهنمودهای والدین و احتمالاً حمایت مالی و اجتماعی آنها بهره‌مند شود. اینجاست که معیارها و ارزش‌های خانواده برای فرزند ملاک عمل و چراغ راه او در مسیر کار و تلاش واقع می‌شود. وظیفه والدین در چنین شرایطی تشریح ابعاد گسترده فعالیت اقتصادی به عنوان ارزش بنیادی برای فرزند و هدایت او در مسیر مطلوب، آغاز توأم با موفقیت را در راه‌اندازی کسب و کار به همراه خواهد داشت.

میزان تحصیلات، نوع شغل والدین، ساخت خانواده، روابط خانوادگی (خصوصاً رابطه والدین با فرزندان)، درآمد خانواده و میزان بر خورداری از امکانات رفاهی در شکل‌گیری «فرهنگ کار» در خانواده می‌تواند تأثیر داشته باشد. انسان‌های متفاوت، توانمندی‌های متفاوتی دارند که اگر از همان دوران نوجوانی در مسیر مشخص هدایت شوند، می‌توانند با خلق ایده‌های جدید خود، تغییر در روند تولید و بالطبع تغییر در فرآیند تکنولوژی را آسان کنند.

## ۱-۷ مراحل توسعه کارآفرینی توسط خانواده:

### ۱- مراحل نهادینه کردن «فرهنگ کارآفرینی»:

خانواده به عنوان انتقال دهنده جبهه‌ای از اصطلاحات، آئین‌ها و رفتارهای اجتماعی می‌تواند نقش

ثمربخش خود را جهت آشنایی با مفاهیمی مثل: «توفیق طلبی»، «استقلال طلبی» و «خطرپذیری» در عرصه فعالیت اقتصادی و همسازی با واقعیت‌های کاری در جامعه، به اعضاء خود ارزانی دارد.

نوع نگرش والدین به دنیای پیرامون خود و چگونگی تجسم ارزش‌های اجتماعی برای فرزندان در شکل‌گیری آینده شغلی آنها، می‌تواند راه را برای دستیابی به اقتصاد سالم هموار سازد. مثلاً چنانچه کسب موفقیت در جهت خلق ثروت و ایجاد فرصت‌های شغلی جدید به عنوان بخشی از ارزش‌های مورد نظر والدین برای فرزند به تصویر کشیده شود، نوجوان در چنین شرایطی ذهن خود را برای رسیدن به چنین موقعیتی آماده می‌سازد. در ادامه چنین فرآیند ذهنی، فرد دنبال راه‌های دستیابی به چنین موقعیتی است. او موقعیت‌های متفاوت را با هم مقایسه می‌کند؛ شبیه‌سازی ذهنی انجام می‌دهد؛ به پرس و جو می‌پردازد؛ و گاهی اوقات در نشریات، کتب، محیط مدرسه و حتی مجالس سخنرانی پرسش‌های ذهنی خود را دنبال می‌کند. آنگاه، فرد با آگاهی از ارزش کار و تلاش آماده است بخش بزرگی از خواسته‌ها، آرمانها و ارزش‌های مورد نظر خانواده خود را به محک تجربه بگذارد.

## ۲- تعیین مسیر شغلی:

فضای درون خانواده، خصوصاً رهنمودهای والدین به فرزندان، این امکان را به آنها می‌دهد تا با گسستن از عادات و معتقدات پیشین خود یا سایر افراد خانواده، رفتار جدیدی را مورد کند و کار قرار داده و خود را با نظم اجتماعی نوین هماهنگ سازند؛ به شکلی که بتوانند بر فراز خواسته‌ها و آرزوهای ذهنی خود و منطبق بر نظام‌های مدرن پرو بال بزنند و از نفوذ و سلطه اندیشه و روش‌های سنتی در رفتار آتی خود بکاهند. در ادامه چنین روندی، نقش آفرینی فرزند در درون خانواده معطوف به فرآیندهای تولید و خلق ارزش در جامعه خواهد شد. در این ارتباط، والدین با شناخت توانمندی‌های بالقوه فرزندان خود و هدایت آنها در مسیر شغلی، نقش مهمی در شناسایی و پرورش افراد خلاق و کارآفرین در جامعه ایفاء می‌کنند.

## ۳- توانمندسازی (یادگیری فن‌آوری‌های جدید):

حمایت و تشویق والدین جهت یادگیری فن‌آوری‌های جدید از جمله فن‌آوری‌های تکنولوژیکی و اطلاعاتی و معرفی مشاغلی که امکان کسب درآمد بالا را برای فرزندان فراهم می‌سازد، آنان را علاوه بر نقش آفرینی در درون خانواده، معطوف به اهداف توسعه در سطح جامعه یعنی کار مفید و بهره‌وری بالا خواهد کرد. تغییر نگرشها و رفتارهای کلیشه‌ای در مورد ایفاء نقشهای خانوادگی و اجتماعی و

تشویق فرزندان به رفتارهای مثبت اقتصادی و اجتماعی، آنان را افرادی کارآمد و هدفمند می‌پروراند. زیرا پیروی از کلیشه‌های سنتی و تکراری در عرصه کار و فعالیت، هم به خانواده و هم به جامعه صدمات جبران ناپذیری وارد می‌سازد. به همین دلیل؛ گذر از این مرحله، تاثیرپذیری فرد از تغییرات جدید و پذیرش مسئولیت خطیر اجتماعی به منظور ایجاد کسب و کار جدید و دسترسی به موقعیت‌های بهتر و جدیدتر، از فرد یک انسان مستقل و توانمند می‌سازد که در عرصه‌های گوناگون زندگی ضمن پذیرش نقش‌های متفاوت می‌تواند مفید واقع شود.

#### ۴- راه‌اندازی و اداره کسب و کار اقتصادی:

در این مرحله، فرد با ارزیابی مشاغل متناسب با خواسته‌های خود و خانواده، به خلق ایده در زمینه کار و فعالیت می‌پردازد؛ چارچوب فکری خود را در قالب طرح کسب و کار به جامعه عرضه می‌کند؛ سپس، با مدیریت خود فعالیت اقتصادی را آغاز می‌کند. در این مرحله، والدین با استفاده از تجارب خود می‌توانند فرزندان را جهت اداره کسب و کار یاری کنند. هر چند ممکن است این نیاز صرفاً متوجه حمایت‌های مالی آنها نباشد. با ادامه حمایت خانواده و تقویت روحیه کارآفرینی در فرزندان به منظور راه‌اندازی و مدیریت کسب و کار اقتصادی توسط آنان، نتایج ذیل متوجه جامعه خواهد شد:

- ایجاد و توسعه اشتغال در بخش‌های اقتصادی کشور و به تبع آن استقلال اقتصادی خانواده‌ها
- دگرگونی در روند تولید با استفاده از تکنولوژی پیشرفته و بدنبال آن تغییر در فرهنگ مصرف
- تنوع شغلی و ایجاد رقابت گسترده در بازارهای اقتصادی
- بسط و توسعه صادرات با اتکاء به منابع موجود در کشور
- کاهش نرخ بیکاری و تورم و بدنبال آن کاهش آسیب‌های اجتماعی در جامعه

#### ۱-۸ کارآفرینی زنان:

در جامعه امروز، زنان نقش مهم و در حال گسترشی در زمینه کسب و کار دارند. در سال‌های اخیر، سهم زنان در کسب و کارهای خصوصی به اندازه کارهای دولتی روند رو به رشدی را طی کرده است. مثلاً در آمریکا، از سال ۱۹۹۰ تا سال ۱۹۹۸، کارهایی که توسط زنان اداره می‌شود افزایش چشمگیری داشته است ۹/۱ میلیون کار اداره شده توسط زنان در آمریکا ۲۷/۵ میلیون نفر را بکار گرفته است و ۳/۶ تریلیون دلار در اقتصاد آمریکا مشارکت دارد. با این وجود زنان با موانع خاصی در کسب و کار مواجه می‌شوند که بتدریج باید بر آنها غلبه کنند.



از اوایل قرن حاضر جهان با یک پدیده اجتماعی اقتصادی به نام مشارکت اقتصادی زنان در مشاغل خارج از خانه روبه رو شده است. وضعیت اشتغال زنان در ایران مشابه با کشورهای در حال توسعه، در وضعیت مطلوبی نیست، همواره زنان فرصت‌های شغلی کمتری دارند و غالباً در بخش غیررسمی با اندک دستمزد مشغول بکارند. در واقع می‌توان گفت، طبق آمار ۱۳۷۵، تنها ۱۲/۱٪ زنان ده ساله و بیشتر کشور از نظر اقتصادی فعالند که بیشترین فعالیت را در بخش خدمات (۴۵/۸٪) و حدود ۱۶/۷٪ در بخش صنعت در گروه صنعت (ساخت)، اشتغال دارند. حدود ۷۱٪ شاغلان بخش خدمات در گروه‌های آموزشی، بهداشت و مددکاری مشارکت دارند. بیشترین شاغلان زن در گروه حقوق بگیران قرار دارند (۶۰٪) و تنها ۰/۹٪ شاغلان کارفرما هستند. زنان شاغل بیشتر در نقاط شهری (۵۶٪) سکونت دارند و در گروه سنی ۲۹-۲۵ سال هستند و پس از آن گروه عمده‌ای مشغول ازدواج و پرورش فرزند و بطور کل امور خانواده می‌شوند. با توجه به اینکه نرخ فعالیت ایران نسبت به کشورهای دیگر بسیار پایین است: (۴۳/۶٪). این امر در مورد زنان (۱۵٪) و در مورد فعالیت مردان (۷۱٪) است. نرخ بیکاری جمعیت نیز روزبه روز فزونی می‌گیرد بطوریکه حدود ۲۶/۱٪ جمعیت زنان فعال مناطق شهری بیکارند. نرخ بیکاری زنان تحصیل کرده خصوصاً در سال‌های اخیر مرتباً رو به افزایش است. لذا تلاش جهت بهبود وضعیت فعلی و رهایی از مشکلات و موانع مسئولیتی جمعی است. متأسفانه تحقیقات و پژوهش‌های داخلی در زمینه کارآفرینی زنان، به دلیل نوپایی مبحث بسیار محدود است و از آنجا که حتی اشتغال زنان در ایران همواره با مسائلی مواجه بوده، طبیعتاً کارآفرینی زنان با مسائل فزاینده‌ای روبه رو است. فرایند کارآفرینی زنان را می‌توان از ابعاد متنوعی بررسی کرد و آن را متأثر از مجموعه عوامل فردی، محیطی و سازمانی دانست.

### در بعد فردی:

بیشتر انگیزه‌ها، ویژگی‌های شخصیتی و ویژگی‌های جمعیت شناختی مدنظر است می‌توان گفت میان توانایی‌های شخصیتی از قبیل اعتماد بنفس و پنداشت از خود، بر اشتغال زنان رابطه متقابل وجود دارد، بطوریکه پنداشت از خود و اعتماد بنفس بالا تأثیر مستقیم بر اشتغال زنان و موقعیت شغلی آنان دارد. بنابر اطلاعات جمعیت شناختی، هر چه نرخ باروری به دلیل جوانی جمعیت افزایش می‌یابد، با نزول اشتغال زنان مواجه هستیم؛ همچنین میان تعداد فرزند و اشتغال رابطه معکوس وجود دارد، بطوریکه تنها ۲۳/۸٪ از زنان دارای سه فرزند یا بیشتر در مقابل ۵۷/۷٪ زنان با ۱ یا ۲ فرزند به فعالیت شغلی می‌پردازند. وضعیت تأهل نیز بی‌تأثیر در موضوع نیست، بطوریکه زنان مجرد از آزادی عمل

بیشتری برای اشتغال و فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی نسبت به متأهلین برخوردارند. تحصیلات نیز عامل قابل توجهی است، طبق آمارهای رسمی (۷۵) ۷۴/۲٪ زنان کشور باسواد هستند و درصد قابل ملاحظه‌ای از جمعیت دانشجویی را زنان تشکیل می‌دهند. با وجود این، سهم زنان شاغل با تحصیلات عالی نسبت به کل اشتغال زنان و همچنین درصد مدیران زن با تحصیلات عالی بسیار محدودتر از مدیران زن بدون تحصیلات عالی است. به صراحت می‌توان گفت که عوامل محیطی نقش بسیار مهمی را نسبت به عوامل فردی عهده‌دار است، چرا که ویژگی‌های شخصیتی و توانمندی‌های روانی بسیار متأثر از عوامل محیطی است. وضعیت اجتماعی، فرهنگی، حقوقی، دینی، سیاسی و اقتصادی جامعه مطمئناً نقش بسزایی را در تقویت یا تضعیف فعالیت‌ها در امور متفاوت دارد. در حوزه اشتغال زنان و فراتر از آن خود اشتغالی آنها، موانع محیطی بسیاری را می‌توان برشمرد:

### در بعد اجتماعی:

هنجارهای رایج در زمینه تقسیم کار، وجود نوعی مرزبندی طبیعی میان کار زنان (خانه‌داری) و مردان (امور بیرون منزل)، مسئله تعدد نقش زنان بطوریکه انتظار انجام مسئولیت‌های متفاوت زنان در قالب همسر، مادر، خانه‌دار، شاغل... آنها را دچار تنش و نوعی تضاد نقش و فشارهای ناشی از آن می‌کند. ناامنی‌های اجتماعی که امکان حضور فعال زنان در جامعه، که لازمه‌اش سفرهای بین شهری، اقامت در هتل‌ها و اماکن سالم است را با مشکل مواجه کرده است. با مرور شرایط اجتماعی حاکم بر سه دهه اخیر. متوجه می‌شویم که ایدئولوژی حاکم در سال‌های اولیه پس از انقلاب بیشترین لطمه را بر مشارکت زنان وارد کرده است که تعطیلی مهدکودک‌های دولتی و مراکز تنظیم خانواده، بازنشستگی زودرس زنان، تعریف شغل‌های مشابه نقش مادری برای زنان، از آن جمله است.

### در بعد فرهنگی:

فرهنگ اقتدارگرا و مردسالار همواره رواج دهنده باورهای سنتی و کلیشه‌های جنسیتی بوده و از ابتدا، تربیت و اجتماعی شدن دختران، در نظر گرفتن خویش به عنوان جنس دوم و تضعیف اعتماد بنفس و تعمیق حس حقارت و خود کم‌بینی توانایی‌های خویش را در پی داشته است. همچنین کمبود آگاهی زنان در ابعاد حقوق فردی، خانوادگی و اجتماعی، حرفه‌ای و عدم شرکت در تشکل‌های صنعتی حرفه‌ای و فعالیت‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، به استمرار ساخت نابرابر کمک می‌رساند. بدلیل نگاه جنسیتی، فرصت‌های اجتماعی و شغلی کمتر بطور برابر با توجه به شایستگی‌ها به افراد، فارغ از

جنسیتشان اعطا گشته است، همواره شاهد تبعیض‌های جنسیتی در اشتغال هستیم.

## در بعد اقتصادی:

در حالیکه زنان در آسیا بطور متوسط ۱۳-۱۲ ساعت بیش از مردان کار می‌کنند، بدلیل بدون مزد بودن کار خانگی همچنان در سطح نازل درآمدی قرار می‌گیرند. ارتقاء مقام‌ها تنها بر اساس شایستگی‌ها صورت نمی‌پذیرد. بطوریکه بین سال‌های ۶۵-۵۵ از کل مردان شاغل تنها ۶٪ تحصیلات عالی داشته‌اند. در حالیکه ۱۸٪ زنان شاغل، تحصیلات عالی داشته‌اند و جای شگفتی است که از کل زنان تحصیلکرده عالی تنها ۵٪ به سمت‌های بالای اداری و مدیریتی رسیده‌اند. (آمار ۱۳۸۱) تبعیض‌های جنسیتی در نوع آموزش: شامل مواد درسی، نقش زنان در کتاب‌های درسی، رسانه‌ها که بیشتر تقویت کننده دید سنتی نسبت به زن است. همچنین محدودیت‌های آموزش در نظام آموزش عالی برای زنان مانند انحصار برخی رشته‌ها برای مردان، محدودیت اعزام به خارج کشور برای ادامه تحصیل و کمبود امکانات (خوابگاه) برای دختران، همگی از موانع مشارکت زنان است. باورهای فقهی دینی نیز بی‌تأثیر در این مسئله نیست، احکام موجود در زمینه ارث، نفقه، اجازه خروج از کشور در بعد اقتصادی و احکامی چون شهادت، دیه، قضاوت، طلاق، حق حضانت در بعد خانوادگی اجتماعی بی‌شک تأثیر منفی در پیشرفت و شکوفایی همه جانبه زنان دارد که می‌توان با استنباط‌های متناسب شرایط زمانی و مکانی موانع را برطرف کرد.

## ۱-۹ پیگیری فرصت‌های کارآفرینی از طریق مدل کسب و کار

فرصت به عنوان یک موقعیت ممکن و مطلوب آینده پدیدار شده است. پیشنهاد می‌کنیم فرصت‌یابی و ماهیت یک پروژه از طریق تحلیلی باشد. مفهوم سازی، یک مفهوم جدید نامیده شده و تعریف شده از "پروژه فرصت" را چارچوب‌بندی می‌کنیم که به عنوان یک مفهوم منحصر به فرد، موقت و قضاوتی توصیف می‌شود. دگرگونی مدل‌های کسب و کار، با هدف تبدیل فرصت‌ها از حالت امکان به وضعیت ارائه تغییرات سودمند. را دیدگاه پیشنهاد شده در این مقاله، ادبیات را با (۱) ارائه یک دیدگاه جدید پروژه محور که قادر به روشن کردن موضوع اساسی است، گسترش می‌دهد. و مکانیسم‌های صریح فعال شده در طول تعقیب کارآفرینانه فرصت‌ها، (۲) تبدیل مدل کسب و کار را به‌عنوان یک امر مهم مطرح می‌کند. بعد چنین دیدگاهی و (۳) پیشنهاد یک چرخه چهار مرحله‌ای با هدف همسویی قضاوتی و انطباق استراتژی و اجرا با انجام این کار، این مقاله حرکت مداوم مدیریت پروژه را از یک رشته

عملیاتی به سمت سازمان و استراتژی تأیید می‌کند. زمینه‌ها را بررسی می‌کند و به دو جامعه مجزا از پژوهشگران کارآفرینی و مدیریت پروژه تاکنون، یک جریان مشترک مورد علاقه را پیشنهاد می‌کند. امکان‌پذیر است و پتانسیل افشای دانش و حمایت از اقدامات کارآفرینانه را در عمل دارد.

معرفی حوزه کارآفرینی همچنان در حال ظهور است (شین، ۲۰۱۲؛ کوراتکو و همکاران، ۲۰۱۵) و بحث کردند (آلوارز و بارنی، ۲۰۰۷؛ دیموف، ۲۰۱۱؛ دیویدسون، ۲۰۱۵) با عدم اجماع در مورد ابعاد و معنای اساسی آن (هانسن و همکاران، ۲۰۰۹؛ شین، ۲۰۱۲). کارآفرینی به عنوان یکنظم و انضباط کسب و کار با «قرض گرفتن، ساختن و انطباق کار نظری و مفهومی» از سایر رشته‌ها و می‌باشد بین رشته‌ای (Ku-ratko et al., 2015, p.1) بنابراین پایه‌های چشم‌انداز ما در اینجا، در تقاطع بین فرصت‌های کارآفرینی و مدیریت پروژه جریان‌های تحقیق ما مفهوم کارآفرینی را با "the تلاش برای ایجاد تغییر هدفمند و متمرکز در یک شرکت پتانسیل اقتصادی یا اجتماعی" (Drucker, 1985b, p.1)، تصویب شده توسط افراد یا تیم‌ها هنگام راه‌اندازی شرکت‌های جدیدی در داخل سازمان‌های تأسیس شده (شین و ونکاتارامن، ۲۰۰۰؛ مک مولن و همکاران، ۲۰۰۷) «سازماندهی تلاش‌هایی که قبلاً انجام شده بود وجود نداشت» (شین، ۲۰۰۳، ص ۴). ما بر روی شین و Venkataraman (2000, p.218) که مدعی کارآفرینی است با محوریت «چگونه، توسط چه کسی و با چه تأثیراتی فرصت‌ها برای ایجاد کالاها و خدمات آینده کشف، ارزیابی و مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرند» با «ریسک نزولی»، زیرا زمان، تلاش و پول باید قبل از توزیع سرمایه‌گذاری شود.

۱-۹-۱ چشم‌انداز پروژه از پیگیری فرصت ما معتقدیم که تأکید بر چگونگی (وسایل، فرآیندها، کیفیت)، چه کسی (منابع و سازمان)، اثرات (دامنه و تغییرات ذاتی)، پول (هزینه)، ریسک، زمان و تلاش بی‌سابقه زیربنای کاربرد دیدگاه پروژه است. که ما انتظار داریم به نتیجه‌ای قادر به ارائه درجه بالاتری از درک مکانیسم‌های اساسی و صریح در طول تعقیب کارآفرینی فرصت‌ها فعال می‌شود. ما معتقدیم که چشم‌انداز پروژه پتانسیلی برای محققان دارد و تمرین‌کنندگان برای روشن کردن پویایی استفاده از فرصت‌ها که هنوز از نظر مفهومی تعریف نشده و از نظر تجربی گریزان هستند (شورت و همکاران، ۲۰۱۰؛ دیموف، ۲۰۱۱)، و همچنین برای توصیف چگونگی فرصت‌یابی فرمول‌بندی، ارزیابی و اداره می‌شود زمان به عنوان یک توسعه منحصر به فرد با هدف ارائه سودمند است تغییر دادن. کار در تقاطع بین زمینه‌های کارآفرینی و سازماندهی پروژه، هدف این مقاله است ارائه یک دیدگاه ثابت که قادر به تأیید جریان جاری است حرکت مدیریت پروژه از عملیاتی نظم و انضباط نسبت به حوزه‌های

سازمانی و استراتژی و همچنین سبقت گرفتن از دیدگاه‌های منزوی پیشنهاد شده توسط مطالعات قبلی و نمونه تحقیقات کارآفرینی (ونکاتارامن، ۱۹۹۷؛ شین و ونکاتارامن، ۲۰۰۰؛ آلوارز و بوسنیتز، ۲۰۰۱) به این ترتیب دو جامعه پژوهشگران از هم جدا شده‌اند (کورا و همکاران، ۲۰۱۴). همچنین، ما انتظار داریم که این کار می‌تواند ارائه دهد. راهنمایی برای تدوین، ارزیابی و مدیریت فرصت‌یابی در عمل، از تصمیمات مدیریتی در این دوره حمایت می‌کند مراحل استراتژی و اجراه طور خاص، ما علاقه‌مند به ایجاد یک تحلیلی هستیم چارچوبی برای پیگیری فرصت با استفاده از یک پروژه چشم انداز برای نشان دادن چگونگی عناصر معمول پروژه‌ها - موقتی بودن، منحصر به فرد بودن و تغییر سودمند - می‌تواند به درستی ماهیت مبتنی بر عمل و قضاوت فرصت را توصیف کنید اجرا اما در عوض در ادبیات موجود مورد بررسی قرار نگرفته است. ما در ابتدا به ساختار مدل کسب و کار خواهیم پرداخت منطق اساسی در تقاطع استراتژی و اجرا که ارزش منحصر به فرد ارائه شده و چگونگی یک سازمان را توصیف می‌کند پیکربندی خواهد کرد تا آن را با سود پایدار ارائه کند (ایزنمن، ۲۰۱۲) و عناصر آن را با توابع پروژه برای استنباط مقایسه کنید ابعاد پروژه‌های مرتبط با فرصت ما پس از آن پیشرفتی که توسعه پویا و تحول آفرین این گونه پروژه‌ها را بر اساس نظریه چرخه‌های مرحله پروژه به تصویر می‌کشد (ترنر، ۲۰۱۴). بنابراین اهداف تحقیق را می‌توان در موارد خلاصه کرد و سوال اصلی تحقیق عبارتند از:

(۱) آیا می‌توان به دنبال فرصت‌ها در چارچوب پروژه‌ها توصیف می‌شوند؟

(۲) نقش مدل کسب و کار در تدوین چیست؟

۱-۹-۲ بررسی ادبیات این بخش ادبیات در مورد

(۱) فرصت‌ها رادر تحقیقات کارآفرینی، به منظور شناسایی زودتر دیدگاه‌ها و عوامل زمینه‌ساز آنها

را مرور می‌کند

(۲) ماهیت فرصت‌ها

(۳) جهت‌گیری پروژه، برای ارائه با چشم انداز تحقیقات تثبیت شده،

(۴) تحقیقات قبلی در تقاطع بین فرصت‌های کارآفرینی و پروژه جهت‌گیری، برای روشن کردن

شکاف‌های نظری و فضا برای پیشرفت

(۵) نقش مدل کسب و کار در تعقیب فرصت و ابعاد مرتبط

## ۱-۱۰ فرصت‌ها به عنوان تمرکز کارآفرینی

فرصت‌ها قانونی برای کارآفرینی هستند (شین، ۲۰۰۰؛ ونکاتارامان و همکاران، ۲۰۱۲؛ شین، ۲۰۱۲؛ آلوارز و بارنی ۲۰۱۳، تا حدی که ادعا می‌شود کارآفرینی فرآیندی که طی آن افراد - چه به تنهایی و چه در داخل سازمان‌ها - فرصت‌ها را دنبال کنید» استیونسون و جریلو، ۱۹۹۰، ص ۲۳، Shane and Venkataraman (2000, p.218) بحث کردند.

کارآفرینی یک رفتار مبتنی بر فرصت است و این عمل کارآفرینی اساساً حول محور «چگونه، توسط چه کسانی و با چه تأثیراتی فرصت‌هایی برای ایجاد آینده دارند کالاها و خدمات کشف، ارزیابی و بهره‌برداری می‌شوند. به روشی مشابه، تیمونز و اسپینلی (۲۰۰۴، ص ۱۰۱) کارآفرینی پیشنهادی «یک روش تفکر، استدلال استو بازیگری که وسواس فرصت دارد. (Casson (2000, p.2) خاطر نشان کرد: کارآفرین کسی است که در آن تخصص دارد.

شناسایی فرصت‌های جدید برای هماهنگی» و Short و همکاران (2010، p.40) مدعی شد: «بدون فرصت، وجود ندارد. کارآفرینی. یک کارآفرین بالقوه می‌تواند فوق‌العاده خلاق و سخت‌کوش، اما بدون فرصتی برای هدف‌گذاری باشد.

با این ویژگی‌ها، فعالیت‌های کارآفرینی نمی‌تواند انجام شود محل فرصت‌های کارآفرینی زمانی مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرند مطابقت با نیازهای دوگانه فردی، که پاسخگویی به دو آزمون است همانطور که استیونسون و گامپرت (۱۹۸۵) پیشنهاد کردند:

- ۱) نشان دهنده وضعیت مطلوب آینده و شامل رشد یا حداقل تغییر،
- ۲) باور یک فرد حالت جدید در دسترس آن وقت است که یک فرصت است در نظر گرفته می‌شود که «وضعیت آینده‌ای است که مطلوب تلقی می‌شود امکان پذیر» (Stevenson and Jarillo, 1990, p.23). این مرکزیت رابطه فرد-فرصت را تایید می‌کند ونکاتارامان، ۱۹۹۷؛ شین و ونکاتارامان، ۲۰۰۰؛ اکهارت و شین، ۲۰۰۳ الف)، همانطور که حضور آن را مرتبط می‌کند فرصت‌های سودآور و افراد مبتکر آماده است عمل کردن این آمادگی سخت‌افزاری است - دسترسی به محسوس منابع - و نرم‌افزار، از آنجایی که افراد خواسته‌های متفاوتی دارند، آنها خود را با قابلیت‌های مختلف و توانایی‌ها به مهارت‌های ذاتی، آموزش و محیط رقابتی بستگی دارد (استیونسون و جریلو، ۱۹۹۰). فرصت‌ها همچنین به عنوان ساختارهای اجتماعی که وجود ندارند پیکربندی شوند مستقل از ادراک کارآفرین (آلوارز و بارنی، ۲۰۰۷) و تخیل (کلین، ۲۰۰۸) و آنها هستند در هم تنیده با باورهای فردی (مک مولن

و شپرد، ۲۰۰۶؛ شپرد و همکاران، ۲۰۰۷) و قضاوت (هبرت و لینک، ۱۹۸۹؛ کالین، ۲۰۰۸، ۲۰۱۶).

## نتیجه گیری:

کارآفرینی، کانون و مرکز ثقل کار و تلاش و پیشرفت در عصر مدرنیته تلقی می‌شود. ما بدون توجه کافی به مقوله «توسعه فرهنگ کارآفرینی» نمی‌توانیم به شاخص‌های رشد و توسعه که از طریق تغییر در روند تولید، بهره‌وری و توان‌افزایی فنی و صنعتی در عرصه اقتصاد حاصل می‌شود، دست‌یابیم. در گذر از مرحله سنتی به صنعتی باید به توانمندی‌ها و قابلیت‌های فردی کارآفرینان در بهره‌گیری از منابع طبیعی و بکارگیری تکنولوژی مدرن اهتمام ویژه‌ای قائل شویم. زیرا، آنها با بکارگیری روش‌های جدید در بازار، خود را برای استفاده بهینه از ابزار و دستیابی به کیفیت مطلوب کالا و خدمات آماده می‌سازند. کارآفرینی، فرآیندی اکتسابی است و خانواده در شکل‌گیری این فرآیند نقش اساسی را ایفاء می‌کند. زیرا، خانواده می‌تواند عنصر پویایی و تحرک را به ژرفای وجود افراد تحت نفوذ و وابسته به خود تزریق کند به شکلی که «فرد» و «جامعه» در محیطی هماهنگ به تعامل بپردازند و قالب‌های اجتماعی نوآورانه شکل گیرد. نقش و اهمیت خانواده به عنوان کانون اندیشه نوگرایی، در ایجاد روحیه خلاقیت و نوآوری در افراد، گسترش روحیه کارآفرینی و توسعه کسب و کار جدید در جامعه، انکارناپذیر است، به طوری که در زمینه فعالیت اقتصادی، خانواده می‌تواند اندیشه افراد تحت نفوذ خود را به سمت و سویی سوق دهد که آنها را از مشکلات پیش‌رو از جمله؛ بیکاری، فقر، اعتیاد، فساد و... برهاند و آنها را در مسیرهای شغلی که مولد سرمایه و فرصت‌های جدید است، هدایت نماید. زیرا، خانواده علاوه بر نقش تولید نسل و پرورش ابعاد عاطفی و اخلاقی فرزندان، به عنوان کانونی برای رشد و پرورش اندیشه خودباوری، اعتماد به نفس و خودشکوفایی در فرزندان، نقش بسیار مؤثری در راه‌اندازی کسب و کار اقتصادی و توسعه فعالیت‌های شغلی در جامعه خواهد داشت.

این مطالعه درک جدیدی از کارآفرینی ارائه می‌دهد پیگیری فرصت از طریق استفاده از دیدگاه پروژه به مکانیسم‌هایی را که به محض فرصتی فعال می‌شوند، روشن کنید به عنوان یک وضعیت ممکن و مطلوب آینده پدیدار شد. از طریق مفهوم سازی تحلیلی، ابتدا به تعریف جدید پرداخته‌ایم مفهوم "پروژه فرصت" در ماهیت آن عبارت است از الف تلاش منحصر به فرد و موقتی که به سمت تغییرات سودمند هدایت می‌شود و سپس ما رابطه بین فرصت را به عنوان یک ترسیم کرده‌ایم امکان و تصویب آن با استفاده از چارچوبی مبتنی بر چهار مرحله رشد هسته اصلی چنین مراحل تجارت است تغییر مدل،

تحت تأثیر انطباق و همسویی اجرا و استراتژی از طریق قضاوت. ما بحث می‌کنیم که چشم انداز پروژه قادر است نور جدیدی به آن بتابد کمک به بحث‌های جاری در مورد ماهیت و ابعاد فرصت‌ها، زیرا توصیفی جامع از آن ارائه می‌کند پدیده‌های کارآفرینی با محاسبه وابستگی، توانایی متغیر و عدم قطعیت عوامل محسوس و ناملموس نمونه پروژه‌ها (ترنر و مولر، ۲۰۰۳؛ مولر و ترنر، ۲۰۰۷؛ ترنر، ۲۰۱۴). همچنین انتظار ما از مدیریت پیامدهای استدلال ممکن است برای ارزیابی، نظارت و نظارت بر پیگیری فرصت‌ها حمایت‌کننده باشد.

تحقیقات بیشتر گزاره‌ها، تعریف و توصیف کلی مفهوم پروژه فرصت در این مقاله معرفی شده است پایه‌هایی برای تحقیقات بیشتر به صورت تحلیلی فراهم کند و به طور تجربی یافته‌ها را آزمایش کنید و در جستجوی الف مشارکت کنید درک غنی‌تر، قوی‌تر، و همچنین برای توسعه راهنمایی برای تمرین کنندگان به ویژه این موضوع را دنبال می‌کنیم تحقیق و برنامه‌ریزی برای نوشتن مقالات برای کشف ارتباط آن در مقایسه با سایر دیدگاه‌های تئوریک تثبیت شده و در تمرین، به منظور ترکیب مفاهیم استراتژیک نظریه‌های مدیریت، رفتاری و سازمانی، پنج موضوعات اصلی برای تحقیقات بیشتر می‌تواند پیشنهاد شود:

- ۱) مقایسه مفهوم سازی پیشنهادی با چارچوب قابلیت‌های پویا (Teece et al., 1997; Teece, 2007)
- ۲) تحقیق عناصر پروژه فرصت همسویی و اقتباس تحت لنز نظری دو سوختگی (گیسون و برکینشاو، ۲۰۰۴؛ اوربلی و توشمن، ۲۰۱۳)، به سمت دیدگاه یکپارچه از تنش‌ها و مبادلات مرتبط (مارس، ۱۹۹۱؛ Raisch و همکاران، ۲۰۰۹) در محیط کارآفرینی.
- ۳) تحقیق در مورد تعامل استراتژی و اجرا، آنها عناصر متمایز و تداعی‌کننده (مارتین، ۲۰۱۵، ۲۰۱۶)
- ۴) تحقیق در مورد چگونگی مراحل پروژه فرصت، رفتارهای مرتبط و حکمرانی را می‌توان به صورت تجربی به صورت چندگانه توصیف کرد و زمینه‌های متنوع، یعنی در معنای عملی و تأثیرات تحولات مدل کسب و کار؛
- ۵) تحقیق در مورد معیارهای موفقیت - در میان دیگران، تحت ارزش پیشنهادی یا «کار باید انجام شود» (کریستنسن و همکاران، ۲۰۰۷؛ کریستنسن و همکاران، 2016a, 2016b) و گزینه واقعی مالی (McGrath, ۱۹۹۹؛ بومن و مسکوویتز، ۲۰۰۱؛ مامان، ۲۰۰۹) دیدگاه‌ها - به شناسایی و دسته‌بندی رویکردهای موفق برای مدیریت پروژه‌های فرصت در عمل.



- 1- Adler, P., Goldoftas, B., Levine, D., 1999. Flexibility versus efficiency? A case study of model changeovers in the Toyota production system. *Organ. Sci.* 10 (1), 43–68.
- 2- Adner, R., Levinthal, D., 2004. What is not a real option: identifying boundaries for the application of real option to business strategy. *Acad. Manag. Rev.* 29 (1), 74–85.
- 3- Afuah, A., Tucci, C.L., 2001. *Internet Business Models and Strategies: text and cases.* McGraw-Hill, New York.
- 4- Alvarez, S.A., Barney, J.B., 2005. How entrepreneurs organize firms under conditions of uncertainty. *J. Manag.* 31 (5), 776–793.
- 5- Alvarez, S.A., Barney, J.B., 2006. Discovery and creation: alternative theories of entrepreneurial action. *Strateg. Entrep. J.* 1 (1–2), 11–26.
- 6- Alvarez, S.A., Barney, J.B., 2007. The entrepreneurial theory of the firm. *J. Manag. Stud.* 44 (7), 1057–1063.
- 7- Alvarez, S.A., Barney, J.B., 2013. Epistemology, opportunities, and entrepreneurship: comments on Venkataraman et al. (2012) and Shane (2012). *Acad. Manag. Rev.* 38 (1), 154–166.
- 8- Alvarez, S.A., Busenitz, L.W., 2001. The entrepreneurship of resource-based theory. *J. Manag.* 27, 755–775.
- 9- Amit, R., Zott, C., 2010. Business Model Innovation: creating value in times of change, Working Paper, WP-870. IESE Business School.
- 10- Anbari, F.T., 1985. A systems approach to project evaluation. *Proj. Manag. J.* 16 (3), 21–26.
- 11- Anbari, F.T., Carayannis, E.G., Voetsch, R.J., 2008. Post project reviews as a key project management competence, *Technovation: The international Journal of Technological Innovation.* Entrepreneurship Technol. Manag. 28 (10), 633–643.
- 13- Ardichvili, A., Cardozo, R., Ray, S., 2003. A theory of entrepreneurial opportunity identification and development. *J. Bus. Ventur.* 18, 105–123.
- 14- Arto, K.A., Lehtonen, J., Saranene, J., 2001. Managing projects front-end: incorporating a strategy early view to project management with simulation. *Int. J. Proj. Manag.* 19, 255–264.

- 15- Artto, K.A., Kujala, J., Dietrich, P., Martinsuo, M., 2008. What is project strategy? *Int. J. Proj. Manag.* 26, 4–12.
- 16- Aspara, J., Lamberg, J., Laukia, A., Tikkanen, H., 2013. Corporate business model transformation and interorganizational cognition: the case of Nokia. *Long Range Plan.* 46, 459–474.
- 17- Bakker, R.M., DeFilippi, R.J., Schwab, A., Sydow, J., 2016. Temporary organizing: promises, processes, problems. *Organ. Stud.* 37 (12), 1703–1719.
- 18- Barney, J., Wright, M., Ketchen, D.J., 2001. The resource-based view of the firm: ten years after 1991. *J. Manag.* 27, 625–641.
- 19- Bhide, A., 1996. The questions every entrepreneur must answer. *Harv. Bus. Rev.* 74 (6), 120–130.
- 20- Bowman, E.H., Moskowitz, G.T., 2001. Real options analysis and strategic decision making. *Organ. Sci.* 12 (6), 772–777.
- 21- Casson, M.C., 2000. An entrepreneurial theory of the firm. In: Foss, N.J., Mahnke, V. (Eds.), *Competence, Governance and Entrepreneurship: Advances in Economic Strategy Research*. Oxford University Press, pp. 116–145.
- 22- Casson, M.C., 2005. Entrepreneurship and the theory of the firm. *J. Econ. Behav. Organ.* 58, 327–348.
- 23- Casson, M.C., 2010. *Entrepreneurship, Theory, Networks, History*. Edward Elgar Publishing Ltd, Cheltenham.
- 24- Casson, M.C., Wadeson, N., 2007. The discovery of opportunities: extending the economic theory of the entrepreneur. *Small Bus. Econ.* 28, 285–300.
- 25- Christensen, C.M., 2010. Integrating Around the Job to be Done. Harvard Business School Module note, N9-611-004.
- 26- Christensen, C.M., Anthony, S.D., Berstell, G., Nitterhouse, D., 2007. Finding the right job for your product. *Sloan Manag. Rev.* 48 (3), 38–47.
- 27- Christensen, C.M., Bartman, T., van Bever, D., 2016a. The hard truth about business model innovation. *MIT Sloan Manag. Rev.* 58 (1), 31–40.
- 28- Christensen, C.M., Hall, T., Dillon, K., Duncan, D.S., 2016b. Know your customers’ “jobs to be done”. *Harv. Bus. Rev.* 94 (9), 54–62.
- 26- Cooke-Davies, T., Crawford, L.H., Lechler, T.G., 2009. Project management systems: moving project management from an operational to a strategic discipline. *Proj. Manag. J.* 40 (1), 110–123.
- 30- Dane, E., Pratt, M., 2007. Exploring intuition and its role in managerial decision-making. *Acad. Manag. Rev.* 32 (1), 33–54.

- 31- Davidsson, P., 2015. Entrepreneurial opportunities and the entrepreneurship nexus: a re-conceptualization. *J. Bus. Ventur.* 30 (5), 674–695.
- 32- Demsetz, H., 1983. The neglect of the entrepreneur. In: Ronan, J. (Ed.), *Entrepreneurship*. Lexington Books, Lexington.
- 33- Dess, G.G., Beard, D.W., 1984. Dimensions of organizational task environments. *Adm. Sci. Q.* 29 (1), 52–73.
- 34- Dimov, D.P., 2007. Beyond the single-person, single-insight attribution in understanding entrepreneurial opportunities. *Entrepreneurship Theor. Pract.* 31, 713–731

۳۵- احمد پورداریانی، محمود و دیگران ۱۳۷۸. پروژه بررسی تجارت موفق، سیاست‌ها و برنامه‌ها و اقدامات ده کشور جهان در زمینه توسعه و ترویج کارآفرینی، بیجا.

۳۶- احمد پورداریانی، محمود ۱۳۷۹. کارآفرینی، تعاریف، نظریات و الگوها، تهران: نشر پردیس.

۳۷- آراستی، زهرا ۱۳۸۵ «توسعه کارآفرینی زنان و دختران دانشگاهی»

۳۸- شاهحسینی، علی، کارآفرینی، تهران، انتشارات آبیژ، چاپ اول، زمستان ۱۳۸۶

۳۸- میرغفوری، سید حبیب‌الله و حسین صیادی تورانلو و سعیده فهیمی هنزایی ۱۳۸۶. شناسایی و رتبه‌بندی موانع مؤثر بر فعالیت‌های کارآفرینی زنان با استفاده از تکنیک‌های MCDM: زنان کارآفرین استان یزد»، *مجله مطالعات زنان*، سال اول، شماره ۲، صص ۳۳-۶۱



# پیامدهای به کارگیری رویکرد مدیریت مالی عمومی نوین

محمد حسن نژاد

## چکیده

**هدف:** مدیریت مالی عمومی نوین شامل مجموعه اصلاحاتی در سیستم‌ها، رویه‌ها و قوانین حسابداری، گزارشگری مالی، بودجه‌ریزی، حسابرسی و کنترل داخلی به منظور استفاده مؤثر و کارا از منابع مالی، ارتقای شفافیت و پاسخگویی در بخش عمومی است. هدف اصلی این پژوهش، بررسی پیامدهای به کارگیری رویکرد مدیریت مالی نوین و ارزیابی وضعیت موجود شاخص‌های آن در بخش عمومی کشور است.

**روش:** پژوهش حاضر از نوع پیمایشی است و داده‌های آن بر مبنای پرسش‌نامه محقق ساخته‌ای در قالب ۶ بخش که در ۴۰ گویه تدوین شده و از طیف پنج گزینه‌ای لیکرت تبعیت می‌کند، جمع‌آوری شده است. نمونه آماری شامل ۱۹۲ نفر از متخصصان و کارشناسان این حوزه در اداره‌های امور مالیاتی، دیوان محاسبات و حساب‌رسان دستگاه‌های دولتی است که از طریق نمونه‌گیری قضاوتی انتخاب شدند. به منظور انجام تحلیل‌های آماری از آزمون‌های علامت زوج نمونه‌ای و فریدمن استفاده شد.

**یافته‌ها:** نتایج آزمون‌های آماری نشان می‌دهد اجرای منسجم اصلاحات مدیریت مالی نوین در بخش عمومی کشور می‌تواند به ارتقای شفافیت، توان پاسخگویی، بهره‌وری، بهبود کیفیت و ارزیابی و نظارت و همچنین کاهش برخی چالش‌ها در مقایسه با وضعیت فعلی آنها منجر شود.

نتیجه‌گیری: به کارگیری رویکرد مدیریت مالی عمومی نوین متناسب با ویژگی‌های محیطی کشور می‌تواند سبب یکپارچگی سیستم‌های اطلاعاتی، واقع‌بینانه‌تر شدن صورت‌های مالی و سهولت تصمیم‌گیری اعتباردهندگان در فرصت‌های سرمایه‌گذاری و همچنین ارتقای توان پاسخ‌گویی از طریق ارائه گزارش‌هایی در باب عملکرد، ارزیابی توان ایفای تعهدات دولت و بودجه شود. علاوه بر این، به بهبود در مدیریت تخصیص منابع بودجه‌ای، دقت در اندازه‌گیری بهای تمام شده خدمات و مدیریت زمان منجر می‌شود و چنانچه اصلاحات بدون در نظر گرفتن ماهیت بخش عمومی کشور اجرا شود،

می‌تواند پیامدهای نامطلوبی همچون شکاف طبقاتی، عدم رشد خلاقیت در بخش عمومی، فساد مالی و عملیاتی و تناقض در معیارهای عملکرد را به دنبال داشته‌باشد.

**کلیدواژه‌ها:** مدیریت مالی عمومی نوین، مدیریت عمومی نوین، اصلاحات مدیریت مالی عمومی نوین

## مقدمه

از اوایل دهه ۸۰ میلادی، در ساختار مدیریت سنتی بخش عمومی که فاقد انعطاف لازم برای انطباق با تحولات این حوزه، از جمله جهانی‌شدن، رقابت، تغییرات ساختاری و عملکردی بخش خصوصی و مسئله پاسخ‌گویی به شهروندان بود، اصلاحاتی انجام شد که کشورهای توسعه‌یافته از پیشگامان این امر بودند. مجموعه این اصلاحات با عنوان مدیریت عمومی نوین شناخته شد. تمرکز این پژوهش مربوط به اصلاحات حوزه مالی و حسابداری است که تحت عنوان مدیریت مالی نوین در بخش عمومی مطرح شد. این نوع مدیریت در سیستم حسابداری و گزارشگری مالی، سیستم حسابرسی و کنترل داخلی و همچنین سیستم بودجه‌ریزی کشور تغییرات و اصلاحاتی را می‌طلبد.

با توجه به اینکه غالب کشورها، از جمله کشور ما، در راستای تغییر نگرش در الگوی مدیریت بخش عمومی خود به درک عمیقی رسیده‌اند و در این مسیر نیز در حال پیشروی هستند، بررسی پیامدهای به کارگیری اصلاحات این شیوه مدیریت، ضرورت انجام این پژوهش را توجیه می‌کند. نهادهای مسئول در بخش عمومی کشور نیز برخی اصلاحات همچون تغییر در سیستم حسابداری از نقدی به تعهدی را در دستگاه‌های بخش عمومی به کار گرفته‌اند، همچنین مسئله بودجه‌ریزی بر مبنای عملکرد در دستور کار دولت قرار گرفته و در حال اجرایی‌شدن است و به عنوان موضوع روز در بخش عمومی کشور مطرح است. علاوه بر این در زمینه حسابرسی عملیاتی اقداماتی انجام شده است، اما همچنان کشور در ابتدای راه اجرای منسجم این اصلاحات قرار دارد و امید است در گذر زمان همراه با مطالعه، شناخت و در نظر گرفتن ماهیت بخش عمومی کشور پیامدهای مطلوبی رخ دهد.

پرسش‌های اصلی که بر محور اهداف پژوهش نیز منطبق است در دو سطح مطرح شده که در سطح نخست به بررسی پیامدهای به کارگیری رویکرد مدیریت مالی عمومی نوین و در سطح دوم نیز به ارزیابی وضعیت فعلی شاخص‌های مربوط به اصلاحات مدیریت مالی نوین در شرایط کنونی کشور، از دیدگاه کارشناسان بخش عمومی می‌پردازد. سپس برای پاسخ به پرسش‌های پژوهش از روش

پیمایشی و با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته‌ای با ۴۰ گویه که شامل ۶ بخش است و از طیف پنج گزینه‌ای لیکرت تبعیت می‌کند، استفاده شد.

همچنین این پژوهش سعی دارد ادبیات مرتبط با موضوع مدیریت مالی عمومی نوین را که تاکنون در کشور کمتر به آن توجه شده است، معرفی کرده و از طریق مطالعه این موضوع در سایر کشورهای پیشگام در این امر، به شناسایی پیامدها و شاخص‌هایی که این پیامدها را می‌سنجند و همچنین به معرفی چالش‌های مرتبط با این موضوع بپردازد. به بیان دیگر هدف این پژوهش توسعه ادبیات موضوع در بخش عمومی کشور و ایجاد بینش عمیق‌تر برای نهادهای مسئول در بخش عمومی به الگوی مدیریت مالی عمومی نوین است.

در ادامه ابتدا به مروری بر پیشینه پژوهش موضوع حاضر پرداخته شده و سپس روش‌شناسی و یافته‌های پژوهش ارائه شده و در پایان از مباحث نتیجه‌گیری به عمل آمده‌است.

## پیشینه پژوهش

### علل تغییر گرایش از الگوی سنتی به الگوی نوین مدیریت مالی در بخش عمومی

ناکارآمدی الگوی سنتی مدیریت دولتی به دلیل انعطاف‌ناپذیری و گستردگی فعالیت‌های دولت، ناتوانی در تأمین انتظارات و نیازهای شهروندان و کاهش اعتماد عمومی، نادیده‌گرفتن ارزش‌های مردم‌سالاری و ترجیح منافع شخصی کارگزاران دولتی بر منافع عمومی از دهه‌های گذشته ضرورت تحول در الگوی مدیریت دولتی اداره جامعه را آشکار ساخته‌است (سالارزهی و ابراهیم‌پور، ۱۳۹۱: ۴۹). همچنین اصلی‌ترین چالش و عامل گذار از الگوی مدیریت سنتی، مربوط به مسئله پاسخ‌گویی است، زیرا مردم به عنوان تأمین‌کنندگان منابع مالی عمومی، به آگاهی داشتن از سلامت مالی دولت و نحوه استفاده کارا و اثربخش از منابع عمومی در راستای اهداف بودجه‌ای، نیاز دارند (کردستانی و نصیری، ۱۳۸۸: ۶۰). بنابراین بخش دولتی که به عنوان کارفرما و همچنین ارائه‌دهنده اصلی خدمات در اقتصاد و در نهایت مصرف‌کننده منابع مالیاتی است، باید در برابر آن به شهروندان پاسخ‌گو باشد (رحمان سرشت و موسوی کاشی، ۱۳۹۴: ۶۰). تحقق مسئولیت پاسخ‌گویی نیز به دلیل ماهیت و تنوع فعالیت‌های دولت، امر ساده‌ای نیست. برخی فعالیت‌های دولت جنبه مالی و بازرگانی دارد و تأمین اطلاعات برای ایفای مسئولیت پاسخ‌گویی این قبیل فعالیت‌ها از طریق گزارش‌های مالی امکان‌پذیر است، اما تأمین اطلاعات کافی برای پاسخ‌گویی فعالیت‌های غیر بازرگانی دولت، از طریق گزارش‌های

مالی سنتی امکان‌پذیر نخواهد بود (باباجانی، ۴۰: ۱۳۸۲). پاسخ‌گویی مالی دولت از فرایند تهیه و تنظیم بودجه شروع می‌شود، زیرا در این فرایند توافق‌هایی راجع به منابع مالی که برای ارائه خدمات مدنظر تخصیص خواهد یافت، حاصل می‌شود (وین، ۲۰۰۳: ۶). پاسخ‌گویی عملیاتی نیز شامل ارائه اطلاعاتی در رابطه با مصرف بهینه و اثربخش منابع، به منظور تحقق اهداف مصوب و ایفای تعهداتی است که دولت متقبل شده است (باباجانی، ۴۲: ۱۳۸۲). افزایش پاسخ‌خواهی شهروندان و افزایش شفافیت اطلاعاتی به مدد رسانه‌های امروزی با الگوی سنتی مدیریت دولتی سازگاری ندارد. علاوه بر چالش پاسخ‌گویی، رقابت و جهانی شدن نیز از محرک‌های گذار به سمت الگوی مدیریت عمومی نوین است. مدیریت عمومی نوین نیز به صورت جنبشی تعریف شده که توسط سازمان‌های دولتی در برابر ناتوانی پاسخ‌گویی به نیازهای شهروندان و در راستای حداکثرسازی بهره‌وری، تخصیص بهینه منابع و کارایی به وجود آمده است و توسط مقامات دولتی، با انگیزه گسترش تسلط اداری خود هدایت می‌شود (هوپ، ۲۰۰۱: ۱۳۴). در الگوی مدیریت عمومی نوین مدیریت باید در قبال شهروندان و رعیت و حقوق شهروندی آنان مسئولیت بیشتری بپذیرد. بر اساس این الگو، بخش عمومی باید به حرفه‌ای شدن، رعایت استانداردهای بالاتر، بهبود عدالت اجتماعی، افزایش مشارکت مردم و ارتقای پاسخ‌گویی گرایش داشته باشد.

تبریزی، حق‌گشایی، دشمنگیر و یوسفی (۲۰۱۸: ۲۶۴) در تحقیقات خود به بررسی شناسایی عناصر و زیرساخت‌های اجرای مدیریت عمومی نوین در مجتمع‌های بهداشتی ایران پرداختند. آنها بر این باورند که مدیریت عمومی نوین به عنوان تحولی مدیریتی برای بهبود کارایی و اثربخشی در سازمان‌های عمومی توسعه یافته است. طی مصاحبه با صاحب‌نظران در ایران عناصر اصلی این شیوه مدیریت را تمرکززدایی، بازار محوری، مدیریت عملکرد، مشتری‌محوری و بودجه‌بندی بر مبنای عملکرد بیان کردند و سپس مهم‌ترین زیرساخت‌های اجرای این اصلاحات را آموزش و پرورش، فناوری اطلاعات، استفاده مناسب از منابع انسانی، سیستم‌های پشتیبانی، فرهنگ سازمانی، انعطاف‌پذیری در قوانین و بازسازی زیرساخت‌های قدیمی برای پوشش خدمات مطلوب عنوان کردند. آنها دریافتند که رویکرد مدیریت عمومی نوین جایگزین مناسبی برای روش سنتی است که در تقویت عملکرد برای ارتقا در بهداشت عمومی و افزایش ظرفیت‌ها مناسب است و همچنین در تعامل با بخش خصوصی از نظر منابع انسانی، عملکرد، ساختار و روش‌های انجام کسب‌وکار نیز مفید است.

با توجه به محرک‌های تحول الگوی مدیریت دولتی از سنتی به نوین، اجزای نظام مدیریت مالی



عمومی نیز باید از شکل سنتی خود فاصله بگیرد و سیستم‌های مالی را متناسب با نیازهای اطلاعاتی مدیریت عمومی نوین به‌روز کند. مدیریت مالی عمومی نوین نیز در واقع زیرمجموعه مدیریت عمومی نوین است و به اصلاحاتی در سیستم‌ها، رویه‌ها و قوانین اشاره دارد که در راستای دستیابی به استفاده مؤثر از منابع عمومی در چارچوب بودجه‌ریزی، حسابداری، کنترل داخلی و گزارشگری مالی در بخش عمومی، شکل گرفته است. این اصلاحات روی این موضوع تأثیر می‌گذارد که سیاست‌های عمومی چطور اجرا شوند تا اثربخشی، کارایی، کیفیت، شفافیت، پاسخ‌گویی و در نهایت «حکمرانی خوب» را به دنبال داشته باشند (گارسیا سانچز و کادرادو بالستروز، ۲۰۱۶: ۱). حکمرانی خوب نیز در پرتوی همکاری سازنده و هم‌افزای حکومت با بخش خصوصی و جامعه مدنی حاصل می‌شود. مدیریت دولتی ایران نیز به صورت غالب از نوع پارادایم مدیریت دولتی کلاسیک است که در روند حرکت به سوی پارادایم مدیریت عمومی نوین و پارادایم حکمرانی خوب است (سالارزهی و ابراهیم‌پور، ۱۳۹۱: ۵۹).

نیامیتا، دُراسامی و گاربرن (۲۰۱۵: ۲۵) معتقدند اصلاحات در بخش دولتی می‌تواند به عنوان تغییری عمده در سیاست و شیوه انجام وظایف مدیریت مالی عمومی مورد توجه قرار گیرد و در ادامه نیز این مطلب را بیان داشته‌اند که این اصلاحات موجب کمک به بخش عمومی در راستای ارتقای عملکردگرایی و پاسخ‌گویی در برابر خدمات عمومی به مردم می‌شود. در واقع انجام این اصلاحات بیشتر بر ارتقاء، اثربخشی و پاسخ‌گویی در بخش دولتی تمرکز دارد که چگونگی رسیدن به این هدف از طریق بهبود مدیریت اقتصادی مبتنی بر بازار میسر خواهد شد. مطالعه تئوری، نحوه عمل و رویکردهای اصلاحات مدیریت مالی نوین در بخش عمومی با در نظر گرفتن نوآوری‌ها و رویه‌های جدید بیانگر آن است که توانمندسازی مدیریت مالی بخش عمومی، می‌تواند به ازای هر واحد پول به دست‌آمده و خرج شده، توسعه بیشتری در برداشته‌باشد (کردستانی و معنوی مقدم، ۱۳۹۶: ۱۷).

در ادامه با شناسایی محرک‌های تحول در الگوی مدیریت دولتی از طریق مطالعه این شیوه مدیریتی در سایر پژوهش‌ها و همچنین تجارب سایر کشورها، اصلاحاتی که باید بر اساس این الگو در ساختار اداره جامعه اتفاق بیفتد اصلاحات مدیریت مالی عمومی نوین و پیامدهای ناشی از به‌کارگیری این مجموعه اصلاحات به عنوان مدل مفهومی پژوهش در قالب شکل ۱ انسجام‌یافته و ارائه شده است.



شکل ۱: مدل مفهومی پژوهش: اصلاحات مدیریت عمومی و مالی نوین

آلکران (۲۰۱۸: ۵۸۵) اصلاحات مدیریت مالی بخش عمومی را به عنوان ابزاری برای ایجاد یک روند انتقال تغییرات عمده سازمانی در استراتژی، ساختار (قوانین و وظایف جدید)، فرهنگ (ارزش‌های اصلی درباره دیدگاه سازمانی و اهداف) و معیارهای کنترلی تعریف می‌کند. همچنین بر این عقیده است که اصلاحات مدیریت مالی عمومی بخش گسترده‌ای از اصلاحات مدیریت عمومی نوین برای تقویت پاسخ‌گویی در برابر عملکرد بخش عمومی است.

در غالب کشورها پیاده‌سازی اصلاحات در ابتدای امر، دارای محدودیت‌هایی ناشی از شکاف‌ها و ضعف‌ها است. با وجود این، برخی از کشورها در روند اصلاحات خود، سازوکارهایی ایجاد کرده‌اند که این شکاف‌ها و ضعف‌ها را شناسایی کند و با طرح‌های پیشنهادی پنجره تطبیق با شرایط را بگشاید (متیو، تیم و سلیمیا، ۲۰۱۸: ۲۵). چنین امری در هر کشوری از جمله در بخش عمومی کشور ما نیز ضروری است. در ادامه هر یک از اصلاحات مدیریت مالی نوین و سپس پیامدهای آن به صورت خلاصه تشریح شده است.

## الف) اصلاحات سیستم حسابداری و گزارشگری مالی در بخش عمومی

اغلب صاحب‌نظران مالی در بخش عمومی معتقدند حسابداری و گزارشگری مالی دولتی همواره یکی از ابزارهای اصلی در ایفا و ارزیابی مسئولیت پاسخ‌گویی مالی بوده‌است. به بیان دیگر این صاحب‌نظران، گزارشگری مالی را تحت عنوان یک سیستم اطلاعاتی تعریف می‌کنند که می‌تواند چرخه تبادل صحیح و سالم اطلاعات مالی را بین مقامات اجرایی کشور در مقام پاسخ‌گویان و نمایندگان منتخب مردم در جایگاه پاسخ‌خواهان برقرار کند (باباجانی، ۱۳۹۰: ۳۸). با توجه به اینکه اندازه‌گیری جریان منابع و مبنای حسابداری انتخابی بر اطلاعات استخراج شده از سیستم گزارشگری مالی در بخش عمومی مؤثر است، لازم‌است نظامی طراحی شود تا گزارش‌های مالی حاصل از آن، نیازهای اطلاعاتی استفاده‌کنندگان را به بهترین نحو برآورده کند (محمدی پور و احمدی ۱۳۹۲: ۱۱۴). در این مسیر کشورهای توسعه‌یافته انگلوساکسون و اروپای غربی پیشگامان پذیرش حسابداری تعهدی برای ایجاد یک نظام مالی شفاف و پاسخ‌گو شدند و تغییر در نظام حسابداری در بخش عمومی را آغاز کردند. در کشورهای در حال توسعه نیز به حسابداری تعهدی گرایش وجود دارد، اما عموماً با محدودیت‌هایی همچون کمبود منابع انسانی حرفه‌ای و آموزش دیده در زمینه استقرار نظام حسابداری تعهدی، فقدان ظرفیت لازم در حوزه فناوری اطلاعات که مبنای بیشتر سیستم‌های حسابداری تعهدی است، رو به‌رو هستند (آذر و امیرخانی، ۱۳۹۱). بارتون (۲۰۰۹: ۲۲۱). با مطالعه اصلاحات مدیریت مالی نوین در رابطه با به‌کارگیری حسابداری تعهدی این چنین بیان می‌دارد که حسابداری تعهدی به منظور ترویج کارایی، اثربخشی و پاسخ‌گویی در بخش عمومی استرالیا اهمیت دارد و این مسئله به همه ملت‌هایی که در سال‌های گذشته مبنای سیستم حسابداری بخش عمومی خود را اصلاح کرده‌اند، قابل تعمیم است. چوی (۲۰۱۸) نیز در مطالعات خود به این نتیجه رسید که حسابداری تعهدی نقش مهمی در بهبود تخصیص منابع و بهره‌وری کل ایفا می‌کند. زیرا بر این باور است که ارزش‌های برآوردشده از حسابداری تعهدی به ارائه اطلاعات مفیدتر به مدیران منجر می‌شود و با اندازه‌گیری عملکرد سبب تصمیم‌های آگاهانه‌تر مدیران در تخصیص منابع و بهره‌وری آتی می‌شود.

یافته‌های تحقیقات یاپا و یوکوت (۲۰۱۵: ۷) نشان می‌دهد که اصلاحات مدیریت مالی نوین در بخش عمومی در رابطه با انتقال از حسابداری نقدی به تعهدی در بخش دولتی کشورها به‌خصوص در کشورهای در حال توسعه، به شدت تحت تأثیر فشارهای نهادهایی همچون هیئت استانداردهای بین‌المللی حسابداری و بانک جهانی قرار دارد. به همین علت شواهد تجربی نشان می‌دهد به‌کارگیری

استانداردهای حسابداری بخش عمومی در سطح جهان همراه با کارایی نبوده و این نتایج به علت وجود مشکلات عمده زیرساختی است که هنوز در آن کشورها حل نشده‌اند و این تردید که تغییر مبنای حسابداری به سمت تعهدی موجب تحمل هزینه و ریسک زیاد می‌شود را افزایش می‌دهد. در ایران نیز، در سال ۱۳۹۳ وزارت امور اقتصادی و دارایی سرفصل‌های حسابداری تعهدی تحت‌عنوان نظام حسابداری بخش عمومی را تدوین کرد و دیوان محاسبات کشور با اجرای آزمایشی نظام حسابداری بخش عمومی موافقت کرد که این مهم مظهر توسعه مدیریت مالی نوین در دستگاه‌های اجرایی است (طرقی و ابوالحسنی، ۱۳۹۵).

### ب) اصلاحات سیستم حسابرسی در بخش عمومی

توسعه سازمان‌ها، پیچیده‌تر شدن روابط و پیشرفت‌های فناوری از یک‌سو و لزوم استفاده بهینه از منابع محدود از سویی دیگر، موجب رشد هر چه بیشتر حسابرسی شده و نیاز به انجام حسابرسی جامع را فراهم آورده‌است. از آنجا که صورت‌های مالی به تنهایی پاسخ‌گوی نیازهای اطلاعاتی مدیریت نیستند، مدیران در بخش خصوصی و دولتی، به منظور ارزیابی و قضاوت در رابطه با کیفیت عملیات و پیشرفت‌های عملیاتی به دنبال کسب اطلاعات بیشتر هستند. در نتیجه ایجاد چنین زمینه‌هایی نیاز به فنون حسابرسی عملکرد برای ارزیابی اثربخشی، کارایی و صرفه اقتصادی عملیات را به‌گونه چشمگیری افزایش داده‌است (محمدی‌پور و احمدی، ۱۳۹۲: ۱۰۹). همچنین از آنجا که مبنای عملکرد دولت سود یا زیان نیست، برای بررسی کیفیت عملکرد دولت، به جای نتیجه برنامه‌ها، از معیارهایی همچون ارزیابی کارایی، اثربخشی و صرفه اقتصادی استفاده می‌شود. به بیانی دیگر حسابرسی عملیاتی می‌تواند به عنوان معیاری در بررسی کیفیت عملکرد مدیران دولتی، جایگزین سود شود (دیتن هوفر، ۲۰۰۱: ۴۴۰). کمیته حسابرسی عملیاتی سازمان حسابرسی (۱۳۸۰) حسابرسی عملیاتی را به عنوان فرایند منظم و روشمند ارزیابی اثربخشی، کارایی و صرفه اقتصادی عملیات سازمان و گزارش نتایج ارزیابی، همراه با پیشنهادها عملی به اشخاص ذی صلاح برای بهبود عملیات تعریف کرده‌است. به‌طور کلی حسابرسی عملکرد به عنوان یک عامل رشد در حسابرسی بخش دولتی شناخته‌شده و انگیزه این نوع حسابرسی از ظهور مدیریت مالی عمومی نوین و بحران‌های مالی جهانی نشأت گرفته‌است (پارکر، جیکوب و اشمیت، ۲۰۱۹: ۲۸۰). در ایران نیز با توجه به شرایط حاضر، ترویج حسابرسی عملیاتی در سازمان‌ها به‌طور اعم و در شرکت‌های دولتی به‌طور اخص، امری ضروری است (رضازاده، ۱۳۸۳).

البته انجام این نوع حسابرسی در برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه در ایران نیز الزامی بوده و در تعدادی از

شرکت‌های دولتی نیز انجام شده‌است، اما انتظار می‌رود در آینده گستره آن بیشتر شود.

### ج) اصلاحات سیستم کنترل داخلی در بخش عمومی

اهمیت وجود کنترل داخلی در حدی است که در صورت فقدان آن در سازمان‌ها، مشکلاتی همچون عملکرد ناکارا، غیراثربخش، غیراقتصادی و غیراخلاقی، پاسخ‌گویی ضعیف، اقدامات غیرقانونی و فقدان اقدامات پیش‌گیرانه در برابر سوء استفاده، سوءمدیریت، تقلب، اشتباهات و بی‌نظمی را در پی خواهند داشت (بالتیسی و یلماز، ۲۰۰۶: ۷). در تعریفی جامع کنترل داخلی اغلب به عنوان فرایندی تعریف می‌شود که توسط مدیریت و سایر کارکنان مجموعه اجرا می‌شود و به منظور فراهم آوردن اطمینانی مطلوب، برای دستیابی به اهدافی همچون اثربخشی و کارایی عملیات، قابلیت اطمینان به گزارشگری مالی و انطباق با قوانین و مقررات اجرایی طراحی شده‌است (هیوز، ۲۰۰۷: ۱۶۹). همچنین مواد ۱۲ تا ۱۴ (فصل سوم) قانون بورس اوراق بهادار تهران، هیئت مدیره را مکلف به استقرار و به‌کارگیری کنترل داخلی مناسب و اثربخش به منظور اطمینان از دستیابی به اهداف سازمان کرده و سپس هیئت مدیره شرکت‌ها و سازمان‌ها را ملزم به تهیه و افشای گزارش حداقل سالانه از نتایج بررسی‌های کنترل داخلی تحت عنوان «گزارش کنترل داخلی» کرده‌است.

### د) اصلاحات سیستم بودجه‌ریزی در بخش عمومی

بودجه‌ریزی به عنوان یکی از مهم‌ترین نظام‌های مالی هر جامعه، ابزاری بااهمیت برای فعالیت‌های دولت در جوامع محسوب می‌شود و تاکنون مراحل و تحولات زیادی را پشت سر گذاشته، تا امروزه به صورت یک نظام پیچیده فنی و مالی درآمده‌است. همچنین با توسعه روزافزون مسائل اقتصادی و اجتماعی جامعه و ارتقای سطح زندگی مردم، انتظارات از بودجه‌ریزی دولتی برای تأمین امنیت، رفاه اجتماعی و همچنین برخورداری از خدمات عمومی بیشتر شده‌است. بودجه‌ریزی عملیاتی، رویکردی برای اصلاح بودجه برنامه‌ای است که با ساختار سنتی آن متفاوت است (خرمی، ۱۳۹۵). بودجه‌ریزی بر مبنای عملکرد، در مقایسه با بودجه‌ریزی سنتی، امکان استفاده منعطف‌تر از منابع مالی را فراهم می‌آورد و کانون توجه را از دروندادها به سمت نتایج منعطف می‌کند (آذر و امیرخانی، ۱۳۹۱). این نوع بودجه‌ریزی که از مهم‌ترین برنامه‌های اصلاحات دولتی جدید است، در رابطه با مدل سنتی بودجه‌ریزی (خطی) که منابع بودجه را به سادگی به نهادهای دولتی تخصیص می‌داد، تحلیل‌های بسیار پیچیده‌تری می‌طلبد. علاوه بر این بودجه‌ریزی بر مبنای عملکرد با نتایج و پیامدهای برنامه‌های

مشخص، گره خورده‌است و موجب هدایت به سمت کارایی و اثربخشی بیشتر در مدیریت بودجه عمومی می‌شود (کلارک، منیفیلد و استوارت، ۲۰۱۷: ۱). این روزها در ایران نیز بحث بودجه‌ریزی بر مبنای عملکرد در بخش عمومی بسیار مطرح و در حال اجراست و تجربیات حاصل از اجرای آن نیز در حال گسترش است.

## ۵) فرایند برون‌سپاری و خصوصی‌سازی خدمات عمومی

اگرچه موضوع خصوصی‌سازی به طور مستقیم از اصلاحات مدیریت مالی نوین در بخش عمومی نیست، اما به دلیل شمولیت آن در بحث اصلاحات مدیریت نوین بخش دولتی، به اختصار به بررسی این موضوع نیز پرداخته شده‌است. از دهه ۷۰ میلادی، افت کلی رشد اقتصادی به دلیل مشکلات برآمده از تأثیر دولت در اقتصاد، موجب شد متفکران به دنبال راه حل خروج از رکود باشند. در این رابطه پیتر دراگر نخستین بار در سال ۱۹۶۸ با اشاره به مفهوم اصلی خصوصی‌سازی اذعان کرد دولت‌ها باید مالکیت خدماتی که بر عهده دارند را به بخش خصوصی ارائه کنند. خصوصی‌سازی یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های مدیریت دولتی نوین و به منزله یک خط مشی، در کلیت نظام سیاسی و اقتصادی کشور ما نیز پذیرفته شده و به اجرا درآمده‌است، اما موانع و کژکارکردهای اجرای آن باعث شده از اثربخشی و کارایی آن در حل مسائل کشور کاسته شود (پورا احمدی، مختاریان پور و حسنقلی‌پور، ۱۳۹۷: ۳۳۳ و ۳۳۵). البته خصوصی‌سازی در کشور ضعف‌های جدی به همراه داشته که در ادامه اشاره شده‌است.

دانایی‌فرد (۱۳۹۵) با انتقاد از نحوه خصوصی‌سازی که از مهم‌ترین اصلاحات مدیریت نوین بخش عمومی است، بر این باور است که خصوصی‌سازی در ایران بیشتر به علل نمادین سیاسی و نه کارایی در عرصه خدمات به شهروندان شکل گرفته‌است. در واقع خصوصی‌سازی قدرت انحصاری دولتی را به انحصار خصوصی می‌دهد، این امر باعث می‌شود رقابت در عرصه خدمات به شدت تخریب شود. اگر قرار بر شیوه اجرای درست این امر باشد ضروری است که بخش عمومی نتایجی برای نظارت و درخواست پاسخ‌گویی در اختیار داشته باشد. وی بیان می‌دارد خصوصی‌سازی به تقویت توزیع غنائم به شکل خصوصی‌سازی منجر شده که این امر خود به کاهش اعتماد عمومی و به چالش کشیدن مشروعیت نظام سیاسی منجر شده است. همچنین وی معتقد است مخدوش شدن مرز عمومی و خصوصی، تضعیف پاسخ‌گویی عمومی، تهدید اعتماد عمومی، سیاسی‌کاری در اجرای مدیریت دولتی نوین و تضعیف بخش عمومی از جمله تبعات منفی مدیریت عمومی نوین در ایران است.

الوانی (۱۳۸۳: ۱۲) به انتقاد از ارزیابی عملکرد موجود در مدیریت عمومی جدید پرداخته و بر این باور

است که مدیریت دولتی نوین با بهره‌گیری از سازوکارهای مدیریت بخش خصوصی، کوشیده است تا اصلاحاتی را در مدیریت بخش عمومی تحقق بخشد و با استدلال‌هایی که مصادیق آن‌ها سازمان‌های بخش خصوصی بوده، توانسته نظر سیاست‌گذاران را در کشور به خود جلب کند و این نکته مهم را نهفته بدارد که ماهیت بخش عمومی متفاوت از بخش خصوصی بوده و نمی‌توان بی‌مهابا از شیوه‌های مرسوم آن در سازمان‌های دولتی بهره برد. از نظر نویسنده از جمله نارسایی‌های ارزیابی عملکرد در مدیریت دولتی نوین نتیجه‌گرا، پیامدهای نامطلوبی همچون دیوان‌سالاری کنترلی، برخورد ابزاری با مسائل، عدم رشد خلاقیت و رفتارهای تقلیدی، انتخاب نادرست معیارهای سنجش، جامع نبودن معیارهای ارزیابی و نادیده‌گرفتن ماهیت سازمان‌های دولتی است. همچنین وی بر اساس اهداف و ویژگی‌های خاص بخش عمومی برای رفع مشکلات بیان شده، پیشنهادهایی مطرح کرده است. در این زمینه لاری (۱۹۹۹: ۳۴)، نیز بیان می‌دارد مدیریت دولتی نوین ممکن است منافع شخصی و فساد را بین خط مشی‌گذاران و سران بخش عمومی که به خصوصی‌سازی و برون‌سپاری چشم‌دوخته‌اند افزایش دهد، زیرا این عوامل به دلیل خلأهای قانونی موجود، فرصت را برای سودجویی شخصی و تخلفات اداری افزایش می‌دهند.

### روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر گامی اولیه برای بررسی پیامدهای پیاده‌سازی منسجم اصلاحات مدیریت مالی نوین در ایران است و از لحاظ زمان گردآوری داده‌ها مقطعی است. با توجه به ضرورت و جدید بودن موضوع و اینکه کشور در روند اصلاحات مدیریت مالی نوین در حال حرکت است، لازم است پیامدهای به‌کارگیری آن در بخش عمومی کشور بررسی شود و بتوان از نتایج دریافت‌شده از این پژوهش، برای مدیریت بهتر پیامدهای آن بهره برد. بنابراین پژوهش حاضر از نوع کاربردی است. از آنجا که پژوهشگران داخلی تاکنون به این موضوع کمتر توجه کرده‌اند، برای جمع‌آوری داده‌های آن، از روش تحقیق پیمایشی و از ابزار پرسشنامه محقق ساخته در دو نسخه الکترونیکی و کاغذی استفاده شده‌است و از طیف پنج‌گزینه‌ای لیکرت تبعیت می‌کند. پرسشنامه در ۵ بخش (پیامد) (شفافیت، توان پاسخ‌گویی، بهره‌وری، کیفیت و ارزیابی و نظارت) و همچنین یک بخش درباره چالش‌های این رویکرد تدوین شده و هر بخش با تعدادی شاخص (گویه) سنجش شده‌است. برای تأیید روایی پرسشنامه از نظر خبرگان و متخصصان این حوزه و برای تأیید پایایی با توجه به داده‌های استخراج‌شده از گروه

پیش آزمون، از آزمون ضریب آلفای کروناخ استفاده شد که نتایج آن در جدول ۱ نشان داده شده است. البته برای بررسی مبانی نظری پژوهش از روش آرشویی نیز استفاده شد.

جامعه آماری پژوهش حاضر شامل کلیه متخصصان مدیریت مالی و دولتی و کارشناسان حسابداری و حسابرسی در دستگاه‌های بخش عمومی کشور است که با مفهوم این نوع اصلاحات بنا بر تجربه شغلی خود آشنایی کافی دارند. برای انتخاب نمونه مد نظر از روش نمونه‌گیری قضاوتی استفاده شد. نمونه مورد مطالعه پژوهش حاضر نیز شامل ۱۹۲ نفر از متخصصان و کارشناسان حسابداری و مدیریت مالی در دستگاه‌های امور مالیاتی و دیوان محاسبات و حساب‌رسان بخش عمومی در استان‌های تهران، کرج و قزوین است. پرسش‌های اصلی پژوهش در دو سطح بررسی می‌شود. سطح اول پیرامون پیامدهای به کارگیری کامل اصلاحات رویکرد مدیریت مالی نوین و سطح دوم در رابطه با وضعیت فعلی پیامدها در شرایط کنونی کشور است. سپس به منظور انجام تحلیل اطلاعات دریافت شده از پرسشنامه‌ها، با توجه به کدهای قراردادی مربوط به هر طیف لیکرت پرسش نامه (خیلی زیاد، زیاد، متوسط، کم و خیلی کم) به ترتیب از ۱ تا ۵، از طریق نرم‌افزار و روش‌های آماری ناپارامتریک اقدام شده است. در سطح آمار توصیفی از آماره‌هایی نظیر، میانگین و انحراف معیار و به منظور تحلیل آماری پیامدها، از آزمون‌های ناپارامتریک، همچون آزمون علامت زوج نمونه‌ای و آزمون فریدمن استفاده شد.

## الف) پرسش سطح اول: پیامدهای به کارگیری کامل اصلاحات رویکرد مدیریت مالی نوین

از دیدگاه کارشناسان بخش عمومی، به کارگیری رویکرد مدیریت مالی عمومی نوین در کشور، چه پیامدهایی را در پی دارد؟

### ب) پرسش سطح دوم: وضعیت فعلی پیامدها در شرایط کنونی کشور

از دیدگاه کارشناسان بخش عمومی، وضعیت فعلی شاخص‌های مرتبط با اصلاحات مدیریت مالی بخش عمومی کشور چگونه است؟

بررسی پایایی پرسش‌های پرسشنامه پژوهش حاضر در دو سطح اول و دوم در جدول ۱ ارائه شده است. با توجه به یافته‌های آزمون پایایی در جدول ۱، از آنجا که میزان آلفای کروناخ کلیه مؤلفه‌ها در دو سطح پرسشنامه بالاتر از ۰,۷ است، چنین استنتاج شد که پرسش‌های پرسشنامه از پایایی مطلوبی برخوردار است و پرسشنامه برای توزیع در نمونه آماری متناسب است.



جدول ۱: ضرایب پایایی پیامدها

پیامدها	اجرای کامل اصلاحات مدیریت مالی نوین (سطح اول)	ارزیابی وضعیت فعلی پیامدها (سطح دوم)
شفافیت	۰/۸۸۳	۰/۷۰۳
توان پاسخ‌گویی	۰/۸۷۴	۰/۷۹۱
بهره‌وری	۰/۸۴۶	۰/۷۵۹
کیفیت	۰/۸۵۸	۰/۷۶۸
ارزیابی و نظارت	۰/۸۱۳	۰/۸۵۹
چالش‌ها	۰/۸۸۳	۰/۷۸۶

### یافته‌های پژوهش

نخستین گام در تجزیه و تحلیل، داده‌های جمعیت‌شناختی نمونه مورد مطالعه پژوهش است. بدین دلیل غالب پاسخ‌دهندگان در رشته حسابداری (۶۲ درصد)، در مقطع کارشناسی ارشد (۵۱ درصد) و در سمت مدیران مالی، میزان و حساب‌رسان بخش عمومی (۶۳ درصد) مشغول به کار بودند. علاوه بر این از لحاظ پراکندگی استانی ۴۰ درصد استان البرز، ۳۵ درصد استان تهران و ۲۵ درصد نیز در قزوین پراکنده توزیع شد.

### آمار توصیفی

در جدول ۲، با توجه به نوع متغیرهای پژوهش، از شاخص‌هایی همچون میانگین و انحراف معیار استفاده شده است. براساس نتایج آمار توصیفی شاخص‌ها در جدول ۲، با توجه به اینکه میانگین شاخص‌های مرتبط با بررسی پیامدهای به کارگیری مدیریت مالی عمومی نوین (سطح اول) بیشتر از این نسبت در سطح دوم (وضعیت فعلی شاخص‌ها در شرایط کنونی کشور) است، بنابراین می‌توان انتظار داشت که اجرای اصلاحات رویکرد مدیریت مالی عمومی نوین در کشور به ارتقای شاخص‌های مربوط به هر پیامد در مقایسه با وضعیت فعلی آنها منجر شود. اما در رابطه با بخش چالش‌ها میانگین شاخص‌های مورد سنجش در شرایط کنونی کشور بیشتر از این نسبت در حالت اجرای کامل اصلاحات است و بدان معنا است که اجرای اصلاحات مدیریت مالی عمومی نوین می‌تواند کاهش چالش‌ها را در بر داشته باشد.

جدول ۲: آمار توصیفی شاخص‌های مربوط به هر پیامد

ارزیابی وضعیت فعلی پیامدها (سطح دوم)		اجرای کامل اصلاحات مدیریت مالی نوین (سطح اول)		شاخص‌ها	سوال	پیامدها
انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین			
۰.۸۸۱	۲,۲۰۳	۰.۸۵۴	۳,۵۵۰	دسترسی به اطلاعات	۱	شفافیت
۰.۹۱۸	۲,۱۰۷	۰.۹۱۰	۳,۴۹۱	تقارن اطلاعاتی	۲	
۱,۰۲۸	۲,۴۶۱	۱,۰۹۹	۳,۳۶۵	کاهش فساد مالی و عملیاتی	۳	
۰.۸۸۳	۲,۴۷۹	۰.۸۰۹	۳,۷۳۰	واقع‌بینانه‌تر شدن صورت‌های مالی	۴	
۰.۹۳۷	۲,۱۷۳	۰.۹۲۸	۳,۳۱۷	قدرت پیش‌بینی اقتصادی آتی	۵	
۰.۹۲۱	۲,۱۱۳	۰.۹۸۴	۳,۵۶۸	اعتماد مردم به بخش عمومی	۶	
۰.۹۰۶	۲,۵۹۲	۰.۸۸۴	۳,۲۳۳	کاهش هزینه‌های نمایندگی	۷	
۰.۹۰۱	۲,۳۲۹	۰.۸۹۳	۳,۶۴۰	سهولت تصمیم‌گیری اعتباردهندگان	۸	
۰.۹۱۷	۲,۱۳۷	۰.۹۴۹	۳,۵۳۲	جذب سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی	۹	
۰.۸۵۱	۲,۴۱۳	۰.۸۶۹	۳,۶۹۴	یکپارچگی سیستم‌های اطلاعاتی	۱۰	
۰.۸۲۴	۲,۲۶۹	۰.۸۰۸	۳,۷۰۶	ارائه گزارش عملکرد بخش عمومی به مردم	۱۱	توان پاسخ‌گویی
۰.۹۱۶	۲,۳۸۳	۰.۹۲۰	۳,۶۱۰	ارائه گزارش مربوط به بودجه و رعایت آن	۱۲	
۰.۸۹۳	۲,۲۳۹	۰.۹۰۵	۳,۶۴۴	ارائه گزارش مبنی بر ارزیابی توای ایفای تعهدات	۱۳	
۰.۸۹۱	۲,۱۵۵	۱,۰۵۰	۳,۴۴۳	ارائه اطلاعاتی مبنی بر حفظ و بهبود رفاه آتی	۱۴	
۰.۸۵۹	۲,۰۵۳	۰.۹۸۰	۳,۵۲۶	ارائه اطلاعاتی مربوط به استقراض‌های عمومی	۱۵	
۰.۸۱۵	۲,۴۰۷	۰.۷۸۰	۳,۶۶۴	بهبود در مدیریت تخصیص منابع عمومی	۱۶	

بهره‌وری	۱۷	تحصیل اقتصادی تر منابع بودجه‌ای	۳,۶۱۰	۰,۸۹۰	۲,۳۷۱	۰,۷۸۷
	۱۸	هم‌سو شدن بودجه تخصیص یافته با اهداف	۳,۵۸۶	۰,۹۱۳	۲,۳۰۵	۰,۸۲۶
	۱۹	مدیریت هزینه‌ها و جبران کسری بودجه	۳,۵۸۶	۰,۸۵۹	۲,۳۰۹	۰,۸۰۵
کیفیت	۲۰	دقت در اندازه‌گیری بهای تمام شده خدمات	۳,۶۴۶	۰,۸۷۸	۲,۳۰۹	۰,۸۴۱
	۲۱	افزایش رقابت و تعدیل قیمت‌ها	۳,۴۱۹	۰,۸۸۰	۲,۱۰۱	۰,۸۷۵
	۲۲	بهبود در ارائه خدمات عمومی	۳,۶۷۶	۰,۹۱۳	۲,۳۲۹	۰,۸۰۹
	۲۳	بهبود کیفیت تصمیم‌گیری مدیران	۳,۶۷۶	۰,۹۲۰	۲,۳۲۳	۰,۷۸۵
	۲۴	مدیریت زمان و کوتاه شدن زمان انتظار دریافت خدمات	۳,۶۷۶	۰,۹۸۳	۲,۳۱۱	۰,۸۰۵
	۲۵	تفویت انگیزه برای عملکرد بهتر	۳,۶۵۲	۱,۰۱۱	۲,۲۹۹	۰,۸۴۶
	۲۶	افزایش در نوآوری فرایندها و محصولات	۳,۵۸۳	۰,۹۸۰	۲,۱۶۱	۰,۸۸۰
	۲۷	افزایش رفاه عمومی و رضایت شهروندان	۳,۵۲۱	۱,۰۵۱	۲,۱۲۵	۰,۸۵۸
	۲۸	امکان اندازه‌گیری عملکرد بخش عمومی	۳,۶۶۴	۰,۸۸۹	۲,۲۲۷	۰,۸۸۲
	۲۹	بهبود مدیریت عملکرد بخش عمومی	۳,۶۵۸	۰,۹۲۹	۲,۳۲۹	۰,۸۰۹
ارزیابی نظارت	۳۰	افزایش امکان انجام اقدامات اصلاحی	۳,۶۱۰	۰,۷۹۷	۲,۳۷۱	۰,۸۲۴
	۳۱	کاهش تقلب و سوء استفاده‌های مالی و عملیاتی	۳,۴۹۱	۰,۹۸۰	۲,۳۶۵	۱,۱۱۵
	۳۲	آگاهی مردم در توازن ارزیابی و تفویض اختیار	۳,۶۷۰	۰,۸۳۹	۲,۳۲۹	۰,۹۵۹
	۳۳	نظارت بر پیامد فعالیت به جای تمرکز بر منابع	۳,۵۶۸	۰,۸۲۴	۲,۲۹۳	۰,۸۰۸
	۳۴	بهبود در عملکرد دستگاه‌های بخش عمومی	۳,۶۸۲	۰,۸۶۴	۲,۲۵۱	۰,۷۴۲

۰,۹۹۵	۲,۹۰۴	۰,۸۴۱	۳,۱۱۹	تناقض در معیارهای ارزیابی عملکرد	۳۵
۱,۰۰۴	۲,۹۱۰	۰,۹۰۰	۳,۱۷۹	خدشه‌دار شدن نقش توزیعی و عدالت اجتماعی	۳۶
۱,۰۸۱	۲,۷۸۴	۰,۹۴۵	۳,۱۹۷	عدم توجه به معیارهای سیاسی و اجتماعی	۳۷
۱,۱۷۲	۳,۱۲۵	۱,۰۷۸	۳,۲۴۵	افزایش شکاف طبقاتی	۳۸
۱,۰۶۰	۳,۱۱۳	۱,۰۲۳	۲,۹۷۶	عدم رشد خلاقیت در بخش عمومی	۳۹
۱,۱۰۸	۲,۹۷۶	۱,۱۵۰	۳,۱۱۹	افزایش فساد مالی و عملیاتی	۴۰

### بررسی پیامدهای اصلاحات مدیریت مالی عمومی نوین از طریق آزمون‌های آماری

**آزمون نرمالیتی:** ابتدا به منظور مشخص کردن نوع توزیع داده‌ها از آزمون کولموگروف اسمیرنوف استفاده شد. با توجه به اینکه سطح معناداری خروجی آزمون در سطح اطمینان ۹۵ درصد، کمتر از ۰,۰۵ بود چنین استنتاج شد که داده‌ها از توزیع نرمال برخوردار نیستند و در نتیجه از آزمون‌های آماری ناپارامتریک استفاده شد. با توجه به هدف پژوهش که مقایسه نتایج در دو سطح مختلف پرسشنامه از یک نمونه آماری است، در ادامه از آزمون علامت زوج نمونه‌ای و فریدمن استفاده شد.

**آزمون علامت زوج نمونه‌ای:** جدول ۳، نتایج آزمون علامت را به منظور ارزیابی این موضوع که آیا انجام اصلاحات مدیریت مالی عمومی نوین که شامل اصلاح نظام گزارشگری مالی، اصلاح نظام بودجه‌ریزی، سیستم حسابرسی و کنترل داخلی است، به ارتقای شفافیت، توان پاسخ‌گویی، ارتقای بهره‌وری و کیفیت و بهبود سیستم ارزیابی و نظارت و همچنین کاهش میزان چالش‌ها منجر می‌شود یا خیر، از طریق بررسی معناداری میانگین پیامدها در سطح خطای ۰,۰۵ نشان می‌دهد.

با توجه به یافته‌های جدول بالا، از آنجا که آماره شاخص‌های پنج پیامد نخست، مثبت است و سطح معناداری کمتر از ۰,۰۵ است، معناداری میانگین پیامدها از لحاظ آماری توجیه شد و چنین استنتاج می‌شود که به‌کارگیری اصلاحات رویکرد مدیریت مالی عمومی نوین می‌تواند سبب ارتقای شفافیت، توان پاسخ‌گویی، بهره‌وری، کیفیت و سیستم ارزیابی و نظارت شود و دربارۀ حوزه چالش‌ها، به دلیل اینکه آماره آزمون منفی و سطح معناداری کمتر از ۰,۰۵ است، کاهش پیامدهای نامطلوب (چالش‌ها) مورد انتظار است.

جدول ۳: نتایج آزمون علامت زوج نمونه‌ای (معناداری میانگین پیامدها)

پیامدها	ردیف	آزمون علامت بین سطح ارزیابی وضعیت فعلی و سطح اجرای کامل اصلاحات	آماره آزمون	سطح معناداری
شفافیت	۱	دسترسی به اطلاعات	۴,۴۵۸	۰,۰۰
	۲	تقارن اطلاعاتی	۶,۵۱۵	۰,۰۰
	۳	کاهش فساد مالی و عملیاتی	۱۰,۱۰۷	۰,۰۰
	۴	واقع‌بینانه‌تر شدن صورت‌های مالی	۹,۲۰۹	۰,۰۰
	۵	قدرت پیش‌بینی اقتصادی آتی	۹,۸۳۹	۰,۰۰
	۶	اعتماد مردم به بخش عمومی	۵,۸۱۱	۰,۰۰
	۷	کاهش هزینه‌های نمایندگی	۹,۷۶۱	۰,۰۰
	۸	سهولت تصمیم‌گیری اعتباردهندگان	۵,۸۱۱	۰,۰۰
	۹	جذب سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی	۱۰,۴۰۵	۰,۰۰
	۱۰	یکپارچگی سیستم‌های اطلاعاتی	۹,۵۱۸	۰,۰۰
توان پاسخ‌گویی	۱۱	ارائه گزارش عملکرد بخش عمومی به مردم	۱۰,۳۲۲	۰,۰۰
	۱۲	ارائه گزارش مربوط به بودجه و رعایت آن در بخش عمومی	۹,۲۴۳	۰,۰۰
	۱۳	ارائه گزارش مبنی بر ارزیابی توان ایفای تعهدات	۱۰,۲۲۶	۰,۰۰
	۱۴	ارائه اطلاعاتی مبنی بر حفظ و بهبود رفاه آتی	۹,۱۹۱	۰,۰۰
	۱۵	ارائه اطلاعاتی مربوط به استقراری‌های عمومی	۱۰,۱۸۴	۰,۰۰
	۱۶	بهبود در مدیریت تخصیص منابع عمومی	۹,۲۷۹	۰,۰۰
	۱۷	تحلیل اقتصادی‌تر منابع بودجه‌ای	۹,۲۷۹	۰,۰۰
بهره‌وری	۱۸	هم‌سو شدن بودجه تخصیص یافته با اهداف	۹,۸۶۱	۰,۰۰
	۱۹	مدیریت هزینه‌ها و جبران کسری بودجه	۱۰,۴۱۷	۰,۰۰

۰,۰۰	۹,۹۳۷	دقت در اندازه‌گیری بهای تمام شده خدمات	۲۰	کیفیت
۰,۰۰	۱۰,۵۰۸	افزایش رقابت و تعدیل قیمت‌ها	۲۱	
۰,۰۰	۹,۵۳۳	بهبود در ارائه خدمات عمومی	۲۲	
۰,۰۰	۹,۶۶۷	بهبود کیفیت تصمیم‌گیری مدیران	۲۳	
۰,۰۰	۹,۸۳۹	مدیریت زمان و کوتاه شدن زمان انتظار دریافت خدمات	۲۴	
۰,۰۰	۹,۱۶۰	تقویت انگیزه برای عملکرد بهتر	۲۵	
۰,۰۰	۹,۵۰۰	افزایش در نوآوری فرایندها و محصولات	۲۶	
۰,۰۰	۹,۶۶۹	افزایش رفاه عمومی و رضایت شهروندان	۲۷	
۰,۰۰	۹,۷۸۹	امکان اندازه‌گیری عملکرد بخش عمومی	۲۸	ارزیابی نظارت
۰,۰۰	۹,۸۶۱	بهبود مدیریت عملکرد بخش عمومی	۲۹	
۰,۰۰	۹,۶۹۰	افزایش امکان انجام اقدامات اصلاحی	۳۰	
۰,۰۰	۸,۰۳۱	کاهش تقلب و سوء استفاده‌های مالی و عملیاتی	۳۱	
۰,۰۰	۹,۸۸۸	آگاهی مردم در توازن ارزیابی و تفویض اختیار	۳۲	
۰,۰۰	۱۰,۱۰۷	نظارت بر پیامد فعالیت به جای تمرکز بر منابع	۳۳	
۰,۰۰	۱۰,۹۳۶	بهبود در عملکرد دستگاه‌های بخش عمومی	۳۴	
۰,۰۰	-۲,۱۶۴	تناقض در معیارهای ارزیابی عملکرد	۳۵	
۰,۰۳۰	-۳,۰۱۲	خدشه‌دار شدن نقش توزیعی و عدالت اجتماعی	۳۶	چالش‌ها
۰,۰۰۳	-۴,۱۸۲	عدم توجه به معیارهای سیاسی و اجتماعی	۳۷	
۰,۰۹۱	-۱,۶۹۳	افزایش شکاف طبقاتی	۳۸	
۰,۱۲	-۰,۶۵۶	عدم رشد خلاقیت در بخش عمومی	۳۹	
۰,۲۱۹	-۱,۲۲۸	افزایش فساد مالی و عملیاتی	۴۰	

**آزمون فریدمن:** در ادامه به منظور آزمون معناداری میانگین شاخص‌های مربوط به هر پیامد از آزمون فریدمن استفاده شد. جدول ۴ نیز نتایج اولیه حاصل از آزمون فریدمن را نشان می‌دهد.

جدول ۴. نتایج اولیه آزمون فریدمن (معناداری تفاوت در میانگین شاخص‌ها)

ارزیابی وضعیت فعلی پیامدها (سطح دوم)	اجرای کامل اصلاحات مدیریت مالی نوین (سطح اول)		
۲۳,۷۶۳	۶۰,۴۹	آماره آزمون (کای - دو)	شفافیت
۰,۰۰	۰,۰۰	سطح معناداری	
۲۶,۷۹۲	۲۲,۳۸۴	آماره آزمون (کای - دو)	توان پاسخ‌گویی
۰,۰۰	۰,۰۰	سطح معناداری	
۳۰,۹۰۴	۱۸,۲۴۴	آماره آزمون (کای - دو)	بهره‌وری
۰,۰۰	۰,۰۰۳	سطح معناداری	
۱۹,۷۹۸	۱۳,۲۱۲	آماره آزمون (کای - دو)	کیفیت
۰,۰۰۱	۰,۰۲۱	سطح معناداری	
۷,۳۷۴	۷,۶۱۵	آماره آزمون (کای - دو)	ارزیابی و نظارت
۰,۲۸۸	۰,۲۶۸	سطح معناداری	
۲۱,۲۷۲	۹,۵۰۶	آماره آزمون (کای - دو)	چالش‌ها
۰,۰۰۱	۰,۰۹۱	سطح معناداری	

از آنجا که میزان معناداری سطح اول کلیه مؤلفه‌ها به غیر از حوزه ارزیابی و نظارت و چالش‌ها و سطح دوم کلیه مؤلفه‌های پرسشنامه به استثنای مؤلفه ارزیابی و نظارت کمتر از ۰,۰۵ است، تفاوت در میانگین شاخص‌ها از لحاظ آماری معنادار است. به بیان دیگر از دیدگاه متخصصان این حوزه در صورت اجرای کامل اصلاحات رویکرد مدیریت مالی عمومی نوین در کشور، شاخص پیامدهایی همچون ارتقای شفافیت، توان پاسخ‌گویی، بهره‌وری، کیفیت و ارزیابی و نظارت و کاهش پیامدهای نامطلوب مورد انتظار است، اما میزان رخداد شاخص‌های مربوط به هر پیامد در سطح اول و میزان مطلوبیت وضعیت فعلی آنها در سطح دوم، متفاوت است. اما در رابطه با پیامد مرتبط با ارزیابی و نظارت و سطح اول حوزه چالش‌ها به دلیل اینکه میزان معناداری آن بیشتر از ۰,۰۵ است، بنابراین تفاوت در میانگین شاخص‌های آن و در نتیجه اولویت‌بندی آنها از لحاظ آماری معنادار نیست. با توجه به نتایج اول آزمون فریدمن، در صورت معناداری تفاوت در میانگین شاخص‌های مربوط به هر پیامد، به اولویت‌بندی آنها بر اساس میزان احتمال رخداد پیامدها و میزان مطلوبیت شرایط فعلی، بر پایه میانگین رتبه‌ای شاخص‌ها اقدام شد که در جدول ۵ ارائه شده است.

جدول ۵: مقایسه پیامد اصلاحات و وضعیت موجود: نتایج دوم آزمون فریدمن (اولویت بندی شاخص های هر پیامد)

مؤلفه	اولویت	اجرای کامل اصلاحات مدیریت مالی نوبن (سطح اول)		ارزیابی وضعیت فعلی پیامدها (سطح دوم)		
		شاخص ها	میانگین رتبه ای	شاخص ها	میانگین رتبه ای	
شفافیت	۱	واقع بینانه تر شدن صورت های مالی	۶,۱۲	کاهش هزینه نمایندگی	۶,۳۷	
	۲	یکپارچگی سیستم های اطلاعاتی	۶,۰۷	واقع بینانه تر شدن صورت های مالی	۶,۱۹	
	۳	سهولت تصمیم گیری اعتبار دهندگان	۶,۰۱	یکپارچگی سیستم های اطلاعاتی	۵,۹۶	
	۴	اعتماد به بخش عمومی	۵,۵۶	کاهش فساد مالی و عملیاتی	۵,۸۷	
	۵	دسترسی به اطلاعات	۵,۵۶	سهولت تصمیم گیری اعتبار دهندگان	۵,۵۸	
	۶	جذب سرمایه گذاری	۵,۵۴	دسترسی به اطلاعات	۵,۲۱	
	۷	تقارن اطلاعاتی	۵,۳۱	قدرت پیش بینی اقتصاد آتی	۵,۱	
توان پاسخ گویی	۸	کاهش فساد مالی و عملیاتی	۵,۲۴	جذب سرمایه گذاری	۵,۰۵	
	۹	قدرت پیش بینی اقتصاد آتی	۴,۸۸	تقارن اطلاعاتی	۴,۸۵	
	۱۰	کاهش هزینه نمایندگی	۴,۶	اعتماد به بخش عمومی	۴,۸۱	
	۱	ارائه گزارش عملکرد به مردم	۳,۲۶	ارائه گزارش مربوط به بودجه	۳,۳۱	
	۲	ارائه گزارش ارزیابی توان ایفای تعهدات	۳,۱	ارائه گزارش عملکرد عمومی	۳,۱	
	۳	ارائه گزارش مربوط به بودجه	۳,۰۸	ارائه گزارش ارزیابی توان ایفای تعهدات	۳,۰۵	
	۴	ارائه گزارش عدالت بین نسلی	۲,۸۴	ارائه گزارش مبنی بر بهبود رفاه آتی	۲,۹	
	۵	ارائه اطلاعات مرتبط با بهبود رفاه آتی	۲,۷۳	ارائه گزارش عدالت بین نسلی	۲,۶۴	
	بهره‌وری	۱	بهبود در مدیریت تخصیص منابع	۳,۶۹	بهبود در مدیریت تخصیص منابع	۳,۸۴
		۲	دقت در اندازه گیری بهای خدمات	۳,۶۷	تحصیل اقتصادی تر منابع بودجه‌ای	۳,۷۴
۳		تحصیل اقتصادی تر منابع بودجه‌ای	۳,۵۶	همسو شدن بودجه یا اهداف	۳,۶۵	
۴		همسو شدن بودجه یا اهداف عمومی	۳,۵۳	دقت در اندازه گیری بهای خدمات	۳,۳۶	
۵		مدیریت هزینه‌ها و جبران کسری بودجه	۳,۴۶	مدیریت هزینه‌ها و جبران کسری بودجه	۳,۳۴	
۶		افزایش رقابت و تعدیل قیمت‌ها	۳,۱	افزایش رقابت و تعدیل قیمت‌ها	۳,۰۷	



۳۶۹	بهبود کیفیت تصمیم‌گیری مدیران	۳,۶۶	بهبود در ارائه خدمات عمومی	۱	بهره‌وری
۳۶۶	بهبود در ارائه خدمات عمومی	۳,۶۲	مدیریت زمان	۲	
۳۶۳	تقویت انگیزه برای عملکرد بهتر	۳,۶۱	بهبود کیفیت تصمیم‌گیری مدیران	۳	
۳۶	مدیریت زمان	۳,۵۶	تقویت انگیزه برای عملکرد بهتر	۴	
۳,۲۷	افزایش در نوآوری فرایندها	۳,۲۸	افزایش در نوآوری فرایندها	۵	
۳,۱۶	افزایش رفاه عمومی و رضایت	۳,۲۷	افزایش رفاه عمومی و رضایت	۶	
۳,۷۸	افزایش شکاف طبقاتی			۱	فساد
۳,۷۸	عدم رشد خلاقیت در بخش عمومی			۲	
۳,۵۱	افزایش فساد مالی و عملیاتی			۳	
۳,۳۹	خدشه دار شدن نقش توزیعی عدالت			۴	
۳,۳۶	تناقض در معیارهای ارزیابی عملکرد			۵	
۳,۱۸	عدم توجه به معیارهای اجتماعی			۶	

از آنجا که اصلاحات مدیریت مالی نوین از جمله تغییر سیستم حسابداری به سوی تعهدی و به تبع آن تغییر نظام گزارشگری مالی، تغییر سیستم بودجه‌ریزی به سوی نظام مبتنی بر عملکرد و همچنین گسترش حسابرسی بر مبنای عملکرد و تداوم خصوصی‌سازی در داخل کشور در حال انجام است، شاخص‌هایی همچون واقع بینانه تر شدن صورت‌های مالی، یکپارچگی سیستم‌های اطلاعاتی و سهولت تصمیم‌گیری اعتباردهندگان در حوزه پیامدهای مربوط به شفافیت، ارائه گزارش‌های عملکردی برای ارزیابی اهداف بودجه و ارزیابی توان ایفای تعهدات دولت در باب توان پاسخ‌گویی و شاخص‌هایی همچون بهبود مدیریت در تخصیص منابع، تحصیل اقتصادی تر منابع بودجه‌ای در باب بهره‌وری و همچنین در حوزه کیفیت، بهبود در ارائه خدمات عمومی، مدیریت زمان و افزایش کیفیت تصمیم‌گیری مدیریت قابل انتظار است. همچنین در حوزه چالش‌ها نیز با توجه به خروجی آزمون علامت مشخص شد که اگر اصلاحات مدیریت مالی نوین بدون در نظر گرفتن ماهیت بخش عمومی اجرا شود می‌تواند پیامدهایی همچون افزایش شکاف طبقاتی، عدم رشد خلاقیت در بخش عمومی و افزایش فساد مالی و عملیاتی را در بر داشته باشد. اولویت سایر شاخص‌ها نیز به تفصیل در جدول ۵ نشان داده شده است.

## نتیجه‌گیری و پیشنهادها

تمرکز این پژوهش بر اصلاحات مدیریت مالی عمومی نوین بوده و هدف اصلی آن، بررسی پیامدهای به کارگیری رویکرد مدیریت مالی نوین در بخش عمومی کشور از دیدگاه متخصصان این رشته است. اصلاحات مدیریت مالی عمومی نوین شامل تغییر در سیستم حسابداری و نظام گزارشگری مالی، تغییر سیستم بودجه ریزی به سوی نظام مبتنی بر عملکرد و تغییر سیستم حسابرسی و کنترل داخلی بر مبنای عملکرد بخش عمومی است. پس از تحلیل آزمون‌های انجام شده، یافته‌ها نشان می‌دهد که اگر اصلاحات رویکرد مدیریت مالی عمومی نوین به صورت متعادل و متناسب با زیرساخت‌های بخش عمومی کشور به کار بسته شود، پیامدهای مطلوبی همچون ارتقای شفافیت (از جمله شاخص‌های واقع بینانه تر شدن صورت‌های مالی، یکپارچگی سیستم‌های اطلاعاتی و سهولت تصمیم‌گیری اعتباردهندگان در فرصت‌های سرمایه‌گذاری)، ارتقای توان پاسخ‌گویی (از جمله ارائه گزارش‌هایی در باب عملکرد، گزارش‌های ارزیابی توان ایفای تعهدات دولت و دستیابی به اهداف بودجه)، بهبود بهره‌وری (بهبود در مدیریت تخصیص منابع بودجه‌ای، دقت در اندازه‌گیری بهای تمام شده خدمات و تحویل اقتصادی تر منابع بودجه‌ای)، ارتقای کیفیت (بهبود در ارائه خدمات عمومی، مدیریت زمان و بهبود کیفیت تصمیم‌گیری مدیران) و ارتقای سیستم ارزیابی و نظارت را در پی خواهد داشت که به افزایش رضایت‌مندی شهروندان از حاکمیت منجر خواهد شد. اما در صورت اجرای افراطی، بدون در نظر گرفتن ماهیت بخش عمومی، پیامدهای نامطلوبی از جمله تعارض در معیارهای عملکرد، شکاف طبقاتی، خدشه دار شدن نقش توزیعی و عدالت اجتماعی و فساد مالی و عملیاتی را در پی خواهد داشت.

در زمینه مدیریت مالی عمومی نوین پژوهش‌های زیادی در داخل کشور انجام نشده و ممکن است شناخت ناکافی پاسخ‌دهندگان از موضوع پژوهش در تکمیل پرسشنامه، تعمیم نتایج را با محدودیت مواجه کند.

این پژوهش به صورت کلی و منسجم به بررسی اصلاحات مدیریت مالی نوین و پیامدهای حاصل از اجرای آن پرداخت. اما پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی در رابطه با هر یک از حوزه‌های اصلاحات به صورت مجزا مطالعه شود. همچنین پیشنهاد می‌شود الزامات پیاده‌سازی اصلاحات مدیریت مالی نوین در بخش عمومی کشور بررسی شود تا بسترهای آن برای اجرای مطلوب شناخته شود. علاوه بر این پیشنهاد می‌شود مدیران بخش عمومی با بهره‌گیری از پیامدهای مطلوب و نامطلوب شناسایی

شده در پژوهش حاضر و سایر پژوهش‌ها و تجارب سایر کشورها در این حوزه، اجرای اصلاحات مدیریت مالی عمومی نوین را با موفقیت همراه کند.

## منابع

- ۱- الوانی، مهدی (۱۳۸۳). نارسایی‌های ارزیابی عملکرد در مدیریت نتیجه گرا. فصلنامه مطالعات مدیریت بهبود و تحول، ۱۱(۴۳)، ۳-۱۳.
- ۲- باباجانی، جعفر (۱۳۸۲). مسئولیت پاسخ‌گویی و تحولات حسابداری دولتی موضوع بیانیه ۳۴ (GASB). پژوهش‌نامه علوم انسانی و اجتماعی، ۳(۸)، ۳۵-۶۱.
- ۳- باباجانی، جعفر (۱۳۹۰). بررسی تطبیقی فراز و فرود ایفا و ارزیابی مسئولیت پاسخ‌گویی مالی از طریق گزارشگری مالی دولتی در سده گذشته، مجله دانش حسابرسی، ۱۱(۴۴)، ۳۷-۷۲.
- ۴- پوراحمدی، معین؛ مختاریان‌پور، مجید؛ حسنقلی‌پور یاسوری، طهمورث (۱۳۹۷). آسیب شناسی اجرای خط مشی‌ها خصوصی‌سازی در ایران. مدیریت دولتی، ۱۰(۳)، ۳۳۲-۳۵۶.
- ۵- خرمی، قاسم (۱۳۹۵). بررسی تأثیر حسابرسی عملیاتی بر بودجه ریزی عملیاتی. فصلنامه پژوهش‌های جدید در مدیریت و حسابداری ۲(۶)، ۱۷۹-۱۹۱.
- ۶- دانایی فرد، حسن (۱۳۹۵). چالش‌های مدیریت دولتی در ایران. چاپ دهم). تهران: انتشارات سمت.
- ۷- رحمان سرشت، حسین؛ موسوی کاشی زهره (۱۳۹۴). مدلی برای سنجش اثربخشی خدمات عمومی (آزمونی در بیمارستان‌های دولتی)، مجله چشم‌انداز مدیریت دولتی، ۲۴، ۵۹-۷۶.
- ۸- رضازاده، جواد (۱۳۸۳). حسابرسی عملیاتی: یک ضرورت ملی. هشتمین همایش سراسری حسابداری ایران، مشهد.
- ۹- سالارزهی، حبیب‌الله؛ ابراهیم‌پور، حبیب (۱۳۹۱). بررسی سیر تحول در پارادایم‌های مدیریت دولتی، از پارادایم مدیریت دولتی سنتی تا پارادایم حکمرانی خوب. مدیریت دولتی، ۴(۹)، ۴۳-۶۲.
- ۱۰- طرقي ابوالحسنی، علیرضا؛ ابوالحسنی، صابر (۱۳۹۵). مدیریت مالی نوین از منظر سیستم حسابداری تعهدی در بخش عمومی. نخستین همایش ملی علوم اسلامی حقوق و مدیریت.
- ۱۱- عادل، آذر؛ امیرخانی، طیبه (۱۳۹۱). بودجه‌ریزی عمومی: نهادهای بودجه‌ریزی و بودجه محلی. تهران: انتشارات سمت، ص.ص ۱۰۷-۲۲۷.

- ۱۲- کردستانی، غلامرضا؛ معنوی مقدم، امیرهادی (۱۳۹۶)، بررسی مدیریت مالی نوین بخش عمومی، گذشته، حال و آینده. *مطالعات حسابداری و حسابرسی*، ۶(۲۳)، ۱۷-۳۰.
- ۱۳- کردستانی، غلامرضا؛ نصیری، محمود (۱۳۸۸)، کارایی گزارشگری مالی و ارتقای سطح مسئولیت پاسخ‌گویی در بخش عمومی، *مجله حسابدار* ۲۵ (۲۰۸ و ۲۰۹)، ۵۸-۶۵.
- ۱۴- کمیته حسابرسی عملیاتی (۱۳۸۰)، *سازمان مصوبات کمیته حسابرسی عملیاتی: آشنایی با حسابرسی عملیاتی*، شماره ۱۰.
- ۱۵- محمدی پور، رحمت‌الله؛ احمدی، زهرا (۱۳۹۲)، بررسی نقش حسابداری تعهدی در پیاده‌سازی بودجه‌ریزی عملیاتی و جایگاه حسابرسی عملیاتی، *مجله حسابرسی*، ۱۰۶، ۶۷-۱۱۵.
- 16- Alkaraan, F. (2018). Public financial management reform: an ongoing journey towards good governance. *Journal of Financial Reporting and Accounting*, 16(4), 585-609.
- 17- Alvani, M. (2004). Failure of performance evaluation in results-oriented management. *Quarterly Journal of Management Studies in Development and Evolution*, 11(43), 3-13. (in Persian)
- 18- Adel, A. & Amirkhani, T. (2012). *Public Budgeting: Budgeting and Local Budgetary Institutions*. Tehran: SAMT Publication, PP. 107-227. (in Persian)
- 19- Babajani, J. (2003). Responsibility and Accountability of Governmental Accounting, No. 34 (GASB). *Journal of Humanities and Social Sciences*, 3(8), 35-61. (in Persian)
- 20- Babajani, J. (2011). A comparative review of the ups and downs, and the assessment of Financial accountability through government financial reporting in the past century. *Journal of Audit Science*, 11(44), 37-72. (in Persian)
- 21- Baltaci, M. & Yilmaz, S. (2006). Keeping an Eye on Sub-national Governments: Internal Control and Audit at Local Levels. WBI working paper series. Washington, DC: World Bank, PP. 1-29.
- 22- Barton, A. (2009), The use and abuse of accounting in the public sector financial management reform program in Australia. *Journal of accounting, finance and business studies*, 45(2), 221-248.
- 23- Choi, J.H. (2018). Accrual Accounting and Resource Allocation: A General Equilibrium Analysis. 17th Annual Carnegie Mellon Accounting Mini Conference and Junior Accounting Theory Conference for helpful comments, pp 70.

- 24- Clark, C. & Menifield, C. E. & Stewart, L. M. (2017). Policy Diffusion and Performance-based Budgeting. *International Journal of Public Administration*, 41(7), 528-534.
- 25- Danaiee fard, H. (2017). Challenges of Governmental management in Iran. (10 ed). Tehran: SAMT Publishers. (in Persian)
- 26- Dittenhofer, M. (2001). Performance auditing in governments. *Managerial Auditing journal*, 16(8), 438-442.
- 27- Garcia-Sanchez, I.M. & Beatriz-Cuadrado, B. (2016). *New Public Financial Management*. Springer
- 28- International Publishing Switzerland, 1-18. DOI: <https://doi.org/10.1007/978-3-319-31816-5-2323-1> Hope, K.R. (2001). The new public management: context and practice in Africa. *International Public Management Journal*, 4(2), 119-134.
- 29- Hughes, J. (2007). Local government internal controls to ensure efficiency and integrity (chapter 5 of book). *Local public financial management (public sector governance and accountability service* , Washington, The World Bank, 160-179.
- 30- Kordestan, Gh. & Nasiri, M. (2009). Efficiency of financial reporting and Promotion of accountability in the public sector. *Journal of Accounting*, 25(208-209), 58-65. (in Persian)
- 31- Kordestani, Gh. & Manavi Moghaddam, A.H. (2017). Reviewing the New Public Financial Management, Past, Present and Future. *Accounting and Auditing Studies*, 23, 17-30. (in Persian)
- 32- Khorrami, Q. (2016). Investigating the impact of Operational Audit on Operational budgeting. *Quarterly Journal of New Research in Management and Accounting*, 6(23), 17-30. (in Persian)
- 33- Larbi, A.G. (1999). The New Public Management Approach and Crisis States. *UNRISD Discussion paper*, 112, 1-37.
- 34- Matthew, A. & McNaught, T. & Samji, S. (2018). Opening Adaptation windows On to Public Financial Management Reform Gaps in Mozambique, CID Faculty Working Paper. PP. 341.
- 35- Mohammadipour, R., & Ahmadi, Z. (2013), Investigating the Role of Accrual Accounting in Implementing Operational Budgeting and role of operational auditing. *Auditorium Journal*, 67, 106-115. (in Persian)

- 36- Nyamita M. O., Dorasamy, N. & Garbharran, H.L. (2015). A review of public sector financial management reforms: an international perspective. *Public and Municipal Finance*, 4(2), 25-37.
- 38- Poorahmadi, M., Mokhtarianpour, M., & Hassan Gholipour, T. (2018). Pathology of the Implementation of Privatization Policies in Iran. *Journal of Public Administration*, 10(3), 333-356. (in Persian)
- 39- Parker, L. D. & Jacobs, K. & Schmitz, J. (2019). New public management and the rise Of public sector performance audit: Evidence from the Australian case. *Accounting, Auditing & Accountability Journal*, 32(1), 280-306.
- Rahman Seresht, H. & Mosavikashi, Z. (2014). A Model for Measuring the Effectiveness Of Public Services (A Test in Public Hospitals). *Journal of Public Administration Outlook*, 24, 59-76. (in Persian)
- 40- Rezazadeh, J. (2004), Operational Auditing: A Necessity of Nationality. at the 8th Iranian Accounting Conference, Mashhad. (in Persian)
- 41- Salarzehi, H., Ebrahimpour, H. (2013). Paradigms of Public Administration: From Traditional Public Administration to Good Governance. *Journal of Public management of Tehran University*, 4(9), 43-62. (in Persian)
- 42- Tabrizi, J. S., Hagh Goshayie E., Doshmangir, L., & Yousefi, M. (2018). New public management in Iran's health complex: a management framework for Primary health care system. *primary health care research and development*, 19(3), 264-276.
- 43- Torghi Abolhasani, A. & Abolhasani, S. (2015). Modern financial management from The Perspective of the accrual accounting system in the public sector. The first National Conference on Islamic law and management. (in Persian)
- 44- Wynne, A. (2003). Do Private Sector Financial Statements provide a suitable model for public Sector Accounts? Paper presented at the European group of public Administration. Oeiras Portugal Conference "public Law and Modernizing the state, PP. 6-25.
- 45- Yapa, P.W.S., Ukwatte, S.L. (2015). The new public financial management (NPFM) and accrual accounting in Sri Lanka. In (ed), the public sector accounting, accountability auditing in emerging economics, research in accounting in emerging economics, Emerald Group publishing limited, 50, 7-50.

# مدیریت کارآفرینی و نوآوری

سمانه کرم پورهوشمند

## چکیده

نوآوری مدل کسب و کار بیش از پیش در مدیریت راهبردی اهمیت دارد که برای تعداد رو به افزایشی از سازمان‌ها مزیت‌های رقابتی سرنوشت‌سازی را ایجاد می‌کند. در عرصه جهانی افراد خلاق و نوآور به عنوان کارآفرینان منشا تحولات بزرگی در عرصه تولید و خدمات شده‌اند. حتی شرکت‌های بزرگ جهانی برای حل مشکلات خود به کارآفرینان و نوآوران مراجعه می‌کنند زیرا نوآوری‌ها و کارآفرینی به طور روزافزون موجب بهبود در عملکردهای اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی می‌شوند. افراد کارآفرین با خلاقیت و نوآوری خود، وقایع و روند فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی جوامع را متحول کرده و رشد و پیشرفت را به ارمغان آورده‌اند. پیدایش دانشگاه کارآفرین و رشد چشمگیر شرکت‌های نوپا (استارت‌آپ) از جلوه‌های کاربردی این موضوع هستند. روش تحقیق این مقاله از نظر هدف کاربردی و از نظر نیاز به داشتن فرضیه توصیفی می‌باشد.

**واژه‌های کلیدی:** کارآفرینی، نوآوری، خلاقیت، کسب و کار

## ۱. مقدمه

نوآوری، کاربردی کردن ایده‌های نوین ناشی از خلاقیت است. در واقع به پیاده‌سازی ایده‌های حاصل از خلاقیت که به صورت یک محصول یا خدمت جدید ارائه شود، نوآوری می‌گویند. نوآوری مدل کسب و کار بیش از پیش در مدیریت راهبردی اهمیت دارد که برای تعداد رو به افزایشی از سازمان‌ها مزیت‌های رقابتی سرنوشت‌سازی را ایجاد می‌کند. کارآفرینی شامل خلاقیت، نوآوری و مخاطره‌پذیری است و مستلزم بررسی مستمر جریانهای کسب و کار موجود و ایجاد شیوه‌هایست که آنها را به شیوه‌ای کارآمد و موثرتر از نظر زمان و هزینه میسر سازد. به عبارت ساده، کارآفرینی در جهت بهینه‌سازی کسب و کار تمرکز دارد. کارآفرینی در جهان فناوری مهمترین مقدمه ورود به توسعه یافتگی، جبران عقب‌ماندگی‌های اقتصادی و گذر از رکود بازار کسب و کار است، ضمن اینکه به پُر شدن خلاها و شکاف‌های بازار کار در توسعه و رشد کشور کمک می‌کند. برای گذر از مرحله سنتی به صنعتی باید به ظرفیت‌ها و قابلیت‌های کارآفرینان در به‌کارگیری روش‌های جدید در بازار و خلق نوآوری‌ها اهتمام ورزید تا این قشر به‌منظور توسعه اقتصادی و افزایش درآمد سرانه و گسترش فرصت‌های شغلی کمک حال بخش دولتی باشند. جامعه پیشرفته امروزی، توسعه خود را مدیون انسان‌هایی است که قادر به تبدیل رویاها و ایده‌های خلاقانه خود به حقیقت بوده‌اند، و جرأت کافی برای مبارزه با روش‌های متداول و جا افتاده برخوردار بوده‌اند. این عوامل تغییر، شخصیت و روحیه‌ای داشته‌اند که امروزه «کارآفرینی» نامیده می‌شود. ذهن کارآفرین بر ایده‌ها و فرصت‌های جدید برای نوآوری متکی است. یک تلاش پیوسته و آگاهانه برای جستجوی نتیجه و انجام خطرات در آنها لازم دارد. می‌توان با یک برنامه صحیح آموزشی، به پرورش ویژگی‌ها و روحیه کارآفرینی و آشنایی با کسب‌وکار کارآفرینانه پرداخت.

## ۲. تعریف کارآفرین و کارآفرینی

وجود تعاریف و تعابیر مختلف و متنوع از کارآفرینی، از سویی بیانگر گستردگی و اهمیت موضوع بوده که می‌تواند از زوایای مختلف مورد بررسی قرار گیرد. و از سویی دیگر نشان‌دهنده پویایی آن است که می‌تواند زمینه ارائه مدل‌ها، تئوری‌ها و نظرات متفاوتی را فراهم آورد. مردم معمولاً تصور می‌کنند کارآفرینی یعنی شروع یک کسب و کار جدید. اما این درک درستی از مفهوم کارآفرینی نیست. در مجموع، بهترین تعریفی که می‌توان از کارآفرینی ارائه کرد این است که کارآفرینی عبارتست از:



فرآیند نوآوری و بهره‌گیری از فرصت‌ها با تلاش و پشتکار بسیار و همراه با پذیرش ریسک‌های مالی، روانی و اجتماعی، که البته با انگیزه کسب سود مالی، توفیق طلبی، رضایت شخصی و استقلال صورت می‌پذیرد. واژه کارآفرینی (Entrepreneurship) از کلمه فرانسوی Enterprender به معنای متعهد شدن نشأت گرفته است و بنا بر تعریف واژه‌نامه دانشگاهی وبستر کارآفرین کسی است که مخاطره‌های یک فعالیت اقتصادی را سازماندهی اداره و تقبل نماید. کارآفرین کسی است که متعهد می‌شود مخاطره‌های یک فعالیت اقتصادی را سازماندهی، اداره و تقبل کند (فرهنگ دانشگاهی وبستر). کارآفرین کسی است که تلاش می‌کند با راه‌اندازی شرکت خود یا به تنهایی عمل کردن در دنیای اقتصاد سودی بدست آورد مخصوصاً که باید پذیرای مخاطرات باشد (فرهنگ کمبریج). کارآفرین ایده‌ای را یافته و آن را تبدیل به فرصتی اقتصادی می‌کند. در فضای کسب‌وکار، فرصت، فکر نوینی است که قابلیت تجاری شدن دارد.

### ۳. اهمیت کارآفرینی و کارآفرینان

از محرک‌های اصلی برای ایجاد یک شغل، کارآفرینی در جامعه است. کارآفرینی بعنوان سنبلی و نماد تلاش و موفقیت در امور تجاری بوده و کارآفرینان پیشگامان موفقیت‌های تجاری در جامعه هستند. می‌توان گفت کارآفرینی موجب رشد و شکوفایی استعدادهای نهفته افراد جامعه شد و موجب می‌شود تا افراد جامعه با استفاده از آن به انواع موفقیت‌های فردی و مالی و شغلی دست پیدا کند. مواردی که سبب می‌شود تا اهمیت کارآفرینی در جامعه پررنگ شود عبارتند از:

#### ۳-۱ اشتغال‌زایی

کارآفرینی مهم‌ترین منبع اشتغال‌زایی و توسعه است. کارآفرینی اشتغال‌زایی از راه ایده‌های نو است و امروز با توسعه شرکت‌های دانش‌بنیان و فناوری‌های نوین به موضوع کارآفرینان به عنوان مولدان و نیروی محرکه در توسعه اقتصادی کشور نگاه ویژه‌ای می‌شود. کارآفرینی خود منبع مولد اشتغال برای جوانان است و می‌تواند جوانان فارغ‌التحصیل بسیاری را شاغل نماید.

#### ۳-۲ دریافت سود بیشتر برای سرمایه‌گذاران

فرآیند کارآفرینی به وسیله افزایش پتانسیل سود شرکت‌ها به فرد منفعت می‌بخشد. این نتیجه ایده‌های جدید و ارائه یک محصول یا خدمات ابتکاری است.

### ۳-۳ شناخت و ایجاد بازارهای جدید

یک کارآفرین از طریق استراتژی نفوذ در بازار می‌تواند درصد بیشتری از سهم بازار را مورد هدف قرار دهد. این نوع استراتژی معمولاً به دنبال کسب یک مزیت رقابتی از طریق قیمت گذاری، بازاریابی یا سایر طرح‌ها است. استراتژی نفوذ در بازار به افزایش سهم بازار محصول یا خدمات فعلی در بازار موجود کمک می‌کند. استراتژی نفوذ در بازار می‌تواند با ارائه پیشنهادات فروش، افزایش نیروی فروش، افزایش هزینه‌های توزیع و ارتقاء محصولات اعمال شود که در نهایت با اعمال هزینه‌های بیشتر در حوزه بازاریابی و تبلیغات می‌تواند میزان فروش را افزایش دهد.

### ۳-۴ توسعه اقتصادی

کارآفرینی نقش بسیار کلیدی در توسعه اقتصادی و پایدار همه جوامع دارد. به قول شومپتر، کارآفرینی موتور توسعه اقتصادی است که بدون آن هیچ کشوری نمی‌تواند به توسعه اقتصادی دست یابد. امروزه دولت‌ها و سازمان‌ها به کارآفرینی اهمیت بیشتری می‌دهند و راه شکوفایی اقتصادی را در گروه توسعه کارآفرینی می‌دانند.

### ۳-۵ ارتقای رفاه اجتماعی

کارآفرینان پیشگامان موفقیت‌های تجاری در جامعه هستند و همواره نقش مهمی در پیشرفت جوامع دارند. کارآفرینی با توسعه برنامه‌های نوآورانه به بهبود معیشت کسانی که فاقد کسب و کار و قدرت مالی هستند کمک می‌کند.

### ۳-۶ کاهش هزینه‌ها و جلوگیری از اتلاف منابع

کارآفرینی به منظور بهینه‌سازی منابع و استفاده کامل از آنها برای ایجاد فرآیندهای کارآمد کار می‌کند. این باعث کاهش هزینه‌های شرکت می‌شود و با افزایش فعالیت اقتصادی که با بهینه‌سازی روند کلی افزایش می‌یابد، به ارزش نیز افزوده می‌شود.

### ۴. مهارت‌های اصلی کارآفرینان خلاق

از نظر امی ویلکینسون ۶ مهارت مختلف وجود دارد که می‌تواند باعث موفقیت کارآفرینان شود.

۱. پیدا کردن شکاف‌ها

۲. حرکت کردن در جهت روشنایی و رسیدن به موفقیت

۳. استفاده کردن از چرخه اودا

۴. عاقلانه شکست خوردن

۵. ذهن شبکه‌ای داشتن

۶. ارائه هدایای کوچک

به گفته او خلاقیت نه ذاتی است و نه با مدارک مختلف ایجاد می‌شود، بلکه اصول ساده‌ای دارد که اگر آن‌ها را بشناسیم و اجرا کنیم تبدیل به فردی خلاق می‌شویم که در هر زمینه‌ای به بهترین شکل عمل می‌کنیم. او همچنین می‌گوید افراد خلاق، خلاق به دنیا نمی‌آیند، آن‌ها به مرور این ۶ مهارت را یاد می‌گیرند، به کار می‌بندند و در نهایت به تیم‌شان انتقال می‌دهند. این ۶ مهارت کاملاً با هم درگیر هستند و یکدیگر را تغذیه می‌کنند تا انرژی و تکانه لازم را برای موفقیت فراهم کنند. برای پیدا کردن تجربه در این ۶ مهارت، به هیچ استعداد ویژه‌ای احتیاج نیست. نیاز به مدرک و گواهی خاصی هم ندارید.

## ۵. قواعد راه اندازی کسب و کار و کارآفرینی

کارآفرینی و دستیابی به موفقیت نیازمند کسب دانش و اطلاعات متنوع و انجام کارهای گوناگون است که یک کارآفرین باید انجام دهد.

### ۵-۱ خلق ایده

این مورد یکی از اساسی‌ترین شرایط کارآفرینی است. ارائه ایده از طریق نوع نگرش، مشاهدات، تجربه، تحصیل، آموزش به دست می‌آید. ایده کسب و کار را می‌توان نطفه آن کسب و کار دانست که با تلاش و سرمایه‌گذاری بارور می‌شود و باعث می‌شود که یک مجموعه‌ی اقتصادی واقعی متولد شود. برای خلق ایده جدید باید اعتماد به نفس بالایی داشت، چرا که ممکن است ایده در مراحل اول با شکست مواجه شود و نیاز به همت دوباره برای ادامه مسیر و رفع نواقص باشد.

### ۵-۲ مشخص کردن اهداف

وظیفه کارآفرین مشخص کردن اهداف تجاری است که باید براساس شرایط عینی و شفاف تعیین شود. به بیان دیگر کارآفرین باید اطلاعات دقیقی از ماهیت کسب و کار داشته باشد. اهداف کارآفرینی به کارآفرین راهی نشان می‌دهد که باید در جهت آن تلاش کند و به آن‌ها در تصمیم‌گیری در حین

ایجاد مشاغل خود کمک می‌کند. اهداف خاص هم‌چنین به کارآفرینان کمک می‌کند تا پیشرفت خود را ردیابی کنند. هدف‌گذاری یکی از مهم‌ترین عوامل خلق آینده است. داشتن هدف سبب می‌شود اگر در جایی از مسیر به دلایلی خسته شدید با یادآوری اهداف تان نیروی از دست داده را دوباره بازیابی کنید. این کار به شما اعتماد به نفسی فوق‌العاده می‌دهد.

### ۳-۵ افزایش سرمایه مورد نیاز

کارآفرینان به سرمایه نیاز دارند تا سرمایه‌گذاری‌های خطرآمیز را آغاز کنند و هم‌چنین اگر سرانجام این ایده موفقیت‌آمیز باشد، نیاز فوری به سرمایه برای افزایش سریع کسب و کار دارند. تمام فعالیت‌های تجاری متکی بر سرمایه و مدیریت صحیح است. این مسوولیت چه از بعد داخلی و چه خارجی برعهده کارآفرین است. او در حقیقت باید از تمام سرمایه و روش‌های دستیابی آن آگاهی لازم را داشته و باید اطلاعات دقیقی از حمایت‌های دولتی داشته باشد. با وجود این اطلاعات می‌تواند از کمک‌های دولتی برای رشد سرمایه و بهبود آن بهره‌مند شود.

### ۴-۵ خرید مواد خام و تجهیزات

درست مانند نیروی کار، مواد خام شامل منابع طبیعی نیز یک محصول ضروری برای هر صنعت است. کارآفرین باید منابع ارزان و معمول برای تامین مواد خام را بشناسد تا بتواند موجب کاهش هزینه‌ها و ایجاد در رقابت بیشتر شود.

عملکرد دیگر کارآفرین تهیه ماشین‌آلات و تجهیزات برای پایه‌گذاری یک تجارت است. جزییات فنی و تکنولوژی، ظرفیت نصب ماشین، نام تولید کننده، این که ماشین‌آلات ساخت داخل است یا خارج، خدمات پس از فروش و دوره گارانتی ماشین‌آلات باید توسط کارفرما یا کارآفرین بررسی شود.

### ۵-۵ مطالعه و بررسی بازار

آگاهی از روند عرضه و تقاضا در بازار توانایی شناسایی بازار مناسب آگاهی از تکنولوژی بازار مورد سنجش قرار گرفته است. کریسمن و مکمولان دانش بازار را یکی از منابع ضروری برای بهره‌برداری از فرصت‌های بازار می‌دانند. از جمله یافته‌هایی که در حوزه بازاریابی مکرراً تأیید می‌گردد این است که دانش بازار سهم بزرگی در موفقیت محصولات یا خدمات جدید در بازار دارد. کارآفرین باید مطالعه بازار را اکیدا در دستور کار خود قرار دهد تا جزییات محصولات نظیر تقاضا، دوام، قیمت محصول و کیفیت مطلوب برای مشتری و... را پیوسته در دست داشته باشد.

## ۵-۶ تعیین شکل سازمان

وظیفه یک کارآفرین تعیین شکل سازمان است. کارآفرین باید شکل سازمان را با توجه به طبیعت محصول، مقدار سرمایه، نوع فعالیت، نوع محصول و کیفیت محصول و کیفیت منابع انسانی انتخاب کند. تعیین انواع اصلی مالکیت چه به صورت انحصاری، چه شراکتی و چه ترکیبی از شرکت و اجتماع مساله مهمی است. تعیین نوع مالکیت موضوعی ضروری در کارآفرینی در راستای کسب دارایی است.

## ۵-۷ استخدام نیروی انسانی

توانایی به کارگیری افراد توانا یکی از مهمترین مهارتهای یک کارآفرین به شمار می‌رود. وجود افراد ماهر و کارآمد علاوه بر در دسترس قرار دادن نقاط قوت جدید یک فرهنگ سازمانی نیز ایجاد می‌کند. استخدام افراد درست لازمه رسیدن به جایی است که می‌خواهید باشید نتایج بسیاری از پژوهش‌ها درباره نقش و اهمیت نیروی انسانی در رشد و توسعه سازمان‌ها و بعضاً در رشد جوامع بشری بر این نکته تاکید دارند که هیچ جامعه‌ای توسعه نیافته است مگر آنکه به توسعه منابع انسانی خود پرداخته باشد. در این راستا، یکی از راهکارهای اساسی این است که منابع انسانی به عنوان مهمترین سرمایه سازمان‌ها در نظر گرفته شوند و ضمن برنامه‌ریزی به منظور جذب، تامین و اعتلای سطح توانایی‌های نیروی انسانی از طریق شیوه‌های نوین علمی مدیریت منابع انسانی انجام گیرد.

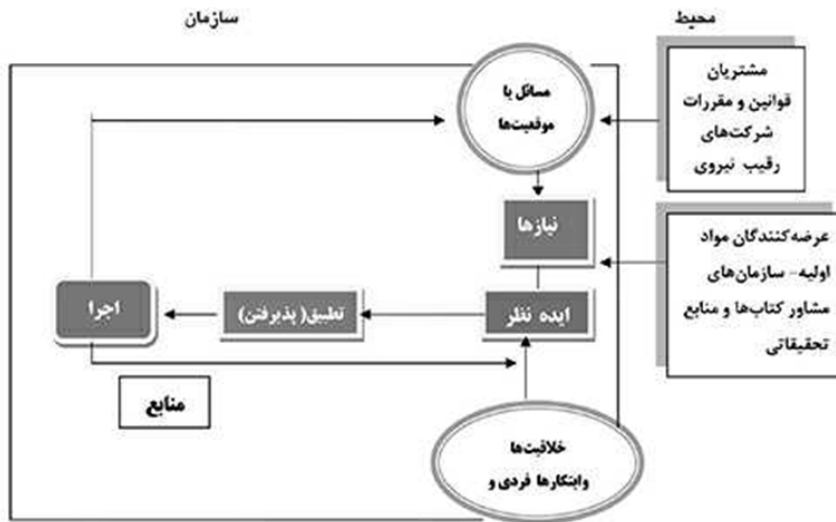
## ۵-۸ اجرای پروژه

کارآفرین باید در اجرای برنامه‌ریزی کاری خود یا طرح پروژه فعالیت کند. پروژه تعریف شده در محدوده زمانی تعیین شده باید به اتمام برسد.

## ۶. فرایند نوآوری

واژه نوآوری به عنوان معادل واژه innovation به شکل‌های مختلفی تعریف شده است. منظور از نوآوری خلاقیت متجلی شده و به مرحله اجرا رسیده می‌باشد به عبارتی نوآوری همانا ارائه محصول فرایند و خدمات جدید به بازار است نوآوری بکارگیری تواناییهای ذهنی برای ایجاد یک فکر یا مفهوم جدید است. در واقع چیزی بیش از یک ایده خوب است. سرچشمه ایده اهمیت دارد و نقش اندیشه خلاقانه ممکن است در آن توسعه، حیاتی باشد. میان ایده‌ای که از اندیشه پردازی صرف می‌آید و ایده‌ای که حاصل اندیشه بسط یافته، پژوهش، تجربه و کار است تفاوت فراوان می‌باشد. فرایند نوآوری

شامل مجموعه فعالیت‌هایی است که منجر به شکل‌گیری نوآوری در یک سیستم می‌گردد. تولید دانش، تبدیل دانش به مصنوع به وسیله‌ی فرایندها، سیستم‌ها، محصولات و خدمات، و در نهایت تطابق دادن پیوسته مصنوع با نیاز بازار، سه زیر فرایند اصلی در فرایند نوآوری می‌باشد که هر یک به سطوح خردتری تقسیم می‌گردد.



شکل ۱. فرآیندهای نوآوری

## ۶-۱ انواع نوآوری (محصول، فرآیند و مدل کسب و کار)

روش‌های مختلفی وجود دارد که یک سازمان یا شرکت می‌تواند نوآوری کند. در اصل، سه نوع نوآوری وجود دارد: نوآوری محصول، نوآوری فرآیند و نوآوری مدل کسب و کار.

### ۶-۲ نوآوری محصول

این هوشمندترین و رایج‌ترین شکل نوآوری است و مربوط به یا کالای کاملاً جدیدی است یا ویژگی جدید در یک محصول موجود در بازار و یا تقویت ویژگی محصول موجود است. نوآوری در یک محصول به معنای ارائه یک محصول جدید یا خدمت جدید از سوی یک کسب و کار است و اغلب در نتیجه فناوری جدید یا دیدگاه‌های جدید در مورد نیاز مشتری است مشتریان خواهان کالاهای جدید و کالاهای پیشرفته‌تر هستند و این همان چیزی است که رقبا منتظر آن هستند. توسعه محصول جدید، بخش مهمی از هر تجارت است و فرصت‌های رشد و مزیت رقابتی را برای شرکت‌ها فراهم می‌کند.

متغیر بودن قوانین رقابتی در دنیای کسب و کار، فرآیند ارائه محصول جدید به بازار را با اهمیت خاصی جلوه داده است. عرضه اولین محصول یک نقطه عطف بزرگ برای هر کارآفرین است. اغلب برای آماده‌سازی و تولید اولین محصول ساعت‌های زیادی وقت نیاز است. این اولین محصول یک کارآفرین که درآمدزایی می‌کند و عنصری ضروری برای هر کسب و کار جدید خواهد بود.

### ۶-۳ نوآوری فرآیند

نوآوری در فرایند عبارتست از روش‌های جدید تولید کالاها یا خدمات که برخلاف نوآوری در محصول، اصلاح و بهبود روش‌های تولید و عرضه یک محصول یا خدمات را هدف قرار می‌دهد. این می‌تواند ترکیبی از روش‌ها، قابلیت‌ها و فناوری‌ها برای تولید، بازاریابی، ارائه و پشتیبانی از یک محصول یا ارائه خدمات باشد. برخی نوآوری‌ها در محصولات می‌تواند به نوآوری در فرایند منجر شود. مثلاً سیستم پرداخت آنلاین به جای مراجعه حضوری به بانک نمونه‌ای از نوآوری فرایند است.

### ۶-۴ نوآوری مدل کسب و کار

نوآوری در مدل کسب و کار معمولاً مربوط به تغییر افزایشی نیست بلکه یک تحول جامع تر و گسترده تر در سطح سازمان است. نوآوری مدل تجاری می‌تواند همه چیز را از محصول گرفته تا کانال‌های بازاریابی گرفته تا قیمت گذاری را تحت تأثیر قرار دهد. تمرکز بر بهبود و مدیریت فرایندهای کسب و کار تاثیر مستقیمی و قابل توجهی بر اثربخشی و کارایی سازمان خواهد داشت. بیشتر اوقات در نوآوری‌ها دیده می‌شود که دارای ساختار تجاری مستقر نیستند و این توانایی را دارند که با نحوه کار تجارت خود را بی‌آزمایند. اما همچنین چندین سازمان تثبیت شده وجود دارد که از پایگاه مشتری و منابع بزرگ خود برای تغییر مدل تجاری موجود خود استفاده کرده‌اند.

### ۷. راهکارهای ترویج کارآفرینی

- گسترش و ترویج فرهنگ کارآفرینی در بخش دولتی و تعاونی و معرفی کارآفرینان نمونه
- تنظیم و تدوین سیاست‌های دولت در خصوص حمایت از فعالیت‌های کارآفرینی و کارآفرینان نوپا
- حمایت‌های دولتی و خصوصی جهت فعالیت بیشتر و مطلوب‌تر کارآفرینان
- اصلاح سیاست‌ها و قوانین دست و پاگیر دولتی
- حمایت‌های آموزشی و مشاوره‌ای

- تربیت مربی کارآفرینی در سطح دبیرستان‌ها و مدارس فنی و حرفه‌ای
- تربیت کارآفرینان جوان ویژه کسب و کارهای کوچک و متوسط
- تبیین شرایط محیطی لازم برای پرورش و رشد استعدادهای کارآفرینی
- وارد کردن مضامین کارآفرینی در کتاب‌های درسی می‌تواند بذر ایجاد کارآفرین را در کودکان باور کند
- برگزاری سمینار، نشر مقاله و ارائه سخنرانی به منظور تغییر دانش و معرفت مدیران و سپاس‌گذاران و کارگزاران موسسات
- هماهنگی بیشتر بین متولیان توسعه کارآفرینی در کشور برای تدوین سیاست‌های آموزش کارآفرینی
- فراهم‌سازی بسترهای مناسب برای تشکیل موسسات خصوصی آموزشی
- برنامه‌ریزی مبتنی بر ارتقای کیفیت زندگی
- ایجاد بازارچه‌های کارآفرینی در مناطق شهری
- وجود برنامه‌های آموزشی با رویکرد کارآفرینانه
- معرفی الگوهای موفق کارآفرینی به جامعه
- بازنگری در قوانین خشک و غیرقابل انعطاف سازمان‌ها که از موانع بروز و رشد و توسعه فرهنگ
- حمایت‌های مالی و بازار از کسب و کارهای موجود
- ارائه وام یا بهره‌های کم و حداقل وثیقه در زمینه تکمیل سرمایه
- ارائه معافیت‌ها و تخفیف‌های ویژه در تعرفه‌های گمرکی و سود بازرگانی
- کاهش الزامات و مراحل اداری ثبت شرکت‌ها
- ایجاد واحدهای مشاوره کارآفرینی
- حمایت و تشویق والدین جهت یادگیری فناوری‌های جدید از جمله فناوری‌های تکنولوژیکی
- جهت‌دهی فرهنگ خانواده به سمت کارآفرینی
- پرورش روحیه خلق ایده و کار در فرزندان، توسط والدین
- ...



## نتیجه گیری

کارآفرینی، کانون و مرکز ثقل کار و تلاش و پیشرفت در عصر مدرنیته تلقی می‌شود. ما بدون توجه کافی به مقوله «توسعه فرهنگ کارآفرینی» نمی‌توانیم به شاخص‌های رشد و توسعه دست‌یابیم. کارآفرینی، فرآیندی اکتسابی است و خانواده در شکل‌گیری این فرآیند نقش اساسی را ایفاء می‌کند. زیرا، خانواده می‌تواند عنصر پویایی و تحرک را به ژرفای وجود افراد تحت نفوذ و وابسته به خود تزریق کند به شکلی که «فرد» و «جامعه» در محیطی هماهنگ به تعامل بپردازند و قالب‌های اجتماعی نوآورانه شکل گیرد. به درستی می‌توان گفت کارآفرینان افرادی هستند نوآور که فرصت‌های کسب و کار را شناسایی و ایجاد می‌کنند، آنها متولیان بحق توسعه هستند منتظر تغییرات محیط نمی‌شینند، بلکه خود تغییر و دگرگونی ایجاد می‌کنند، منابع را به گونه‌ای جمع‌آوری و هماهنگ می‌سازند که بیشترین منافع از نوآوری آنها در محیط نامطمئن حاصل گردد.

## منابع

- [۱] امی ویلکینسون، ۱۳۹۷، رمز خلاقیت شش مهارت اصلی کارآفرینان خلاق، سبکتو
- [۲] شومپیتر، ۱۹۸۳، تحلیل اقتصادی
- [۳] روزنامه همشهری، پنجشنبه ۲ تیر ۱۳۸۴، سال سیزدهم، شماره ۳۷۳۰، صفحه ۱۰
- [۴] مجله هاروارد بیزنیس ریویو، هانک بویه

[5] [www.blog.lintexting.com](http://www.blog.lintexting.com)

[6] Tzeng, C.H (2009), A review of contemporary innovation: Management, Policy, & Practice

[7] [www.bizfluent.com](http://www.bizfluent.com)

[8] [www.khr.mimt.gov.ir](http://www.khr.mimt.gov.ir)



# بررسی و ارزیابی مبارزه با مفاسد اقتصادی در سازمان‌ها

دکتر مهدیه ضیائی‌ان

## چکیده

این پژوهش میکوشد تا با معرفی الگوها و تجربه‌های موجود ارزیابی در سازمان‌های مبارزه کننده با مفاسد اقتصادی، اطلاعاتی را درباره اینکه چگونه کارایی این سازمان‌ها می‌تواند به طور قابل قبولی ارزیابی شود، در اختیار مدیران عالی آنها قرار دهد و روشی ارائه کند که می‌تواند برای اطمینان از ارزیابی منصفانه و مستند نتایج و تاثیر کار این سازمان‌ها، مورد استفاده قرار گیرد. این پژوهش پیشنهادهایی را در خصوص چگونگی ارتقای این ارزیابی‌ها را در آینده فراهم می‌آورد و وظیفه مهم ایجاد نظام‌های نظارتی داخلی و فرآیندهای درون این سازمان‌ها را بررسی می‌کند و نشان می‌دهد که در تجربه‌های موجود چگونه این کار می‌تواند به تولید اطلاعات مفید کمک کند.

**کلید واژگان:** مفاسد اقتصادی، ارزیابی سازمان‌ها، مدیران عالی، نظام‌های نظارتی

## ۱. مقدمه

برای پیشبرد مبارزه با فساد، به ساز و کارهای بهتر ارزیابی نیاز است. در بهترین حالت، ارزیابی‌های بد طراحی شده یا بد اجرا شده، بی‌نتیجه هستند و در بدترین حالت برای ظاهر سازی استفاده می‌شوند. بهتر است به جای انبوه ارزیابی‌های سوال برانگیز، تعداد کمی ارزیابی خوب انجام شود. ارزیابی راهبرد، شاید چالش برانگیز باشد، اما غیر ممکن نیست. سیستم‌های پیشرفته ارزیابی، نیازمند کمک‌های فنی و مالی میان مدت تا بلند مدت سیاست‌گذاران هستند. مطالعه نشان داده است که سیاست‌گذاران واقعاً به ارزیابی تاثیر راهبرها علاقه‌مند هستند، اما از سویی، به ندرت خود را درگیر آن می‌کنند. بنابراین، ارزیابی با کیفیتی که آنها خواستار هستند، زمان بر است. گزارش‌های مربوط به سازمان‌های شکست خورده در زمینه مبارزه با فساد اقتصادی همچنان تیتراژ نخست روزنامه‌های بسیاری از کشورهاست. تبلیغات حول و حوش عملکرد این سازمان‌ها جای خود را از حمایت پر شور و شوق، به بدبینی و سرخورده‌گی داده است. پس از روزهای خوش تعهدات سیاسی و سروصداهای روزهای اول کار و انتظارات و توقعات بالا، اکنون گزارش‌های مربوط به سازمان‌های مربوط به مبارزه با فساد حکایت از یک بن بست بی اعتباری و منزوی شدن دارد. ممکن است سازمان‌های مبارزه با فساد در تلاش برای ارتقای زیربنای اصول اخلاقی یک کشور، واکنش به رسوایی‌های اقتصادی یا پیروی از قوانین یک پیمان بین‌المللی ایجاد شده باشد. حتی ممکن است این اقدام، ترفند سیاسی مقامات و جریان‌های سیاسی به منظور کنترل گفتمان مبارزه با فساد باشند. همچنین برخی سازمان‌ها تحت فشار حامیان و فضای بین‌الملل و در شرایط ورشکستگی دولت یا برنامه‌های ساختاری دولت تشکیل شده‌اند. منتقدان اشاره می‌کنند که زمانی انتظار تشکیل این سازمان‌ها را داشته باشید که دیگر ساختارهای کشور از جمله ساختارهای فرعی و حمایتی وجود نداشته و خوب رشد نکرده باشند یا انجام این کار مسئله‌ای غیر ممکن باشد، چالشی که انتظار نمی‌رود هیچ سازمانی با آن روبرو شود. بنابراین، ارزیابی راهبرد و تاثیر

سازمان‌های مبارزه با فساد، نیازمند توجه دقیق به آنچه انتظار می‌رود به دست آورند و آنچه نتایج خاص را ممکن می‌سازد، است. کشورهای مختلفی کمیسیون یا اداره‌ای مستقل را برای مسئولیت مبارزه با فساد ایجاد کرده‌اند یا در حال ایجاد آن هستند. البته ایجاد یک چنین سازمانی نمی‌تواند به طور کامل داروی درد فساد باشد و در واقع، برخی مدعی هستند که نمونه‌های بسیار اندکی از موفقیت این کمیسیونها یا سازمان‌های مستقل مبارزه با فساد مشاهده می‌شود. در عین حال برخی معتقدند،

سازمان‌های ضدفسادی کشورهای مختلفی مانند شیلی، هنگ کنگ، نیوساوت ولز، استرالیا و سنگاپور و سازمان‌های موفق بوده‌اند. با این حال، تعجبی ندارد که افراد و نمایندگان سازمان‌های مختلف بارها درستی اظهارات منفی را درباره تحقق برنامه‌ها و راهبردها و تاثیر سازمان‌های مبارزه با فساد، به چالش می‌کشند. صاحب نظران همواره در این باره که آیا شکست برخی از این سازمان‌ها به موضوع سنجش تحقق راهبرد مربوط است یا طراحی راهبرد بحث می‌کند، زیرا حل و فصل موضوع اندازه‌گیری، آسانتر از طراحی است. یک بحث دقیق درباره ارزش و اهمیت این سازمان‌ها را تنها زمانی می‌توان آغاز کرد که برآوردهای معتبر و مستندی از ارزیابی مناسب در دسترس باشد. در تحقیقی که کنوانسیون ضد فساد سازمان ملل درباره مبارزه با مفاسد اقتصادی در شش کشور انجام داده است، یکی از دلایل عدم موفقیت، ضعف یا کم توجهی یا طراحی ضعیف ارزیابی راهبردهای سازمان‌های ضد فساد بوده است. به طور کلی ارزیابی فعالیت‌های مربوط به مبارزه با فساد در مقایسه با دیگر بخش‌های دولتی، مورد بی‌توجهی قرار گرفته است. ارائه فرآیندها و سیستم‌های اساسی، نیازمند سرمایه‌گذاری در منابع انسانی است، اما هزینه بهبود قابل ملاحظه ارزیابی باید حل شود، حتی اگر برای یک ارزیابی جامع درباره تاثیر کافی نباشد، شرایط اصلی ایجاد تغییر در فضای فکری است. کار سازمان‌های مبارزه با فساد هرگز آسان و مشخص نیست. از آنها انتظار می‌رود که با توسعه قابلیت‌های تخصصی اجرایی به همراه قابلیت بازدارندگی و آموزشی / تحقیقاتی و به گونه‌ای مستقل و بر اساس شناخت و آگاهی، با فساد مبارزه کنند. آنها باید بر ضعف ساختارها و فرآیندهای سنتی اجرای قانون غلبه کنند و نقش برجسته‌ای را در اجرای استراتژی‌های مبارزه با فساد ملی بر عهده بگیرند و حداقل مسئله این است که آنها باید از بابت تعهد علنی دولت به مبارزه با فساد اطمینان مجدد بیابند.

## ۲. شناخت واژه‌ها

از آنجا که در مطالعه انجام شده از واژه نظارت و ارزیابی، ارزشیابی و کنترل زیاد استفاده شده است، تعریف مفاهیم کلیدی معین، حائز اهمیت است. هرچند دو واژه (ارزیابی و ارزشیابی) در عمل به طور مترادف مورد استفاده قرار می‌گیرند، اما باید توجه داشت که واژه ارزشیابی به لحاظ واژه‌شناسی تعریف نشده است. در صورتی که واژه ارزیابی معادل «بررسی کردن ارزش چیزی» تعریف شده است (فرهنگ معین). از اینرو، ترجمه ارزشیابی در برابر واژه انگلیسی «evaluation» قرار داده شده است. همچنین در فرهنگ انگلیسی به فارسی آریانپور واژه‌های «evaluate» و «evaluation» به

«ارزیابی کردن، تقویم کردن، قیمت کردن، سنجیدن، شماره یا عدد چیزی را معین کردن و ارزیابی و سنجش» معنا شده‌اند. ارزیابی عبارت است از: روشی که به وسیله آن میزان نزدیکی به هدف مورد نظر سنجیده می‌شود و درک این مسئله از طریق مقایسه وضع کنونی با هدف نهایی روشن می‌شود. به عبارتی دیگر، ارزیابی مقایسه‌ای است بین آنچه وجود دارد و آنچه کمال مطلوب است؛ از نظر کلی می‌توان ارزیابی را سنجش کمی و کیفی رشد یا تغییری دانست که در موضوع مورد نظر به وجود آمده و منظور از این سنجش، کسب اطمینان و ایجاد انگیزه لازم برای اجرا یا ادامه برنامه است. در این مطالعه تصمیم بر آن شد که ارزیابی و ارزشیابی تحت عنوان "ارزیابی" در نظر گرفته شود. گرچه واژه‌های "پروژه" و "برنامه" در زمان اشاره به راهبردهای سازمان ضد فساد به کار رفته، اما این تحقیق مبتنی بر این واقعیت است که موسسه‌های مبارزه کننده با فساد اقتصادی، اغلب در قالب سازمان مطرح هستند. از این رو، ضرورتی نبود که بین ارزیابی یک پروژه محدود به زمان و ارزیابی یک سازمان (یا سیاست یا برنامه) تفاوت قایل شویم. یک پروژه "ترکیبی از فعالیت‌هایی است که منابع به امید بازگشت، صرف آن می‌شود" (Gittinger، 1982).

بنابراین، ما می‌توانیم با هدف ارزیابی، راهبردهای سازمان‌های ضد فساد را به عنوان پروژه‌ها یا برنامه‌های آنها در نظر بگیریم. ارزیابی و اندازه‌گیری عملکرد موجب هوشمندی سیستم و برانگیختگی افراد در جهت رفتار مطلوب می‌شود (الهی، ۱۳۷۸، ص ۵۲). راهبرد نیز در آن چه اهداف راهبردی است، متجلی می‌شود. تاکنون تعاریف مختلفی از واژه‌های نظارت و ارزیابی ارائه شده و جامع‌ترین تعریفی که وجود دارد، تعریف زیر است:

"کنترل و ارزیابی فرآیندی است که طی آن، نتایج عملکرد و فعالیت‌های شرکت طوری تحت نظارت و کنترل قرار می‌گیرد که بتوان عملکرد واقعی را با عملکرد مطلوب مقایسه کرد". این فرایند بازخورد لازم را به مدیران می‌دهد تا بتوانند نتایج را ارزیابی و در صورت لزوم اقدام‌های تصحیح کننده و اصلاحی را اتخاذ کنند (هانگر، ویلن، ۲۰۰۱، ص ۲۶۰).

با توجه به تعریف ارائه شده؛ اشکال عمده‌ای که در تعاریف نظارت و ارزیابی و بالطبع در برنامه‌های اجرایی نظارت و ارزیابی سازمان‌ها وجود دارد، عدم توجه به فرایندهاست، یعنی هدف اصلی در یک برنامه ارزیابی و نظارت، صرفاً نتایج جدید و مقایسه آن‌ها با نتایج قبلی است؛ بنابراین، شاید بتوان گفت، تعریفی کامل‌تر است که نظارت بر اجرای فرایندها را هم در برگیرد.

از این رو، تعریف "نظارت و ارزیابی" می‌تواند به این شرح ارائه شود:

"نظارت و ارزیابی فرایندی است که طی آن، نتایج عملکرد و فعالیت‌های شرکت و فرایند اجرایی استراتژی‌های شرکت طوری تحت نظارت و کنترل قرار می‌گیرد که بتوان عملکرد واقعی را با عملکرد مطلوب مقایسه و فرایندهای اجرایی را اصلاح و یا تقویت کرد".

منظور از نظارت، عملیاتی پیوسته با استفاده از جمع‌آوری حساب شده اطلاعات است که نشانه‌های میزان پیشرفت و دستیابی به اهداف و رشد و توسعه در استفاده از منابع مالی اختصاص داده شده را در اختیار کارفرمایان و ذینفعان اصلی قرار می‌دهد.

هدف از این کار، تعیین مناسب و تحقق اهداف، اثربخشی و بهره‌وری است. یک ارزیابی باید اطلاعات معتبر و مفیدی ارائه کند و امکان ادغام درس‌های گرفته شده از روند تصمیم‌گیری درباره گیرنده و اهداکننده را فراهم آورد. بنابراین، نظارت و ارزیابی، مرتبط به هم و در عین حال مستقل و دارای فرایندها و اهداف متفاوت هستند، با توجه به تعریفی که ارائه شد، مدیران اجرایی سازمان‌ها باید فرایند اجرایی یک راهبرد خاص را در مرحله اجرای برنامه‌ها، نظارت کنند. هدف از نظارت دقیق بر فرایندهای اجرایی عبارتند از:

- جلوگیری از انحراف سیاست‌ها و راهبردها در مسیر اجرایی شدن.
- شناسایی موارد ضعف و قدرت فرایندهای اجرایی و اصلاح و تقویت آنها در حین اجرا.
- ثبت مرحله به مرحله اقدام‌های جزئی و نتایج کوتاه مدت آن‌ها.
- الگوپردازی از فرایندهای موفق توسط سازمان‌های مشابه دیگر.

همچنین ارزیابی را برآورد هدف‌مند و نظام‌مند پروژه، برنامه، سیاست انجام شده یا در حال اجرا، طراحی، اجرا و نتایج آن تعریف کرده‌اند. ارزیابی باید اطلاعاتی ارائه کند که معتبر مفید و قابل اجرا برای یادگیری در فرایند تصمیم‌گیری ذینفعان و صاحبان سازمان باشد. ارزیابی راهبرد، مرحله‌ای از فرایند مدیریت راهبردی است که در آن مدیران عالی می‌کوشند اطمینان یابند که راهبرد انتخابی به درستی اجرا شده است و اهداف شرکت را برآورده می‌کند (منوریان، ۱۳۸۹، ص ۹۳).

در زمینه نظارت و ارزیابی، به طور گویج کننده‌ای، در شرایط مختلف اغلب توسط مخاطبان مختلف، تفاسیر متفاوتی ارائه شده است. حتی دو جزء اصلی، یعنی نظارت و ارزیابی هم گویا و روشن نیستند. نظارت یک روند داخلی در یک سازمان ضدفساد است، روشی برای جمع‌آوری و تحلیل اطلاعات در این باره که آیا سازمان ضدفساد در مسیر رسیدن به اهداف خود در یک شیوه حساب شده و منظم قرار گرفته است یا خیر. از سوی دیگر، ارزیابی می‌تواند برای توضیح روابط غیر منتظره و تعیین ارزش

یک پروژه، برنامه یا سیاست هم مورد استفاده قرار گیرد. اغلب افراد از واژه‌های برآورد و ارزیابی بجای یکدیگر استفاده می‌کنند. در این تحقیق دیدگاهی را انتخاب کردیم که در آن ارزیابی پروژه می‌تواند هم شامل برآورد و هم ارزشیابی شود. ارزیابی‌های پروژه، برآورد این موضوع را که آیا یک ادامه یک پروژه ارزش دارد یا خیر انجام می‌دهد. ارزیابی پروژه، نگاه به عملکرد پروژه با رویکرد عطف به ماسبق است. در واقع، به ارزیابی بعد از انجام پروژه می‌پردازد. پس از اجرای هر راهبرد، قضاوت‌ها و اظهارنظر در مورد آن شروع می‌شود و راجع به نحوه اجرای راهبردی تاثیرات و نتایج آن توسط راهبردپردازان یا مجریان و اظهارنظرها و واکنش‌های مردم و افراد تحت تاثیر راهبردها نیز این راهبردها ارزیابی می‌شوند. ارزیابی به منظور بررسی تاثیرات راهبردها صورت می‌گیرد، یعنی قضاوت در مورد تاثیرات راهبرد مطرح می‌شود. ارزیابی سازمان‌ها، سال‌های متمادی است که در بخش دولتی، در اغلب کشورهای جهان پیشرفته و تعدادی از کشورهای در حال توسعه مرسوم شده است؛ در این کشورها، تصویب قوانین خاص ارزیابی جزو الزام‌ها به شمار می‌آید. گذشته از پایگاه قانونی ارزیابی در کشورها و صرف نظر از حد و مرزی که بابت آن در نظر گرفته می‌شود، ضرورت ارزیابی اقدامات و تصمیمات مدیران و عملکرد دستگاه‌ها به واسطه محدودیت امکانات، خواست‌ها و تقاضاهای فزاینده اقتصادی و اجتماعی از سوی آحاد مختلف جامعه در برابر دولت‌ها مطرح است. شرط پاسخ‌گویی به نیازهای مطرح شده و دستیابی به هدف‌های پیشرفت و توسعه و ایجاد نوعی تعادل بین تقاضا و استفاده از منابع جامعه، از طریق ارزیابی و نظارت مستمر و جامع است. لذا ارزیابی به مجموعه اقدام‌ها و اطلاعاتی می‌تواند اطلاق شود که به منظور افزایش سطح استفاده بهینه از امکانات و منابع برای دستیابی به هدف‌ها به شیوه اقتصادی توأم با کارایی و اثربخشی صورت می‌گیرد، به طوری که ارزیابی در بعد "نحوه استفاده از منابع" به طور اساسی در قالب شاخص‌های کارایی بیان شود. اگر در ساده‌ترین تعریف، نسبت داده به ستانده را کارایی بدانیم، نظام ارزیابی در واقع، میزان کارایی تصمیمات مدیریت را در خصوص استفاده از منابع و امکانات مورد سنجش قرار می‌دهد که عمده‌ترین شاخص آن، صرفه اقتصادی یا بهینه بودن فعالیت‌هاست. از سوی دیگر، ارزیابی در "بعد سازمانی" به طور معمول مترادف با اثربخشی فعالیت‌هاست، منظور از اثربخشی، میزان دستیابی به اهداف و برنامه‌ها با ویژگی کارا بودن فعالیت‌ها و عملیات است. بطور کلی می‌توان نظام ارزیابی را فرایند سنجش و اندازه‌گیری و مقایسه میزان و نحوه دستیابی به وضعیت مطلوب دانست. علاوه بر مفاهیم نظارت و ارزیابی، گاهی اوقات با اصطلاحات دیگر نیز در حوزه گسترده نظارت و ارزیابی مواجه می‌شویم؛ برای مثال،



واژه "تاثیر" بسیار آشناست. این واژه اغلب به لحاظ مترادف بودن بجای "نتایج"، "پیامدها" و دیگر نشانگرهای عملکرد استفاده شده است. ما از مفاهیم داده‌ها، فعالیت‌ها، خروجی‌ها، پیامدها و تاثیر به عنوان واژگانی با معانی مشخص استفاده می‌کنیم. نتایج می‌تواند در سه سطح یک چهارچوب منطقی بنام خروجی، پیامدها و تاثیرات صورت گیرد. در نمودار ۱، معانی دیگر یا تفاسیر همگامی این مفاهیم در نوار تیره رنگ نشان داده شده‌اند.

نمودار ۱ - مفاهیم روشن کننده: از داده‌ها تا تاثیر

تاثیرات پیامدها خروجی‌ها فعالیت‌ها داده‌ها

نتایج بلند مدت نتایج میان مدت نتایج کوتاه مدت محصولات و خدمات مداخلات منابع

نتایج
اثرات
تغییرات

ماخذ: گروه موسسه ارزیابی بانک جهانی، واشینگتن، دی سی ۲۰۰۹

**ورودی‌ها:** منابع در دسترس، برای استفاده در یک پروژه، برنامه یا سازمان از جمله پول، کارکنان، امکانات، تجهیزات و دانش فنی هستند. فعالیت‌ها؛ آنچه با ورودی‌ها انجام می‌شود، مانند برگزاری جلسه، اقدام، سمینارها، بازجویی، دستگیری، آموزش و...

**خروجی‌ها:** خدمات جانبی - عرضه یا محصولات تولید شده در نتیجه فعالیت‌های یک پروژه هستند نمونه آن می‌تواند شامل آموزش ۱۵۰۰ مدیر، کارشناسان بخش‌های مختلف، اجرای اصول و مقررات رفتاری و... باشد. پیامدها؛ تاثیرات یا نتایج فعالیت‌ها و خروجی‌ها هستند. پیامدها، منعکس کننده میزان جذب، گزینش یا استفاده از خروجی‌ها توسط کسانی است که گمان می‌رود از نتیجه یک پروژه نفع می‌برند؛ برای مثال، پیامدها، نشان دهنده تغییرات و سطح بالاتر اعتماد عمومی است. تاثیرات، پیامدهای طولانی مدت یک پروژه هستند؛ برای مثال اشاره به دست‌یابی به هدف. گاهی اوقات به تاثیرات به عنوان نتایج سطح بالاتر اشاره شده است. نمونه آن می‌تواند "کاهش سطح فساد" در کشور باشد. هیچ ابزار اندازه‌گیری یا شاخص فساد به تنهایی نمی‌تواند ادعای اندازه‌گیری "سطح فساد" را داشته باشد، بلکه می‌تواند جنبه‌ها و عوامل مختلف را برای سطوح فساد (برای مثال، ادراک عمومی، آمار جرم و جنایت و...) اندازه بگیرد.

### ۳. پژوهش‌های انجام شده در رابطه با موضوع پژوهش

۱. پژوهش انجام شده توسط نرگس رحیمیان (۱۳۹۳) با موضوع "بررسی فساد اقتصادی و راه‌های مبارزه با آن". نتایج این پژوهش نشان داد آنچه می‌بایست در برنامه‌ریزی برای مبارزه با فساد اقتصادی مورد توجه قرار گیرد، این است که پیشرفت و توسعه اقتصاد هر جامعه‌ای و در نتیجه توسعه جهانی در گرو داشتن اقتصادی سالم و عاری از فساد است. جامعه‌ای می‌تواند به استقلال اقتصادی دست یابد که سرمایه‌گذاران امنیت لازم برای سرمایه‌گذاری را داشته باشند تا بتوانند به رشد و توسعه کشور کمک کنند. بنابراین بررسی و توجه به فساد اقتصادی و راه‌های مبارزه با آن اهمیت می‌یابد.

۲. پژوهش انجام شده توسط سید محمد مهدی ساداتی (۱۳۹۴) با موضوع "معیارهای کارآمدی درون سازمانی نهادهای مبارزه با فساد اقتصادی". این مقاله با روشی تحلیلی و تأکید بر سند مهمی مانند کنوانسیون مبارزه با فساد سازمان ملل متحد و مقایسه آن با طرح تشکیل سازمان مبارزه با مفاسد اقتصادی، به ارائه مدلی جامع در مورد معیارهای کارایی درون سازمانی نهادهای مبارزه با فساد می‌پردازد. نتایج این پژوهش بیان می‌کند که: فساد بازتاب وجود نقص در دموکراسی، حقوق بشر و حکمرانی است؛ زیرا رابطه‌ای مستقیم میان کارآمدی نظام سیاسی و کارایی سازمان‌های مبارزه با فساد وجود دارد، به گونه‌ای که این نهادها می‌توانند نقش مهمی در جلب اعتماد عمومی به حاکمیت داشته باشند. از این رو، مبارزه با فساد از اولویت‌های اصلی تمامی کشورها به ویژه کشورهای در حال توسعه است. تجربه مبارزه با فساد حاکی از نهادینه شدن مبارزه با آن در قالب ایجاد سازمان‌ها و نهادهای دولتی و غیردولتی می‌باشد.

۳. پژوهش انجام شده توسط سلیمان پاک سرشت و زین‌العابدین افشار (۱۳۹۶) با موضوع "ارزیابی تئوری برنامه سیاست‌های ضد فساد در ایران بعد از انقلاب اسلامی" نتایج این بررسی حاکی است که در دوره بعد از انقلاب، به طور کلی، هفت سیاست یا برنامه ضد فساد وجود داشته است. هر یک از این سیاست‌ها، براساس تئوری برنامه نهفته و مندرج در آنها معطوف به تحقق پیامد خاصی و، از آن طریق، تأثیر بر کاهش فساد بوده است. برنامه‌ها شامل از بین بردن فرصت فساد، بازدارندگی و مجازات، شفافیت و جریان آزاد اطلاعات، آزادسازی و انحصارزدایی، تنظیم امور بودجه‌ای و مالی، آشکارگی و حساب‌کشی، برنامه اصلاح نظام اداری، شایسته‌سالاری و فرهنگ سازمانی است. همچنین نتایج نشان می‌دهد خصوصی‌سازی به‌عنوان یک مداخله فعال در فضای اقتصادی کشور، نتوانسته است مکانیزم رقابت و انحصارزدایی را فعال کند. فضای کسب و کار نامناسب و نبود آزادی اقتصادی مکفی بستری است که مکانیزم رقابت نتوانسته است در آن رشد کند. حاصل عقیم ماندن مکانیزم رقابت در لابه‌لای بستر فعالیت خود، کاهش نیافتن فساد است.

#### ۴. مروری بر ادبیات نظری

با آنکه مدیریت راهبردی سرشار از ادبیات مربوط به ارزیابی است، اما مفهوم "ارزیابی راهبردها" در سازمان مبارزه کننده با فساد اقتصادی در ایران چندان مورد توجه قرار نگرفته است. بر اساس بررسی‌های انجام شده توسط محققان، می‌توان مدعی شد که امروزه موضوع ارزیابی راهبردی سازمان‌ها و دستگاه‌های دولتی و اداری از مباحث جدید علم مدیریت است و در این زمینه کار عمیق و برجسته تئوریک (نظری) و علمی - کاربردی که بتوان از آن برای ارزیابی دستگاه‌های امنیتی و سیاسی در ایران، به خصوص دستگاه‌های مبارزه کننده با مفاسد اقتصادی مبارزه کرد، صورت نگرفته است. همچنین الگوهایی که تاکنون در داخل و خارج از کشور در موضوع ارزیابی راهبردی ارائه شده اند، به طور عمده مباحث تجاری، اقتصادی، مالی، شیمیایی و صنعتی را مورد توجه قرار داده‌اند. لذا در حوزه مدیریت راهبردی یا کارکردهای مدیریت راهبردی مانند برنامه‌ریزی راهبردی و ارزیابی راهبردی مبارزه با فساد اقتصادی تحقیق علمی صورت نگرفته و این موضوع دچار فقر علمی جدی است. مدیریت راهبردی چون بر تبادیل و روابط متقابل بین سازمان و محیط تاکید دارد و هدف آن ایجاد یک رابطه مناسب بین این دو عامل است، از جمله مفاهیم و ابزارهایی بوده است که برای این منظور در سازمان‌های مختلف، از جمله در سازمان‌های مبارزه کننده با مفاسد اقتصادی مختلف مورد عنایت جدی مدیران ارشد و عالی و صاحب نظران قرار گرفته است. در این راستا ارزیابی راهبردی آخرین گام در فرآیند مدیریت راهبردی است که به منظور کمک به مدیران ارشد و عالی برای ارزیابی راهبردی و هدایت آن به سوی اهداف از پیش تعیین شده مورد استفاده قرار می‌گیرد.

#### ۵. ادبیات نظری ارزیابی

آنچه در این پژوهش مورد نظر بوده ارزیابی فعالیت‌های نهادهای مبارزه کننده با مفاسد اقتصادی در جمهوری اسلامی ایران است. در یک نگاه کلی به ادبیات نظری ارزیابی، می‌توان گفت، الگوهای ارزیابی راهبردی در دو دسته قرار می‌گیرند:

- ارزیابی نتیجه محور
- ارزیابی پیامد محور

در ارزیابی نتیجه محور، شاخص‌هایی مانند ورودی‌های یک برنامه (برای مثال، نیروی انسانی و...) خروجی‌های یک برنامه (تعداد دستگیر شده‌ها، تعداد پرونده‌های فساد و...) و کارایی برنامه‌ها

مورد تاکید است، درحالیکه در ارزیابی پیامد محور به طور اصولی پرسش دیگری مطرح می‌شود که صرف نظر از اعداد ورودی و خروجی، اجرای این راهبرد چه پیامدی را برای این جامعه به ارمغان آورده است؟ این نوع ارزیابی متضمن این پرسش است که زمانی که خروجی‌های یک برنامه وارد اجتماع شدند، چه پیامدهایی را از این خروجی‌ها برای جامعه به دست می‌آید؟ پیامدها چیزی نیستند که برنامه یا سازمان خودش انجام داده باشد بلکه نتایجی هستند که راهبرد یا سازمان به بار خواهد آورد. پیامدها، منافع احتمالی هستند که یک راهبرد یا خط مشی تمایل دارد آن را محقق سازد. بعضی از اندیشمندان، پیامدها را به پیامدهای واسطه‌ای و نهایی تقسیم‌بندی می‌کنند. این تقسیم‌بندی در آنجا عینیت می‌یابد که گاهی تعیین روابط علت و معلولی بین خروجی‌ها و پیامدهای نهایی دشوار است و از شاخص‌های واسطه‌ای استفاده می‌شود. به بیان دیگر، در بعضی مواقع، نمی‌توان پیامدها را به طور مستقیم اندازه‌گیری کرد. در چنین شرایطی، از طریق متغیرهای واسطه، این ارتباط برقرار می‌شود. برخی مانند برمن معتقدند، نباید خطی مشی و راهبرد را ارزیابی کرد، بلکه باید اجرا را ارزیابی کرد (برمن، ۱۹۸۰، ص ۵۱). به طور کلی ارزیابی، فرصتی برای تعیین اثرات و یادگیری از تجارب گذشته به منظور ساخت آینده و پیشرفت‌های آتی در خط مشی‌گذاری و اجرای آن خواهد بود (Abelson, 2004, p. 4).

همچنین به اعتقاد بسیاری از افراد، ارزیابی اجرای یک نیاز قانونی است، اما در اصل ارزیابی راهی برای اثربخشی، بهبود و توسعه راهبرد، خدمت‌رسانی، اطمینان از تحقق نیازها و استفاده از ظرفیت‌های موجود است. هسته اصلی خط مشی‌گذاری مدرن، ارزیابی است که می‌تواند به اثر بخشی و کارایی خدمت‌رسانی منجر شود (کمیسیون برابری و حقوق انسانی، ۲۰۰۹، ص ۶).

در یک جمع‌بندی می‌توان گفت، ارزیابی راهبرد باید از حالت حاشیه‌ای و جانبی بودن به یک ضرورت تبدیل شود. ظرفیت‌سازی برای ارزیابی کاری دشوار است، زیرا حافظه اجتماعی برای استفاده از تجارب گذشته و آموختن از آنها در آینده وجود ندارند (Abelson, 2004). با توجه به تحقیقات صورت گرفته و منتشر شده، معیار و راهکار مشخصی برای تعیین ساختار اهداف و سنجه‌های کلیدی سازمان و برقراری رابطه علت و معلولی بین آنها در قالب نقشه راهبرد و در نتیجه، ارائه نقشه راهبرد، ارائه نشده است (Bakh & Malmi, 2005). از سوی دیگر، یکی از مهمترین و کلیدی‌ترین مسائل موجود در نقشه راهبرد و داشبوردهای عملیاتی، این است که سنجه‌های مورد نظر در اهداف استراتژیک، ترکیبی از سنجه‌های کمی و کیفی هستند. به عبارت دیگر، برخی از این سنجه‌ها/اهداف، باید از داده‌های تاریخی و عملیاتی استفاده کنند و برخی دیگر نیازمند ارزیابی‌های کیفی هستند باید

گفت، به دلیل پیچیدگی در بهره‌گیری از این داده‌ها و زمان بر بودن شناسایی و استخراج آنهاست که استفاده از دانش و تخصص افراد به پیشبرد مسئله طراحی و تدوین نقشه راهبرد، کمک می‌کند. ارزیابی و کنترل راهبردی نامناسب را یک دلیل عمده برای شکست مدیریت راهبردی در برخی از شرکت‌ها دانسته‌اند. سازمان‌های راهبرد محور از یک فرآیند "دو حلقه‌ای" استفاده می‌کنند که مدیریت بر بودجه را با مدیریت بر بودجه را با مدیریت راهبرد، یکپارچه می‌کند. یک سیستم گزارشگری مبتنی بر ارزیابی متوازن این امکان را می‌دهد که پیشرفت‌های حاصل در زمینه اجرای راهبرد تحت کنترل قرار گیرد و در صورت لزوم اقدام‌های اصلاحی انجام شود. معیارهای ارزیابی متوازن محور اصلی فرآیند فراگیری راهبردی قرار می‌گیرد که فرآیند کنترل عملیات را با فرآیند یادگیری و کنترل مدیریت استرژیک پیوند می‌دهد (کاپلان و نورتن، ۱۳۹۳، ص ۳۸۹). ارزیابی به هنگام راهبردها می‌تواند مدیریت را از وجود مسائل و مشکلات دامن‌گیر نهادها آگاه سازد تا پیش از آنکه وضع وخیم شود، اقدام‌های اصلاحی به عمل آید. می‌توان ارزیابی نهاد‌های مسئول را شامل سه فعالیت پایه‌ای دانست. (۲۰۰۰، دامید).

۱. بررسی مبانی اصلی راهبردهای نهاد‌های مسئول.
۲. مقایسه نتیجه‌های مورد انتظار با نتیجه‌های واقعی.
۳. انجام اقدام اصلاحی به منظور کسب اطمینان از تطابق عملکردها با راهبردهای پیش‌بینی شده. ارزیابی موفقیت آمیز راهبرد بر پایه این واقعیت قرار دارد که نتیجه عملیات نهاد‌های مسئول در زمان مقرر بر اساس طرح و نقشه اولیه و به صورتی مناسب بر مبنای شاخص‌های کلیدی سنجش موفقیت CSF هر نهاد ارائه شود.

ارزیابی راهبردها، کاری بسیار حساس و پیچیده است. تاکید به بیش از حد بر ارزیابی به احتمال پر هزینه خواهد بود، زیرا گاهی مانند یک ضد حمله عمل می‌کند. به هر اندازه که سعی شود رفتار دیگران مورد ارزیابی قرار گیرد، میزان کنترل بر آنها کمتر خواهد شد. از این رو، برای حصول اطمینان از انطباق عملیات نهاد‌های مسئول باید راهبردها را ارزیابی کرد. نوع دیگری از ارزیابی به انتخاب بین راهبردهای مختلف می‌پردازد. می‌توان این نوع ارزیابی و مسئله ارزیابی راهبردها را ماهیتاً به عنوان یک مسئله چند شاخصه در نظر گرفت، زیرا تصمیم‌گیری در خصوص راهبردها، مسئله‌ای است که شاخص‌های گوناگونی برای ارزیابی آن تصور می‌شوند. در این مقوله، روملت، شاخص هماهنگی راهبرد با اهداف سازمان، هدایت منابع سازمان به سوی امور اصلی، حل مسائل فرعی تر در کنار مسائل اصلی به وسیله راهبرد و جلب رضایت ذی نفعان را به عنوان شاخص‌های ارزیابی

راهبردها معرفی کرد. رحمان سرشت، شاخص‌های تناسب‌پذیری با محیط‌فعالیت، تناسب‌پذیری با منابع انسانی، تناسب‌پذیری فرهنگی، قابلیت پذیرش از لحاظ سودآوری، قابلیت پذیرش از لحاظ ریسک، قابلیت پذیرش از لحاظ رضایت گروه‌های ذی‌نفع، امکان‌پذیری از لحاظ منابع، امکان‌پذیری از لحاظ تدارکات و امکان‌پذیری از لحاظ واکنش مناسب رقبا را برای ارزیابی راهبردها معرفی کرد. جانسون، شاخص‌های پایداری، هماهنگی، مزیت و امکان‌پذیری را برای ارزیابی راهبردهای معرفی کرد. جانسون شاخص‌های پایداری، هماهنگی، مزیت و امکان‌پذیری را برای ارزیابی راهبردها مطرح کرد. از سوی دیگر، رایبسون و پیرز، معیارهای نقش راهبردهای گذشته سازمان، سازگاری با محیط، ریسک، ملاحظات سیاسی داخلی، زمان و عکس‌العمل رقبا را برای انتخاب راهبردهای سازمان تعیین کردند. برخی دیگر از شاخص‌های معرفی شده برای ارزیابی راهبردها در جدول، آورده شده‌اند. روش درخت تصمیم نیز راهبردها را به لحاظ سازگاری با شاخص‌های از پیش تعیین شده مورد ارزیابی قرار می‌دهد و رتبه‌بندی می‌کند، با این تفاوت که در این روش، در هر مرحله برخی گزینه‌ها حذف می‌شوند تا موارد نهایی باقی بمانند. روش سناریو با در نظر گرفتن و پیش‌بینی موقعیت‌های آینده، به حذف راهبردهایی می‌پردازد که با هیچ یک از موقعیت‌ها تطابق ندارند. این روش به طور اساسی، کیفی است و شیوه‌ای ساخت یافته را برای ارزیابی ارائه نمی‌دهد. همچنین ماتریس برنامه‌ریزی استراتژیک کمی (QSPM) با بررسی امکان‌پذیری و پایداری گزینه‌های استراتژیک در مواجهه با شرایط محیطی و وضع موجود سازمان، به ارزیابی و اولویت‌بندی راهبردها می‌پردازد.

جدول ۲- برخی شاخص‌های ارزیابی راهبردها

ردیف	مدل	شاخص‌ها
۱	ونسیل و لورانچ	تاثیر بر سهم بازار <input type="checkbox"/> زمان <input type="checkbox"/> سودآوری <input type="checkbox"/> قابلیت اجرا <input type="checkbox"/> منابع مورد نیاز سازمانی <input type="checkbox"/>
۲	هریسون و جان	کارکرد راهبرد <input type="checkbox"/> قابلیت ماندگاری <input type="checkbox"/> ریسک <input type="checkbox"/> پذیرش ذی‌نفعان <input type="checkbox"/> به کارگیری منافع مادی و انسانی <input type="checkbox"/>
۳	نیلور	ثبات کارکرد مزیت رقابتی <input type="checkbox"/> برهم‌افزودگی <input type="checkbox"/> ریسک <input type="checkbox"/>
۴	ابراهیمی نژاد	انتظار در دسترس بودن <input type="checkbox"/> دستیابی به پاسخ‌های مورد نظر <input type="checkbox"/> ریسک <input type="checkbox"/> قابلیت پذیرش <input type="checkbox"/> کیفیت رضایت بخش منابع اجرای راهبرد <input type="checkbox"/>

در مجموع، نمی‌توان گفت که یک راهبرد ویژه به صورت منحصر به فرد، مطلوب است یا حتی نمی‌توان تضمین کرد که کارساز خواهد بود، اما می‌توان برای شناسایی موارد ضعف اصلی آن را ارزیابی کرد. از این رو، یکی از گامهای فرآیند برنامه‌ریزی راهبردی در مبارزه با فساد اقتصادی،

شناسایی فنون تحلیل و سنجش خاص فعالیت‌های ضد فساد اقتصادی است تا در مرحله تدوین و تنظیم برنامه‌ها و بکارگیری آنها در مرحله پایانی فرآیند یاد شده، امکان ارزیابی، کنترل و بازخورد نتایج برای تصمیم‌گیری در مورد راهبردها فراهم شود. ارزیابی راهبردها، از این رو که نهادهای مسئول با محیط پویا روبرو هستند، اهمیت زیادی دارد. در این محیط اغلب، عوامل اصلی محیط داخلی و خارجی نهادهای به سرعت و به شدت تغییر می‌کنند. موفقیت امروز نمی‌تواند موفقیت فردا را تضمین کند. یک سازمان نباید روی موفقیت‌های کنونی درجا بزند. ارزیابی از این بابت دشوارتر شده است که افزایش سرسام آور پیچیدگی در عوامل متنوع اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی محیطی و سرعت بسیار بالای منسوخ شدن برنامه‌ها و حتی بهترین آنها، جلوه بارزتر و نقش حساس تری در پیشبرد هدف‌های استراتژیک یافته است. به همین دلیل سازمان‌های مقابله کننده با فعالیت‌های پنهانی همانند فساد یا مسائل امنیتی و اطلاعاتی به دلیل پیچیدگی و پنهان کاری آن مستلزم داشتن الگویی مناسب برای ارزیابی راهبردها با ویژگی‌های خاص سازمان‌های خود است. برای نمونه سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا از الگوی ارزیابی متوازن برای ارزیابی سیستم اطلاعات منابع انسانی HRIS خود استفاده کرده است. این سازمان ۶ معیار را برای موفقیت ارائه داده است: ۱- ارائه به موقع برنامه جدید و بودجه، ۲- انجام فعالیت‌ها مطابق توافق برنامه، ۳- حفظ سیستم بالا و استانداردهای عملکرد، ۴- کاهش وابستگی به سیستم‌های قدیمی، ۵- رضایت مشتری و ۶- رضایت کارمند.

## ۶. ضرورت و اهمیت ارزیابی

اگرچه ده‌ها کشور راهبرد مبارزه با فساد را ارائه داده اند، اما تعداد کمی از آنها، روش اجرای موثری از جمله یک طرح عملی با نقش‌ها و مسئولیت روشن ارائه کرده‌اند. علاوه بر این، ساخت عناصر ارزیابی و جمع‌آوری داده‌ها در تنها چند راهبرد در مرحله طراحی ارائه شده است. بسیاری از کشورها با چالش تعریف شاخص قابل سنجش، با دستورالعمل‌های اجرا و سازو کار ردیابی، به منظور تعیین اینکه آیا اهداف تحقق یافته‌اند یا خیر، مواجه هستند. ارزیابی راهبرد، شاخص‌ها و معیارهای مناسبی برای راهبرد پردازی ارائه می‌دهد. نظام بازخورد توانایی یادگیرنده بودن فرایند راهبرد پردازی و زمینه‌های راهبرد پردازی بهتر را تقویت می‌کند. در این بین، نکاتی در فرایند ارزیابی مورد توجه قرار گیرد:

- فرایند نظارت و ارزیابی هرگزیننه و هر راهبرد باید شرح داده شود.
- معیارها باید خاص، قابل اندازه‌گیری و سنجش، دست یافتنی و مطابق با زمان باشند.

- مسئولان و مجریان نظارت و ارزیابی هر راهبرد باید تعیین شوند.
  - دوره‌های زمانی ارزیابی و چگونگی گزارش دهی شرح داده شود.
  - حد نصاب موفقیت برای هر راهبرد به طور دقیق تعریف شود.
  - چالش‌های اجرا و ارزیابی راهبرد شناسایی و راه حل مناسب اندیشیده شود.
  - منابع انسانی مورد نیاز تحت آموزش قرار گیرند و مهارت لازم را در مورد ارزیابی راهبرد بیاموزند
  - سازوکار دریافت بازخوردها ایجاد شود و بازخوردهای دریافتی مورد بررسی قرار گیرد.
- به رغم تأکید فزاینده درباره مبارزه با فساد، بسیاری از تلاش‌ها در این زمینه به دلایل زیادی شکست خورده‌اند. شواهد موجود "بسیار مایوس کننده" است. بیشتر طرح‌های مبارزه با فساد به نوعی با شکست مواجه بوده‌اند و به جز یکی، دو مورد استثنا، ناامید کننده بوده است. سیاست‌های ضدفساد در بسیاری از کشورها موفق نبوده است. تلاش ضدفساد بین‌المللی در آفریقا شکست خورده است. به طور خلاصه، برخی محققان معتقدند، شواهدی وجود دارد که سیاست‌ها و سازوکارهای مبارزه با فساد اغلب و برخی اوقات شکست مفتضحانه‌ای را شاهد بوده‌اند. یکی از دلایل، عدم تناسب بین اولویت بندی اهداف کوتاه مدت و اهداف بلندمدت‌تر است که اولی به سمت دستیابی به اهداف مشخصی بوده که در مبارزه با فساد اقتصادی بدست می‌آیند و به ریشه‌های شکل دهنده فساد اقتصادی توجه چندانی نمی‌کنند و دومی؛ به اصلاح شدید ساختارها در سیستم می‌پردازد. یک راهبرد مدبرانه درباره اصلاح ساختار مبارزه با فساد، نیازمند داشتن افق تصمیم‌گیری بلند مدت و درک روشنی از تغییرات اساسی بوده که ممکن است در آینده به وجود آیند. این راهبرد باید در حداقل زمان ممکن، در نسل بعد و نه در نسل کنونی اجرا شود.

## ۷. مراحل ارزیابی راهبرد

کارکنان سازمان ضدفساد در نقش ارزیابی باید همراه با سیاست‌گذاران برای مدیریت فرایند ارزشیابی مسئول باشند. شرایط متعددی، ارزیابی سازنده را تسهیل می‌کند. ابتدا، انتظارات برای یک سازمان ضدفساد (اداره مبارزه با مفاسد) باید کاملاً از همان ابتدا در معیارهای مشخص شده به منظور موفقیت آن ترسیم و باید معین شود که آیا سازمان ضدفساد دارای منابع لازم و اختیارات برای پاسخگویی به این شاخص هست یا خیر. سازمان ضد فساد باید مطمئن شود که منطبق علت، نتیجه یا تئوری تحول می‌تواند ایجاد شود. دوم، تلاش‌ها باید در درجه اول با هدف اندازه‌گیری نتایج به جای خروجی‌ها و فعالیت‌هایی که تاثیر کمتری را نشان می‌دهد، باشد. سوم، مهم است که ارزیابی را با تعدد شاخص‌ها سنگین و زیاد نکنیم.

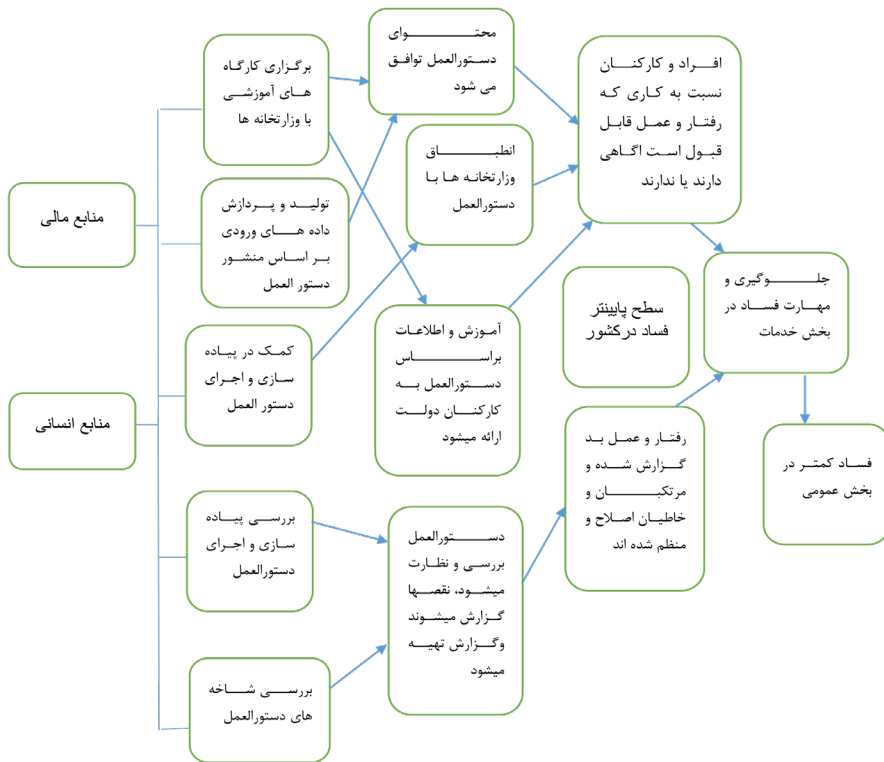


چهارم، سازمان‌های ضدفساد باید به یاد داشته باشند که ارزیابی‌ها از روش شناختی‌های ترکیبی سود می‌برند و باید از هر دو شاخص کمی و کیفی استفاده کنند. در نهایت، ارزیابی‌های باید برای بررسی دقیق عمومی در دسترس باشند. گرفتن بازخوردها از شهروندان، سیاست‌گذاران و دیگر ذینفعان برای ارتقای اعتبار شاخص‌های انتخاب شده و در نهایت، کیفیت کار سازمان‌های ضدفساد مهم است.

## ۸. طراحی و تنظیم مدل منطقی/تئوری (نظریه) تحول سازمان ضدفساد

یک نظریه منطقی، منسجم و سازگار و ثابت تحول زیربنایی مداخلات سازمان ضدفساد باید پیش از انجام هرگونه ارزیابی شکل گیرد. این مساله می‌تواند در یک الگوی مدل منطقی یا زنجیره نتایج نشان داده شود. این، می‌تواند یکی از بخش‌های اساسی ساختار روش ارزیابی تاثیر باشد. می‌توان گفت، سازمان‌ها، برنامه‌ها را برای رسیدن به تاثیر یا تاثیرات مطلوب اجرا می‌کنند. برنامه‌ها از ورودی‌ها و فعالیت‌هایی که به خروجی‌ها منجر می‌شود، استفاده می‌کنند. خروجی‌ها باید به نتایج مطلوب منتهی شوند از این رو در بلند مدت نتایج در تاثیرات منعکس خواهد شد. در نمودار ۸، این گونه استنباط می‌شود که روابط بین تمام داده‌های ورودی، پردازش‌ها، فعالیت‌ها، اطلاعات خروجی، نتایج و تاثیرات سازمان‌های ضدفساد باید براساس اصل منطقی باشد. چنانچه محصولات خروجی تولید شود که با نتایج هیچگونه هماهنگی و مطابقتی نداشته باشند، همه آن‌ها یا بیهوده و بدون استفاده هستند یا اینکه مدل و الگوی طراحی شده صحیح نیست. این اصل و مفهوم منطقی هماهنگ و یکسان در پشت تمام چهارچوب‌ها و بخش‌های درست طراحی شده در نمودار قرار گرفته‌اند که عبارتند از:

خروجی‌ها به نتایج منجر می‌شوند (اهداف خورد) و نتایج به تاثیر (اهداف کلام) منجر می‌شوند. در مواردی که یک مدل و الگوی منطقی در مکان و موقعیت خود قرار نگرفته باشد، ممکن است ارزیاب یک مدل و الگوی منطقی جایگزین را طراحی و آن را براساس همان موقعیت تصویب و ارزیابی کنند. ممکن است طراحی چندین مدل و الگوی منطقی برای یک سازمان ضدفساد، ضروری باشد که این موضوع نشان از آن دارد که سازمان‌های ضدفساد اغلب دارای کارکردهای چندگانه و اهداف مختلف هستند. یک الگوی فرضی در زیر ارائه شده است که نشان می‌دهد چگونه مدل سازمان ضدفساد در زمینه پیاده‌سازی، اجرا و اقدام‌ها در بخش عمومی عمل می‌کند.



این الگوی منطقی نشان می‌دهد که چگونه کار براساس دستورالعمل می‌تواند به تاثیر مطلوب و فساد کمتر منجر شود. چندین فرضیه در مورد نظریه تحول می‌تواند مورد پرسش قرار گیرد؛ برای مثال، معلوم نیست که آگاهی از استانداردها به منظور رفتار و عمل مناسب و آگاهی از جریمه‌های تخلف، در حقیقت، باعث ترس مردم از فساد شود. این موضوع چهارچوبی بسیار خاص است. هرچند، ترسیم فرضیه در یک نظریه تحول روشن، این امکان را می‌دهد که فرضیه مورد آزمایش و امتحان قرار بگیرد. هیچ مدل و الگوی استنادی برای یک نظریه تحول معتبر وجود ندارد، اما در اصل و قانون، نظریه تحول آن باید سازوکارهای نظارت و مداخله را منعکس کند، همچنین نظریه تحول باید امکان توسعه‌پذیری را در یک روش مشارکتی و توافق بین ذی‌نفعان داشته باشد. زمانی که مدل منطقی ساخته و نظریه تحول ترسیم شده ممکن است تصمیم بگیرند که کدام پارامترهای کلیدی ارزیابی شود. شاخص‌ها می‌توانند برای هر پارامتر کلیدی ایجاد شوند و مدل منطقی کارا برای شناسایی اینکه آیا شاخص‌ها در خروجی، پیامد یا سطح تاثیر هستند یا خیر آسان شود. نمودار شماره ۹، نمونه شاخص‌هایی را که با سطوح مختلف از مدل منطقی مرتبط هستند، نشان می‌دهد. توجه داشته باشید

که بسته به سطوح نتیجه، شاخص‌ها برای مداخله خاص هستند (در این مورد، اجرای یک دستورالعمل)، اما در سطح تاثیر کلی تر و برای مداخله، با دقت کمتر نتیجه خواهد داد. بنابراین، هنگام ارزیابی یک سازمان مبارزه کننده با مفساد اقتصادی نمی‌توان تنها شاخص‌های تاثیر را اندازه‌گیری کرد، زیرا این مسائل نشان نمی‌دهد که تاثیر و مداخله موفقیت آمیز یک سازمان ضد مفساد اقتصادی یا یک اتفاق خارجی یا سازمانی دیگر تحت تاثیر قرار گرفته است. در نمودار شماره ۹، یکی از شاخص‌های تاثیر این است که آیا کاربران خدمات عمومی نظر مثبت تری در مورد سطح فساد در بخش دولتی دارند یا خیر. این شاخص می‌تواند مثبت باشد، زیرا دولت تنها یک خط مستقیم گزارش دهی جدید راه اندازی کرده است که نمی‌تواند با دستورالعمل انجام دهد. اگر ما تنها شاخص‌های پیامد را اندازه‌گیری کنیم، آیا می‌توانیم متوجه شویم دستورالعمل کمکی برای کاهش سطوح عمومی فساد است یا خیر؟

### نمودار ۹ - نظریه تحول بر اساس شاخص‌ها

#### تاثیرات پیامدها خروجی‌ها فعالیت‌ها داده‌های ورودی



نیاز به شاخص‌های خاص که برای مداخله ویژه هستند، همچنین مستلزم آن است که شاخص‌ها در سطح پروژهای یا سازمانی ایجاد و داده‌ها جمع‌آوری شده باشد. شاخص‌های جهانی مانند CPI، برآوردهای سیاست‌های کشورها و ارزیابی سازمانی بانک جهانی (CPIA) و شاخص‌های حکمرانی جهانی موسسه بانک جهانی (WGI) برای این منظور کافی نیستند.

## ۹. وجوه نقشه راهبرد

نقشه راهبرد تعریف دقیقی از وجوه مختلف سازمانی و نحوه تعامل بین وجوه ارائه می‌دهند. نقشه راهبرد چهارچوبی فراهم می‌کند تا نشان داده شود چگونه راهبردهای سازمان دارای‌های نامشهود را به فرآیند خلق ارزش مرتبط می‌سازد. در این الگو، فرآیندها و زیر فرآیندهای سازمانی به صورت دقیق تعریف و نتایج قابل دستیابی از هر یک از فرآیندها در دو بخش مشتریان و مالی ارائه می‌شود. همچنین منابع ضروری برای تحقق هر یک از فرآیندها و زیر فرآیندهای سازمانی در سه سطح انسانی، سازمانی و اطلاعاتی تعیین شده‌اند. بدین ترتیب، می‌توان مشخص کرد که برای دستیابی به اهداف مورد نظر در دو بخش مالی و مشتریان چه فرآیندها و زیر فرآیندها و همچنین منابع سازمانی نقش کلیدی می‌یابند. نقشه راهبرد به سازمان امکان می‌دهد تا آرمان و راهبردهای خود را به سمت تدوین یک چهارچوب جدید سوق دهد. چهارچوبی که راهبرد سازمان را برای حرکت به سوی اهداف و شاخص‌های انتخاب شده به طور کامل بیان می‌کند. در نقشه راهبرد به جای تاکید بر ابزارهای کنترل مالی که چندان تاثیری در هدایت تصمیم‌گیری‌های بلند مدت کارکنان ندارند، از اندازه‌گیری به عنوان یک زبان جدید برای بیان عناصر کلیدی در دستیابی به راهبرد استفاده می‌کنند. استفاده از اندازه‌گیری برای دستیابی به راهبرد بسیار ضروری است، در حالی که نقشه راهبرد شاخص‌های مالی را هم در می‌گیرد، در عین حال آنها را به سه منظر متمایز دیگر تکمیل می‌کنند: مشتری، فرآیندهای داخلی و یادگیری و رشد.

نقشه راهبرد ابزار است که بین راهبرد مورد نظر سازمان و فرآیندها و سیستم‌هایی که به پیاده‌سازی راهبرد کمک می‌کنند، ارتباط برقرار می‌کنند. این ابزار کارکنان سازمان یک نگاه مستقیم و روشن می‌دهد تا بدانند چگونه فعالیت‌هایشان به اهداف جامع سازمان متصل می‌شود و آنها را برای انجام بهتر اقدام‌هایشان هماهنگ می‌کند. به اعتقاد مبدعان کارت امتیازی متوازن، بهترین راه ترسیم نقشه راهبرد استفاده از رویکرد بالا به پایین است. این رویکرد با بررسی هدف و مقصد سازمان آغاز می‌شود و به ترسیم راه‌های دستیابی به مقصد مورد نظر می‌پردازد. در این راستا، مدیران ارشد سازمان باید ابتدا

بع بررسی بیانیه ماموریت و ارزش‌های محوری بپردازند (چرا این سازمان وجود دارد و این مجموعه به چه چیزی معتقد است). سپس، مدیران با در دست داشتن این اطلاعات می‌توانند به تدوین چشم‌انداز یا همان چیزی که سازمان می‌خواهد در راستای فلسفه وجودی خود باشد، اقدام کنند. این چشم‌انداز باید تصویر روشنی از هدف کلی سازمان را ارائه دهد. مانند کارت امتیازی متوازن، نقشه راهبرد هم برای شرکت‌های انتفاعی مفید است و هم برای سازمان‌های دولتی و غیر انتفاعی کاربرد دارد و از آنجا که منظرهای چهارگانه آن با توجه به زمینه فعالیت سازمان مورد نظر قابلیت تغییر (کاهش/افزایش) دارد، از این رو، می‌توان برای سازمان‌های غیر انتفاعی منظر مشتری را به عنوان منظر نخستین در نظر گرفت. از این رو، برای تدوین نقشه راهبردی الگوی استاندارد وجود دارد که این الگو مانند کارت امتیازی متوازن دارای ۴ منظر مجزای مالی، مشتری، فرآیندهای داخلی و منظر یادگیری و رشد است.

## ۱۰. بحث و نتیجه‌گیری

مدیران هر سازمان می‌توانند پس از مرحله تدوین راهبرد، با توجه به ماهیت و زمینه سازمان خود، نقشه متناسب با سازمانشان را ترسیم کنند. ملاحظه می‌شود که الگوهای ارزیابی دستگاه‌ها و سازمان‌ها و کارکنان براساس نگرش نوین در مقایسه با نگرش سنتی تفاوت‌هایی اساسی در ابعاد مختلف دارد. پیامد وجود نظام ارزیابی مبتنی بر دیدگاه نوین، بهبود کارکرد و در نهایت، اثر بخشی فعالیت‌های سازمان است. در صورتی که سازمان‌های دولتی با تمام وجود احساس کنند که اهداف اساسی مرتبط با انجام ارزیابی در راستای رشد، توسعه و بهبود عملکرد و فعالیت‌های آنهاست و پدیده قضاوت و میج‌گیری در آن جایگاهی ندارد، در این صورت، سازمان‌ها و کارکنان خود به استقبال برقراری نظام ارزیابی می‌روند و به طور مرتب برای بهبود سازوکارهای آن می‌کوشند. برآیند این تلاش‌ها ایجاد نظام خود ارزیابی در سازمان‌هاست که پیامد وجود چنین نگرشی، رشد، توسعه و بهبود عملکرد و در نهایت تحقق اهداف سازمانی خواهد بود (تبرسا، ۱۳۷۸، ص ۶). مدل ارزیابی از جمله ابزارهای ضروری مدیریت برای تبدیل راهبرد مورد نظر به راهبرد محقق شده هستند. این مدل‌ها توجه به تحقق هدف را در کسب و کار و افراد افزایش می‌دهند و نظام ارزیابی، راهبردها را به عنوان برنامه‌ها در نظر می‌گیرد و به مدیران این امکان را می‌دهد تا نتایج را اندازه بگیرند و با برنامه‌های سود از پیش تعیین شده و اهداف عملکرد مقایسه کنند. مدیران نمی‌توانند بدون نظام ارزیابی راهبردها درباره تحقق راهبردهای مورد نظر قضاوت کنند، اما تطبیق اینکه کدام مدل می‌تواند مناسب سازمانی با ویژگی‌های سازمان ضد فساد اقتصادی در جمهوری اسلامی باشد، نیازمند

تحقیق خاص خود است. نتیجه آنکه برای بررسی وضعیت تحقق راهبردهای ضد فساد در جمهوری اسلامی ایران، الگوهایی برای سنجش تحقق راهبردهای سازمان‌های ضد فساد باید ایجاد شود که از مجموع مدل‌ها و سطوح ارزیابی بتوان وضعیت موجود را برآورد کرد، به خصوص آنکه حتی با راه‌اندازی سازمان مبارزه با جرایم اقتصادی در صورت عدم طراحی مدل ارزیابی، سازمان مذکور موفق نخواهد بود.

## منابع و مواخذ

- ابن الرسول، سید اصغر (۱۳۹۱)، ارزیابی عملکرد سازمان‌های تحقیقاتی وزارت صنایع دفاع، *پایان نامه دکتری مهندسی صنایع، دانشگاه علم و صنعت ایران*.
- افتخاری، حمید (۱۳۸۱)، ارزیابی عملکرد دستگاه‌های اجرایی، چالش‌ها و چشم‌اندازها و راهبردها، *مجموعه مقالات همایش چالش‌ها و چشم‌اندازهای توسعه ایران*.
- آذری، مصطفی و ایلناز ابراهیمی (۱۳۸۷)، *آسیب‌شناسی فساد، همایش سلامت اداری، موسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد*.
- بازرگان، عباس و همکاران (۱۳۷۹)، رویکرد مناسب ارزیابی درونی برای ارتقای مستمر کیفیت گروه‌های آموزشی در دانشگاه‌های علوم پزشکی، *مجله روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران، دوره جدید سال پنجم*.
- بازرگان، عباس (۱۳۷۴)، ارزیابی درونی دانشگاهی و کارکرد آن در بهبود مستمر کیفیت آموزش عالی، *فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، شماره ۳ و ۴*.
- تانزی، ویتو (۱۳۸۷)، *فساد در جهان: دلایل، پیامدها، گستره و راه درمان، ترجمه ایلناز ابراهیمی، موسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد*.
- تانزی، ویتو، (بهمن و اسفند ۱۳۸۷)، *مسئله فساد، فعالیت‌های دولتی و بازار آزاد، ترجمه بهمن آقایی، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۴۹ و ۱۵۰*.
- جهاد دانشگاهی تهران (۱۳۸۱)، *مهندسی مجدد، مدل تعالی بهبود عملکرد و افزایش بهره‌وری سازمان‌ها، مجموعه مقالات اولین همایش ملی مدیریت عملکرد*.
- دادگر، حسن (۱۳۹۲)، *فساد مالی: عوامل و راهکارهای خلاصی، موسسه دانش و اندیشه معاصر*.
- دلیرپور، پرویز (تیر ۱۳۸۹)، *بررسی ساختارها و قواعد حقوقی مبارزه با فساد در چند کشور آسیایی، دانش ارزیابی، سال سوم، شماره ۲۰*

- دیوید، فرد، آر (۱۳۸۵)؛ مدیریت استراتژیک، ترجمه علی پارساییان و محمد اعرابی، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- رازانی، عبدالمحمد (۱۳۸۱)، الگوهای بین‌المللی ارزیابی عملکرد، مجموعه مقالات اولین همایش ملی مدیریت عملکرد، جهاد دانشگاهی تهران.
- رحیمی، غفور (۱۳۸۵)، ارزیابی عملکرد و بهبود مستمر سازمان، مجله تدبیر شماره ۱۷۳.
- تولایی، روح‌الله (مرداد و شهریور ۱۳۸۶) رویکردهای نوین و ارزیابی عملکرد سازمان‌ها، دومین نامه توسعه.
- رونق، یوسف (۱۳۸۶)، قانون مدیریت خدمات کشوری، تهران؛ انتشارات فردمنش، چاپ اول.
- Banerjee, Abhijit, Rema, Hanna, & senhil Mullainthan. 2009. 'Corruption. 'school John. F. Kennedy school.
- Bergen, Norway Williams, R. & Doig, A 2007. Achieving Success and Avoiding Failure in Anti Corruption. Commission, U4 Berif no. 1 , Chr. Michelsen Institute, Bergen, Norway.
- Bukh, P. N., & Malmi, T. 2005. Reexamining cause – and- effect principal of the balanced scorecard, In J mourtisen, S Jonsson eds: Northern Lights in Accountning Stockholm, liber.
- Crrrlman J., and Makhijani N. 2005. Succeeding with the balanced scorecard in the mastering business in Asia series. Wiley Executive.
- De Maria, W 2010. The failure of the African anticorruptin effirt: lessons formanagers, international Journal of management, 27 (1), 117 – 122.

## Investigating and evaluating the fight against economic corruption in organizations

### Abstract

This study seeks to introduce senior managers and provide information on how their organizations' performance can be reliably assessed, presenting models and experiences of evaluation in anti-corruption organizations, and providing a method that can be used to ensure Use a fair and documented assessment of the results and impact of their work. This study provides suggestions on how to enhance these assessments in the future and examines the important task of establishing internal oversight systems and processes within these organizations and demonstrates how existing experiences can help generate useful information.

**Keywords:** Economic Corruption, Organizational Evaluation, Senior Managers, Supervisory Systems





# بررسی رابطه بین دیپلماسی اقتصادی و سیاست خارجی در ایران

سعید امینی نسب

## چکیده

در جهان امروز دیپلماسی اقتصادی یکی از وجوه دیپلماسی مدرن شده است. قرار گرفتن اقتصاد در مرکز سیاست و قدرت، جابجایی در مولفه‌های تعیین بخش امنیت در سطح جهانی را به دنبال داشته و کشورهای هژمون طلب را بر آن داشته تا از این اهرم برای مهار ناامنی‌ها و تنظیم رفتار دولت-ملت‌ها حداکثر استفاده را ببرند. گستردگی حوزه دیپلماسی اقتصادی به گونه‌ای است که توفیق در آن مستلزم شناخت عمیق از تحولات جهانی و الزامات داخلی و هماهنگی همه دستگاه‌های دخیل است. با توجه به همگرایی و در هم تنیده شدن اقتصاد کشورهای مختلف، رویکردهای سیاست خارجی و دیپلماسی و تعیین اهداف و راهبردهای آن نقش اساسی در توسعه قدرت ملی کشورها ایفا می‌کند، بنابراین در راستای استفاده از تمامی ظرفیت‌های ملی و بین‌المللی سیاست خارجی ایران نقش کلیدی در ایجاد محیطی مناسب برای ارتقای جایگاه کشور در نظام بین‌الملل بر عهده دارد. بر این اساس توجه به دیپلماسی اقتصادی به عنوان یک رویکرد اقتصاد محور در سیاست خارجی ایران و توجه به الزامات رفتاری آن، اهمیت ویژه‌ای یافته است. اینکه دیپلماسی اقتصادی چه نقشی در فرایند سیاست‌گذاری و هدایت آن متناسب با شرایط داخلی و خارجی کشور دارد و چگونه می‌توان از ظرفیت‌های آن برای ارتقای جایگاه ایران در جهان استفاده کرد، پرسشی است که این پژوهش در پی پاسخ به آن است.

**کلید واژگان:** دیپلماسی اقتصادی، سیاست خارجی ایران، اقتصاد سیاسی، جهانی شدن اقتصاد.

در جهانی که به مثابه یک دهکده بزرگ توصیف می‌شود و دوره‌ای که، به عصر ارتباطات شهرت دارد، یکی از مهم‌ترین وظایف مسوولان و دست‌اندرکاران سیاسی و اقتصادی کشور در عرصه سیاست داخلی، تمرکز بر حفظ امنیت اقتصادی و حل مشکلات معیشتی مردم و در سیاست خارجی و روابط بین‌الملل، تمرکز بر دیپلماسی اقتصادی بر پایه سه اصل عزت، حکمت و مصلحت است تا کشور بتواند به میانگین نرخ رشد اقتصادی در حدود ۸ درصد و میانگین نرخ تورم و بیکاری کمتر از ۸ درصد دست یابد. روشن است که داشتن یک دیپلماسی اقتصادی فعال، موثر و کارآمد، نیاز به تغییر و تحول در نگرش و رفتار دیپلماسی، از نگرش نیوتنی به نگرش کوانتومی دارد. در واقع، دیپلماسی با نگرش نیوتنی که هدف آن، حفظ وضع موجود، داشتن قوانین محدود و ثابت است و بازیگرانی درون‌گرا (ملی‌گرا) دارد، باید به دیپلماسی با نگرش کوانتومی که هدف آن، ایجاد تحول و ترقی، با قوانین پیچیده و پویا است و بازیگرانی برون‌گرا (تکثرگرا) دارد، تبدیل شود. به همین دلیل، در طول اعصار، کشورها برای اینکه بتوانند مسائل و مشکلات خود را حل کنند، نگاه خود را از نگرش نیوتنی که بر پایه دیپلماسی نظامی و تسلط و کنترل (هژمونی) بر سایر کشورها استوار بوده تغییر دادند و نگرش کوانتومی را که بر پایه دیپلماسی نفوذ (جنگ سرد) بود، جایگزین کردند. با گذشت زمان، از آنجا که، دیپلماسی نفوذ نقش مفید و موثری در تامین نیازهای ضروری و بهتر شدن زندگی مردم و رفاه عمومی جوامع بشری نداشت، دیپلماسی اقتصادی جای آن را گرفت و نقش همکاری‌های اقتصادی بین کشورها و تجارت خارجی به‌عنوان موتور محرک رشد و توسعه، اهمیت ویژه‌ای پیدا کرد و به این ترتیب، ائتلاف و پیمان‌های اقتصادی مانند: کشورهای گروه جی هفت متشکل از: انگلیس، فرانسه، آلمان، ایتالیا، ژاپن، آمریکا و کانادا و گروه دی هشت متشکل از هشت کشور مسلمان در حال توسعه، شامل: ایران، اندونزی، بنگلادش، پاکستان، ترکیه، مالزی، مصر و نیجریه، شکل گرفتند، تا اعضای گروه بتوانند از مزایای صادرات، واردات و سرمایه‌گذاری خارجی بین کشورها بهره‌مند شوند. تغییر و تحول دیپلماسی از حالت دیپلماسی نظامی به دیپلماسی نفوذ و سپس دیپلماسی اقتصادی و سرانجام دیپلماسی اقتصادی پارلمانی، موجب شد تا دو جریان فکری کلی با دیپلماسی اقتصادی پارلمانی، یکی در قالب جریان فکری چپ میانه که به سوسیالیسم نزدیک است و نگرش لیبرالیسم اجتماعی (دموکرات) دارد و دیگری در قالب جریان فکری راست میانه که به لیبرالیسم تمایل دارد و نگرش لیبرالیسم اقتصادی سنتی یا محافظه‌کار (جمهوری خواه) دارد، بر سیاست و اقتصاد اکثر کشورهای جهان حاکم شود. جریان فکری سوسیال دموکرات یا دموکرات که بر پایه استراتژی آشتی بین ملت‌ها (تکثرگرایی) و همزیستی مسالمت‌آمیز

با کشورها (فراملی) و جهان‌گرایی بنا شده است و اندیشه‌های آنها، از آموزه‌های اقتصاددانانی مانند: جان استوارت میل، جان مینارد کینز و پل ساموئلسون نشأت می‌گیرد، خواهان دخالت دولت در امور اقتصادی برای توزیع عادلانه منابع، افزایش مالیات از طبقه مرفه برای حمایت از طبقه فقیر و متوسط جامعه و ایجاد و تقویت بیمه‌های درمانی و بیکاری و رعایت حقوق بشر است. دموکرات‌ها در سیاست خارجی تمایل کمتری به قدرت نظامی دارند و به جای تقابل و قهر و دور شدن از کشورها، برای به دست گرفتن رهبری جهان، از دیپلماسی فعال سیاسی اقتصادی استفاده می‌کنند و معتقدند با مصالحه، تعامل و یاریگیری در صحنه بین‌المللی و همکاری‌های مشترک و اصلاحات تدریجی می‌توان، بحران‌ها و اختلافات را برطرف کرد و امنیت جهانی را برقرار ساخت. جریان فکری لیبرالیسم سنتی یا جمهوری خواه که بیشتر به طیف دست راستی، بنیادگرایان و محافظه‌کاران تمایل دارند، بر سرمایه‌گذاری بخش خصوصی، آزادی‌های مدنی و فردی، اعمال حاکمیت قانون، حفظ عقاید و ارزش‌های سنتی و ایجاد وحدت و همبستگی ملی (ملی‌گرایی) تاکید دارند و استراتژی معامله‌گری و منفعت‌طلبی را دنبال می‌کنند. اندیشه اقتصادی لیبرالیسم اقتصادی سنتی یا کلاسیک، از آموزه‌های اقتصاددانانی مانند: آدام اسمیت و دیوید ریکاردو از مکتب کلاسیک، میلتون فریدمن از مکتب شیکاگو و آوگوست فون هایک از مکتب اتریش (وین) نشأت می‌گیرد و خواهان آزادی اقتصادی، حذف یا حداقل دخالت دولت در امور اقتصادی، کوچک‌سازی دولت، خصوصی‌سازی و کاهش مالیات هستند. با وجودی که دو جریان فکری سوسیال دموکرات یا دموکرات و جریان فکری لیبرالیسم سنتی یا محافظه‌کار، نگرش‌های متفاوتی دارند، ولی، هر دو جریان، یک هدف مشترک که همان، کسب درآمد بیشتر و زندگی بهتر برای مردم جامعه خود است را دنبال می‌کنند و برای تحقق آن، از دیپلماسی فعال اقتصادی پارلمانی بهره‌می‌برند تا منافع عمومی مردم خود را تامین کنند. از مجموعه این مباحث نتیجه می‌گیریم، در عصر جهانی شدن که عصر دیپلماسی شیشه‌ای نیز محسوب می‌شود و عملکرد دولت‌ها، قابلیت آشکار شدن دارد، ضروری است، از دیپلماسی اقتصادی پارلمانی، استفاده کنیم تا بتوانیم در صحنه بین‌المللی، تصمیمات عاقلانه، حکیمانه و مقتدرانه‌ای بگیریم و منافع ملی کشور را حفظ کنیم. اگرچه، برای فعال‌سازی دیپلماسی اقتصادی، اخیراً، ساختار سازمانی وزارت امور خارجه با ایجاد معاونت اقتصادی اصلاح شده، ولی، برای بهبود رویکرد و اثربخشی تصمیم‌گیری باید نگرش و رهیافت آن از دیپلماسی سیاسی، به دیپلماسی اقتصادی پارلمانی اصلاح و تقویت شود. بدون شک، دیپلماسی سیاسی که بیان‌کننده رفتار دیپلماتیک سنتی و رسمی کشور است، موجب می‌شود تا در عرصه بین‌المللی زمینه همکاری‌های مشترک سیاسی بین کشورها ایجاد شود. دیپلماسی اقتصادی که بازگوکننده قدرت اقتصادی و ملی کشور است،

سبب می‌شود تا از طریق تعاملات اقتصادی و بازرگانی بین کشورها و صادرات، واردات و سرمایه‌گذاری خارجی، نیازهای ضروری و معیشتی مردم با کمترین قیمت و بهترین کیفیت فراهم شود و بالاخره، دیپلماسی پارلمانی که بیان‌کننده حفظ مصالح عمومی و کیفیت تصمیم در سیاست خارجی است، موجب می‌شود تا با استفاده از ظرفیت‌های پارلمانی و قانونی (از جمله اصل ۷۷ قانون اساسی)، ضمانت اجرایی حقوقی و قانونی عهدنامه‌ها، تفاهم‌نامه‌ها، پیمان‌نامه‌ها، قراردادها و موافقت‌نامه‌های بین‌المللی، تضمین شود و موجبات رشد و شکوفایی اقتصادی کشور را فراهم کند. بنابراین شناخت واقعیات و الزامات جهانی شده اقتصاد، برای کارآمد ساختن سیاست خارجی و فراهم کردن زمینه‌های تعامل موثر و فعال در این عرصه ضروری است. سند چشم‌انداز ۲۰ ساله جمهوری اسلامی ایران که از سوی رهبر معظم انقلاب به سران سه قوه و رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام ابلاغ شده است تصریح دارد که جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۴۰۴ شمسی کشوری است توسعه یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه آسیای جنوب غربی (شامل آسیای مرکزی، قفقاز، خاورمیانه و کشورهای همسایه) با تأکید بر جنبش نرم‌افزاری و تولید علم، رشد پرشتاب و مستمر اقتصادی، ارتقای نسبی سطح درآمد سرانه و رسیدن به اشتغال کامل. ماهیت هدف گذاری مذکور نشانگر انرژی مثبت نظام در جهت گیری کشور به سوی آینده و اعتقاد به توان بالقوه کشور در عرصه منابع فیزیکی و انسانی است. دستیابی به هدف کانونی سند چشم‌انداز، نیازمند طراحی و اجرای سیاست‌های متناسب در هر دو حوزه سیاست و اقتصاد در عرصه داخلی و خارجی دارد. سیاست خارجی به عنوان حلقه وصل یک کشور به عرصه بین‌المللی از اهمیت والایی برای رسیدن به اهداف کلان برخوردار است.

## مبانی نظری

ظهور نظام اقتصاد سیاسی جهانی و جایگاه ویژه و نقش پر اهمیت مسایل و مباحث اقتصادی و تأثیر آنها بر سیاست در صحنه جهانی و تغییر عمده در ساختار نظام بین‌الملل، تأثیر پذیری سیاست خارجی از قدرت اقتصادی را غیر قابل تشکیک کرده است. از این رهگذر اقتصاد سیاسی جهانی هم هدایت‌گر روند تحولات جهانی شدن و هم تأثیرات گسترده و عمیقی بر روند سیاست‌های ملی، داخلی و جهانی بر جای می‌گذارد. بنابراین سیاست خارجی کشورها را با چالش‌های موجه می‌سازد که آنها را ناگزیر به بازتعریف راهبردها و ابزارهای سیاست خارجی می‌کند، چرا که هسته مرکزی اقتصاد سیاسی بین‌الملل را کنش متقابل میان عوامل سیاسی و اقتصادی و نیز تعامل میان سطوح ملی و بین‌الملل سیاست‌گذاری

تشکیل می‌دهد. از این رو بیشتر حجم ادبیات موجود در این زمینه نیازمند درک سازنده‌ای از کنش متقابل میان سطوح مختلف تحلیل است. براین مبنا (آیکن بری) رویکردهای سیستمی، جامعه محور و دولت را. برای تبیین سیاستگذاری‌های اقتصاد خارجی پیشنهاد می‌دهد و (جیمزای کاپورا) و (دیوید پی لوین) در کتاب (نظریه‌های اقتصاد سیاسی) به رویکرد عدالت محور در حوزه اقتصادی سیاسی می‌پردازد که در زیر به صورت موجز به اصلی‌ترین شاخص‌های هر یک از نظریات مرتبط پرداخته می‌شود.

## الف. نظریات درباره دیپلماسی و همکاری‌های اقتصادی

### (۱) نظریه واقع‌گرایی

واقع‌گرایان اساس دیپلماسی را پیشینه سازی قدرت یک دولت - ملت می‌داند و دیپلماسی اقتصادی را ابزاری می‌داند که از طریق توزیع دستاوردهای اقتصادی به افزایش قدرت سیاسی کمک نماید، اگر چه هر گونه توفیق در عرصه دیپلماسی اقتصادی را موکول به برتری قدرت نسبی طرف مذاکره می‌دانند، به عنوان نمونه در اختیار داشتن اهرم‌هایی چون کنترل و یا دسترسی به بازارهای بزرگ و یا منابع مالی می‌تواند ورق را به نفع قدرتمندان برگرداند. (مورگنتا، ۱۱۵-۱۱۲: ۱۳۷۴)

### (۲) نظریه ثبات مبتنی بر سیطره

نظریه ثبات مبتنی بر سیطره، توفیق در همکاری‌های اقتصادی را مستلزم وجود یک قدرت مسلط میدانند. بدون وجود قدرت قاهره مسلط، حصول اطمینان از گردن نهادن کشوره‌ها به رژیم‌های تأسیس شده امکان ندارد. فیالواقع این نظریه برای توضیح چگونگی ایجاد نظم اقتصادی بین‌المللی تحت سیطره آمریکا در نظر گرفته شده است. در مواردی که مذاکرات اقتصادی و برپایی رژیم‌ها توسط قدرت‌های بزرگ اقتصادی و به رهبری آنها صورت می‌گیرد، نظریه ثبات مبتنی بر سیطره را می‌توان برای درک بهتر مفاهیم در مطالعه دیپلماسی اقتصادی به کار گرفت. اما نکته اینجاست که در شرایط امروز، کشوری که بتواند به تنهایی نقش قدرت مسلط را ایفا نماید تردید وجود دارد.

### (۳) نظریه وابستگی متقابل

نظریه وابستگی متقابل نیز می‌کوشد با ارجاع رویدادها و تصمیم‌گیری‌های اقتصادی به قدرت نسبی در روابط بین‌الملل، قوانین بازی اقتصاد جهانی سرمایه داری را به سایرین تعمیم دهد. اگر چه نظریه وابستگی به طور خاص برای توضیح توسعه نیافتگی ارایه شده است، لیکن باید یادآور شد که کشورهای کمتر توسعه یافته به دلیل فقدان قدرت و منابع مورد نیاز برای اعمال نفوذ در اقتصاد جهانی، ممکن است پیشاپیش از دستیابی به اهداف و برنامه‌های اقتصادی خود باز بمانند. از این رو

نظریه پردازان وابستگی، نظریه بین‌الملل را صرفاً با دیدی اقتصادی می‌نگرند و مدعی‌اند که روابط بین‌الملل حاکی از توزیع عادلانه کالاهای اقتصادی است و نظام کنونی اقتصاد جهانی مولد توسعه طبیعی کشورهای سرمایه‌داری است که از طریق انحصار مراکز تولید، سرمایه‌های مازاد مناطق پیرامونی را به جامعه خود منتقل کرده و نوعی رابطه وابستگی ساختاری را علیه این کشورها ایجاد کرده است. دیپلماسی اقتصادی نیز با اشاعه تجارت آزاد روابط نابرابر گذشته را تداوم بخشیده و بافت سلسله‌مراتبی اقتصادی گذشته را حفظ می‌کند. (چیلکوت، ۱۳۷۵:۷۲)

### مفهوم دیپلماسی اقتصادی

یکی از ابزارهای نوین، کارآمد و قدرتمند دولت‌ها برای کنش در فضای بین‌المللی و دستیابی به موقعیت بهتر در اقتصاد جهانی، "دیپلماسی اقتصادی" است. این نوع دیپلماسی عبارت است از: اقدامات رسمی دیپلماتیکی که اولاً دسترسی به بازارهای خارجی را برای کسب و کارهای ملی تسهیل می‌کنند، ثانیاً در تلاش برای جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی هستند و ثالثاً بر اثرگذاری روی قوانین بین‌المللی در راستای پیشبرد منافع ملی تاکید می‌نمایند. شایان ذکر است که دیپلماسی اقتصادی، شامل مفاهیمی همچون تحریم‌ها و مجازات‌ها به‌منظور تحت فشار قرار دادن کشورها و یا کمک‌های توسعه‌ای و حمایت‌های اقتصادی برای یارگیری در صحنه بین‌المللی نیز می‌باشد. در این خصوص می‌توان به تأثیرات تحریم‌های اعمال شده بر کشورهای ایران، روسیه یا کوبا و یا کمک‌های مالی فراوان آمریکا و ژاپن به کشورهای همسو با سیاست‌های آنها اشاره کرد.

### تاریخچه دیپلماسی اقتصادی

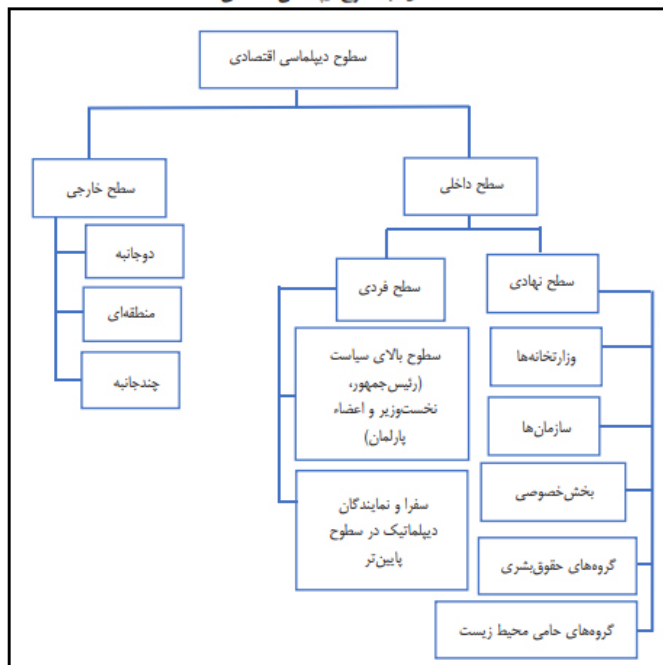
تا قبل از پایان جنگ سرد، برای قرن‌ها دغدغه دولت‌ها و سیاست‌های حاکم بر روابط بین‌المللی، حفظ تمامیت ارضی و امنیت ملی از طریق قدرت نظامی بود. اما با پدید آمدن تحولاتی شگرف در عرصه جهانی، همچون تأسیس سازمان‌ها و نهادهای مالی، گسترش جهانی شدن اقتصاد و افزایش وابستگی متقابل میان کشورهای جهان، پایان جنگ سرد و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و غیره، به تدریج اقتصاد به عنصری تأثیرگذار بر روابط بین‌المللی تبدیل شد. به این ترتیب، الزامات امنیتی در سطح ملی و بین‌المللی کم‌رنگ شد و اقتصاد اهمیت بیشتری یافت؛ به طوری که سیاست خارجی دولت‌ها که بر پایه مسائل سیاسی و امنیتی بود، معطوف به مسائل اقتصادی گشت و دیپلماسی سنتی

جای خود را به دیپلماسی اقتصادی به عنوان فصل مشترکی میان دیپلماسی و منافع اقتصادی داد. به این ترتیب و با توجه به این که فضای سیاسی و نظامی جهان به سمت اقتصادی شدن تغییر کرد، قدرت واقعی بر پایه توانایی‌ها و ظرفیت‌های هر کشور در ادغام با اقتصاد جهانی و نه صرفاً بر پایه قدرت نظامی و حفظ قلمرو شخصی تعریف شد.

## اهمیت تدوین دیپلماسی اقتصادی

در حال حاضر "توسعه اقتصادی" به مولفه‌ای اساسی در تعیین کارآمدی دولت‌ها و قدرتمندی کشورها تبدیل شده است. از همین رو، دغدغه اصلی دولت‌ها، به کسب قدرت اقتصادی از طریق فتح بازارهای جهانی، تبدیل شده است. در چنین شرایطی باید در نظر داشت که دستیابی به توانمندی اقتصادی و به تبع آن تحقق توسعه اقتصادی جز در سایه تعامل مؤثر و سازنده با اقتصاد جهانی به دست نخواهد آمد. لذا ضروری است دولت‌ها برای کسب موقعیت بهتر در سطح اقتصاد جهانی، سلسله‌ای از الزامات را برای تک‌تک نهادها و حلقه‌های تصمیم‌گیری خود در نظر بگیرند، این مهم در حیطه سیاستگذاری خارجی با تبیین و اجرای دیپلماسی اقتصادی محقق می‌گردد.

شکل ۱) سطوح دیپلماسی اقتصادی



منبع: شفا، ۱۳۹۶

## دیپلماسی اقتصادی در ایران

در حال حاضر با توجه به وضعیت نامطلوب اقتصاد داخلی و جایگاه نامناسب آن در عرصه اقتصاد جهانی، همچنین تاکید اسناد بالادستی کشور به‌ویژه سند چشم‌انداز بر ارتقای جایگاه اقتصادی و فن‌آوری ایران در منطقه، اولویت دادن به تعامل اقتصادی سازنده و اثربخش با جهان در قالب دیپلماسی اقتصادی که از ظرفیت بهره‌گیری از منافع اقتصاد جهانی برخوردار می‌باشد، به یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر تبدیل شده است، زیرا در شرایط فعلی که کشور تحت فشارهای بین‌المللی از طریق اعمال تحریم‌های اقتصادی است، اتخاذ سیاست خارجی توسعه‌گرا و تعامل فعال در سطوح منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، می‌تواند با کمرنگ نمودن تصویر امنیتی ایران از طریق اعتمادسازی در روابط خارجی، منجر به ثبات در مناسبات تجاری و جذب سرمایه‌گذاری خارجی شود و با افزایش کارایی اقتصادی از طریق انتقال فن‌آوری‌های نو و دانش‌بنیان، اثری مثبت بر روند رشد و توسعه کشور داشته باشد. برای اجرای موفق دیپلماسی اقتصادی در ایران، اولاً لازم است اقتصاد کشور در شرایط قابل قبولی قرار گیرد، چرا که قطعاً نمی‌توان انتظار داشت در شرایط نامطلوب فعلی (شامل رشد اقتصادی ناپایدار، بی‌کیفیت و متکی به نفت، سهم اندک بخش صنعت از تولید ناخالص داخلی، بستر نهادی نامناسب؛ رواج فعالیت‌های اقتصادی نامولد؛ محیط کسب‌وکار ضد تولید؛ صادرات محدود به خام‌فروشی و کالاهای با ارزش افزوده پایین و...)، صرفاً با بکارگیری دیپلماسی اقتصادی به جایگاه مناسبی در سطح اقتصاد جهانی دست‌یابیم و از منافع آن بهره‌مند شویم. بنابراین ضرورت دارد تقویت زیرساخت‌ها و الزامات مربوط به بهبود شرایط اقتصادی کشور، به‌ویژه در عرصه تولید و تحقق رشد اقتصادی مولد، مورد پیگیری قرار گیرند. ثانیاً نیاز است برخی از الزامات در سطح ملی (شامل الزامات نهادی: تشکیل یک رکن یا نهاد مشخص و ویژه در دستگاه دیپلماسی کشور و نیز الزاماتی در خصوص کارگزاران دیپلماسی اقتصادی کشور: یعنی دیپلمات‌های اقتصادی) و الزاماتی در سطح بین‌المللی (شامل برخی اقدامات در سطح بین‌المللی) در نظر گرفته شوند.

به هر ترتیب، تدوین یک دیپلماسی اقتصادی فعال در کشور می‌تواند بسترهای موردنیاز برای گسترش تعامل با اقتصاد جهانی و در نتیجه بهرمندی از منافع آن را مهیا سازد و به بازبایی قدرت ملی در عرصه بین‌المللی و بی‌اثر کردن تحریم‌ها یاری رساند. از همین رو، شکل‌گیری عزم و اراده‌ای جدی برای تحقق الزامات موردنیاز و رفع نارسایی‌های موجود بر سر راه عملیاتی شدن این نوع دیپلماسی، ضروری است. از جمله اقدامات اساسی که می‌توانند در این زمینه راهگشا باشند می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:



« ارائه چشم‌اندازی مطلوب از اقتصاد داخلی از طریق تقویت توان تولیدی و صادراتی کشور با هدف افزایش فرصت‌های تعامل سازنده و هدفمند با کشورهای دیگر.

« تمرکز بر همکاری‌های منطقه‌ای به‌عنوان عاملی مؤثر برای تضمین ثبات و امنیت سیاسی و اقتصادی در مقابل تهدیدات خارجی.

« بسترسازی (تقویت تولید و توسعه صنعتی) در راستای بهره‌بردن از منافع عضویت در سازمان تجارت جهانی، در کنار تلاش برای پیوستن به این سازمان.

« بهبود ظرفیت‌های کارشناسی و سازمانی دستگاه دیپلماسی کشور از طریق تقویت بنیه کارشناسی و اصلاح قوانین و ساختار دستگاه دیپلماسی کشور و نیز همکاری و هماهنگی این وزارتخانه با سایر بازیگران دولتی، غیردولتی و بخش خصوصی.

« معرفی توانمندی‌های اقتصادی ایران به زبان‌های رسمی کشورهای مختلف و نه فقط زبان انگلیسی، در راستای برقراری ارتباط گسترده‌تر و زمینه‌سازی در خصوص روابط اقتصادی توسط دیپلمات‌های ایرانی.

« توجه به تهدیدهای روز و بهره‌بردن از تجربیات موفق دیگر کنشگران بین‌المللی.

### الزامات دیپلماسی اقتصادی ایران

عموماً دیپلماسی در اثر تغییر و تحول روابط بین‌المللی دگرگون می‌شود. زیرا وقتی روابط و مناسبات بین‌المللی تغییر می‌کند، ابزارها و سازوکارهایی که کشورها برای تنظیم و مدیریت تعاملات خود جهت تأمین منافع شان به کار می‌گیرند نیز متحول می‌گردد. بعد از جنگ جهانی دوم ابعاد اقتصادی و تجاری، اهمیت پیدا کرد و موجبات تغییر در دستور کار دیپلماسی سنتی فراهم نمود به گونه‌ای که تأمین منافع ملی بدون مدیریت امور اقتصادی، تجاری و مالی داخلی و بین‌المللی امکان پذیر نبود. انقلاب ارتباطات و اطلاعات و فرایند جهانی شدن سازمان و ساختار روابط اقتصاد بین‌المللی را دگرگون ساخته و ماهیت سیاست و حکومت در کشورها را تحت تأثیر قرار داده است. به گونه‌ای که حکومت‌ها با شبکه‌ای از روابط درهم تنیده و انواع مختلفی از وابستگی‌های متقابل در سطح فراملی و فروملی مواجهه که در حاکمیت و کارکردهای انحصاری دولت‌ها را به چالش طلبیده است. (Rosenau, Op.Cit.: 37) در چنین فضایی امنیت اقتصادی یکی از مهم‌ترین ابعاد و وجوه امنیت ملی را تشکیل می‌دهد. تأمین امنیت ملی بدون قدرت و توسعه اقتصادی امکان‌پذیر نیست، از این رو، کشورها در رقابت شدیدی برای کسب منافع و دستاوردهای اقتصادی به سر

می‌برند. آنان با یکدیگر به رقابت می‌پردازند تا سرمایه مستقیم خارجی را جذب نمایند. با سایر کشورها مذاکره می‌کنند تا به بازارهای جهانی دسترسی پیدا کنند. از سوی دیگر تلاش می‌کنند تا بازارهای داخلی خود را در برابر نفوذ و رسوخ بی‌رویه جهانی محافظت و به طور همزمان و توأمان، سعی دارند برای شکل دهی به نهادها و سازمان‌های هنجارساز و تنظیم‌کننده مقررات و مناسبات اقتصادی، تجاری و مالی با دیگر کشورها در قالب موافقت‌نامه‌های اقتصادی و در چارچوب نهادها و سازمان‌های اقتصادی همفکری و همکاری می‌نمایند. فراتر از این، نقش آفرینی بازیگران اقتصادی غیر دولتی و شرکت‌های چند ملیتی در عرصه اقتصاد و سیاست داخلی و بین‌المللی نیز بسیار افزایش یافته است. بنابراین، تدبیر و تنظیم روابط و امور اقتصادی - تجاری به عنوان یکی از مهم‌ترین ابعاد و وجوه دیپلماسی در قالب دیپلماسی اقتصادی - بازرگانی ضروری و حیاتی می‌باشد. زیرا، در روابط بین‌الملل پیچیده و جهانی شده، ایران برای هدایت و مدیریت این پیچیدگی‌ها و عدم قطعیت‌ها نیاز مبرم و وافی به تخصص و تجربه و مهارتی که از تبدیل رقابت‌ها و منازعات اقتصادی بالقوه به خشونت، هرج و مرج سیاسی و جنگ، جلوگیری و پیشگیری نماید و توأمان بتواند دسترسی آزادانه جمهوری اسلامی ایران را به بازار سرمایه و منافع منطقه‌ای از طریق رفع موانع و محظورات اقتصادی و خارجی تأمین کند به شدت نیازمند است. از این رو هدف دیپلماسی اقتصادی تأمین توسعه اقتصادی و تأثیر گذاری بر سیاست‌های اقتصادی دو و چند جانبه از طریق هماهنگ ساختن فعالیت‌های وزارتخانه‌های تخصصی، هنجارسازی و شکل دهی به فرایند مذاکره و مبادله در سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی و منطقه‌ای چون تجارت جهانی و اوپک و به کارگیری نهادهای غیر دولتی در زمان مناسب و موثر و پایش تحولات و سیاست‌های سایر کشورها جهت تأثیرگذاری بر آنها و حمایت و ایجاد تسهیلات و امکانات لازم برای شرکت‌های اقتصادی فعال در خارج می‌باشد. با این توصیفات الزامات دستیابی به اهداف دیپلماسی اقتصادی برای ایران چنین است:

### الف. درک و شناخت تغییر و تحولات منطقه‌ای

اولین الزام و پیش شرط اتخاذ و اعمال موفقیت آمیز یک دیپلماسی، درک و سپس شناخت تغییر و تحولات رخ داده در منطقه و جه آن است چون برای مدیریت و هدایت موفق تغییر و تحولات به عنوان جوهر دیپلماسی، درک آن توسط تصمیم‌گیرندگان و هدایت کنندگان و مجریان دیپلماسی می‌باشد.

### ب. شناخت منافع ملی خود و دیگران

یکی از مهم‌ترین ابعاد و کارکردهای دیپلماسی، مدیریت و کارگردانی منافع متضاد و متعارض و رفع

این تضادها، تعارضات و منازعات از طریق مذاکره و مصالحه و چانه زنی است.

### **پ. استفاده بهینه از قدرت نرم**

استفاده بهینه و مطلوب از قدرت نرم برای تأثیرگذاری بر جوامع و ملت‌های منطقه نیز یک الزام است. قدرت نرم گاهی مترادف با قدرت مدنی، قدرت هنجاری، قدرت اقناعی و قدرت انگاره‌ای نیز به کار می‌رود البته وجه مشترک همه این اشکال و انواع قدرت تأکید بر تأثیر و نقش عوامل و عناصر غیر مادی در روابط بین‌الملل و سیاست خارجی است. از این رو منابع قدرت نرم، عوامل و عناصر غیر مادی چون هنجارها، ارزش‌ها، انگاره‌ها، ایدئولوژی و گفتمان انقلابی - اسلامی و نهادهای سیاسی، اعتبار و شهرت، اخلاق و فرهنگ ایرانی - اسلامی هستند.

### **ت. چندجانبه گرایی**

تغییر و تحولات شگرف در مناسبات و روابط جهانی و منطقه‌ای در اثر توسعه فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی، مدیریت و هدایت یک و دو جانبه دیپلماسی برای کلیه کشورها از جمله جمهوری اسلامی ایران را غیر ممکن ساخته است. بنابراین ایران در عصر جهانی شدن باید رویکرد و رهیافت چند جانبه به امور بین‌المللی و منطقه‌ای داشته باشد.

### **ث. اعتماد سازی**

یکی دیگر از الزامات دیپلماسی ایران اعتماد سازی است. اعتمادسازی، فرایندی است که برای افزایش و ارتقای ثبات در روابط و مناسبات ایران و کشورهای منطقه به ویژه کشورهای دوست و همسایه لازم و ضروری است. کانون و جوهر اعتمادسازی شفافیت و شفاف سازی اهداف، نیت و اقدامات می‌باشد که رفتار کشورها در هنگام منازعه را تن ظیم می‌کند و به تقلیل عدم اطمینان دو طرف در زمینه‌های تصاعد سطح مناقشه و بحران می‌انجامد.

### **ج. جلب همکاری سایر وزار تخانه و دستگاه ها**

در عرصه ارتباطات و اطلاعات و روابط بین‌الملل جهانی شده، اعمال و اجرای موفق و مطلوب دیپلماسی تنها از طریق وزارت امور خارجه امکان پذیر نیست. بلکه با توجه به توسعه و گسترش قلمروی دیپلماسی و شکل‌گیری از اشکال و انواع آن مدیریت و هدایت مسائل و موضوعات سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی بسیار تخصصی و حرفه‌ای شده است.

### چ. هماهنگی بین کارگزاری‌های مختلف

هماهنگی دیوان‌سالاری‌های فعال در حوزه دیپلماسی کشور در سه سطح گفتمانی، ساختاری و کارکردی لازم و ضروری است. در سطح گفتمانی، کلیه کارگزاری‌ها و وزارتخانه‌ها باید از یک نظام معنایی و انگاره‌ای یا گفتمان واحد برخوردار باشند. وحدت گفتمان لازم است اما کافی نیست، از این رو اعمال دیپلماسی موفق، مستلزم وحدت ساختاری نیز می‌باشد. یعنی کلیه وزارتخانه‌ها و سازمان‌ها بر پایه نقش، جایگاه و کارکرد تعیین شده در سلسله مراتب تصمیم‌گیری به ایفای نقش و وظیفه خود بپردازند.

### ح. سرمایه انسانی توسعه یافته

اعمال و اجرای موفقیت آمیز دیپلماسی نوین، متضمن و مستلزم نیروی انسانی توسعه یافته است. از این رو در اختیار داشتن دیپلمات‌های حرفه‌ای، متخصص، ماهر و با تجربه و در عین حال متعهد وفادار به ارزش‌های اسلامی انقلابی یک الزام است.

### خ. توسعه ابزاری - اطلاعاتی

دیپلماسی امروزی نیازمند ابزارهای توسعه یافته و پیشرفته ارتباطی و اطلاعاتی است. اجرای دیپلماسی عمومی، مجازی و رسانه‌ای بدون به کارگیری رایانه، ماهواره، رسانه‌ها، مطبوعات، اینترنت و... امکان پذیر نخواهد بود.

### د. هماهنگی سیاست داخلی و خارجی

گزاره مشهور ((سیاست خارجی ادامه سیاست داخلی است)) امروز بیش از هر زمان دیگری صادق و ثابت است. مرزبندی بین سیاست‌های داخلی و خارجی با توجه به دهکده جهانی و اقتصاد جهانی شده اگر فاقد کارایی نباشد، لااقل دیگر مانعی در برابر پیشرفت اقتصادی نیست.

### ۴. ظرفیت‌ها و موانع دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران

#### الف. ظرفیت‌های دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران

اقتصاد ایران طی دهه‌های اخیر، فراز و نشیب‌های فراوانی را پشت سر گذاشته و تلاش‌ها و تحولات چشم‌گیری را شاهد بوده است. تجارت خارجی از یک سو به دلیل برخورداری از فرصت ایجاد و تحکیم روابط مطلوب در مناسبات بین‌المللی و از سوی دیگر، به عنوان زمینه‌ای در جهت افزایش وابستگی‌های بازرگانی، یکی از متغیرهای مهم و تأثیرگذار اقتصادی در عرصه سیاست خارجی تلقی

می‌شود. از این رو، کشورها تلاش می‌کنند تا با اتخاذ سیاست‌های معقول و سنجیده در تجارت خارجی نه تنها از طریق گسترش روابط بین‌الملل موجبات کاهش تهدیدات خارجی و افزایش امنیت ملی خود را فراهم نمایند، بلکه با تعیین سطح بهینه‌ای از واردات و صادرات، نسبت به تنظیم تراز بازرگانی و برخورداری از درآمدهای ارزی و بازارهای جهانی در مسیر توسعه یافتگی، بیش از پیش گام بردارند. در این راستا آگاهی از نیازهای واقعی و توانایی‌های داخلی و نیز شناخت از مزیت‌های نسبی از شروط لازم در شکل‌گیری تجارت خارجی و کارآمدی دیپلماسی اقتصادی خواهد بود.

## ب. موانع و محدودیت‌های دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران

۱) تحریم‌های اقتصادی؛ تحریم اقتصادی ایران توسط آمریکا، از ابتدای انقلاب اسلامی آغاز گردید و تاکنون در ابعاد گوناگون و سطوح متفاوتی پیگیری شده است. تحریم اقتصادی با هدف بازدارندگی و اصلاح رفتار ایران و محروم کردن این کشور از تکنولوژی مدرن است. قانون داماتو و دیگر قوانین و مصوبات کنگره آمریکا و اعمال محدودیت و مجازات علیه شرکت‌ها و مؤسسات صنعتی، اقتصادی از جمله موانع اصلی جلب سرمایه‌گذاری خارجی در سطح کلان بوده است. با وجود این شرکت‌های خارجی به ویژه در بخش نفت و گاز تمایل به ادامه همکاری با ایران دارند.

۲) قراردادن ایران در زمره کشورهای حامی تروریسم از سوی آمریکا، مانع مهمی بر سر راه جلب و جذب سرمایه‌گذاری خارجی و فعال شدن دیپلماسی اقتصادی است.

۳) اقتصاد ملی ایران در تعامل با نظام اقتصاد جهانی دچار برخی مخاطرات و تهدیدات نرم‌افزاری قرار دارد. مهم‌ترین منبع درآمد ارز ایران از طریق نفت به دست می‌آید که بازارهای جهانی و تغییر و تحولات آن در تعیین و پیش‌بینی قیمت نفت تأثیرگذار هستند. وابستگی قریب به ۸۰ درصدی اقتصاد ایران به درآمدهای ارزی نفت سبب می‌گردد تا هر نوع تنش در روابط خارجی و یا نظام اقتصاد سیاسی جهان، پیشبرد اهداف و منافع ملی و کارکرد دیپلماسی اقتصادی را با وضعیت نامطمئنی روبرو کند.

۴) وابستگی به تحولات قیمت نفت آسیب‌پذیری جدی برای اقتصاد کشور در پی دارد. نیاز کشور به واردات کالاهای اساسی، کالاهای سرمایه‌ای و مواد اولیه تولید و ارتباط مستقیم هزینه‌های بین‌المللی و داخلی کشور با قیمت جهانی نفت، سطح تهدیدات امنیت اقتصادی کشور به لحاظ وابستگی به درآمدهای نفتی افزایش می‌یابد.

۵) هر گونه انزوا در اقتصاد جهانی ارادی و یا تحمیلی ضریب نرم‌افزاری قدرت و منافع ملی را کاهش داده و فشارهای غرب و آمریکا را علیه ایران تأثیر گذارتر می‌سازد.

۶) کاهش نقش دولت در اقتصاد و ارتقای سطح خصوصی سازی اقتصادی، اصلاح بازار، تنوع اقتصادی و کاهش اتکا به نفت شرط لازم دیپلماسی اقتصادی است.

۷) پیشی گرفتن حجم واردات از صادرات غیرنفتی بیانگر حضور کم‌رنگ ایران در تجارت جهانی و نادیده گرفتن سرمایه گذاری در این حوزه است.

۸) جذب سرمایه گذاری خارجی و ایجاد فرصت‌های سرمایه گذاری به دلیل بالابودن ریسک سرمایه گذاری همچنان یکی از مهم‌ترین چالش‌های دیپلماسی اقتصادی ایران است، بنابر گزارش کنفرانس تجارت و توسعه ملل متحد (آنکتاد) سرمایه گذاری مستقیم خارجی در سال ۲۰۰۴ در کشورهای در حال توسعه با ۴۰ درصد افزایش نسبت به سال قبل به ۲۳۳ میلیارد دلار رسیده است که سهم جمهوری اسلامی ایران از این حجم انبوه سرمایه گذاری در همان سال فقط بالغ بر چهار میلیارد و میلیارد دلار بوده است.

۹) ناتوانی در استفاده و بهره گیری از فرصت‌های اقتصادی و عدم آشنایی با شیوه‌های بازاریابی جهانی.

۱۰) ساختار اقتصادی ایران با وجود برخورداری از شرایط بالقوه، فاقد پویایی، تحرک و انعطاف‌پذیری لازم است.

در صفحه بعد در مورد موانع و ظرفیت‌های سرمایه گذاری خارجی در جمهوری اسلامی ایران توضیحات خلاصه شده‌ای قابل مشاهده است.

## موانع و ظرفیت‌های سرمایه گذاری خارجی در جمهوری اسلامی ایران

### موانع

۱. بالابودن ریسک سرمایه گذاری در کشور به دلیل تحریم‌های اقتصادی و عدم عضویت در WTO.
۲. حضور گسترده دولت در اقتصاد
۳. بی ثباتی در سیاست‌های اقتصادی
۴. محدودیت‌های اعلام شده در ماده ۲ قانون تشویق و حمایت سرمایه گذاری خارجی و مستثنی شدن سرمایه گذاری در بخش نفت و گاز و جایگزینی روش‌های تأمین مالی کشور برای حضور شرکت‌های چند ملیتی و سرمایه گذاری خارجی
۵. نامناسب بودن قوانین و مقررات مربوط به اشتغال در ایران برای سرمایه گذاران خارجی

۶. نامناسب بودن قوانین و مقررات مربوط به مالیات برای سرمایه سرمایه گذاران خارجی
۷. عدم امضای موافقت نامه حقوق مالکیت معنوی مرتبط با تجارت
۸. نامناسب بودن فضای کسب و کار در کشور
۹. اجرای ترجیحی سیاست‌های جایگزینی واردات نسبت به سیاست‌های توسعه صادرات

## ظرفیت‌ها

۱. برخورداری از منابع طبیعی و معادن بزرگ مانند نفت و گاز
۲. موقعیت مناسب ایران در ترانزیت کالا و در دسترس آسان کشور به بازار کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز
۳. ظرفیت‌های موجود رشد اقتصادی در اقتصاد ایران
۴. برخورداری کشور از سرمایه انسانی و نیروی کار تحصیل کرده و ماهر
۵. برخورداری کشور از تأسیسات زیربنایی مناسب
۶. گسترش ابداعات، اختراعات ثبت شده و مهارت‌های نیروی کار
۷. تعداد مناطق آزاد و ویژه در کشور
۸. ابلاغ سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی و فراهم کردن زمینه حضور بخش خصوصی در اقتصاد

۹. وجود مناطق ویژه پتروشیمی عسلویه، پارک‌های تکنولوژی
۱۰. بهبود نسبی قانون تشویق و حمایت سرمایه گذاری خارجی مصوب ۱۳۸۰

## ۵. رویکرد دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران

واقعیت این است که در نظام اقتصادی سیاسی جهانی بازا رها، صنایع، شرکت‌ها و سازمان‌های اقتصادی ملی، بین‌المللی و فراملی کانون‌های اقتدار و اعمال کننده قدرت در جریان توسعه‌ی اقتصاد ملی و جهانی و تأثیرگذار بر روند تحولات سیاست بین‌الملل را تشکیل می‌دهند. این امر ضرورت توجه به ایفای نقش آنها در فرایند دیپلماسی اقتصادی بیش از گذشته آشکار می‌سازد. به عنوان مثال نقش و جایگاهی که نهادهایی همچون صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی و سازمان تجارت جهانی و یا حتی بازارهای پولی و مالی جهانی در مدیریت و هدایت فرایند سیاست‌های جهانی ایفا می‌کنند ضرورت ارتباط و گسترش تعاملات با آنان را از طریق دیپلماسی اقتصادی جهت بهره‌مندی

از میزان تأثیرگذاری آنان در پیشبرد اهداف و منافع اقتصادی یا غیراقتصادی ملی ارتقاء بخشیده است و این امر سازگاری سیاست‌ها و برنامه‌های اقتصادی و یا حتی در بسیاری از موارد غیراقتصادی ملی کشورها با اهداف، اصول و برنامه‌های این بازیگران اقتصاد جهانی را در پی دارد. ارائه چشم اندازی مطلوب از کارکرد نظام اقتصاد ملی و برنامه‌های توسعه محور، ارتقای سطح آزادسازی اقتصاد ملی، کاهش ریسک سرمایه گذاری در کشور، اولویت یافتن منافع اقتصادی بر ملاحظات سیاسی، امنیتی و فرهنگی به منظور تقدم منافع ملی، افزایش رفتارها و فعالیت‌های ناظر بر تعاملات دوجانبه و چند جانبه اقتصادی، ارتقاء روابط و همکاری با نهادهای مالی جهانی و منطقه‌ای در جهت بهره گیری از جایگاه آنان در فرایند مذاکرات و تعاملات اقتصاد جهانی همه در راستای دیپلماسی اقتصادی اهمیت پیدا می‌کنند. بنابراین دیپلماسی اقتصادی نه فقط با لحاظ نمودن محوریت اقتصاد جهانی در سیر تحولات و سیاست جهانی که منافع ملی را تحت تأثیر جدی قرار می‌دهند، شکل می‌گیرد، بلکه در عرصه داخلی نیز بیش از همه متأثر از قلمرو روابط و کانون‌های اقتصادی بازار است. به این معنا که عناصر ناشی از موازنه نیروهای اقتصادی داخلی (صنایع تولیدی، بازار، سرمایه گذاران، کارگران، ارکان تجاری و غیره) و بازیگران قدرتمند نظام اقتصاد جهانی (بانک‌ها، سرمایه گذاران خارجی، بازارهای پولی و مالی، شرکت‌ها و صنایع تولیدی بزرگ) چند ملیتی و فرا ملیتی و همچنین نحوه توزیع مازاد درآمد ملی در قوام و هدایت دیپلماسی اقتصادی نقش کلیدی دارند. بدین ترتیب، مهم‌ترین واقعیتی که در فهم دیپلماسی اقتصادی می‌بایستی مورد توجه قرار گیرد. ضرورت توجه به تأثیرگذاری و تأثیرپذیری میان دیپلماسی و اقتصاد و نقش گسترده و فزاینده آشکار اقتصاد در هدایت دیپلماسی است.

بنابراین برای کسب موفقیت در نظام اقتصاد سیاسی جهانی اتخاذ یک دیپلماسی اقتصادی با ویژگی‌های زیر اجتناب ناپذیر است:

- الف. تقدم ملاحظات اقتصادی بر ملاحظات سیاسی، امنیتی در جهت تأمین منافع ملی.
- ب. درک و پذیرش تحولات اقتصادی جهانی و برنامه‌ریزی در جهت سازگاری بیشتر با آن.
- پ. تبدیل چالش‌ها و بحران‌های سیاسی و امنیتی به فرصت‌ها با محوریت بخشیدن به اهداف و فعالیت‌های اقتصادی.
- ت. بهره گیری هرچه بیشتر از ابزارها و توانایی‌های اقتصادی موجود در تعاملات دو جانبه و چندجانبه.
- ث. برقراری ارتباط با واحدهای اقتصادی و مالی جهانی و بهره گیری از قدرت آنها در چانه زنی‌ها.



ج. تلاش برای ایجاد نهادهای اقتصادی و تجاری منطقه‌ای و برقراری ارتباط با نهادهای مشابه در مناطق دیگر.

حاکمیت منطق اقتصادی در سیاست خارجی، منافع جدیدی را در منطقه و جهان برای جمهوری اسلامی ایران پدید خواهد آورد و این منافع درهای جدیدی را بر روی کشور می‌گشاید در این راستا سیاست خارجی به شدت نیازمند هماهنگی و مشارکت بخش اقتصادی کشور است از همین رو تنها سیاست و امنیت نمی‌توانند ملاک‌های برنامه‌ریزی سیاست خارجی باشند، بلکه اقتصاد نیز می‌بایستی جایگاه کلیدی خود را در سیاست خارجی پیدا کند.

### نتیجه‌گیری

دیپلماسی اقتصادی شامل اقدامات رسمی دیپلماتیک و یکی از ابزارهای نوین، کارآمد و قدرتمند برای کنش در فضای بین‌المللی و دستیابی به موقعیت بهتر در اقتصاد جهانی است و بر افزایش صادرات، جذب سرمایه خارجی و حضور در سازمان‌های اقتصادی بین‌المللی تأکید دارد. در ایران این نوع دیپلماسی که از اواخر دهه هفتاد خورشیدی به عنوان پُل ارتباطی دیپلماسی و روابط بین‌الملل با مفاهیم اقتصادی مورد توجه قرار گرفت، علاوه بر دسترسی به بازارهای خارجی برای تسهیل کسب و کارهای ملی، بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و اثرگذاری بر قوانین بین‌المللی در راستای پیشبرد منافع ملی و توسعه اقتصادی تلاش می‌کند. اکنون توسعه اقتصادی به مولفه‌ای اساسی در تعیین کارآمدی دولت‌ها و قدرتمندی کشورها مبدل شده و دغدغه اصلی دولت‌ها برای کسب قدرت اقتصادی از طریق فتح بازارهای جهانی است. دستیابی به توانمندی و توسعه اقتصادی جز در سایه تعامل مؤثر و سازنده با اقتصاد جهانی به دست نخواهد آمد. به ویژه در شرایط نابسامان اقتصادی امروز و در شرایطی که کشور تحت فشارهای بین‌المللی و تحریم‌های اقتصادی است، اولویت دادن به تعامل اقتصادی سازنده و اثربخش با جهان در قالب دیپلماسی اقتصادی و بهره‌گیری از منافع اقتصاد جهانی اجتناب‌ناپذیر است. اتخاذ سیاست خارجی توسعه‌گرا و تعامل فعال در سطوح منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، می‌تواند با کمرنگ نمودن تصویر امنیتی ایران از طریق اعتمادسازی در روابط خارجی، منجر به ثبات در مناسبات تجاری و جذب سرمایه‌گذاری خارجی و افزایش کارایی اقتصادی از طریق انتقال فن‌آوری‌های نو و دانش‌بنیان شود. در عصر دیپلماسی شیشه‌ای و در جهانی که به مثابه یک دهکده بزرگ توصیف می‌شود، این دیپلماسی اقتصادی - پارلمانی پویا و فعال است که با گسترش

تعاملات جهانی اقتصاد در افزایش سهم صنعت و معدن از تولید ناخالص داخلی در کنار سایر مولفه‌های اقتصادی نظیر رشد اقتصادی پایدار، مولد و غیرنفتی؛ محیط کسب و کار تولیدمحور؛ صادرات کالاهای با ارزش افزوده بالا، تقویت زیرساخت‌ها و الزامات مربوط به بهبود شرایط اقتصادی کشور به‌ویژه در عرصه تولید، می‌تواند نقش بسیار کم‌هزینه و موثری داشته باشد. لذا دیپلماسی اقتصادی ابزار نمایش قدرت اقتصادی و ملی از طریق تعاملات اقتصادی و بازرگانی، صادرات، واردات و سرمایه‌گذاری خارجی است و دیپلماسی پارلمانی حافظ مصالح عمومی و کیفیت تصمیمات در سیاست خارجی با استفاده از ظرفیت‌های پارلمانی و قانونی (از جمله اصل ۷۷ قانون اساسی) و ضامن حقوقی و قانونی عهدنامه‌ها، تفاهم‌نامه‌ها، پیمان‌نامه‌ها، قراردادهای و موافقت‌نامه‌های بین‌المللی است. توسعه اقتصادی و بهره‌مندی از منافع اقتصادی در دنیای وابستگی متقابل پیچیدگی نیازمند تعقیب روابط خارجی منطقی و مستلزم از بین بردن تنش‌های موجود در روابط خارجی و گسترش روابط دوستانه با طرف‌های تجاری از طریق گسترش هر چه بیشتر و عملیاتی کردن دیپلماسی اقتصادی است. در حالی که در اثر شکل‌گیری تهدیدات نظامی از همان ابتدای انقلاب، تحرکات و اقدامات تجزیه‌طلبانه در برخی از استان‌های مرزی کشور، کودتاهای نظامی ناموفق و جنگ علیه ایران، دفاع و امنیت را در صدر اهداف سیاست خارجی قرار دارد در نتیجه مقابله با این تهدیدات و تأمین امنیت و دفاع از موجودیت کشور اولویت نخست سیاست خارجی گردید و به تبع آن نیروهای مسلح در فرایند تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری سیاست خارجی به ایفای نقش می‌پرداختند. پس از پایان جنگ عراق تهدیدات نظامی علیه ایران ادامه یافت. بحرانی شدن محیط پیرامونی با تجاوز عراق به کویت و سپس جنگ نیروهای ائتلاف به رهبری آمریکا در تابستان ۱۳۶۹، امنیت و دفاع را کماکان در کانون سیاست خارجی قرار داد. حوادث یازده سپتامبر ۲۰۰۱ و حمله آمریکا به افغانستان و سپس جنگ آمریکا با عراق در سال ۲۰۰۳ میلادی، سیاست خارجی امنیت محور را تحکیم و تقویت کرد. این امر به معنای استمرار و تداوم نقش و جایگاه نیروهای مسلح در ساختار تصمیم‌گیری سیاست خارجی است. از سوی دیگر اقتصاد ایران تک محصولی و کماکان نفت پایه است و بخش اعظم بودجه کشور را درآمد ناشی از فروش نفت خام تأمین می‌کند بسیاری از طرح‌های صن‌عتی و سرمایه‌گذاری خارجی در بخش نفت و گاز صورت گرفته و سایر بخش‌های اقتصاد ایران در یک دامنه صفر تا صد وابسته به اقتصاد نفتی هستند و هر چقدر این وابستگی افزایش یابد قدرالسهم دولت و وزارتخانه‌های ذیربط در فرایند تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری خارجی بیشتر می‌شود. در حالیکه اساس دیپلماسی اقتصادی مبتنی است بر کاهش

نقش دولت در اقتصاد و ارتقای سطح خصوصی سازی اقتصادی است. فزون بر این شاخص‌های اقتصاد آزاد که عبارت‌اند از: تعیین و تدوین سیاست‌های تجاری، پولی، مالی، جریان سرمایه و سرمایه گذاری خارجی، بانکها، قیمت‌ها و دستمزدها، حق مالکیت، شفافیت بازار و... نسبتاً در دست دولت است و تا زمانی که این روند حاکم باشد نمی‌توان از ظرفیت‌های بالقوه و بالفعل دیپلماسی اقتصادی که رکن اصلی توسعه همه جانبه کشور می‌تواند باشد، استفاده کرد. وانگهی تعامل سازنده که در سند چشم انداز ۲۰ ساله کشور بر آن تأکید شده، مستلزم اعتماد سازی و داشتن یک راهبرد منسجم و اجماعی در حوزه اقتصادی ملی برای حرکت به سمت بازارهای جهانی است و این همان حلقه مفقوده‌ای است که تاکنون اقتصاد ملی را در مواجهه با تحولات اقتصاد جهانی و پویایی تجارت و جریان سرمایه آسیب پذیر کرده و به یمن درآمدهای کلان نفتی، کوشش برای برون رفت از آن تقریباً به بوته فراموشی سپرده شده است. رهایی از این وضعیت اسفبار و غیر قابل قبول، اصلاح ساختارهای تصمیم سازی و تصمیم‌گیری در قانون اساسی و قوانین موضوعه و اعتماد به بخش خصوصی و رهایی از قید ملاحظات بیش از حد معقول سیاسی و امنیتی و دفاعی در عرصه سیاست خارجی است.

## منابع:

- ازغندی، علیرضا، ۱۳۸۱، ((جهانی شدن و سیاست‌های اقتصادی ایران)) فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، شماره ۳، تابستان.
- امینی، آرمن و سهراب انعامی علمداری ۱۳۸۸، ((دیپلماسی و اقتصاد: الگوی مناسبات جمهوری اسلامی)) - پوراحمدی، حسین، ۱۳۸۸، ((دیپلماسی نوین: جستارهایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی)) - فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، شماره ۸، پاییز.
- چیلکوت، رون الد، ۱۳۷۵، ((درآمدی بر مسایل اقتصادی کشورهای جهان سوم، نظریه‌های توسعه و توسعه نیافتگی))، ترجمه و تلخیص احمد ساعی، تهران: نشر علوم نوین.
- روحانی، حسن، ۱۳۸۹، ((امنیت ملی و نظام اقتصادی ایران))، تهران: مجتمع تشخیص مصلحت نظام، مرکز تحقیقات استراتژیک.
- سلطانی، علی رضا، ۱۳۸۸، ((جهانی شدن از دیدگاه اقتصاد سیاسی)) فصلنامه راهبرد، شماره ۲۵، پاییز.
- شیخ عطار، علیرضا، ۱۳۸۵، ((همراهی دیپلماسی و اقتصاد: جایگاه دیپلماسی اقتصادی در همکاری‌های منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران)) فصلنامه همشهری دیپلماتیک، شماره سوم، خرداد.

- طباطبایی، سیدعلی ۱۳۸۳، ((بایسته‌های دیپلماسی اقتصادی)) ماهنامه برداشت اول، شماره‌های ۲۰ و ۲۱

- گنجی دوست، محمد ۱۳۸۶، ((تحولات دیپلماسی در عصر اطلاعات)) ماهنامه رویدادها و تحلیل‌ها، سال ۲۱، شماره ۲۱۸

- مورگنتا، هانس جی ۱۳۷۴، سیاست میان ملت‌ها، تلاش در راه قدرت و صلح، ترجمه حمیرا مشیرزاده، تهران: دفتر مطالعات سیاسی بین‌المللی وزارت امور خارجه.

- Burt, Richard (1999), Olin Rbinson, "Diplomacy in the Information Age", Discussion Paper, No. 58, Diplomatic Studies Program: University of Leicester.

- D. Krasner, Stephen (1978), The Ending the National Interest, Princeton and New Jersey: Princeton University Press.

- Lee, Donna (2003), "Endgame at the Kennedy Round: A Case Study of Multilateral Economic Diplomacy", Diplomacy and Statecraft, Vol. 12, No. 3.

- N. Rosenau, James (2006), The Study of World Politics, Vol. 2: Globalization and Governance, London and New York: Rutlage.

- Nozick, Robert (1987), Anarchy, State and Utopia, New York: Based Book-offer, Claus and Berger, D. (1974), The Attribution of Public status to

- Interest Groups: Observation on the West German Case: In Suzanne, ed. Organizing Interests in Western Europe, Cambridge: Cambridge University Press.

- Sane, Raymond and Lichia Yia (2002), International Economic Diplomacy: Mutations in Post Modern Times, Klingender: Nether Lands Institute of International Relations.

- Skocpol, Tede (1984), stat and social Revolutions, Cambridge: Cambridge University Press.

- Wallenstein, I. (1989), The Politics of the World, Economy of the States, The Movements and the Civilization, Cambridge: Cambridge University Press.

# بررسی تاثیر قاچاق کالاهای فرهنگی در اقتصاد ایران

حسین آرزومندان

## چکیده

یکی از مشکلات و معضلات اقتصاد کشور پدیده قاچاق کالا است که صنعت کشور را با چالش‌های بسیار جدی رو به رو کرده است. اگر روند فعلی ورود و خروج کالاهای قاچاق اعم از صادراتی و وارداتی همچنان ادامه یابد، شاید دیری نپاید که اقتصاد بیمار ایران در کنار سایر معضلات موجود به جای حرکت در مسیر ترسیم شده در سند چشم انداز توسعه پایدار و برنامه چهارم توسعه کشور به سمت اقتصاد کاملا زیرزمینی کشانده شود. رشد و توسعه اقتصادی بدون توجه به ارزش والای فرهنگی می‌تواند موجبات سستی و اعوجاج در اصول اعتقادی و ملی جامعه را فراهم آورد. در مقوله قاچاق کالاهای فرهنگی، راهکارهای مقابله‌ای متفاوت بوده که به طور عمده از طریق کاهش تقاضا (نه لزوما عرضه) و با تکیه بر توسعه فرهنگی جامعه امکان پذیر است. بنابراین در کنار کنترل مبادی ورود، توسعه فرهنگی می‌تواند گامی مهم در کاهش قاچاق کالاهای فرهنگی باشد. در این پژوهش ابتدا مروری بر بخش غیر رسمی به ویژه در بعد فرهنگی داشته ایم و سپس به بحث درباره ادبیات تجربی اقتصاد غیر رسمی می‌پردازیم، در ادامه به روش‌های برآورد حجم قاچاق کالاهای فرهنگی با بهره‌گیری از منطق فازی پرداخته می‌شود و در انتها به بحث و نتیجه‌گیری می‌پردازیم. امید است نتایج این پژوهش مورد استفاده محققین قرار گیرد.

**واژگان کلیدی:** قاچاق کالا، اقتصاد ایران، کالاهای فرهنگی، منطق فازی

## ۱. مقدمه و بیان مساله

عدم دسترسی به اندازه، ابعاد و علل پیدایش اقتصاد غیر رسمی هرگونه برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری اقتصادی را مختل کرده است و اطلاعات موجود از حساب‌های ملی را کم اثر خواهد نمود. این مهم در کشورهای توسعه یافته پس از بحران ۱۹۷۰ میلادی مورد توجه جدی قرار گرفته و تحقیقات زیادی در مورد آن انجام شده است. اما این تحقیقات در ادبیات کلاسیک آموزش علم اقتصاد وارد نشده و اغلب نقش حاشیه‌ای داشته است. از طرف دیگر، در کشورهای در حال توسعه ابعاد وسیع‌تری دارد. در کشور ما نیز طی چندین سال اخیر این موضوع مورد توجه و دغدغه‌های مقامات اقتصادی و سیاسی قرار گرفته و حتی برای این منظور جلسات مشترک قوای سه‌گانه به همراه مطالعات و سمینارهای متعدد تشکیل شده است که حاکی از اهمیت موضوع است. همانطور که نتایج مطالعات نشان می‌دهد دلایل متعددی برای اقتصاد زیرزمینی وجود دارد که عمده‌ترین آنها عبارت‌اند از فرار پرداخت مالیات، مقررات زدگی بیش از حد و... با توجه به عوامل تاثیرگذار بر قاچاق می‌توان به این موضوع اشاره کرد که کالاهای غیرمجاز فرهنگی بخشی از فعالیت‌های غیر رسمی را در کشور به خود اختصاص داده‌اند. شایان ذکر است کالاهای غیرمجاز فرهنگی که در شمار کشفیات مفسد اجتماعی است به نوع قوانین و فرهنگ جامعه بستگی دارد و از کشوری به کشور دیگر تعاریف مختلف و به تبع آن پروژه کالایی متفاوتی را شامل می‌شود. بحث قاچاق کالاهای فرهنگی و حجم آن در ایران قابل تامل است و این بخش اقتصاد زیرزمینی بخشی از قاچاق کل کشور را شامل می‌شود. امید از نتایج حاصل از این پژوهش مورد استفاده محققین قرار گیرد.

## ۲. ادبیات نظری تحقیق

### ۲-۱ فعالیت اقتصادی غیر رسمی<sup>۱</sup>

بیان تعریف جامع و مانع برای اقتصاد غیر رسمی مشکل است، اما به طور کلی منظور تمامی فعالیت‌هایی است که به علنی در حساب‌های ملی نمی‌آید. گرچه دست‌اندرکاران تهیه حساب‌های ملی در کشورهای مختلف از روش‌های مشابهی استفاده می‌کنند، ولی تفاوت حجم اقتصاد غیررسمی در کشورهای مختلف باعث می‌شود که مقایسه ارقام رسمی حساب‌های ملی با یکدیگر عملی بیهوده و بی‌معنا باشد. اگر در کشوری با گذشت زمان بر حجم و اهمیت فعالیت اقتصاد غیررسمی افزوده شود،

1- Informal economic activity

سیمای اقتصادی کشور که درآمد ملی آن را تصویر می‌کند، گمراه کننده خواهد بود. در این صورت ممکن است سیاست‌گذاران اقتصادی دست به اتخاذ تصمیمات نادرستی بزنند. معمولاً فعالیت‌های اقتصادی غیر رسمی را به چهار «بخش خانوار»، «بخش غیر رسمی»، «بخش نامنظم» و «بخش غیرقانونی» تقسیم می‌کنند.

## ۱- بخش خانوار

کالاها و خدماتی است که در خانوار تولید می‌شود و در همین بخش هم مصرف می‌شود. ویژگی بخش خانوار این است که محصولات آن کمتر به بازار عرضه می‌گردد و فقدان قیمت برای کالاها تولیدی در آن باعث می‌شود که ارزیابی ارزش کالاها دشوار باشد و در نتیجه در حساب‌های ملی نادیده گرفته شود.

## بخش غیر رسمی

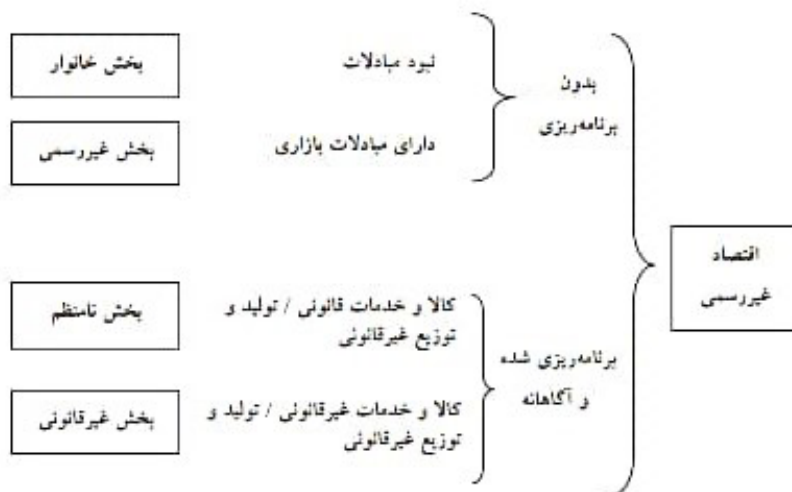
شامل تولید کنندگان جز و کارکنان آنها و همچنین کسبه و پیشه‌وران بدون کارگر و کارکنان خدمات تجاری، حمل و نقل و دیگر خدمات غیر رسمی است. تفاوت عمده این دو بخش عبارت است از اینکه تولیدات بخش غیر رسمی بر خلاف تولیدات خانگی یا به صورت کالا و خدمت به سایر تولید کنندگان، یا به صورت کالا و خدمت نهایی به مصرف کننده به فروش می‌رسد و این بدان معناست که مبادلات در چرخه بازار صورت می‌گیرد. کالاها و خدمات تولیدی این بخش و نیز مصرف آنها منع قانونی ندارد و کاملاً مجاز است.

## ۲- بخش نامنظم

تمامی فعالیت‌های طبقه‌بندی شده در این بخش کم و بیش نوعی از ماهیت غیر قانونی بودن مثل فرار از مالیات، فرار از ملاقات (نظیر مقررات کار و رعایت تدابیر ایمنی در کارگاه)، تقلب در بیمه‌های اجتماعی و امثال آن را دارند. ویژگی عمده فعالیت‌های این بخش این است که با وجود قانونی و مجاز بودن اصل کالا و خدمت، در نحوه تولید و یا توزیع آن، کاری خلاف و غیر قانونی صورت گرفته است.

## ۳- بخش غیر قانونی (جزایی یا جنایی)

تولیدات بخش غیر قانونی شامل فعالیت‌ها و تولید کالاها و خدمات خلاف قانون نظیر مال دزدی، اخاذی، تولید و خرید و فروش مواد افیونی، فحشا (در برخی کشورها) و مواردی نظیر آن است. در جدول زیر تقسیم‌بندی اقتصاد غیر رسمی با در نظر گرفتن تفاوت‌های اجزای آن آورده شده است.



### ۳. بخش نامنظم و علل پیدایش آن

کالاها و خدمات تولیدی این بخش جنبه قانونی دارد. ولی تولید یا توزیع و یا هر دوی آنها غیرقانونی است. برخی این بخش را اقتصاد نامنظم نامیده‌اند، هر چند که یافتن یک تعریف رسمی از منظور این اقتصاد دانان از کلمه «اقتصاد» بسیار دشوار است. روشن است که کلمه اقتصاد نشان‌دهنده یک مکان جغرافیایی خاص است که فعالیت‌های مرتبط با هم در آنجا صورت گیرد. با توجه به این نکته روشن است که اقتصاد مفهومی مناسب برای این موضوع نیست، زیرا فرارکنندگان از مالیات و آنها که از مزایای تامین اجتماعی سواستفاده می‌کنند، در ناحیه خاصی متمرکز نبوده و دارای فعالیت‌های بازاری و غیربازاری مربوط به یکدیگر نیستند. در واقع، آنها یک زیرگروه در اقتصاد جداگانه. در مدل‌های اقتصاد سنجی، مفهوم یک اقتصاد مترادف است با یک کشور که از چند بخش تشکیل شده باشد (نظیر بخش خصوصی، بخش تولیدات صنعتی، بخش خارجه و...). یعنی بخش، جزئی از اقتصاد است و در مدلی که به درستی مشخص شده باشد، بخشها باید کاملاً مجزا از یکدیگر بوده و نسبت به فعالیت‌های درون اقتصاد رابطه‌ای جامع داشته باشند. به طور مثال در مطالعه حساب‌های ملی یک کشور از نظر تولید و هزینه می‌توان یک عامل را هم به عنوان مصرف کننده مشاهده نمود که برای بحث جاری ما مهم است. به این ترتیب بخش، دارای منطقه جغرافیایی خاص و همچنین مستلزم فعالیت‌های بازاری و غیر بازاری نیست. از این بحث نتیجه‌گیری می‌شود که در بهترین حالت، فعالیت‌های «اقتصاد سیاه» تنها در بخشی از اقتصاد قابل تشریح است. در واقع، فرار از مالیات، انگیزه اصلی برای روی آوردن به بخش نامنظم است. انیزه‌های اصلی ورود به این بخش عبارتند از:



## ۱- فرار از مالیات

در موارد بسیاری، تولیدکنندگان کالا یا خدمتی رسمی برای فرار از مالیات، تمام یا بخشی از درآمد خود را به منابع مالیاتی اعلام نمی‌کنند. این امر هم در مورد کالیات مستقیم (مانند مالیات بر درآمد) و هم در مورد مالیات غیرمستقیم (مانند مالیات بر ارزش افزوده) وجود دارد. حقوق و عوارض گمرکی که بر واردات وضع می‌شود نیز نوعی مالیات است و در صورتی که مسافری کالای همراه خود را اعلام نکند و عوارض و تعرفه آن را نپردازد، آن کالا در زمره کالای وارداتی قاچاق و فعالیت‌های بخش نامنظم به شمار می‌آید.

## ۲- فرار از قوانین و مقررات اقتصادی

در بسیاری از کشورها قوانینی وجود دارد که طبق آن کارفرما باید کارکنان خود را بیمه اجتماعی کرده و حداقل دستمزد و استانداردهای موجود را رعایت کند. در مواردی هم اتحادیه‌های کارگری دستمزدهایی وضع کرده‌اند که احساس می‌شود بالاتر از نرخ آزاد بازار کار است. برخی از بنگاه‌های اقتصادی برای فرار از این مقررات، کارکنانی را به طور غیر رسمی استخدام می‌کنند ولی اسمای آنها را در دفاتر رسمی خود ثبت نمی‌کنند. حتی در مواردی دیده شده که بنگاه اقتصادی هم به دلیل فرار از این مسائل به ثبت نرسیده و از نظر رسمی وجود خارجی ندارد.

## ۳- فرار از کاغذ بازی

در برخی از کشورها، انجام فعالیت‌های اقتصادی مستلزم اجرای مقررات مختلف و تنظیم فرمها و پرسشنامه‌های گوناگون و پرداخت انواع هزینه در هنگام دایر نمودن کارخانه، شرکت، واردات، صادرات و یا ساخت خانه می‌باشد. در این موارد ممکن است مردم برای فرار از اینگونه گرفتاری‌ها کارها را بدون مجوز رسمی انجام دهند.

## ۴- سواستفاده از مزایای تامین اجتماعی

ممکن است برخی از کسانی که رسماً بیکار هستند، کار غیر رسمی داشته باشند، ولی از مزایای بیمه بیکاری استفاده نمایند. این افراد احتمالاً یا برای خود یا به طور غیر رسمی برای موسسات مختلف دیگر کار می‌کنند.

## ۵- مهاجرت غیرقانونی

در برخی از کشورها عده‌ای مهاجر غیرقانونی وجود دارند که به علت موقعیت غیر رسمی خود، نمی‌توانند کاری رسمی بدست آورند. این افراد به کارهای غیر رسمی می‌پردازند تا نامشان در جایی ثبت نشود.

## ۵. مروری بر ادبیات تجربی

### ۵-۱ برآورد اقتصاد زیرزمینی

ادبیات فراوانی در مورد اندازه‌گیری حجم اقتصاد زیرزمینی موجود است. بعضی از این روش‌ها بوسیله ارارد و گیلز<sup>۲</sup> (۱۹۹۷) بحث شده است. این روش‌ها شال بررسی و مطالعه در مورد تحقق مالیاتی، استفاده از تفاوت‌های اصلی بین درآمد ملی و هزینه ملی (که با قضاوت‌های ارزشی همراه است)، ملاحظه نوسانات نرخ مشارکت نیروی کار، روش نسبت کیگان<sup>۳</sup> و دیگران، روش مبادله پولی ویگ (۱۹۷۹) و استفاده از مدل «ساختار متغیرهای نامشهود» است. بیشتر این روش‌ها دارای ضعف‌هایی است که به برخی از آنها اشاره می‌شود. بررسی تعلق مالیاتی عموماً اندازه اقتصاد زیرزمینی را کمتر از حد نشان می‌دهد، زیرا پاسخ دهندگان مایل نیستند حدود مشارکت خود را در فعالیت‌های غیرقانونی به طور واقعی آشکار کنند. اضافه بر این در مورد طراحی پرسشنامه‌ها مسائل مبهمی وجود دارد که همیشه به دقت مورد توجه قرار نمی‌گیرند. روش‌های قضاوتی و روش‌های حساب‌های مالی، مدلی رسمی برای اقتصاد زیرزمینی طراحی نمی‌کنند، بلکه به جای آن، طرف هزینه و یا درآمد حساب‌های ملی را به تفضیل به بخش‌های تشکیل دهنده تقسیم می‌کنند و با روش‌های قضاوتی حداکثر احتمالی، درآمدها و هزینه‌های ثبت نشده را تعیین می‌کنند. ضعف‌های این رویکرد عبارتند از ذهنی بودن آن و پوشش محدود آن، به ویژه در این رویکرد فعالیت‌های پنهانی از بعد تولید ناخالص داخلی و نه از بعد پایه‌های مالیاتی بررسی می‌شوند. در نتیجه تخمین اقتصاد زیرزمینی نیز احتمالاً بسیار محافظه‌کارانه است. تورش مشابهی نیز در معیارهای اندازه‌گیری اقتصاد زیرزمینی که بر پایه تغییرات داده‌های نرخ مشارکت نیروی کار است، وجود دارد، چرا که تعاریف این داده‌ها بسیار محدود بوده و عوامل اجتماعی، جمعیتی با دیگر عوامل اقتصادی نیز این تغییرات را به وجود می‌آورند. ضعف روش نسبت نقدینگی منتسب به کیگان (۱۹۵۷) مربوط به سه فرض اساسی آن است:

- ۱- تمامی معاملات گزارش نشده با پول نقد انجام می‌گیرد. ۲- نسبت نقد رایج به سپرده‌های دیداری در بخش رسمی اقتصاد، در طول زمان ثابت است. ۳- سرعت گردش پول نقد (سرعت گردش پول در اقتصاد رسمی و غیر رسمی) برابر است. فرض دوم به ویژه با توجه به معاملات الکترونیکی بانکی مشکل زاست. نتایج حاصل از روش نسبت خام نقدینگی مورد تردید است و نسبت به تعریف داده‌ها حساس است (به ویژه نسبت به تعریف عرضه پول).

2- Erard & Giles

3- Cegan

روش تانزی<sup>۴</sup> (۱۹۸۳) فرض نسبت ثابت نقدینگی را به عرضه پول کنار می‌گذارد و این نسبت را تابعی از نرخ بهره، درآمد سرانه، متغیرهای مختلف مالیاتی و نسبت دستمزدها به درآمد ملی می‌داند. اگرچه اینکار در قیاس با روش نسبت خام نقدینگی یک پیشرفت به شمار می‌آید، اما دارای این فرض غیر واقعی است که تمامی معاملات زیرزمینی با پول نقد انجام می‌شود و انگیزه اینکار فرار مالیاتی است، همچنین پیشفرض استوار است که رابطه با ثباتی بین نسبت پول نقد به عرضه پول و متغیرهای مختلفی که در بالا نام بردیم وجود دارد و شکل این تابع نیز شناخته شده است. روش تانزی نیز بر چندین فرض تردیدآمیز مبتنی است و در معرض تورش خطای تصریح است که اغلب به برآورد بیش از حد اندازه اقتصاد زیرزمینی منجر می‌گردد.

باتاکاریا<sup>۵</sup> (۱۹۹۰) در مطالعه اقتصاد زیرزمینی بریتانیا رویکرد دیگری از روش نسبت نقدینگی به کار می‌گیرد. او یک معادله تقاضای پول نقد جدید برآورد کرده است که در آن تولید رسمی و تولید مخفی را به عنوان متغیرهای توضیحی از یکدیگر مجزا و مشخص می‌کند و برای تولید پنهان یک متغیر جانشین در نظر گرفته است. رویکرد او چندین مزیت دارد از جمله اینکه می‌توان با آن نظریات فرار مالیاتی را به درستی آزمون کرد. اما اینکار مستلزم تقریب یک تابع است و تنها بر یک علامت مستقیم اقتصاد پنهانی یعنی تقاضا برای پول نقد متمرکز می‌شود.

فیگ<sup>۶</sup> (۱۹۷۹) در روش معاملاتی خود از بسیاری از مشکلات مربوط به فرضیات قوی رویکردهای فوق اجتناب می‌کند، اما عیب آن نیاز به داده‌های فراوان برای تخمین صحیح نرخ‌های بازده پول نقد و همچنین حذف معاملات مالی از پرداخت‌های ناخالص است. در عمل، این امر می‌تواند قابلیت اعتماد این رویکرد را به اندازه‌گیری اقتصاد زیرزمینی به شدت محدود کند.

از میان روش‌های متعدد برای اندازه‌گیری اقتصاد زیرزمینی، روش مدلسازی متغیر نامشهود میمیک<sup>۷</sup> جدیدترین روش به شما می‌آید. مدل میمیک (چند شاخص، چند علت) مدل اقتصاد سنجی ساختاری است که اندازه اقتصاد زیرزمینی را متغیر نامشهود (مشاهده نشده) تلقی می‌کند. این متغیر نامشهود از یک طرف به مجموعه‌ای از شاخص‌های قابل مشاهده که نشان دهنده تغییرات اقتصاد زیرزمینی است مربوط می‌شود و از طرف دیگر، به مجموعه‌ای از متغیرهای علی (مشاهده شده) مربوط می‌گردد که معتقدیم نیروی اصلی پیش برنده فعالیت‌های اصلی زیرزمینی است.

4- Tanzi

5- Batakariya

6- Figg

7- Mimic

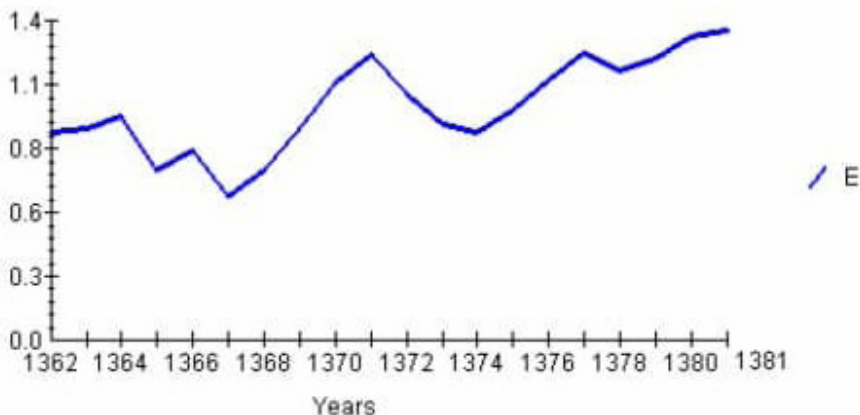
### ۶-۱ الگوی فازی برآورد حجم قاچاق کالاهاى فرهنگى

اکنون به معرفی الگوی برآورد حجم قاچاق کالاهاى فرهنگى در ایران و شبیه‌سازی آن به صورت یک سری زمانى برای سال‌هاى ۱۳۶۲ تا ۱۳۸۱ هجرى شمسی می‌پردازیم. در الگویی که معرفی خواهد شد برخلاف روش‌هاى رگرسیونى، استنباط آمارى خاصى ارائه نمى‌شود. در اینجا براساس نظریه‌هاى اقتصادى و شواهد تجربى به دست آمده درمورد اقتصاد ایران، دو متغیر سببى را انتخاب نموده و براساس این دو متغیر یک شاخص کمی محدود به فاصله (۱ و ۰) برای نشان دادن قاچاق کالاهاى فرهنگى در ایران به دست خواهیم آورد. به عبارت دیگر، برخلاف روش‌هاى مرسوم در اندازه‌گیری حجم قاچاق کالاهاى فرهنگى که در نهایت به یک رقم پولی می‌رسد، در الگوی مورد بحث به یک شاخص عددی محدود به فاصله (۱ و ۰) بسنده خواهد شد. سیستم‌هاى فازی سیستم‌هاى مبتنى بر دانش افراد خبره هستند. بنابراین، در این گزارش، دو متغیر سببى، «حجم اقتصاد سیاه» (به تولید ناخالص داخلی) و هزینه کالاهاى فرهنگى خانوارها (درصدى از کل مخارج) به عنوان متغیرهاى سببى قاچاق کالاهاى فرهنگى در نظر گرفته شدند. برای به دست آوردن حجم اقتصاد سیاه از مطالعه شکیبایی (۱۳۸۱) استفاده شد که در این مطالعه نیز برای برآورد حجم قاچاق از دو متغیر سببى نرخ موثر مالیاتى (نسبت کل مالیات به تولید ناخالص داخلی) و شاخصى از مقررات استفاده شده بود. به هر حال انتظار می‌رود همراهى مثبتى بین حجم اقتصاد سیاه و قاچاق کالاهاى فرهنگى وجود داشته باشد، زیرا قاچاق کالاهاى فرهنگى نیز به نوبه خود تابع شاخص مقررات و نرخ موثر مالیاتى و یا به عبارت بهتر ارتباط مثبت با حجم کل قاچاق کالا است. متغیر سببى دیگر، مخارج کالاهاى فرهنگى خانوارها (به کل مخارج) در نظر گرفته شده و انتظار می‌رود با افزایش سهم مخارج خانوارها از کالاهاى فرهنگى از حجم قاچاق کالاهاى فرهنگى کاسته شود. در این گزارش تنها به دو متغیر توضیحى حجم اقتصاد سیاه ز تولید ناخالص داخلی و مخارج فرهنگى خانوارها برای تخمین اندازه اقتصاد سیاه در ایران اکتفا می‌شود. ممکن است بتوان متغیرهاى توضیحى بیشتری را برای تخمین حجم قاچاق کالاهاى فرهنگى معرفی کرد، اما در مدل‌سازی فازی، همانند مدل‌سازی اقتصادسنجى، افزایش تعداد متغیرهاى توضیحى مدل را دچار مشکل درجه آزادى می‌کند. ضمن آنکه ایجاد پایگاه قواعد فازی با بیش از دو مدل متغیر توضیحى، ممکن اما مشکل است. بنابراین با توجه به این مطلب که مخارج فرهنگى خانوارها از یک سو و عوامل تاثیرگذار بر قاچاق کل کالاها نظیر درجه مقررات، مالیات‌ها، درآمد سرانه و... اثر معنادارى بر حجم قاچاق کالاهاى فرهنگى دارند، لذا در این گزارش نیز از

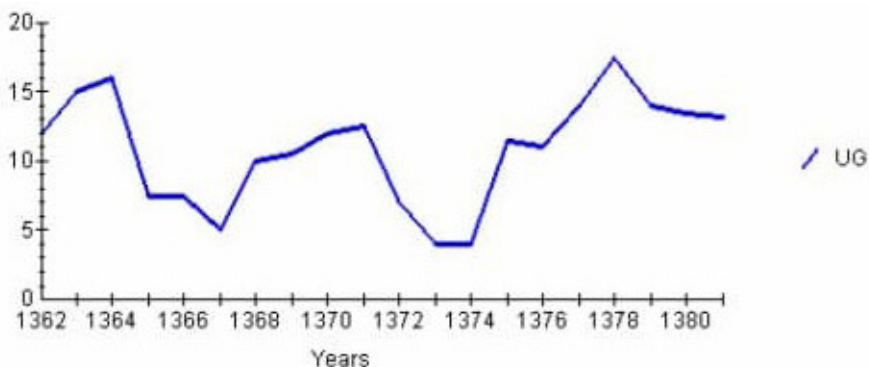
این دو متغیر و شاخص استفاده گردید. البته ذکر این نکته لازم است که ممکن است محقق دیگری از متغیرهای توضیحی دیگری برای تبیین پدیده قاچاق کالاهای فرهنگی استفاده کند و نتایج متفاوتی با نتایج این پژوهش به دست آورد. آنچه در مدلسازی فازی مهم است، اجماع بر سر معنادار بودن متغیرهای تبیین کننده پدیده مورد بررسی است.

### مرحله اول) استخراج داده‌های زمانی (سالانه) متغیرهای سببی

آمارها و داده‌های سالانه مربوط به متغیرهای سببی «سهم مخارج خانوارها از کالاهای فرهنگی» و «حجم اقتصاد زیرزمینی به تولید ناخالص داخلی» از سال ۱۳۶۲ تا ۱۳۸۱ هجری شمسی استخراج و مورد استفاده قرار گرفته است. مقادیر حداقل و حداکثر هر یک از این داده‌ها، در فاصله زمانی موجود، دامنه نوسان متغیر را تعیین می‌کنند. روند دو متغیر سببی در نمودارهای (۱-۳) و (۲-۳) نشان داده شده است. در نمودار شماره (۱-۳) که سهم مخارج فرهنگی از کل هزینه‌های خانوار به تصویر کشیده شده است، مشاهده می‌شود که طی دوره مزبور روند مخارج فرهنگی (از کل مخارج) تقریباً روندی صعودی داشته است. با این حال، در برخی مقاطع زمانی این مسئله صادق نبوده است (دوره ۶۷-۱۳۶۴ ه.ش و دوره زمانی ۷۴-۱۳۷۱ ه.ش). نمودار شماره (۲-۳) نیز حجم اقتصاد زیرزمینی (به تولید ناخالص داخلی) را با توجه به دو متغیر سببی شاخص مقررات و نرخ موثر مالیاتی نشان می‌دهد. براساس نمودار، می‌توان چهار دوره زمانی مجزا را مشخص کرد. دوره اول (۶۷-۱۳۶۴ ه.ش) که در آن حجم اقتصاد زیرزمینی روندی نزولی داشته است، سپس طی سال‌های (۷۱-۱۳۶۷ ه.ش) بر حجم قاچاق (نسبت به GDP) افزوده شده ولی در دوره سوم (۷۴-۱۳۷۱ ه.ش) این شاخص دوباره کاهش یافته و در دوره انتهایی (۸۰-۱۳۷۴ ه.ش) حجم اقتصاد روندی صعودی به خود گرفته و در بیشترین مقدار خود در حدود ۱۷٫۵ درصد از تولید ناخالص داخلی را به خود اختصاص داده است. لازم به ذکر است که حجم اقتصاد سپاه در ایران که با استفاده از متغیرهای توضیحی شاخص مقررات و نرخ موثر مالیاتی برآورد شده بود، در مقاطع زمانی ۷۴ و ۷۳ ه.ش در کمترین میزان خود (۴ درصد از GDP) بوده و در واقع قاچاق در کشور از ۴ درصد GDP تا ۱۷٫۵ درصد GDP نوسان داشته است.



نمودار شماره (۳-۱): روند مخارج فرهنگی خانوارها از کل مخارج (درصد) طی سالهای ۸۱-۱۳۶۲ هـ ش

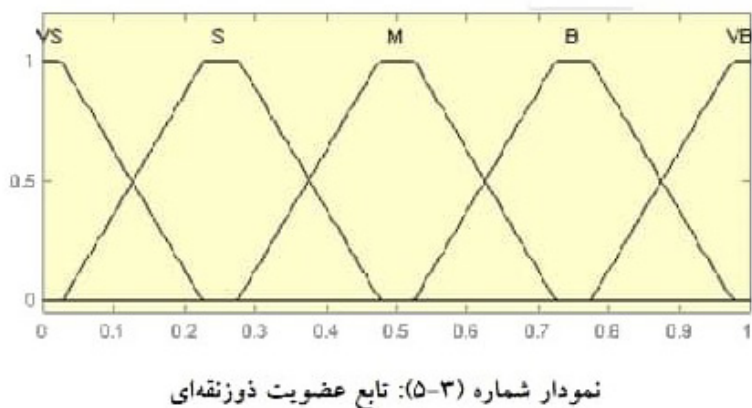
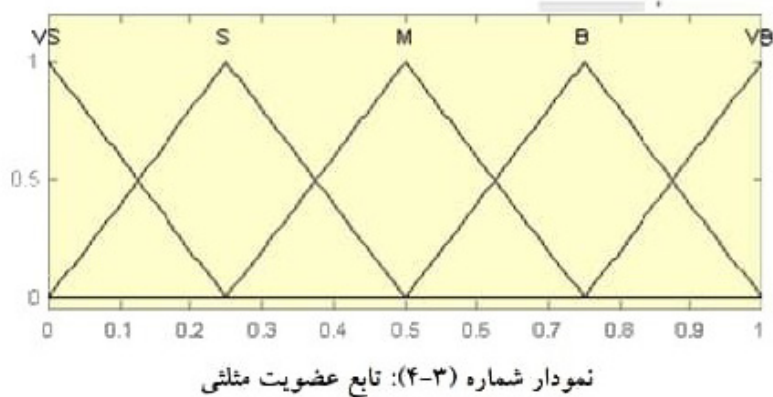
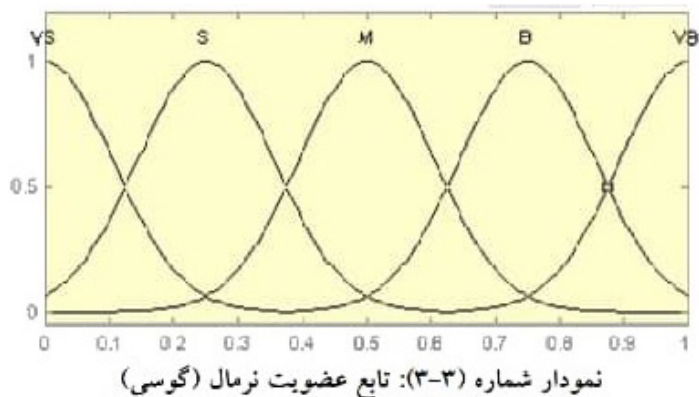


نمودار شماره (۳-۲): حجم اقتصاد زیرزمینی (به تولید ناخالص داخلی) طی سالهای ۸۱-۱۳۶۲ هـ ش

### مرحله دوم) فازی سازی هر یک از متغیرهای سببی

همانطور که عنوان شد، فازی سازی، یک عمل تجربی بوده و بسته به نظر طراح سیستم و نوع نرم افزار محاسباتی موجود، می توان توابع مختلفی از نظر شکل و یا درجه پیچیدگی برای هر متغیر انتخاب کرد. در این گزارش، از توابع گوسی (نرمال) با پنج حالت (خیلی زیاد، زیاد، متوسط، کم) برای هر یک از متغیرهای سببی استفاده شده است. به عبارت روشنتر فرض می گردد که دامنه نوسان

متغیرهای از خیلی کم تا خیلی زیاد تغییر می‌کند. در شکل‌های زیر برای توابع عضویت نرمال، مثلثی و ذوزنقه‌ای، متغیرهای زبانی VB برای خیلی زیاد، B برای زیاد، M برای متوسط، S برای کم و VS برای خیلی کم بکار رفته است.



**مرحله سوم) ایجاد پایگاه قواعد فازی براساس دیدگاه‌های تجربی اشخاص خبره**  
 این مرحله مهمترین قسمت برآورد حجم قاچاق کالاهاى فرهنگى و با بطور کلی در ایجاد سیستم فازی است. در این مرحله، پرسشنامه‌ای تهیه و در اختیار شخص یا اشخاص خبره قرار گرفته و از راه نظر سنجی میزان تاثیرپذیری متغیر وابسته از متغیرهای مستقل یا متغیرهای سببی به صورت تقریبی برآورد می‌شود. در حالتی که دو متغیر توضیحی مورد استفاده قرار گیرد، آرای دریافت شده از اشخاص به شکل ماتریس به نام ماتریس تصمیم‌گیری نشان داده می‌شود. در این گزارش، فرض شده است که دامنه نوسان قاچاق کالاهاى فرهنگى در ایران را می‌توان در ۵ حالت یا تابع (خیلی زیاد، زیاد، متوسط، کم، خیلی کم) توصیف نمود. حالات یاد شده را روی طیفی به اندازه بازه بسته (۱ و ۰) و براساس فازی‌سازی‌های نرمال، مثلثی و ذوزنقه‌ای در بخش قبلی نشان دادیم.

براساس این تعریف، هر اندازه به عدد یک نزدیکتر شویم، معرف کمتر بودن آن است. اکنون براساس تعریف یاد شده، پایگاه قواعد تجربی را با دو متغیر سببی «مخارج کالاهاى فرهنگى از کل مخارج» و «حجم اقتصاد سیاه به تولید ناخالص داخلی» به شکل جدول زیر نشان می‌دهیم. تعداد قواعد موجود در پایگاه قواعد از رابطه  $n'$  به دست می‌آید که در آن  $n$  تعداد متغیرهای گفتاری و  $t$  تعداد متغیرهای سببی یا مستقل هستند. در اینجا فرض می‌شود که تعداد متغیرهای گفتاری برای هر دو متغیر مستقل برابر بوده، بنابراین می‌توان حداکثر تعداد ۲۵ قاعده را ایجاد کرد.

#### دومتغیر سببی

حجم قاچاق کالاهاى فرهنگى	مخارج کالاهاى فرهنگى از کل مخارج					
	$VS$	$S$	$M$	$B$	$VB$	
حجم اقتصاد سیاه (درصدی از GDP)	$VS$	$M$	$S$	$S$	$VS$	$VS$
	$S$	$B$	$M$	$S$	$S$	$VS$
	$M$	$VB$	$M$	$M$	$S$	$VS$
	$B$	$VB$	$B$	$B$	$M$	$S$
	$VB$	$VB$	$B$	$B$	$M$	$S$

در جدول بالا،  $VB$  برای خیلی زیاد،  $B$  برای زیاد،  $M$  برای متوسط،  $S$  برای کم و  $VS$  برای خیلی کم بکار رفته است.



به عنوان مثال، اگر «حجم اقتصاد سیاه» خیلی بالا و «مخارج فرهنگی» خیلی پایین باشد، قاچاق کالاهای فرهنگی خیلی بالا است.

### مرحله چهارم) ایجاد سیستم فازی مناسب برای تقریب روابط پایدار

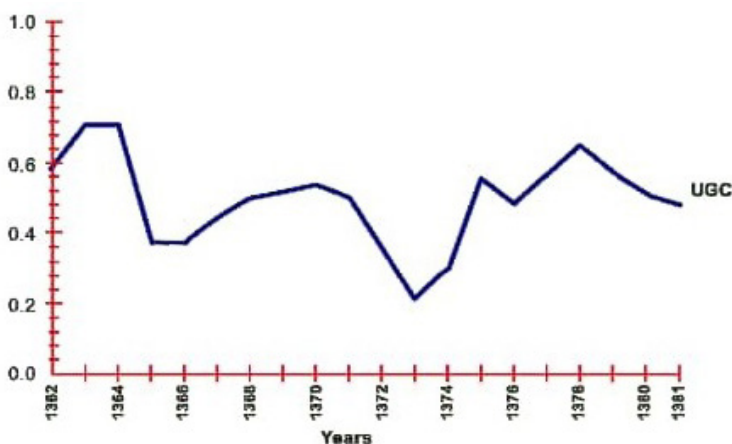
برای پایگاه قواعد فازی یاد شده، باید یک سیستم فازی مناسب ایجاد کرد. در اینجا، یک سیستم فازی با موتور استنتاج ضرب، فازی سا منفرد، و غیر فازی ساز میانگین مرکز طراحی شده و اندازه قاچاق کالاهای فرهنگی را در ایران به کمک این سیستم تقریب می‌زنیم. براساس فرمول شماره (۷) می‌توان نوشت:

$$UGC = \frac{\sum_{j=1}^{25} UGC^j (\prod_{i=1}^2 \mu_{x_i}(x_i))}{\sum_{j=1}^{25} (\prod_{i=1}^2 \mu_{x_i}(x_i))} = \frac{\sum_{j=1}^{25} UGC^j (\mu_{y_j}(y) \cdot \mu_{z_j}(z))}{\sum_{j=1}^{25} (\mu_{y_j}(y) \cdot \mu_{z_j}(z))}$$

که در آن،  $UGC$  حد وسط متغیر فازی قاچاق کالاهای فرهنگی و  $x_i$  برای متغیرهای سببی به کار رفته است.

### ۷. شبیه‌سازی فازی قاچاق کالاهای فرهنگی در ایران

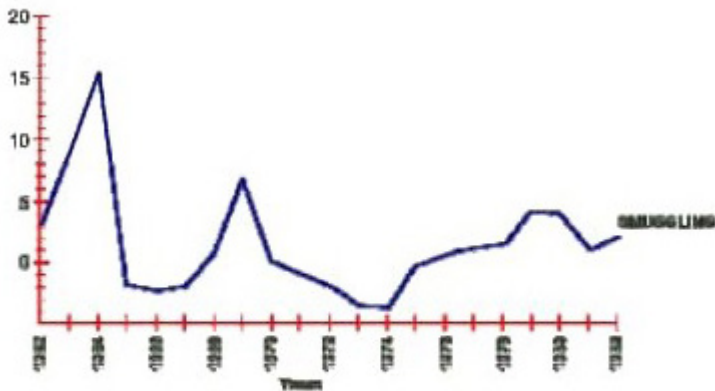
با استفاده از داده‌های مربوط به سال‌های ۱۳۶۲ تا ۱۳۸۱ هجری شمسی و به کمک بسته نرم‌افزاری مطلب ۶ سیستم یاد شده را شبیه‌سازی نموده و داده‌های مربوط به دوره زمانی مزبور را به دست می‌آوریم. در نمودار (۳-۶)، نمودار زمانی مربوط به شبیه‌سازی این سیستم نشان داده شده است.



نمودار شماره (۳-۶): روند زمانی مقادیر عددی حاصل از تقریب حجم قاچاق کالاهای

فرهنگی در ایران طی سالهای ۸۱-۱۳۶۲ هـ.ش

با استفاده از شبیه‌سازی فازی و تولید روند زمانی مقادیر عددی حجم قاچاق کالا‌های فرهنگی، می‌توان با داشتن یک سال آمار کشفیات قاچاق کالا‌های فرهنگی، داده‌های گذشته را تقریب زد. طبق آمار ارائه شده از کشفیات مفاسد اجتماعی طی دوازده ماهه سال ۱۳۸۲ هجری شمسی و با توجه به این موضوع که این آمار شامل سه گروه کلی تجهیزات ماهواره، نوارهای مبتدل و آلات موسیقی غیر مجاز، و اشیا و تصاویر مبتدل بوده است، تولید ناخالص زیرزمینی کالا‌های فرهنگی (تعدیل شده بر اساس شاخص قیمتی مصرف کننده) به صورت نمودار (۷-۳) است:



نمودار (۷-۳): تولید ناخالص زیرزمینی کالا‌های فرهنگی (روند اقتصاد زیرزمینی کالا‌های فرهنگی) ایران (تعدیل شده به شاخص قیمتی مصرف کننده) (واحد: میلیارد ریال)

شایان ذکر است که نخست، کالا‌های فرهنگی به سه گروه کلی تجهیزات ماهواره‌ای (ریسیور، دیش، ال ام بی)، نوارهای مبتدل و آلات موسیقی غیر مجاز (سی دی، ویدیو، کاست، سایر) و اشیا و تصاویر مبتدل (پاسور، مجله، عکس، اشیا) تفکیک شده و آمار کشفیات مفاسد اجتماعی دوازده ماهه ۱۳۸۲ هجری شمسی شامل گروه‌های فوق‌الذکر بودند. دوم، براین باورند که درصد عمده‌ای از قاچاق کالا‌های فرهنگی جزو کشفیات نبوده و نمودار (۷-۳) تنها نشانگر روند زمانی اقتصاد زیرزمینی کالا‌های فرهنگی است که نیروی انتظامی کشف و گزارش کرده است. لذا با افزودن کالا‌های کشف و گزارش نشده، نمودار حجم بالایی را نشان خواهد داد. در ضمن، همانطور که عنوان شد با تغییر دو متغیر سببی «کل اقتصاد زیرزمینی به تولید ناخالص داخلی» و «مخارج فرهنگی خانوارها از کل مخارج (درصد)» و جایگزینی متغیرهای سببی دیگر احتمال می‌رود که روند زمانی تقریب زده شده تا حدودی تغییر کند. با این حال، هنوز هم مطالعات اخیر حاکی از کارایی منطق فازی در تقریب متغیرهای نامشهود و پنهان است.

با توجه به نمودار، مشاهده می‌شود که بیشترین حجم قاچاق کالاهای فرهنگی در مقاطع زمانی ۱۳۶۳، ۱۳۶۴ و ۱۳۶۹ هجری شمسی به ترتیب ۲۰،۷ و ۱۳،۷ و ۱۱،۶ میلیارد ریال و کمترین حجم قاچاق در مقاطع ۷۳ و ۷۴ (به ترتیب ۱،۶ و ۱،۲ میلیارد ریال) گزارش شده است. همچنین از سال ۷۴ هجری شمسی به بعد روند نسبتاً صعودی مشاهده می‌شود.

## ۷. نتیجه‌گیری

در سند چشم‌انداز بیست ساله کشور، توسعه فرهنگی یکی از مضامین دوازده‌گانه است که برای بهره‌برداری مطلوب از فرصت‌های پیش‌روی کشور برای نیل به هدف‌ها و سیاست‌های کلی چشم‌انداز بلند مدت جمهوری اسلامی ایران به کار برده شده است. نقش این مقوله در مبارزه با قاچاق و تجارت غیر قانونی به ویژه قاچاق کالاهای فرهنگی نیز برای دستیابی به اهداف مورد نظر بسیار حائز اهمیت است. اصولاً قاچاقچی توجهی به سایر پارامترها از جمله همخوانی کالای قاچاق با مبانی ارزشی و اعتقادی کشور ندارد. به همین دلیل است که در بسیاری از موارد دیده می‌شود کالاهایی که مغایر با ارزش‌ها، سنت‌ها و اعتقادات مردمی هستند به صورت قاچاق وارد کشور شده و در میان اقشار جامعه به خصوص نسل جوان و فعال توزیع می‌گردد. در این میان برخی از محصولات به صورت سازمان‌دهی شده و جهت‌دار با هدف تهاج به ارزش‌ها و معیارهای اخلاقی و نه صرفاً به دلیل سودآوری به داخل کشور قاچاق می‌شوند. اصولاً به دلیل نبود کنترل بر روی کالاهای قاچاق یکی از بهترین راهکارهای نفوذ به داخل کشور (به جهت تهاجم فرهنگی) مقوله قاچاق است، چرا که در کشور ما برای مقابله با از هم گسیختگی فرهنگی، حفظ وحدت ملی، پاسداری از ارزش‌های اخلاقی و... در مبادی ورود و خروج کالاها و محصولات فرهنگی کنترل اعمال می‌گردد. به طور مثال از ورود البسه و پوشاک دارای طرح‌های زننده و خلاف عفت عمومی جلوگیری می‌شود. به همین طریق این محصولات از طریق مبادی غیر رسمی و به صورت قاچاق به کشور وارد می‌شوند. یکی از مهمترین راه‌های تهاجم فرهنگی با استفاده از ورود کالاهای قاچاق، ورود دستگاه‌های دریافت ماهواره است. با توجه به اهمیت مقوله قاچاق و به ویژه قاچاق کالاهای فرهنگی، راهکارهای مقابله با این معضل اجتماعی - اقتصادی در کشور طی چند سال اخیر مورد توجه مقامات اقتصادی و سیاسی قرار گرفته و حتی برای این منظور جلسات مشترک قوای سه‌گانه تشکیل شده و مطالعات و سمینارهای متعددی انجام گرفته است که حاکی از اهمیت موضوع است. در ضمن در زمین تعریف و اندازه‌گیری حجم اقتصاد غیر رسمی نیز

نوشته‌های زیادی انجام شده است. با این حال، به دلیل اینکه قاچاق نوعی فعالیت نامشهود تلقی می‌شود، اندازه‌گیری دقیق حجم آن تا حدودی غیر ممکن است. گزارش حاضر سعی دارد نگاهی به بخش فرهنگی و قاچاق انجام شده در این بخش داشته و راهکارهای لازم را برای مقابله با این معضل اجتماعی - اقتصادی ارائه دهد. امید است این پژوهش راهی برای توسعه اقتصادی و کاهش قاچاق کالاهای فرهنگی در کشور ارائه دهد.

## ۸. فهرست منابع

- اشرف زاده، حمیدرضا (۱۳۷۸). «تخمین حجم اقتصاد زیرزمینی»، مجموعه مقالات سمینار قاچاق، دانشگاه تربیت مدرس.
- برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۸۸-۱۳۸۴) (۱۳۸۲)، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور.
- توماس، جی، جی و دیگران (پاییز ۱۳۷۶). اقتصاد غیر رسمی، ترجمه منوچهر محمدی و کامران سپهری، موسسه تحقیقات پولی و بانکی.
- خلعت بری، فیروزه. «اقتصاد زیرزمینی»، مجله رونق، سال اول شماره ۱ و ۲.
- سند ملی توسعه فرابخشی مبارزه با قاچاق و تجارت غیر رسمی (۱۳۸۱). وزارت بازرگانی، سازمان بازرسی و نظارت.
- شکیبایی، علیرضا (۱۳۸۰). «برآورد حجم اقتصاد زیرزمینی در ایران»، پایان نامه دکتری، تهران؛ دانشگاه تربیت مدرس.
- Bhattacharyya, D.K. (1990). An Econometric method of Estimating the 'Hidden Economy,' United kingdom (1960-1980): Estimates and tests. Economic Journal 100:703 - 17.
- Cagan, P. (1958). The Demand for Currency Relative to the total money Supply. Journal of Political Economy 66: 303 - 29.
- Frey, B.S., and W, W, Pommerehne (1982). Measuring the hidden Economy: Though there be Madness, yet is there Method in it? In V tanzi (ed), the underground Economy in the united states and Abroad (Lexington: Heath):n3-27.

# بررسی اثر کرونا ویروس بر اقتصاد ایران و ارائه راهکارها

مهندس مینو سادات علیزاده

## مقدمه

ویروس کرونا یکی از مهم‌ترین بحران‌هایی است که اقتصاد ایران را بیش از هر چیز دیگری تحت تاثیر قرار داده البته این بحران و تاثیر آن بر رشد اقتصاد تنها مختص به ایران نیست بلکه به اقتصاد بزرگترین قدرت‌های دنیا مانند آمریکا و چین هم ضربه سخت وارد کرده است و در این ۲ کشور روند افزایش بیکاری شتاب گرفته است. کارشناسان اقتصادی بر این باور هستند که خطر ویروس کرونا به حدی است که می‌توان آن را آغازی بر وقوع یک رکود در اقتصاد جهانی دانست البته میزان اثرگذاری شیوع ویروس کرونا بر اقتصادهای مختلف یکسان نخواهد بود و شیوع این ویروس می‌تواند بر اقتصادهای تک بعدی و کشورهای تک بخشی که تحت تحریم قرار دارند، تأثیر قابل ملاحظه‌ای داشته باشد. از جمله اثرات جهانی شیوع ویروس کرونا عبارتند از افزایش بیکاری در جهان، تحمیل شوک‌های سنگین به اقتصاد دنیا، لطمه سنگین به تجارت خارجی چین و اکثر کشورهای درگیر کرونا، احتمال بسته شدن درهای دنیا به روی تجارت خارجی و ... اما چیزی که باعث وحشت مردم شده این است که حتی از زمان احتمالی پایان بحران کرونا خبری قطعی نیست هرچند باید گفت تقریباً تمام کشورها به یقین رسیده‌اند که دوران پرتلاطمی در حوزه اقتصادی خواهند داشت و طبعاً تلاطم اقتصاد جهانی نیز افزایش پیدا می‌کند. بدنه اقتصاد کشور که پیش‌تر با تحریم و افای‌تی‌اف کم رفق شده بود حالا پیکری کرونزاده است و نیازمند مرهم فوری. گروهی از استادان و پژوهشگران اقتصاد در راستای اهتمام به مسئولیت اجتماعی خود، برای کاهش انتشار کرونا و تسکین زیان‌های اقتصادی ناشی از آن، در یادداشتی مشترک درصدد ارائه بسته پیشنهادی و راهکارهای سیاستی با تأکید بر بکارگیری ابزارهای اقتصادی، برآمده‌اند.

## مبانی نظری

گسترش اپیدمی کرونا، اقتصاد جهانی را در ماه‌های اخیر به شدت تحت تاثیر قرار داده است. رکود فراگیر اقتصادی و بیکاری گسترده ناشی از اجرای سیاست‌های ناگزیر قرنطینه و فاصله‌گذاری، چشم‌انداز نگران‌کننده‌ای را حداقل در کوتاه‌مدت برای اقتصاد جهان و برای همه کشورهای جهان ایجاد کرده است. در این میان اقتصاد ایران که از دو سال پیش تحت تحریم‌های گسترده و همه‌جانبه آمریکا قرار دارد، ضربات بسیار سنگین تری را باید تاب بیاورد، به طوری که بسیاری این پرسش را مطرح می‌کنند که آیا کرونا اقتصاد ایران را زمین‌گیر می‌کند؟

اقتصاد ایران پیش از بروز اپیدمی کرونا بر اثر تحریم‌های گسترده آمریکا بشدت تضعیف شده بود. صادرات نفت ایران از بیش از ۲ میلیون بشکه در روز (۲ سال پیش) به چند صد هزار بشکه در روز سقوط کرده بود. بر اساس برآوردهای صندوق بین‌المللی پول بعد از خروج ایالات متحده از توافق هسته‌ای، ارزش ریال به عنوان پول ملی هر سال بیش از ۵۰ درصد کاهش یافته است. تورم سالانه با شتاب فزاینده به ۴۰ درصد رسید و شرکت‌های بزرگ خارجی کشور را ترک کردند و براساس همین برآورد، اقتصاد ایران در سال گذشته یک رشد منفی نزدیک به ۱۰ درصدی را تجربه کرد. به بیان دیگر اقتصاد ملی طی سال گذشته ده درصد منقبض و کوچک‌تر شد و به موازات آن اکثریت مردم ایران ده درصد فقیر تر شدند.

بنابراین اقتصاد داخلی ایران پیش از شیوع ویروس کرونا نیز آسیب پذیر شده بود و شرایط سخت و پرتلاطمی را تجربه می‌کرده است.

## اقتصاد ایران با آغاز اپیدمی کرونا

با شیوع ویروس کرونا، اقتصاد ایران با دشواری‌های تازه‌ای روبرو شد. اپیدمی کرونا عمدتاً از دو راه به اقتصاد ایران لطمه می‌زند. نخست آنکه تعاملات تجاری ایران را که بر اثر تحریم‌های آمریکا محدود شده، بازهم محدودتر می‌کند.

## ضربات کرونا بر تجارت خارجی ایران

درحالی که بیش از نیمی از درآمدهای کاهش یافته کشور تحت تحریم‌های آمریکا از محل کانال‌های تجارت منطقه‌ای تأمین می‌شد، با شیوع ویروس کرونا همسایگان ایران، یکی پس از دیگری مرزهای

خود را با کشور بسته‌اند. بنابراین، صادرات ایران از این طریق به شدت کاهش یافته است. از آنجاکه اولین شریک تجاری ایران چین است-حدود ۲۳ درصد از صادرات غیرنفتی کشور (بیش از ۸ میلیارد دلار) در ۱۱ ماهه ابتدای سال ۱۳۹۸ به چین بوده است- با شیوع ویروس کرونا در ووهان چین در ماه دسامبر، تجارت غیر نفتی با چین به تدریج دچار اختلال شد. در همان حال صادرات نفتی غیر رسمی ایران به چین نیز به شدت کاهش یافت. در همین حال صادرات نفت ایران به کمترین میزان خود در ۴ دهه گذشته رسید. براساس گزارش وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، اختلال در صادرات ایران از مرزهای زمینی، کاهش ورود و خروج گردشگر، کاهش قیمت و تقاضای جهانی نفت و کاهش محصولات صادراتی کشور در کنار اختلال در تجارت با چین، از مهم‌ترین پیامدهای شیوع ویروس کرونا در حوزه تجارت خارجی کشور هستند.

### ضربات کرونا بر اقتصاد داخلی ایران

شیوع ویروس کرونا، هر دو سمت عرضه و تقاضای بازار کار را تحت‌تاثیر قرار خواهد داد. تعطیلی و کاهش سطح فعالیت‌های اقتصادی منجر به تعدیل نیرو و کاهش تقاضای کار خواهد شد و عرضه کار نیز کاهش خواهد یافت، زیرا برخی افراد که مستقیماً با بیماری درگیر شده‌اند و برخی دیگر که غیرمستقیماً با اقدامات خود مراقبتی و کاهش تعاملات، ساعات کاری خود را کاهش خواهند داد. بنابراین به نظر می‌رسد در سال ۱۳۹۹ با کاهش شدید نرخ مشارکت و کاهش اشتغال مواجه شدیم. فعالیت کسب و کارهایی که مستقیماً از بحران کرونا متأثر شده‌اند به شدت کاهش داشتند. کاهش فعالیت این کسب و کارها می‌تواند منجر به بحران بیکاری در کشور شده و رفاه خانوارهای زیادی را تحت‌تاثیر قرار دهد. در این میان بیشترین ضربه اقتصادی را کسانی متحمل خواهند شد که دارای شغل دائم نیستند، مانند دست‌فروشان و کارگران ساختمانی. هرچه فعالیت کسب و کارها کاهش یابد، درآمدهای مالیاتی دولت نیز کاهش می‌یابد. بنابراین با توجه به کاهش ظرفیت‌های مالیات‌ستانی از فعالیت‌های اقتصادی و کاهش قیمت نفت و اقدامات مورد نیاز برای حمایت از کسب و کارها و افراد آسیب‌دیده و همچنین افزایش مخارج دولت در حوزه بهداشت و درمان، کسری بودجه دولت بیش از گذشته تشدید خواهد شد. با توجه به این موضوع و افزایش نقدینگی، تورم نیز روندی بشدت صعودی به خود خواهد گرفت.

شیوع ویروس کرونا در چین در اواخر ژانویه و سرایت و شیوع آن در کشورهای اروپایی و خاورمیانه، بازارهای مالی جهانی در سراسر جهان واکنش گسترده‌ای نشان دادند. ریسک ویروس کرونا (Covid19)

به حدی است که می‌توان آن را آغازی بر وقوع یک رکود در اقتصاد جهانی دانست. البته میزان اثرگذاری شیوع ویروس کرونا بر اقتصادهای مختلف یکسان نخواهد بود و شیوع این ویروس می‌تواند بر اقتصادهای متکی بر درآمد ناشی از گردشگری تأثیر قابل ملاحظه‌ای داشته باشد. از جمله اثرات جهانی شیوع ویروس کرونا عبارتند از افزایش بیکاری در جهان، تحمیل شوکهای سنگین به اقتصاد دنیا، لطمه سنگین به تجارت خارجی چین و اکثر کشورهای درگیر کرونا، احتمال بسته شدن درهای دنیا به روی تجارت خارجی و ... برخی معتقدند که دولت‌ها در این شرایط به سیاست کاهش واردات و ساخت آنها در داخل از طریق سیاستهای تضعیف پولها و در نتیجه افزایش رشد داخلی و صدور بیکاری به کشورهای مختلف روی می‌آورند. اما تقریباً تمام کشورها به یقین رسیده‌اند که دوران پرتلاطمی در حوزه اقتصادی خواهند داشت و طبعاً تلاطم اقتصاد جهانی نیز افزایش پیدا می‌کند.

### زلزله در اقتصاد جهان به واسطه شیوع کرونا

بانک توسعه آسیایی ۳ سناریو مختلف را در رابطه با هزینه مقابله با شیوع ویروس کرونا (کوید-۱۹) و همچنین زیان ناشی از آن پیش‌بینی و اعلام کرده که در صورت تداوم شش ماهه شیوع کرونا<sup>۱</sup> این ویروس احتمالاً ۳۴۶٫۹ میلیارد دلار به اقتصاد جهان ضربه خواهد زد. بنا براین گزارش بهترین سناریوی ممکن ضرر ۷۶٫۶ میلیارد دلاری جهان در صورت تداوم دو ماهه ویروس است. همچنین ضرر ۱۵۵٫۹ میلیارد دلاری برای تداوم سه ماهه و ضرر ۳۴۶٫۹ میلیارد دلاری در صورت ادامه شش ماهه این ویروس پیش‌بینی شده است.

بنابراین تخمین زده می‌شود، رشد اقتصادی امسال در کشورهای در حال توسعه آسیا و جهان به دلیل شیوع این بیماری کاهش یابد. در هر سه این سناریوها ضرر چین دو سوم کل ضرر جهانی خواهد بود. سایر کشورهای جهان نیز به میزان برابری از ویروس کرونا متضرر خواهند شد. انتشار کرونا در چین، منجر به اولین اقدام‌های محدودکننده اقتصادی شده است و برآورد می‌شود رشد اقتصادی چین از رقم شش درصد به ۴٫۵ درصد کاهش یابد که به معنی کاهش تقاضای کل در جهان است. کاهش تقاضا و کاهش رشد اقتصاد جهان منجر به کاهش تقاضا برای نهاده‌های تولید، از جمله نفت خام و فلزات شده است. در طرف عرضه نیز اقتصاد با فشار کاهشی روبرو است. با مختل شدن تجارت بین‌الملل و حتی حمل و نقل داخلی، زنجیره ارزش طیف وسیعی از محصولات دچار اختلال شده و ظرفیت تولید واحدها به دلیل عدم دسترسی به نهاده‌ها کاهش می‌یابد.



## \* تاثیر کرونا در اقتصاد ایران چقدر است؟

شیوع ویروس کرونا در ایران نیز تاثیر بسیاری بر اقتصاد داخلی داشته و خواهد داشت؛ به باور کارشناسان اقتصادی در ایران، داستان کمی پیچیده‌تر است، زیرا علاوه بر آسیب‌های اقتصاد جهانی، اقتصاد ایران به دلیل وابستگی به نفت، تحریم‌های بین‌المللی، رشد منفی اقتصاد، تورم بالا و ... آسیب‌های بیشتری را شاهد خواهد بود. اقتصاد ایران فشارهای دوگانه تحریم و تبعات ویروس کرونا را توأمان تجربه می‌کند، هرچند اقتصاددانان بر این باور هستند که چنانچه سریع‌تر واکنشی برای کرونا یافت شود، افت‌ها کمتر بوده و اقتصاد سریعتر به روال عادی بازمی‌گردد.

اقتصاد ایران در حالی با معضل کرونا مواجه شده که متغیرهای اقتصاد کلان وضعیت مناسبی را نشان نمی‌دادند. براساس اعلام مرکز آمار ایران رشد اقتصادی در ۹ ماهه نخست سال ۱۳۹۸، در حدود منفی ۷٫۶ درصد و رشد اقتصادی بدون نفت نیز تقریباً صفر بوده است. همچنین، نرخ تورم نقطه به نقطه نیز در پایان بهمن ماه ۲۵ درصد بوده است. از سوی دیگر دولت به لحاظ منابع در تنگنا قرار دارد و کسری بودجه دولت یکی از معضلات مهم اقتصاد ایران برای سال ۱۳۹۹ است. در چنین شرایطی، هزینه‌های تحمیل شده در اثر اپیدمی کرونا و همچنین کاهش تولید ناشی از آن، می‌تواند اقتصاد را با تورم‌های بالاتر و رشدهای اقتصادی پایین‌تر مواجه سازد. از بین رفتن برخی از مشاغل و یا کاهش شدید درآمد در برخی از بخش‌ها باعث کاهش رشد اقتصادی می‌شود و از طرف دیگر، برخی مشاغل دیگر مانند تولیدات مواد بهداشتی و ... در این بازه زمانی رشد بالایی خواهند داشت.

شوک ناشی از کرونا، اقتصاد را هم با شوک عرضه و هم با شوک تقاضا مواجه می‌سازد. از یک طرف عرضه نیروی کار کاهش یافته و از طرف دیگر در تأمین مواد اولیه نیز مشکلاتی ایجاد شده است (شوک عرضه). شوک عرضه، شوک تقاضا را به همراه خواهد داشت. تعطیلی کسب و کارها، منجر به تعدیل نیروی کار می‌شود و کاهش درآمد خانوار، کاهش تقاضا را به همراه دارد. از طرف دیگر عدم اطمینان نسبت به آینده، خانوار را به تصمیم پس‌انداز بیشتر و به تعویق انداختن خرید اقلام غیرضروری ترغیب می‌کند. همین امر کاهش تقاضای کل بیشتری را موجب می‌شود؛ بنابراین انتظار می‌رود رکود اقتصادی ناشی از شوک ارزی و تحریم‌ها تشدید شود و لذا لازم است تا سیاست‌های حمایتی هم از خانوار و هم از کسب و کار صورت گیرد.

در شرایطی که دولت با تنگنای مالی مواجه بوده و علاوه بر کاهش درآمدهای ناشی از تحریم و کاهش قیمت نفت و فرآورده‌های نفتی، با افزایش هزینه‌های بهداشتی و درمانی ناشی از کرونا نیز روبه‌رو

است، منابع برای سیاست‌های حمایتی به شدت محدود است. از این رو بسیار مهم است که سیاست‌های حمایتی، بهینه اتخاذ شده و از اجرای سیاست‌های حمایتی کور (نظیر تخصیص ارز ترجیحی به برخی کالاها) اجتناب شود، زیرا به احتمال قوی، این منابع با هزینه تورم تأمین شده‌اند. بر این اساس سیاست‌های افزایش تقاضای کل از طریق جلوگیری از کاهش اشتغال و درآمد خانوار باید در اولویت قرار گیرند.

آثار اقتصادی شیوع این ویروس بر کسب و کارها و فعالیتهای اقتصادی در کشور را می‌توان از ابعاد مختلف مورد بررسی قرار داد. نگرانی نسبت به شیوع ویروس بر رفتار مصرفی خانوارها اثرگذار است. از سوی دیگر با کاهش تقاضا، بنگاه‌های اقتصادی، کسب و کارها بویژه کسب و کارهای کوچک تحت تأثیر شیوع ویروس کرونا قرار می‌گیرند.

با این وجود تمام بخش‌های اقتصادی به یک نسبت دچار رکود نمی‌شوند. بخش‌هایی از اقتصاد که محدودیتهای کنترلی از سوی دولت جهت کنترل و کاهش ابتلاء اعمال می‌گردد. بخش‌هایی مانند گردشگری و حمل و نقل از حمله بخش‌هایی هستند که به سرعت تحت تأثیر شیوع ویروس کرونا قرار می‌گیرند. اصناف به ویژه خرده فروشی به خاطر محدودیت‌هایی که باید توسط دولت‌ها برای مجموعه‌های تجاری و بازارها اعمال شود و یا به واسطه خودقرنطینه کردن که توسط شهروندان صورت می‌گیرد، با رکود مواجه می‌شوند.

همچنین با شیوع ویروس کرونا و نگرانی مردم از ورود به اماکن عمومی نظیر فروشگاه‌ها، مراکز خدماتی و... بسیاری از مشاغل و کسب و کارها با کاهش تقاضا و فروش کالاها و خدمات خود مواجه شدند. به نظر می‌رسد بیشترین آسیب را بخش خدمات و زیربخش‌های آن در مقایسه با سایر بخش‌ها؛ اقتصاد شهری در مقایسه با اقتصاد روستایی؛ کارگران در مقایسه با کارفرمایان و گروه‌های آسیب‌پذیر و شاغل در بخش غیررسمی شهری در مقایسه با سایر خانوارها متحمل خواهند شد. هرگونه سیاستی که برای کنترل شیوع کرونا به اجرا گذاشته می‌شود باید به طور همزمان به بررسی آثار اقتصادی آن نیز پردازد و در مقابل هرگونه سیاست حمایتی از کسب و کارها و مردم که صورت می‌گیرد، باید به طور همزمان به کنترل شیوع کرونا نیز کمک کند.

شرط اصلی برای کنترل شیوع کرونا، کاهش حداکثری تعاملات اجتماعی غیرضروری در یک ماه آینده خواهد بود. لازمه این امر تعطیلی بسیاری از فعالیتهای اقتصادی غیرضروری است که البته هزینه‌های اقتصادی را به اقشار مختلف تحمیل خواهد کرد.

پیشنهاد‌های ارائه شده جمع‌بندی‌ای از نظرات محققان اقتصاد و ترجمه راهکارهای کشورهای دنیا

برای مقابله با آثار زیان بار اقتصادی این ویروس است که به صورت اشاره وار و با تأکید بر انطباق با ساختارهای اقتصادی - اجتماعی ایران ارائه شده است. راهکارهای ارائه شده به دو دسته کلی تقسیم می‌شوند: دسته اول به پیشنهادهای برای کاهش انتشار ویروس کرونا در کشور می‌پردازد.

از آنجایی که مهم‌ترین راهکار کاهش انتشار ویروس، قطع زنجیره انتشار آن و کاهش سفرها و جابه‌جایی هاست، ابزارهای اقتصادی در این زمینه می‌توانند به کمک سیاستگذاران بیایند. دسته دوم پیشنهاداتی است که در سه قسمت عنوان شده است، به سیاست‌های مقابله با آثار زیان بار اقتصادی سمت تقاضا، سمت عرضه و بخش حقیقی اقتصاد اشاره دارد. کارشناسان و متخصصان تأکید می‌کنند که سیاست‌های پیشنهادی باید مورد بررسی و امکان سنجی قرار گیرند و از بین آنها، مناسب‌ترین‌ها را که قابلیت اجرایی دارند، انتخاب کرد. کارشناسان مشارکت‌کننده معتقدند برخلاف آثار زیان بار اقتصادی کرونا و ویروس، شیوع این بیماری فرصت‌هایی برای اصلاح ساختارهای اجتماعی و اقتصادی فراهم کرده است که پس از مهار این بیماری می‌بایست از این فرصت‌ها به نحو احسن استفاده شود.

کاهش سفر و سفرزایی، توسعه تجارت الکترونیک و دولت الکترونیک، حذف مجوزهای کسب و کار، خرید آنلاین، ایجاد فرصت‌های شغلی جدید در زمینه مراقبت‌های بهداشتی و تولید لوازم آن، ارزیابی مجدد زنجیره‌های عرضه، گرایش حکمرانی به سمت اقتصاد رقابتی، افزایش سطح نظافت اماکن عمومی، بهبود بهداشت فردی و اجتماعی، کوتاه کردن مسافت محل زندگی تا محل اشتغال، بهبود سیستم درمانی کشور و بیمه‌ها و کاهش حجم اسکناس و مسکوک برخی از این فرصت‌ها هستند که باید دنبال شوند.

### پیشنهادهایی برای کاهش انتشار کرونا

۱. طراحی مشوق‌هایی که موجب کاهش سفر خواهد شد (به‌طور مثال فروشندگان آنلاین با ثبت لینک سفارش‌ها و معاملات آنلاین خود در یک سامانه به ازای تعداد سفارشات، کمک هزینه حمل‌ونقل دریافت نمایند).
۲. طراحی مشوق‌هایی که موجب کاهش سفر خواهند شد. (به‌طور مثال اخذ عوارض از رفت و آمدهای بین شهری یا اعمال موقت مالیات بر بنزین)
۳. استفاده رایگان از نسخه‌های تجاری اپلیکیشن‌های حوزه آموزش، سلامت و بازرگانی برای مدارس، سازمان‌های غیردولتی و...
۴. پیاده‌سازی طرح تداوم کسب و کار انعطاف پذیر یا BCP(Business Continuity Planning)

۵. آموزش کسب و کارها در طراحی استراتژی ارتباطات چندجانبه با مشتریان و همچنین استفاده از تمام کانال‌های ارتباطی موجود.
۶. طراحی استانداردهای مختلف برای نحوه معامله با انواع خرده‌فروشان و اطلاع‌رسانی از طریق رسانه‌های عمومی.
۷. ترویج استفاده از خرید آنلاین به جای نمایشگاه‌های عرضه مستقیم در انواع کالاها بخصوص مواد غذایی.
۸. دعوت از شرکت‌های فناوری و دانش بنیان برای ایجاد محصولاتی جهت کمک به جلوگیری از گسترش کرونا ویروس.
۹. برآورد دقیق مبتلایان و پیش‌بینی تغییرات آتی آن جهت فراهم کردن امکانات لجستیکی نظیر تخت‌های بیمارستانی، دستگاه‌های تنفس مصنوعی و...
۱۰. راهنمایی و آموزش کسب و کارها در خصوص اطلاعات مربوط به کرونا ویروس، چگونگی امکان آلوده شدن و راه جلوگیری از آن.
۱۱. محدود کردن دامنه افراد آلوده از طریق انتصاب یک تیم کوچک قابل اعتماد با آزادی عمل در تصمیم‌گیری‌های تاکتیکی و حیاتی در شرکت
۱۲. بهره‌گیری از هوش مصنوعی و بانک‌های اطلاعاتی برای ردیابی و پیگیری افراد مبتلا به کرونا به کمک شرکت‌های فناوری.
۱۳. نگهداری و مراقبت دقیق و وسواس گونه از زیرساخت‌های شهری نظیر اینترنت، تلفن، آب و برق.
۱۴. استفاده از تکنولوژی برای اجتناب از تماس با انسان نظیر سیستم‌های عامل، اپلیکیشن‌ها و... که می‌تواند زمینه همکاری و ارتباط مؤثر را برقرار نماید.
۱۵. به اشتراک‌گذاری و ترویج داستان افراد واقعی که مبتلا به کرونا بوده‌اند ولی با مراجعه بموقع بهبود یافته‌اند.
۱۶. استانداردسازی و اتوماسیون فرآیند تشخیص ابتلای افراد به کرونا و اطلاع‌رسانی در مورد آن.
۱۷. ساده‌سازی و کاهش موانع و مراحل فرآیند تشخیص ابتلای افراد به کرونا با تعیین مراکز و پایگاه‌های موقتی در تمامی محلات شهرها.
۱۸. تبدیل سهمیه بنزین نروزی به کمک معیشتی اقشار ضعیف یا اختصاص آن به تابستان سال بعد.

## راهکارهای سیاستی طرف تقاضا

۱. ایجاد حساب اعتباری ماهانه جهت خرید آنلاین، برای افراد آسیب پذیر که فقط قابلیت خرید داشته باشد و بتدریج با حساب یارانه تسویه شود.
۲. تأسیس صندوق‌های حمایتی از اقشار فرودست با کمک‌های داوطلبانه اقشار فرادست و نخبگان نظام.
۳. ترویج و سازماندهی مسئولیت اجتماعی شرکتی جهت تأمین منابع لازم برای مقابله با کروناویروس.
۴. اعطای بسته معیشتی و یارانه نقدی جهت تأمین حداقل نیازهای خانوارهایی که به دلیل شرایط بازارها، درآمدها افت کرده است مانند رانندگان تاکسی و اتوبوس، کارگران بخش‌های خدماتی، راهنماهای تورهای گردشگری و...
۵. افزایش حمایت‌های مالی از کسب و کارهای آسیب‌پذیر نظیر افزایش دوره بازپرداخت وام‌ها و کاهش هزینه تأمین مالی (نرخ بهره)، گسترش کانال‌های تأمین مالی مستقیم.
۶. بازرسی و نظارت مستمر بر قیمت عرضه و کیفیت اجناس فروخته شده فروشگاه‌های آنلاین.
۷. پرداخت هزینه‌های بیمه بیکاری برای چند ماه به کارکنان واحدهای خدماتی و شرکت‌های کوچک و کارگران ساختمانی و... که به دلیل کروناویروس بیکار شده‌اند.
۸. نظارت بر زنجیره تأمین کالاهای تولیدی و واکنش سریع و انعطاف‌پذیری به تغییرات زنجیره عرضه.
۹. تلاش برای افزایش تاب‌آوری زنجیره عرضه از طریق استفاده از منابع جایگزین، ثبات در زنجیره تأمین و ارتباط حداکثری با تأمین‌کننده‌ها
۱۰. برقراری امکان ظرفیت تولید اضافی برای جبران نوسانات زنجیره عرضه.
۱۱. ارتباط متقابل زنجیره تأمین کسب و کارها، بین استان‌های کشور.
۱۲. هماهنگی و ارتباط در بازاریابی و فروش محصولات و همچنین پاسخگویی به شوک‌های تقاضا.
۱۳. رصد روزانه آمار تولیدات مواد و مصرف ملزومات بهداشتی
۱۴. پرداخت یارانه‌های آموزش نیروی کار و خرید خدمات دور کاری کسب و کارها.

## راهکارهای سیاستی طرف عرضه محصولات مرتبط با مقابله و درمان کروناویروس

این بخش معطوف به انواع سیاست‌هایی است که ظرفیت انعطاف‌پذیری بخش عرضه برای تولید هرچه بیشتر محصولات مورد نیاز در دوره بحران و نیز مقابله با شوک‌های منفی تقاضا را بیشتر می‌کند. مثال‌هایی از چنین سیاست‌هایی عبارتند از:

۱. کاهش عوارض گمرکی روی مواد اولیه زنجیره تأمین محصولات مورد نیاز در دوره بحران کاهش و به تعویق انداختن پرداخت‌های مالیاتی کسب و کارها تا برگشت فروش آنها به سطوح قبلی
۲. کاهش هزینه مبادلاتی و بهبود کارایی زنجیره تأمین از طریق ایجاد بسترهای الکترونیک جفت و جورسازی (Matching) مختص زنجیره تأمین محصولات و تجهیزات پزشکی مربوط به پیشگیری و درمان کروناویروس
۳. پرداخت حق بیمه سهم کارفرمایانی که با وجود مشکلات به وجود آمده نیروی کار خود را اخراج نکرده یا کمترین تعدیل نیروی کار را داشته باشند
۴. طراحی بسته‌های حمایتی برای کسب و کارهایی که از کاهش تقاضای عمومی متضرر شده‌اند
۵. رایزنی برای کاهش دوره تسویه حساب فروشگاه‌های اینترنتی با صاحبان مشاغل خرد از دو ماه به کمتر از یک‌ماه جهت بهبود وضعیت نقدینگی آنها
۶. کاهش اجاره‌بهای کسب و کارهایی که از املاک و مستغلات دولتی، شبه دولتی و نهادهای حاکمیتی نیروی کار خود را اخراج نکرده یا کمترین تعدیل نیروی کار را داشته باشند.
۷. به تعویق انداختن پرداخت‌های هزینه‌ای نظیر قبوض آب، برق، گاز و تلفن تا زمان عادی شدن شرایط
۸. به تعویق انداختن عوارض نوسازی شهرداری‌ها و فاضلاب و پسماند تا زمان عادی شدن شرایط
۹. کاهش و به تعویق انداختن پرداخت حق بیمه تأمین اجتماعی کارگران تا زمان عادی شدن شرایط
۱۰. کوتاه کردن زمان صدور مجوزهای کسب و کار برای جلوگیری از مراجعات
۱۱. توجه بیشتر به شرکت‌های درگیر تولید تجهیزات پزشکی، مانند لباس‌های محافظتی، ماسک و...
۱۲. منع صادرات و تسهیل در واردات کالاهایی که به تولید تجهیزات پزشکی، بهداشتی و... کمک می‌نمایند.
۱۳. تسهیل شرایط خرید اعتباری
۱۴. کمک به بخش حقیقی اقتصاد (محیط کسب و کار)

۱۵. هدف از این سیاست‌ها کمک به بقا و رشد بنگاه‌های اقتصادی در شرایط هنگام و بعد از بحران کرونا است.

۱۶. اعطای کمک‌های اقتصادی و تمدید سررسید وام یا تجدید وام برای کاهش تأثیرات منفی کروناویروس بر اقتصاد و بخصوص بخش‌های صنعتی، حمل‌ونقل، توریسم، ساخت و ساز، خطوط هوایی و هتل‌ها

۱۷. طراحی و اعمال سیاست‌های حمایتی در پاسخ به نگرانی‌های آتی کسب‌وکارها

۱۸. تسریع در ارائه پشتیبانی لجستیک، اداری و همچنین ارائه مجوزهای گمرکی

۱۹. همکاری شرکت‌های بیمه با کسب‌وکارهای زیان دیده از کروناویروس

۲۰. کاهش نرخ وام برای کمک به مشاغلی که تحت تأثیر شیوع کروناویروس آسیب دیده‌اند.

۲۱. کاهش هزینه‌های اداری برای شرکت‌ها و بنگاه‌های تولیدی که از کروناویروس آسیب دیده‌اند.

۲۲. تقویت خدمات به شرکت‌ها و ارائه راه‌حل به بنگاه‌های تولیدی جهت بهبود ساخت‌وسازها، جذب نیروی کار و... تا عملیات عادی خود را از سر بگیرند.

۲۳. شناسایی و توسعه ابزارهای نوین تأمین مالی برای دولت و کسب‌وکارها

۲۴. شناسایی و توسعه ابزارهای ضمانتی توسط صندوق‌های حمایتی و بخصوص صندوق ضمانت

۲۵. صادرات برای تسهیل حضور بنگاه‌های کوچک و متوسط و همچنین بنگاه‌های صادراتی در تأمین مالی از بازار سرمایه

۲۶. استفاده از اوراق بدهی جهت تأمین منابع مالی مورد نیاز زیرساخت‌های بهداشتی و درمانی

۲۷. طراحی مؤسسات یا نهاد مالی که بتواند تسهیل‌کننده تأمین منابع مالی بنگاه‌های تولیدی باشد،

۲۸. این مؤسسات تحت عنوان Bill Brokerها شناخته می‌شوند و به طور معمول حساب دریافتی، اسناد تجاری و اوراق بهادار تولیدکنندگان یا تجار را تنزیل می‌نمایند.

۲۹. تمدید مدت قرارداد شرکت‌های طرف قرارداد با دولت که تحت تأثیر شیوع کروناویروس نتوانسته‌اند به تعهدات خود عمل نمایند.

۳۰. ارائه قیمت ترجیحی برخی از نهاده‌ها همچون انرژی به بنگاه‌های تولیدی

۳۱. کاهش موقت سطح ذخایر بانک‌ها نزد بانک مرکزی جهت تأمین منابع مورد نیاز

۳۲. افزایش بهره‌گیری از مدل‌های عملیاتی مشارکت بخش خصوصی و همچنین انواع مدل‌های تحویل پروژه با مشارکت بخش خصوصی مانند BOT، BLT، ROT، LBO، MOT و... و...

۳۳. توسعه خدمات تجارت الکترونیکی جهت تقویت تجارت خارجی
۳۴. تأمین نقدینگی لازم برای سرمایه در گردش واحدهای تولیدی آسیب دیده

## کلام آخر

ایجاد کسب و کارهای کوچک اگر چه در گذشته‌ای نه چندان دور به عنوان راهکاری برای افزایش تولید ملی، خودکفایی و ایجاد اشتغال پایدار به ویژه در مناطق روستایی بشمار می‌رفت و فعالان این عرصه امیدوار بودند تا در نوروز ۹۹ به واسطه رونق باز عقب‌ماندگی‌ها را جبران و در راستای توسعه بیشتر گام بردارند اما شیوع کرونا تمامی پیش‌بینی‌ها را به هم زد و اکنون شرایط به گونه‌ای دیگر رقم خورده است. تعطیلی اجباری مدارس و دانشگاه‌ها و کاهش مراجعه مردم به بازار سبب شده تا کسب و کارها به ویژه از نوع کوچک و نوپا در رکود شدید غوطه‌ور شوند و برخاستن از این وضعیت بسیار سخت و دشوار خواهد بود. بسیاری از افرادی که در سال‌های اخیر کسب و کاری به راه انداخته‌اند، یا از بانک‌ها تسهیلات دریافت کرده‌اند و یا اینکه از نزدیکان و بستگان خود سرمایه مورد نیاز را قرض نموده‌اند که در هر دو این موارد بحث بازپرداخت آنها حائز اهمیت است و اگر بازار از رونق لازم برخوردار نباشد جبران آن بسیار سخت خواهد بود با این تفاوت که ضرر و زیان در حوزه بانکی به مراتب بیشتر خواهد بود. کرونا نه تنها اقتصادهای کوچک بلکه اقتصادهای کلان جهانی را نیز تحت تاثیر قرار داده و اگر پشتوانه لازم در این زمینه وجود نداشته باشد بسیاری از کسب و کارها به تعطیلی کشیده خواهند شد. تنها راه برون رفت از این مشکل، ارائه بسته‌های تشویقی از سوی دولت و در نظر گرفتن یکسری معافیت‌ها و بخشودگی عوارض‌ها و هزینه‌ها برای کاستن از زیان مالی کسب و کارهای کوچک است و دولت نباید آنها را در این شرایط سخت تنها بگذارد. برای جبران خسارات اقتصادی ویروس کرونا، به حداقل رساندن شیوع این ویروس اولویت است و باید افرادی که تحت تاثیر این ویروس بیکار شده‌اند باید آنها تحت پوشش بیمه قرار بگیرند و بتوانند بیمه بیکاری دریافت کنند و به کسب کارهای آسیب دیده از کرونا مهلت داده شود تا بدهی‌های خود را پرداخت کنند. برخی از کشورها راهکارهایی را در این زمینه همچون کاهش نرخ بهره در نظر گرفته‌اند تا با افزایش تقاضا مردم را به خرید و هزینه کردن تشویق کند. اما با توجه به شرایط اقتصادی موجود در کشور ما، کاهش نرخ بهره با مشکلاتی همچون تورم و تحریم‌ها مواجه است که نمی‌تواند عملیاتی شود.



# بررسی تاثیر کرونا ویروس بر حکمرانی اقتصادی

## مهندس نیوشا روحی جویباری

### چکیده

شوکه به جهان، لرزه بر تمدن بشری و ایجاد یک وضعیت غریب و ناآشنا نتیجه پیدایش ویروس کرونا بوده است. یکی از استثنای ترین بحران‌های تاریخ بشریت که به خاطر فرآیند جهانی شدن، به سرعت در سراسر کره زمین تکثیر شد. دنیا در مدت زمان بسیار کوتاهی، تغییرات بسیار بزرگی را شاهد بود. البته هم‌اکنون ما در میانه تلاطم‌های این موج سرکش هستیم و طبیعتاً تحلیل‌های دقیق‌تر و عمیق‌تر در مورد واقعه کرونا پس از فروکش کردن آشفتگی‌ها و هیجانات جهانی ممکن می‌شود. با وجود این تاکنون می‌توان گفت ویروس کرونا یک قاتل خاموش و ساکت و در عین حال، چموش و چابک است. او برای بقای خود، هوشمندانه عمل می‌کند. کرونا نشان داده که یک قدم از انسان جلوتر بوده و آدمی را غافلگیر می‌کند. پس برای مقابله با این ویروس نوپدید و نامعمول، روش‌های مرسوم و معمول مدیریتی در هیچ کجای جهان جواب نمی‌دهد. کووید-۱۹ سنگ محکی برای سنجش کارآمدی دولت‌ها و حکومت‌های دنیاست. غلبه بر کرونا، به قدری برای کشورها اهمیت دارد که حتی شی جین پینگ رهبر حزب کمونیست و رئیس‌جمهور چین، مبارزه با کرونا را آزمایش بزرگی برای اثبات توانایی سیستم و ظرفیت حکمرانی این کشور می‌داند. همچنین، وزیر بهداشت سنگاپور، حکمرانی خوب را در کنار وضعیت نظام بهداشتی و سلامتی یک جامعه و میزان انباشت سرمایه اجتماعی، سه شرط لازم برای غلبه بر بحران ویروس کرونا دانسته است، واعظی رئیس دفتر ریاست جمهوری نیز چندی پیش مقابله با کرونا را اولویت اول نظام حکمرانی کشور عنوان کرد.

**کلیدواژه‌گان:** کرونا، حکمرانی، دولت‌ها، سرمایه اجتماعی، بحران

حکمرانی خوب ناظر بر چگونگی انجام امور یک جامعه بر مبنای روش‌های خوب در کنار محصولات و نتایج خوب است. همچنین، از آنجا که کیفیت تصمیم‌گیری نقشی اساسی در تعیین کیفیت و کمیت برون‌دادهای یک نهاد یا سازمان دارد، حکمرانی خوب، شامل ساختارها، فرآیندها و ابزارهایی است که به اتخاذ تصمیمات بهتر منجر می‌شود. بر عکس، تصمیمات بد، نشانه‌ای از حکمرانی بد است. حکمرانی خوب مفهومی فراتر از دولت خوب، حکومت خوب و حاکمیت خوب است. حکمرانی خوب رویکردی است که به‌ویژه برای شرایط پیچیده و چندبعدی مثل ابرمساله کرونا کاربرد دارد. حکمرانی خوب مهم‌تر از علم است چرا که در حکمرانی بد ممکن است تصمیمات و سیاست‌گذاری‌هایی تدوین شود که همه زحمات و تلاش‌های علمی را از بین ببرد. حکمرانی خوب ناظر بر بازاندیشی و بازسازی رابطه حکومت (دولت) و مردم است. از سوی سازمان ملل، هشت شاخص و ملاک برای قضاوت در مورد وجود یا وجود نداشتن حکمرانی خوب معرفی شده است:

- ۱- مشارکت، ۲- شفافیت، ۳- مسوولیت‌پذیری، ۴- کارایی و اثربخشی، ۵- اجماع‌محوری، ۶- حاکمیت قانون، ۷- انصاف و ۸- پاسخگویی.

**مشارکت:** مشارکت یعنی فراهم آوردن زمینه‌ای برای شهروندان و جامعه مدنی که خواسته‌هایشان را از مسوولان بیان کرده و در تصمیم‌سازی‌ها و تصمیم‌گیری‌ها حضور فعال داشته باشند. مشارکت باید دامنه وسیعی از ذی‌نفعان یعنی افراد یا سازمان‌هایی را که بر آن موضوع یا حوزه تاثیر می‌گذارند یا تاثیر می‌پذیرند شامل شود. معیار مشارکت در مورد ستاد ملی مبارزه با کرونا که بالاترین مرجع تصمیم‌گیر در این مورد است، ناقص است چراکه وجه دولتی آن بر وجه ملی غلبه دارد. حتی ریاست این شورا در ابتدا با وزیر بهداشت بود. درحالی‌که دامنه اعضای این شورای تصمیم‌گیر باید فراقوه‌ای و کشور شمول باشد و حتی‌الامکان تمامی ذی‌نفعان را دربرگیرد. این شورا باید علاوه بر مسوولان و مدیران دولتی، نمایندگانی از سایر قوا از جمله نمایندگان مجلس، قوه قضائیه، نیروهای نظامی و انتظامی و نیز نماینده انجمن‌های صنفی و شوراهای کار، نمایندگانی از انجمن‌های تخصصی رشته‌های مختلف علمی، انجمن‌های خیریه، نمایندگان مستقل پزشکان، پرستاران و داروخانه‌ها و حتی نمایندگان بیماران کرونایی یا اعضای خانواده آنان را شامل شود. به علاوه به موازات ستاد ملی مبارزه با کرونا لازم است کمیته علمی ستاد مبارزه با کرونا به ریاست شخص رئیس‌جمهور و متشکل از متخصصان رشته‌های پزشکی، پیراپزشکی، اقتصاد و بازرگانی، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، علوم

تربیتی، مشاور خانواده و... تشکیل شود که در آن، تنوع اعضا مهم‌تر از تعدد اعضا است به طوری که دیدگاه‌های مختلف و تضارب آرای موافقان و مخالفان سیاست‌های فعلی مقابله با کرونا وجود داشته شد. گفت‌وگوها و مباحثه‌هایی که در این کمیته صورت می‌گیرد می‌تواند روشنگر بسیاری از مسائل برای رئیس‌جمهور باشد.

**شفافیت:** سنگ بنا و ستون اصلی حکمرانی خوب، شفافیت است، چرا که از طریق آن می‌توان میزان تحقق سایر ملاک‌های حکمرانی خوب را رصد کرد. شفافیت که باشد، ارزیابی عملکرد، پاسخگویی و میزان مسوولیت‌پذیری مسوولان میسر می‌شود. در مورد کرونا، دولت‌ها باید طوری عمل کنند که خود را به‌طور جدی مسوول بهداشت عمومی بدانند. از این روی، آنها باید از شفافیت استقبال کنند و در اشتراک‌گذاری اطلاعات و آمار؛ هم در مورد موفقیت‌ها و هم در مورد شکست‌های نظام بهداشت و درمان، تردید نکنند. شفافیت به‌عنوان یکی از اصول حکمرانی خوب، دلالت بر آگاهی عمومی نسبت به سازمان‌ها و نهادهای دولتی و عمومی دارد. باید به شهروندان این امکان داده شود تا از کارهای مقامات و مسوولان کشور و دلایل آن‌ها مطلع شوند و اطلاعات و آمار صحیح و قابل اطمینان در دسترس آحاد ملت قرار داشته باشد (از جمله اعلام روزانه مبتلایان به کرونا به تفکیک استان)، تا از آن برای نظارت بر فرآیند تصمیم‌گیری‌ها و نتایج تصمیمات استفاده شود.

**مسوولیت‌پذیری:** این شاخص نشان می‌دهد که آیا طرف‌ها و اشخاص مختلف، در مقابل تعهداتی که پذیرفته‌اند، در عمل، مسوولیت‌پذیر بوده‌اند یا نه؟ هر چند در حکمرانی خوب، مسوولیت‌پذیری همگانی وجود دارد؛ یعنی هم مدیران و مسوولان کشور، هم مردم و تشکل‌های مردم‌نهاد (سمن‌ها) و هم بنگاه‌های اقتصادی در قبال کلیت منافع جامعه مسوولند، اما مسوولیت اولیه از آن حاکمان، مسوولان و مدیران یک کشور است. مسوولیت‌پذیری عبارت است از شناسایی و تامین نیازهای آحاد مردم توسط دولت و دستگاه‌های حاکم.

## ادبیات نظری تحقیق

در زمینه و زمانه کرونا، اصلی‌ترین و مهم‌ترین نیاز مردم، حداقل‌سازی آسیب‌های ناشی از این ویروس و حفاظت از سلامتی جامعه و مسوولیت‌پذیری مسوولان در قبال آن است. براساس یافته‌های علمی، حیاتی‌ترین اقدام برای مبارزه با این ویروس، قطع چرخه انتقال از فردی به فرد دیگر است یعنی ایجاد شرایطی که مانع از افزایش میزبان‌های انسانی ویروس شود. موثرترین اقدام برای تامین این

هدف، برخورد تهاجمی و سختگیرانه با این ویروس است. اغلب کشورهای موفق در مهار کرونا همین استراتژی را در پیش گرفتند. حتی کشورهایی مثل انگلستان، سوئیس و آلمان که در ابتدا رویکرد سهل گیرانه‌ای در برابر کرونا داشتند، تحت فشار افکار عمومی و انتقادات متخصصان بی طرف، مجبور به تغییر رویه شدند. برخی از اقدامات مسوولانه، فعال و تهاجمی به طوری که حداکثر محافظت در مقابل کرونا را ایجاد می کند، به این قرار است: تعطیلی تمامی ادارات دولتی و سازمان های عمومی برای حداقل یک ماه و تشویق دور کاری، قرنطینه شهری (و احتمالاً روستایی) و منع بیرون رفتن از منزل مگر برای کارهای فوری، تعطیلی حمل و نقل عمومی، ممنوع بودن اجتماع بیش از دو نفر خارج از محل زندگی آن هم فقط به همراه اعضای خانواده، در نظر گرفتن جریمه برای ناقضان، این قوانین جدا کردن افراد بیمار یا مشکوک به بیماری از افراد سالم و جلوگیری از اختلاط آنها، آزمایش گیری از افراد مشکوک به کرونا در حد وسیع به طوری که از هر شخص داوطلب یا مشکوک، تست کرونا گرفته شود. ویژگی خطرناک کرونا این است که ویروس حتی از افراد بدون علائم یا علائم خفیف می تواند انتقال یابد. در این گونه پاندمی ها و بیماری های جهان گستر، زمان و نقطه شروع اقدام، اهمیت حیاتی دارد (مثلاً آمریکا در ابتدا کرونا را جدی نگرفت و اقدامات دیر هنگام سبب شد که هم اکنون این کشور رتبه اول مبتلایان جهان را داشته باشد و برعکس اتریش که تصمیمات به موقع برای مقابله با کرونا اتخاذ کرد الان در مرحله کنترل بیماری است). ناتوانی در اتخاذ تصمیمات سخت و انتخاب ساده ترین راه ها، الزاما بهترین نتایج را به دنبال ندارد. در عین حال، لازم است حمایت های مالی و اقتصادی از خانوارهای در معرض خطر صورت گیرد.

### کارآیی و اثربخشی حکمرانی خوب

کارآیی و اثربخشی در حکمرانی خوب به آن معناست که تخصیص منابع و فرآیندهای اجرایی توسط بخش عمومی، پاسخگوی اصلی ترین نیازهای ذی نفعان باشد و در عین حال بهترین استفاده از منابع با کمترین اتلاف صورت گیرد. حکمرانی خوب با مدیریت از راه دور بیگانه و در عوض، مبتنی بر میدان و واقعیت است. در این راستا شایسته است مسوولان مقابله با کرونا حتی به صورت ناشناس و با چهره یا لباس مبدل به میان مردم یا بیمارستان ها در نقاط مختلف کشور بروند و از آنچه زیر پوست شهرها یا روستاها می گذرد، مطلع شوند. ناهماهنگی و نبود تقسیم کار دقیق بین دستگاه های مسوول نشانه ای دیگر از نبود کارآیی و اثربخشی است. نکته دیگر اینکه برای اتخاذ تصمیمات اثربخش، مسوولان

بلندپایه کشور باید مراقب باشند که مبدا در «تله کارشناس» گرفتار آیند. برای رفع این مشکل بهتر است مسوولان بلندپایه کشور اطلاعات خود را نه فقط از یک مرجع بلکه از چند مرجع آن هم به طور مستقیم و بی واسطه و ترجیحا از مراجع غیررسمی اما مطمئن مثل تیم کارشناسان مستقل و منتقد، تشکل‌های مردمی و حتی مردم عادی دریافت کنند تا واقعیت قضایا را دریابند.

## اجماع محوری و حکمرانی

در یک جامعه، بازیگران و دیدگاه‌های بسیاری وجود دارند. حکمرانی خوب مستلزم آن است که بین این دیدگاه‌ها و منافع مختلف میانجی‌گری صورت گیرد تا بیشترین خیر عمومی حاصل شود و در مورد چگونگی دستیابی به اهداف، حداکثر اجماع صورت گیرد تا هنگام اجرایی شدن تصمیمات، شاهد همراهی و همیاری ذی‌نفعان باشیم. همچنین، حکمرانی خوب تضمین می‌کند که اولویت‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی براساس اجماع و توافق گسترده در جامعه تعیین شده و صدای فقیرترین و آسیب‌پذیرترین گروه‌های اجتماعی شنیده می‌شود. به علاوه، در حکمرانی خوب، فرمانده نداریم. در حکمرانی خوب باید همه ذی‌نفعان حق برابر برای اظهار نظر و اعتراض به تصمیمات و اقدامات داشته باشند. یاری طلبیدن از آحاد ملت در جهت کمک به یکدیگر، مددخواهی از هر کس که به نوعی می‌تواند در کاهش آلام و آسیب‌های ناشی از کرونا مفید باشد، تقویت کمک‌های داوطلبانه مردم و تشویق دستگاه‌های دولتی و غیردولتی و سازمان‌های رسمی و غیررسمی به ارائه برنامه برای غلبه بر کرونا باید در دستور کار قرار گیرد و سازماندهی شود. همچنین، به جهت خطیر بودن شرایط به لحاظ وجود افرادی که ناقل ویروس کرونا و مبتلا به کووید-۱۹ هستند، اما خبر ندارند، هیچ تعللی جایز نیست. باید وضعیت اضطراری ملی اعلام شود تا همه نسبت به حساسیت اوضاع هوشیار باشند. ما نیازمند یک اجماع و وفاق ملی برای کمک به یکدیگر هم هستیم. ضمن اینکه جان مردم عرصه نبردهای سیاسی و جناحی نیست. هر کس، در هر جا، هر کاری که از دستش برمی‌آید باید برای گذار از این گردنه دشوار ملی انجام دهد. همه ما باید کمی از خواسته‌ها و منافع شخصی خود به نفع مصالح اجتماعی بگذریم. مثلا کارمندان دولت و بخش عمومی و نیز سایر نیروی کار کشور (آنها که برایشان مقدور است)، بپذیرند افزایش حقوق سال ۱۳۹۹ آنها به بعد از مهار کرونا موکول شده و منابع مالی حاصل از آن صرف مبارزه با کرونا شود.

## حاکمیت قانون در حکمرانی

در حکمرانی خوب، حاکمیت قانون بر محافظت‌های قانونی از حقوق ذی‌نفعان دلالت دارد که توسط یک نهاد نظارتی بی‌طرف انجام می‌شود. در این رابطه و در جهت محافظت از سلامتی مردم، برخی از نمایندگان مجلس از ظرفیت اصل ۷۹ قانون اساسی استفاده و در جلسه علنی ۱۹ فروردین ۹۹ طرحی ارائه دادند. اصل ۷۹ قانون اساسی می‌گوید: برقراری حکومت نظامی ممنوع است. در حالت جنگ و شرایط اضطراری نظیر آن، دولت حق دارد با تصویب مجلس شورای اسلامی موقتا محدودیت‌های ضروری را برقرار کند، ولی مدت آن به هر حال نمی‌تواند بیش از ۳۰ روز باشد و در صورتی که ضرورت همچنان باقی باشد دولت موظف است مجدداً از مجلس کسب مجوز کند. هر چند طرح سه‌فوریتی مجلس فعلا از دستور کار خارج شده، اما امید است با استفاده از ظرفیت‌های قانونی، بار دیگر این طرح در مجلس مطرح شده و با همراهی و موافقت مجلس و سپس، شورای نگهبان و دولت، این طرح به سرعت تایید و عملیاتی شود.

## انصاف و حکمرانی

این شاخص اشاره دارد به ایجاد اطمینان و اعتماد در همه اعضای یک جامعه به طوری که برای بهبود یا حفظ رفاه خود احساس امنیت کنند، به‌ویژه آن دسته از افراد و گروه‌هایی که به لحاظ اقتصادی در معرض خطر بیشتری هستند. حال اگر قرار است استراتژی تهاجمی علیه کرونا داشته باشیم لازم است از اقبال آسیب‌پذیر و کسانی که شغل و درآمد خود را در اثر خانه‌نشینی از دست می‌دهند، به انحای مختلف حمایت شود و کمک‌های بلاعوض دریافت کنند. خانوارها باید احساس کنند که در این اوضاع و احوال سخت، از یک پشتیبانی اجتماعی مطمئن برخوردارند. به یاد داریم که ابتدا رئیس‌جمهور آمریکا برای مقابله با ویروس کرونا تنها ۲/۵ میلیارد دلار از کنگره تقاضا کرده بود و هم اکنون این کمک به حدود ۲۲۰۰ میلیارد دلار (یعنی ۸۸۰ برابر نسبت به رقم اولیه) افزایش یافته، اتحادیه اروپا نیز کم و بیش همین رویکرد را در پیش گرفته است.

در کشور ما کمیته اقتصادی ستاد مقابله با کرونا باید تقویت شود و اعضای آن، تصویری از کل کشور باشند به طوری که نمایندگان بخش خصوصی و خیرین جامعه نقش برجسته‌تری در تصمیمات آن داشته باشند. کرونا آزمونی نه فقط برای دولت و دستگاه‌های حکومتی بلکه برای تشکلهای مردمی و نیز شرکت‌ها و سازمان‌های اقتصادی بخش عمومی و خصوصی است. با یک توافق ملی باید تلاش شود

که بودجه کل کشور (اعم از بودجه دولت، بودجه شرکت‌های دولتی و بودجه نهادها و سازمان‌های بخش عمومی) در سال ۱۳۹۹ تا ۱۰ درصد کاهش یابد (که احتمالاً حداقل رقمی معادل ۱۰۰ هزار میلیارد تومان می‌شود) و این منابع مالی برای جبران ضرر و زیان افراد و بنگاه‌های کوچک و اقشار آسیب‌دیده از قرنطینه کرونایی صرف شود. بدیهی است تحقق این امر، یاری همه سازمان‌ها و دستگاه‌های کشور را می‌طلبد و هر سازمان یا دستگاه فعال در بخش دولتی یا بخش عمومی یا بخش خصوصی به خاطر سالم ماندن هموطنان (و از جمله کارکنان همان سازمان)، کمربندها را محکم‌تر ببندد.

### پاسخ‌دهی و حکمرانی

پاسخ‌دهی یا پاسخگویی عبارت است از سازوکار و فرآیندی که مسوولان یک کشور را وامی‌دارد تا در مقابل مردم، حساب پس داده و دلایل اتخاذ یک تصمیم یا انجام یک عمل را برای مردم توضیح دهند و افکار عمومی را با استدلال، اقناع کنند. پاسخ‌دهی را می‌توان اعتبارسنجی و راستی‌آزمایی حکمرانی خوب در مورد معیار مشارکت دانست، به این معنی که این شاخص می‌سنجد تا چه حد مشارکت آحاد مردم در تصمیم‌گیری و اجرا، موثر و واقعی بوده است.

### کرونا، سرآغاز تحول در حکمرانی

کرونا با همه رنج و مصیبتی که بر مردم تحمیل کرده است، تذکرات ارزشمندی برای سیاست‌گذاران، دولت‌مردان، حاکمان و مدیران دارد. اگرچه هیچ چیز نمی‌تواند مصیبت از دست‌دادن هزاران هم‌وطن و صدها هزار مردم جهان را جایگزین کند، اما جلوه‌ها و نمادهای زیبایی که در جامعه خلق شد، آنگاه که رزمندگان جبهه درمان کشور، رقص کنان به جنگ با این اهریمن کوچک و موزی می‌روند، بار دیگر یاد ایثار و مجاهدت‌های رزمندگان جنگ تحمیلی در دل‌ها زنده شد و بر همدلی‌ها افزود. نشان داد که تکیه بر قدرت عظیم مردم و ملت در تنگناها، چقدر راهگشا و تنها راه برون‌رفت کشور از چالش‌ها و ابرچالش‌هاست. در سطح سیاست‌گذاری، درک درس‌ها و فرصت‌های آن می‌تواند درد و رنج ایران را کاهش و یا فرصت‌هایی بدیع را برای همدلی، مشارکت، نوآوری، بازنگری و تحول در «ساختارها»، «بینش‌ها»، «رفتارها» و «اقدام‌ها» خلق نماید. آنچه که نظام مدیریتی در تمام سطوح باید از این اتفاق درک کند، تکرار دوباره آموخته‌های حکمرانی خوب با تاکید و اعتماد بیشتر است که نمونه‌ای از آن‌ها به اختصار در ذیل برای چاره‌اندیشی در سال ۹۹ و سرآغاز تحول ارائه می‌شود. اگرچه لازم است

ایجاد چارچوبی نظام‌مند برای دریافت دیدگاه خبرگان و نخبگان اقتصادی مورد توجه سیاست‌گذاران و دولت‌مردان قرار گیرد.

۱. سرمایه اجتماعی ضرورت حیاتی برای جوامع بشری است هم برای بقاء و هم برای پیشرفت و ارتقاء. «صداقت با مردم»، «اقرار به اشتباهات»، «ارائه اطلاعات صحیح و واقعیات»، «دوری از ابهامات»، «رفع محدودیت‌ها و حصرها» شرط اصلی حفاظت از سرمایه اجتماعی و توسعه آن است. دولت و حاکمیت باید مردم را محرم اسرار خود بدانند و دوران سرپوش گذاشتن بر مشکلات، اشتباهات و ناکارآمدی‌ها و ایجاد خط‌کشی‌ها و محدودیت‌ها را پایان دهند. دولت، مجلس و قوه قضاییه در دوران جدید باید نظامی باز و شیشه‌ای باشد تا بطن و درون آن عیان باشد از کاستی‌ها گرفته تا قوت‌ها و ...

۲. تکیه بر روش‌های حرفه‌ای، علمی، مبتنی بر خرد جمعی و فاصله گرفتن از سلیق شخصی یک ضرورت برای سیاست‌گذاری در همه شئون کشورداری است که بدون تردید موجب توسعه سرمایه اجتماعی خواهد شد. بسیاری از متخصصین و کارشناسان شایسته، به واسطه سازوکارهای نامناسب، گوشه عزلت اختیار کرده‌اند و کشور از توانمندی آن‌ها بی‌نصیب گشته است و در عوض، فرض اصلی بر حضور اطرافیان، معتمدین و مرتبطين مدیران ارشد بر مسند امور است. بازگشت متخصصین شایسته به متن قانون‌گذاری، اجرایی، نظارت و مدیریت نه تنها نیازمند تغییر پارادایم مدیریتی حاکم بر کشور است بلکه نیازمند یک عزم ملی و رویکرد فعالانه است. این ویژگی باید در انتخاب مدیران ارشد به خصوص وزیران، یک شاخص کلیدی و معیار اصلی باشد. استفاده از ظرفیت کارشناسان و متخصصین ایرانی خارج کشور هم یک ضرورت است و هم یک سرمایه و فرصت بی‌نظیر برای مدیریت چالش‌ها و سرعت بخشیدن به توسعه و رقابت در دنیای جدید. نخبگان ایرانی خارج از کشور یک سرمایه عظیم مغفول مانده برای توسعه پایدار کشور هستند. این باید از یک شعار به متن برنامه‌های اجرایی دولت ترویج یابد. نهادهای امنیتی و نظارتی باید سعه‌صدر و ظرفیت لازم برای استفاده از این سرمایه بی‌نظیر را فراهم کنند. دولت هم نباید به اقدامات مقطعی و موردی در استفاده از سرمایه دانشی ایرانیان خارج از کشور اکتفا کند و یا در صورت عدم توفیق در مواردی، اصل این رویکرد را رها نماید.

۳. جز با همدلی و مشارکت آحاد مردم با هر سلیقه و باوری، نمی‌توان بر بحران‌ها فائق آمد و در مسیر توسعه قرار گرفت. مهارت صبر، امید و گفتگو باید در بین سیاست‌مداران، دولت‌مردان، مجلسیان، ناظران، مدیران و ... به طور جدی گسترش یابد و در جوانان تمرین شود و توسعه یابد. تقابل‌های بی‌حاصل، فریادزدن‌های تنش‌آفرین، قضاوت‌های مخرب، سخنرانی‌های هیجانی باید



جایش را به تعامل، آرامش و گفتگوهای مبتنی بر اشتراکات بدهد. فضای مجازی به جای افشاگری و پرده‌داری می‌تواند با سعه صدر و آزاد گذاشتن انتخاب افراد، به بستری برای گفتگوها و تبادل آراء و ایجاد مزیت‌های جدید تبدیل گردد. محدودیت‌های اعمال شده بر روی بسترهای فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی جز به فرصت‌سوزی و از دست دادن امکان رشد منجر نمی‌شود.

۴. سیاست‌ خارجی باید الگوی دیپلماسی فعال، تنش‌زدا، آشتی‌جو و البته مقتدر را توسعه دهد. مناسبات و رویکردهای توسعه اقتصادی کشور مبتنی بر رونق و جهش تولید، الزام دستیابی به بازارهای بین‌المللی و ارتقاء توان رقابت‌پذیری فعالین اقتصادی را ضروری می‌کند. ثبات رویه در صادرات و واردات یک ضرورت برای حمایت از تولیدکنندگان و فعالین اقتصادی است. در کنار آن، دوری از تنش‌های غیر ضروری و هزینه‌زا به خصوص با کشورهای منطقه باید در سیاست‌های خارجی پررنگ‌تر شود و ارتباط با کشورهای دنیا و بخصوص کشورهای اسلامی همسایه و منطقه و بر اساس تامین منافع اقتصادی جایگزین الگوهای مخاطره‌آمیز گردد. برای این منظور، اجماع ملی و هم‌افزایی نهادهای سیاست‌گذار و مجری و مدنی برای رفع مخاطرات علیه امنیت و اقتصاد ایران یک ضرورت است. تغییر رویکرد فرساینده اختلافات داخلی نهادهای مختلف و یا حتی غیر مسئول در سیاست‌ خارجی باید وجه همت دولت و مجلس آینده با دیگر ارکان نظام باشد.

۵. پارادایم‌های مدیریتی سال‌های گذشته و اصرار به استفاده از مدیران مسن و یا چهره‌های صرفاً شناخته شده، ناکارآمد بوده و موجب زایل شدن سرمایه اجتماعی و امید مردم شده است. جوانان انقلابی، متعهد و بانگیزه کسانی که دل در گرو آبادانی و توسعه ایران دارند، آن‌ها که در عین جوانی به قدر کفایت در مدیریت تجربه اندوخته‌اند، آن‌ها که در پی تحول هستند و نه اداره امور جاری، آن‌ها که جسارت لازم برای تغییر رویه‌های غلط را دارند و نه تسلیم شدن به باند‌های منفعت‌طلب، آن‌ها که با عزت نفس لازم در پی حفظ صندلی نیستند تا به جای نوآوری و تحول، اسیر امتیازدهی گردند، این جوانان عزیز را باید از هر جریان و نگرش سیاسی، با هر ظاهر و گفتمانی در ساختار مدیریت و تصمیم‌ سازی و تصمیم‌گیری کشور وارد کرد و نسل اول انقلاب، بستری باشد برای حضور و رشد این جوانان.

۶. نوآوری از یک انتخاب خوب برای ارتقاء تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری به یک الزام و ضرورت در تمام سطوح مدیریتی تبدیل شده است. کشور و همه ارکان سیاست‌گذاری، تصمیم‌گیری و اجرا نیازمند استقرار نظام نوآوری برای توسعه نوآوری‌های سریع هستند. پذیرش این اصل نه تنها می‌تواند درد و رنج ناشی از عالم‌گیری ویروس کرونا را تقلیل دهد بلکه می‌تواند سرآغاز تغییر، نوآوری و تحول در

بسیاری از امور مدیریتی گردد. نظامات مدیریتی در دنیای جدید بدون نوآوری مستمر و سریع، در هر سطح و حوزه‌ای از بخش‌های دولتی تا بخش‌های خصوصی، از حوزه‌های اجرایی گرفته تا حوزه‌های تقنینی و نظارتی محکوم به ناکارآمدی، تحمیل هزینه، عقب‌ماندن از گردونه رقابت و نهایتاً شکست خواهند بود.

۷. بازطراحی ساختار اقتصادی به منظور تامین حداقل نیازهای معیشتی، تامین اجتماعی، شغل و رفاه و مسکن مردم یک ضرورت در تغییر پارادایم مدیریتی کشور است. تغییر سیاست‌های دولت برای تاب‌آوری اقشار ضعیف و کسب‌وکارهای خرد در کوتاه‌مدت از محل کاهش هزینه‌های دولت، اصلاح قانون بیمه بیکاری و فروش دارایی‌ها از جمله راهکارهای مناسب است. در میان مدت ضرورت اصلاح ساختار اقتصادی کشور، افزایش بودجه‌های عمرانی مولد به منظور ارتقاء تقاضا در رویکردی مبتنی بر توسعه پایدار و نه مبتنی بر چانه‌زنی و سهم‌دهی و بعضاً باج دهی به حوزه‌های انتخابیه مجلس از راهکارهای مورد توجه در شرایط پسا‌کروناوی ایران است.

۸. بازنگری در ساختارهای سیاست‌گذاری، تسهیل فضای کسب‌وکار، اصلاح تصمیم‌های موردی سال‌های گذشته که به رویه تبدیل شده است، دوری از تورم برنامه‌ها و آیین‌نامه‌ها و قوانین، حذف شوراها و نهادهای موازی تصمیم‌گیری و بازگشت ارکان حکمرانی به جایگاه واقعی خود ضرورتی است برای حکمرانی خوب و ایجاد زیرساخت تحول اقتصادی کشور.

۹. کوچک‌سازی دولت، واگذاری مدیریت به مردم، توسعه شفافیت و آگاهی بخشی در سیاست‌های جدید دولت، از جمله توسعه بازار سرمایه یک ضرورت جدی است. ورود میلیون‌ها سرمایه‌گذار خرد باید همراه با آگاهی از ماهیت ریسک‌پذیر بودن این بازار باشد تا ضمن توسعه مشارکت مردم در بازار سرمایه، طراحی ابزارهای مناسب برای تامین سرمایه‌بنگاه‌های اقتصادی و جلوگیری از تسلیم دولت در مقابل رویکردهای سوداگرانه (همچون پرداخت بدهی و زیان موسسات مالی و اعتباری) مورد توجه قرار گیرد. در غیر این صورت رونق بورس بدون آگاهی لازم و پذیرش مسئولیت ریسک توسط سرمایه‌گذاران و بدون طراحی ابزارهای مالی که به تامین نقدینگی بنگاه‌های اقتصادی تولید کمک کند، به زیان قشر فقیر جامعه و ایجاد نابرابری بیشتر منجر خواهد شد.

۱۰. همه این‌ها جز با انتخاب وزیران و مدیران ارشد شایسته، سالم، مشورت‌پذیر، با جسارت و تحول‌گرا ممکن نیست. عزم جدی در حکمرانی لازم است تا رویه مخرب انتخاب مدیران مبتنی بر لابی و سهم‌دهی به جریان‌های سیاسی، تغییر یابد. این مهمترین و ضروری‌ترین تغییر در رویکردهای

مدیریتی کشور و زیربنای تحول در حوزه‌های مختلف است.

حکومت موظف است تمام امکانات خود را برای تامین مهمترین حقوق مردم به کار گیرد:

(۱) رفع تبعیض‌های ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه.

(۲) ایجاد اقتصادی عادلانه جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه، مسکن، کار و بهداشت،

(۳) تأمین حقوق همه جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون.

(۱) تقویت و توسعه گفتگوی ملی.

(۲) بازگشت ایرانیان به آغوش کشور.

(۳) چرخش چرخ زندگی مردم و کسب و کارها.

(۴) اعتماد به مردم و ارتقاء نشاط اجتماعی.

(۵) توجه جدی به حل بحران محیط زیست و آب.

(۶) جوان سازی نظام مدیریت کشور.

(۷) نوسازی نظام تدبیر و کشورداری.

پیگیری این مطالبات فوق جزو اولویتهای و زیرساختی‌ترین امور کشور است که مجلس باید در کنار راهکارهای دهگانه فوق، وجه همت و اولویت خود قرار دهد.

## نتیجه‌گیری

احتمالاً «تاج ویروس» اسم با مسمایی برای کروناست، چرا که تاج پادشاهی بر سر نهاده و مدتی است تمدن بشری را زمین‌گیر کرده و معلوم هم نیست چه موقع انسان موفق می‌شود بر او فائق آید. چنان‌که دیدیم برخی از تصمیمات و اقدامات ستاد ملی مبارزه با کرونا منطبق بر ملاک‌های حکمرانی خوب نبوده است. گرچه در کشور ما، کنش‌های مثبت و مهمی همچون تعطیلی مدارس و دانشگاه‌ها، اماکن متبرکه، نماز جمعه و سایر مکان‌های ایجاد تجمعات انسانی انجام گرفته، اما تصمیمات شجاعانه‌تری نیاز است، از جمله اعلام قرنطینه سراسری یا ایزوله و جدا کردن بیماران یا افراد مشکوک به کرونا که در مراحل اولیه و خفیف بیماری هستند. البته اگر کمبود منابع مالی مانع از اجرای کامل قرنطینه می‌شود، حداقل انتظار این است که دولت موثر بودن قرنطینه سطح چهارم

را بپذیرد و صادقانه از ناتوانی خود برای جبران ضرر و زیان کسب‌وکارها بگوید و در عین حال، یک مدد ملی برای همیاری طلب کند. در واقع دولت می‌تواند با هوشیاری، از بحران کرونا فرصت وحدت ملی بسازد و به این ترتیب، برخی نواقص عملکردی قبلی خود در مورد کرونا و سایر موضوعات را تا حدود زیادی جبران کند. شکست دادن کرونا تصمیمات پیش‌نگر و فراکنشی می‌طلبد. این ویروس از تصمیمات کُند و منفعلانه خوشحال می‌شود و به تاخت و تاز خود ادامه می‌دهد. خواهش و تمنا و التماس و زانو زدن نتیجه نداده است. به علاوه، برای مقابله با کرونا، به‌دست آوردن زمان، یک مساله اساسی است، به طوری که با تعداد اندک مبتلایان روزانه و ایجاد تعادل و موازنه بین ورودی و خروجی بیمارستان‌ها، هم بخش بهداشت و درمان مستهلک نمی‌شود و می‌تواند به بیماران کرونایی و غیرکرونایی خدمات‌رسانی کند و هم در این فاصله می‌توان امید داشت که داروی مطمئنی برای درمان کووید-۱۹ ساخته شود. جان م. باری در کتاب آنفلوآنزای بزرگ، مهم‌ترین درس از این پاندمی را حفظ و تقویت اعتماد عمومی می‌داند. آنفلوآنزای بزرگ که از ژانویه ۱۹۱۸ تا دسامبر ۱۹۲۰ میلادی حدود ۵۰۰ میلیون نفر از مردم جهان را آلوده کرد و طبق برخی برآوردها تا ۵۰ میلیون نفر قربانی گرفت (نزدیک به ۳ درصد جمعیت جهان در آن زمان)، یکی از مرگبارترین پاندمی‌های تاریخ است. بنابر یافته‌های این کتاب، شکست کشورها در مواجهه با این بیماری به دلیل فقدان اعتماد مردم به حکومت‌ها بود، چراکه برای اجرای هر برنامه ملی، وجود حداقلی از سرمایه اجتماعی ضروری است. بنابراین، مسوولان کشورها باید تقویت اعتماد عمومی را در اولویت قرار دهند. به این منظور آنها نباید هیچ رویداد خوب یا بدی در مورد بیماری را تحریف، دستکاری یا کتمان کنند، نباید بر واقعیت‌های ناخوشایند، چهره‌ای خوشایند پوشانند و همیشه باید آماده پاسخگویی به ابهامات جامعه باشند. بدون اعتماد تمامی روابط و ارتباطات بشری آسیب می‌بیند.

## Abstract

The shock of the world, the earthquake on human civilization and the creation of a strange and unfamiliar situation have been the result of the coronavirus. One of the most exceptional crises in human history, which multiplied rapidly around the globe due to the process of globalization. The world has seen great change in a very short time. Of course, we are still in the midst of the turmoil of this rebellious wave, and naturally more accurate and in-depth analyzes of the Corona event will be possible after the global turmoil subsides. However, the Corona virus is still a silent killer and, at the same time, agile and agile. He acts smart to survive. Corona has shown that he is one step ahead of man and surprises man. So to deal with this new and unusual virus, conventional management methods are nowhere to be found anywhere in the world. Cuid-19 is a benchmark for measuring the efficiency of governments and governments around the world. Overcoming Corona is so important to countries that even Xi Jinping, the leader of the Communist Party and President of China, sees the fight against Corona as a great test to prove the ability of the country's system and governance. The Singaporean health minister also said that good governance, along with the health and well-being of a society and the accumulation of social capital, were the three prerequisites for overcoming the Coronavirus crisis. The country's governing system stated.

**Keywords:** Corona, Governance, Governments, Social Capital, Crisis



# کاربرد استراتژی مدیریت دانش با استفاده از رویکرد تلفیقی ANP و DEMATEL (مطالعه موردی شهرداری استان تهران)

مهندس سعیده خلیلی

## چکیده

مدیریت دانش به سازمان‌ها کمک می‌کند تا اطلاعات و مهارت‌های مهم را که به عنوان حافظه سازمانی محسوب می‌شوند و به طور معمول به صورت سازماندهی نشده وجود دارند، شناسایی، انتخاب، سازماندهی و منتشر نمایند. این امر سازمان را به صورت کارا و موثر برای حل مسائل یادگیری، برنامه‌ریزی راهبردی و تصمیم‌گیری‌های پویا قادر می‌سازد. از آنجایی که امروزه، شهرها به ویژه کلان شهرها، کانون‌های اصلی جمعیت، اشتغال، اقتصاد، تحولات اجتماعی، فرهنگی و سیاسی کشور هستند، رشد و بالندگی همه جانبه و مطلوب شهرها و کلان شهرها در آینده مشروط به برنامه‌ریزی، بودجه‌ریزی، سازماندهی، هدایت و نظارت هدفمند امور و افزایش بهره‌وری دانش سازمانی و کارکنان شهرداری‌های به عنوان نهاد متولی این امور است. با انجام این پژوهش می‌توان انتظار داشت که مدیران شهرداری تهران اولاً بتوانند سطح پیاده سازی مدیریت دانش در سازمان خود را تشخیص دهند و از سوی دیگر راهی بهینه برای انتخاب استراتژی مدیریت دانش بیابند. نتایج این پژوهش مختص شهرداری تهران نخواهد بود بلکه کلیه سازمان‌هایی که برای دانش سازمانی خود ارزش قائل هستند، از دستاوردهای نهایی، بهره‌مند خواهند شد. جهت دستیابی به هدف پژوهش که اولویت‌بندی استراتژی‌های مدیریت دانش می‌باشد، بر اساس مدل سلسله مراتبی پیشنهادی، سه پرسشنامه بین مدیران و کارکنان شهرداری تهران توزیع گردید. پس از بررسی پایایی و روایی ابزار گردآوری داده‌ها پژوهش، با استفاده از تکنیک DEMATEL و ANP استراتژی‌های مدیریت دانش در سازمان شهرداری تهران مورد اولویت‌بندی قرار گرفت. نتایج حاصل از رویکرد تلفیقی ANP و DEMATEL در خصوص تعیین وزن معیارها و اولویت‌بندی استراتژی‌های مدیریت دانش بیانگر این است که حمایت مدیریت، مهمترین معیار در انتخاب استراتژی‌های مدیریت دانش در شهرداری

تهران می‌باشد. همچنین نتایج رویکرد تلفیقی حاکی از این است که بهترین استراتژی مدیریت دانش برای شهرداری تهران، استراتژی اجتماعی سازی می‌باشد بنابراین سازمان مورد بررسی باید با ارائه‌ی آموزشها مشوق‌های لازم، زمینه‌ی اجتماعی سازی دانش، کار تیمی، تبادل افکار، ایده‌ها، دانش و اطلاعات، تجربیات، روش‌های انجام کار، خلاقیت‌ها و نوآوری‌ها را فراهم سازد.

**کلمات کلیدی:** استراتژی مدیریت دانش، تکنیک فرآیند تحلیل شبکه‌ای، تکنیک دیماتل، شهرداری تهران

## ۱-۱ مقدمه

در اقتصاد کشورهای پیشرو، موازنه میان دانش و سایر منابع، به نفع دانش تغییر یافته است؛ به گونه‌ای که دانش به عاملی تعیین کننده در زندگی حتی بیش از زمین، کار و سرمایه تبدیل شده است. یادگیری سازمانی یکی از مؤلفه‌های بحرانی در هوش سازمانی است که به معنای توانایی حل مسائل و مشکلات آن سازمان می‌باشد. به این ترتیب یادگیری سازمانی منبعی راهبردی محسوب می‌گردد که در تمام سطوح سازمانی ظاهر می‌شود و مهمترین راه برای بهبود سطح یادگیری سازمان نیز مدیریت دانش ضمنی کارکنان و تبدیل آن به دانش صریح می‌باشد. می‌توان استراتژی دستیابی به مدیریت دانش را جزء ضروریات سازمان‌های کنونی دانست زیرا از یک سو حوزه منابع انسانی آنها را در مقابل رقبا بی‌بدیل خواهد ساخت و از سوی دیگر می‌تواند بر سایر ابعاد سازمان همچون چابکی سازمان و یا کیفیت خدمات و عملکرد آن اثرگذار باشد (صمدیان و سیدعلوی، ۱۳۹۰) که این پژوهش نیز در جهت انتخاب مناسب‌ترین استراتژی مدیریت دانش در سازمان طراحی شده است.

## ۱-۲ بیان مساله

در اقتصاد دانش محور، محصولات و سازمان‌ها بر اساس دانش زندگی می‌کنند و می‌میرند و موفق‌ترین سازمان‌ها، آنهایی هستند که از این دارایی نامشهود به نحوی بهتر و سریعتر استفاده کنند. از دیدگاه استراتژیک، امروزه از مدیریت دانش و سرمایه‌های فکری به منظور خلق و افزایش ارزش سازمانی استفاده می‌شود و موفقیت هر سازمانی به مدیریت این منابع کمیاب بستگی دارد (Lambe, 2011). یکی از ویژگی‌های سازمان‌های جدید انباشتگی بیش از حد دانش است، به طوری که افزایش حجم اطلاعات در سازمان‌ها و لزوم استفاده از آن در تصمیم‌های سازمانی طی دو دهه اخیر باعث ظهور پدیده‌های به



نام مدیریت دانش شده است (Wiig2007) این امر ضرورت برنامه‌ریزی، سازماندهی، رهبری و پایش دانش سازمانی و همچنین مدیریت فرآیند دسترسی به دانش درست به گونه‌ای که کارایی و اثر بخشی داشته باشد را نشان می‌دهد (Neely and Marr, 2002) در عصر کنونی سازمان‌ها دریافته‌اند که عمر آنها تداوم نخواهد داشت مگر اینکه یک راهبرد برای مدیریت و ارزش‌گذاری دانش سازمانی خود داشته باشند (Price-Phylpo & Wieneke, 2010) لذا راهبردها و چرخه‌هایی برای اجرای مدیریت دانش ارائه شده است. با تحولات رخ داده در عرصه جهانی، اکنون توجه مدیران و نظریه‌پردازان مدیریت، بیش از پیش به دارایی‌های فکری سازمان‌ها معطوف شده است (حسن زاده، ۱۳۸۵). مدیریت دانش، طراحی هوشمندانه فرآیندها، ابزار، ساختار و غیره با قصد افزایش، نوسازی، اشتراک یا بهبود استفاده از دانش است که در هر کدام از سه عنصر سرمایه فکری یعنی ساختاری، انسانی و اجتماعی نمایان می‌شود (81, al et Seemann, 1999) مدیریت دانش به سازمان‌ها کمک می‌کند تا اطلاعات و مهارت‌های مهم را که به عنوان حافظه سازمانی محسوب می‌شوند و به طور معمول به صورت سازماندهی نشده وجود دارند، شناسایی، انتخاب، سازماندهی و منتشر نمایند. این امر سازمان را به صورت کارا و موثر برای حل مسائل یادگیری، برنامه‌ریزی راهبردی و تصمیم‌گیری‌های پویا قادر می‌سازد. مدیریت دانش بر شناسایی دانش و ارائه آن تاکید می‌ورزد، به روشی که بتواند به صورت رسمی به اشتراک گذاشته شود و در نتیجه دوباره مورد استفاده قرار گیرد (Gupta, 2000) اگرچه در مورد تعریف مدیریت دانش و حیطه‌های آن توافق کلی وجود ندارد، اما متون مختلف در این نکته اتفاق نظر دارند که برای موقعیت‌ها و سازمان‌های متفاوت، راهبردهای متفاوتی برای اجرای مدیریت دانش وجود دارد (امیرخانی، ۱۳۸۳، ۱۰۲). بنابراین، امروزه با توجه به شرایط رقابتی، دانش به عنوان با اهمیت‌ترین سرمایه، جایگزین سرمایه‌های مالی و فیزیکی شده است. لذا، هر شرکت می‌بایست برای حفظ بقاء در بازار به منظور کسب دانش، تلاش مضاعف نماید (al et Chen, 2004). از طرف دیگر، کسب و کار دانش محور، نیازمند رویکردی است که دارایی‌های نامشهود سازمانی نظیر دانش و شایستگی‌های منابع انسانی، نوآوری، روابط با مشتری، فرهنگ سازمانی، رویه‌ها و ساختار سازمانی را در بر گیرد. در این راستا، مفهوم سرمایه فکری (IC) در قالب مدیریت دانش، توجه پژوهشگران دانشگاهی و دست‌اندرکاران سازمانی را به خود جلب نموده است (Bontis, 2001) مطالعات اجمالی نشان می‌دهد در بخش دولتی کشور ما، پدیده مدیریت دانش بیشتر بر جنبه استخراج دانش پنهان و مستندسازی تجارب مدیران تمرکز می‌یابد در حالیکه اجرای مدیریت دانش در بخش خصوصی بر کاربرد دانش به منظور تولید محصولات یا ارائه خدمات جدید تاکید دارد. اگر چه دستیابی

به هریک از اهداف فوق مسیر جداگانه‌ای داشته و از شرایط خاص خود برخوردار است، اما در عین حال مستلزم تبعیت از اصولی است که اجرای مدیریت دانش را در پروژه‌ها در نهایت به کسب مزیت رقابتی و توسعه سازمانی منجر نماید (خرقانی و سلسله، ۱۳۸۶)

### ۱-۳ ضرورت و اهمیت موضوع

در حقیقت نفوذ مدیریت دانش در کشورهای توسعه یافته در جهت آشتی دادن به تنش تئوری و عمل است. این در حالی است که در اغلب کشورهای در حال توسعه، این حلقه‌ها به شکل جزیره‌ای جدا از هم موجودند و یک استراتژی برای پیوند دادن بین آنها موجود نیست. دانش بدون توجه به محمل کاربرد تولید می‌شود و تولید کنندگان دانش، مرجعی را برای به کار بستن دستاوردهای خود نمی‌یابند. چرخه مدیریت دانش در سطح خرد به دنبال یافتن دانش موجود در سازمان که از قبل خلق شده (حلقه خلق دانش)، در قالب مناسب آن ریختن (حلقه سازماندهی)، تبادل (شریک کردن ذینفعان دانش) و به کار بستن (انعکاس دانش و تبلور آن به شکل یک محصول یا خدمت) است. در سطح کلان نیز با استفاده از رویکرد مدیریت دانش می‌توان حلقه‌های منتزع و جدا از هم تولید، سازماندهی، تبادل و به کار بستن دانش را برای تبلور دانش در قالب محصولات و خدمات (صریح‌سازی دانش) یکپارچه نمود. تمامی این مراحل نیازمند ایجاد استراتژی واحد مدیریت دانش سازمانی می‌باشد تا این بخشها را به یکدیگر مرتبط سازد. با انجام این پژوهش می‌توان انتظار داشت که مدیران سازمان مورد بررسی اولاً بتوانند سطح پیمادهسازی مدیریت دانش در سازمان خود را تشخیص دهند و از سوی دیگر راهی بهینه برای انتخاب استراتژی مدیریت دانش بیابند. نتایج این پژوهش مختص شهرداری تهران نخواهد بود بلکه کلیه سازمان‌هایی که برای دانش سازمانی خود ارزش قائل هستند، از دستاوردهای نهایی، بهره‌مند خواهند شد. یکی از سازمان‌هایی که افزایش بهره‌وری کارکنان و توجه به دانش سازمانی در آن اهمیت زیادی دارد شهرداری‌ها هستند. در واقع شهرداری عبارت است از: «یک سازمان گسترده و متشکل از تمام عناصر و اجزای رسمی و غیررسمی ذیربط و موثر در ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی و کالبدی حیات شهرها با هدف اداره، هدایت، و توسعه همه جانبه و پایدار شهر و زندگی شهری». این توسعه پایدار و همه جانبه زمانی عملی خواهد شد که بهره‌وری سازمان شهرداری در حد مطلوبی بوده و کارکنان بتوانند با افزایش بهره‌وری خود بیشترین خدمت را در جهت دستیابی به رضایت شهروندان ارائه کنند (برکیور و همکاران، ۱۳۸۹) به منظور افزایش بهره‌وری کارکنان در

سازمان‌ها به خصوص شهرداری‌ها باید به مفهوم هوش سازمانی، مدیریت دانش و نحوه دستیابی به آن توجه ویژه‌ای شود. از آنجایی که امروزه، شهرها به ویژه کلان شهرها، کانون‌های اصلی جمعیت، اشتغال، اقتصاد، تحولات اجتماعی، فرهنگی و سیاسی کشور هستند، رشد و بالندگی همه جانبه مطلوب شهرها و کلان شهرها در آینده مشروط به برنامه‌ریزی، بودجه‌ریزی، سازماندهی، هدایت و نظارت هدفمند امور و افزایش بهره‌وری دانش سازمانی و کارکنان شهرداری‌های به عنوان نهاد متولی این امور است (رحیمی کیا و همکاران، ۱۳۹۰) از این رو می‌توان با توجه به نقش حساسی که این سازمان در رشد و اعتلای کشورمان دارد به انتخاب استراتژی دانش آن بپردازیم.

#### ۴-۱- اهداف پژوهش

- ۱- شناسایی شاخص‌های اثرگذار بر انتخاب استراتژی مدیریت دانش
- ۲- ارائه مدل تلفیقی انتخاب استراتژی مدیریت دانش با رویکرد ANP و DEMATEL
- ۳- انتخاب استراتژی مدیریت دانش در شهرداری تهران با استفاده از رویکرد تلفیقی ANP و DEMATEL

#### ۵-۱- سوالات پژوهشی

- به علت ماهیت اکتشافی پژوهش، در مطالعه حاضر به جای فرضیات از سوالات پژوهشی استفاده می‌گردد که بر مبنای اهداف طراحی شده است:
- ۱- مهمترین شاخص‌های اثرگذار بر انتخاب استراتژی مدیریت دانش چیست؟
  - ۲- مدل تلفیقی انتخاب استراتژی مدیریت دانش با رویکرد ANP و DEMATEL به چه صورت است؟
  - ۳- استراتژی مدیریت دانش منتخب در شهرداری تهران با استفاده از رویکرد تلفیقی مرحله قبل چیست؟

#### ۶-۱- قلمرو پژوهش

##### ۶-۱-۱- قلمرو موضوعی پژوهش

موضوعات مرتبط با پژوهش حاضر در قلمرو مباحث مدیریت دانش و سازمان‌های دولتی قرار می‌گیرد که در این پژوهش تمرکز اصلی بر روی شناسایی معیارهای انتخاب استراتژی مدیریت دانش و نیز استراتژی اصلی مدیریت دانش در شهرداری تهران می‌باشد.

## ۱-۶-۲ قلمرو

این پژوهش در بین کلیه مدیران و کارکنان شهرداری تهران صورت می‌گیرد. بنابراین محیط پژوهش را شهرداری تهران و قلمرو پژوهش را شهر تهران تشکیل می‌دهد.

## ۱-۶-۳ زمانی قلمرو

داده‌های مرتبط با این پژوهش نیز در مقطع کنونی از جامعه آماری پژوهش که کلیه مدیران و کارکنان شهرداری تهران می‌باشند، گردآوری گردید و تحلیل داده‌ها نیز در همین مقطع انجام شده است.

## ۱-۷- شرح واژه‌ها و اصطلاحات به کار رفته در پژوهش

### - مدیریت دانش (Management Knowledge)

مجموعه‌ای از فعالیتهای منظم و سیستماتیک سازمانی که جهت دستیابی به ارزش بزرگتر از طریق دانش در دسترس (کلیه تجربیات و آموخته‌های افراد یک سازمان و کلیه اسناد و گزارش‌ها در داخل یک سازمان)، صورت می‌پذیرد. مدیریت دانش سازمانی در واقع رویکردی نوین به منابع و عوامل قدرت سازمانی و باور به اهمیت و ارزش انسان‌ها و قابلیت خلاقیت و نوآوری آنها است. از این دیدگاه است که خلق و کسب دانش سازمانی، حفظ و نگهداری آن، توزیع و تسهیم آن، کاربرد آن و نهایتاً توسعه و تکامل آن به مهمترین دغدغه و وظیفه مدیران سازمان‌ها تبدیل شده است (al et Chen, 2009)

### - استراتژی مدیریت دانش (Strategy Management Knowledge)

راهبرد مدیریت دانش مسیر حرکت در جهت اهداف سازمان را مشخص می‌نماید که هدف اصلی آن بالفعل ساختن مدیریت دانش در سازمان است. در راهبرد مدیریت دانش فرآیند پیاده‌سازی، فعالیت‌ها و استانداردهای اجزاء اصلی راه حل‌ها مد نظر قرار می‌گیرند. مجموعه عملیات‌ها و فعالیت‌های سازمان در پرتو راهبرد مدیریت دانش موجب می‌گردد تا نظام مدیریت دانش به صورت موثر و کارآمد عمل نماید، به فرهنگ سازمان ملحق گردد و در راستای حمایت از سازمان، به کارکرد موثر خود ادامه دهد (Jong & Choi, 2010)

## سازمان‌های یادگیرنده و دانشی

طی ۱۰ سال گذشته، عوامل اقتصادی، اجتماعی و فناوری متعدد به طور فزاینده‌ای تشدید و

موجب تغییر کلی محیط کار شده‌اند. این تغییرات چنان سریع اتفاق افتاده و رقابت نیز چنان زیاد شده است که سازمان‌های دیناسوری عظیم با مغزهای کوچک رشد یافته در قرن بیستم، نمی‌توانند در دنیای جدید قرن بیست و یکم دوام بیاورند. هریسون اون (۱۹۹۱) در کتاب خود با عنوان «بیرسواری: انجام کسب و کار در دنیای در حال تحول» می‌نویسد: «زمانی وظیفه یاصلی کسب و کار، سودآوری و تولید محصول بود. اکنون وظیفه‌ی اصلی کسب و کار تبدیل شدن به سازمان یادگیرنده‌ی اثربخش از تغییرات رخ داده است (Owen, ۱۹۹۱) این بدان معنی نیست که سود و محصول، دیگر مهم نیست بلکه بدین معناست که بدون یادگیری مستمر دستیابی به آنها ناممکن خواهد بود». به طور خلاصه، تغییرات عوامل خارجی مستلزم انطباق یا انقراض سازمانی هستند و تنها شرکت‌هایی که بتوانند خود را به نیروی محرکه‌ی هوشمندتر و کارآمدتر در برابر تغییرات، تبدیل کنند، در هزاره‌ی نوین موفق خواهند بود. همان طور که یکی از پیشگامان سازمان‌های یادگیرنده به نام رچینالد ریوانز (۱۹۸۲) اشاره می‌کند: «یادگیری در درون سازمان باید مساوی یا بیشتر از تغییر خارج از سازمان باشد، در غیر این صورت سازمان می‌میرد» (Revans, 1982). در نتیجه، سازمان‌هایی که سریع‌تر یاد می‌گیرند، با سرعت بیشتری خود را با شرایط محیطی تطبیق داده و مزیت‌های استراتژیک چشمگیری را در دنیای کسب و کار به دست می‌آورند. سازمان یادگیرنده‌ی نوین قادر است که نوبغ جمعی افراد خود را در سطوح فردی، گروهی و سازمانی پرورش دهد. این قابلیت که با شرایط سازمانی، فناوری، مدیریت دانش و توانمندسازی افراد عجین می‌شود، سازمان‌ها را قادر می‌سازد تا از تبعات منفی رقابت به دور باشند. هشت عامل مهمی که دنیای کسب و کار را تغییر داده و یادگیری سازمانی گسترده را در قرن بیست و یکم اجتناب‌ناپذیر خواهند نمود، به شرح زیر هستند:

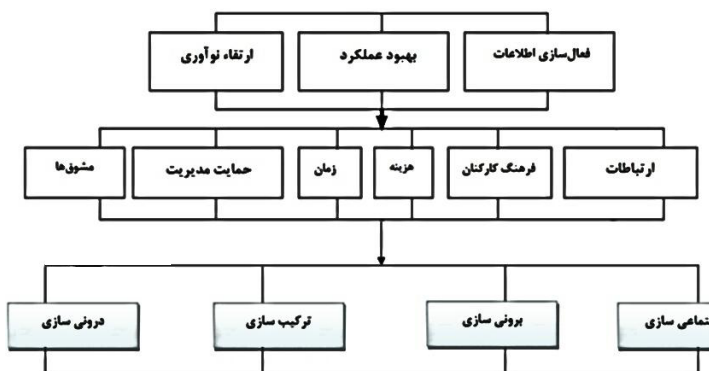
۱. جهانی سازی و اقتصاد جهانی
۲. فناوری
۳. تحول اساسی دنیای کار
۴. نفوذ فزاینده‌ی مشتری
۵. پیدایش دانش و یادگیری به عنوان دارایی‌های عمده‌ی سازمانی
۶. تغییر نقش‌ها و انتظارات کارکنان
۷. تنوع و تحرک نیروی کار
۸. تغییر و آشوب‌های در حال گسترش

این ضرورت‌ها باعث شد تا در اوایل دهه‌ی ۱۹۹۰، تعدادی از سازمان‌ها فرایند تبدیل شدن به سازمان یادگیرنده را آغاز کنند. شرکت‌هایی چون کورنینگ، فدرال اکسپرس، فورد، جنرال الکتریک، موتورولا و پسیفیک بل در آمریکا، شرکت‌های آ.ب.ب، رور و شیرنس استیل در اروپا و شرکت‌های سامسونگ و هواپیمایی سنگاپور در آسیا را می‌توان جزو اولین پیشگامان موفق این دهه نامید. این شرکت‌ها دریافتند که گسترش همکاری، یادگیری‌های سازمانی وسیع و بهبود خدمات و محصولات ناشی از آن بهترین راه حفظ بقا و موفقیت است. چراکه انتظارات و انتخاب‌های مشتریان شرکت‌ها را مجبور می‌کند تا به طور مستمر راه‌های جلب رضایت مشتری را یاد بگیرند و تغییرات سریع و مداوم در مهارت‌هایی که کارکنان نیاز دارند، آنها را به اجبار به سازمان‌هایی یادگیرنده مبدل خواهد کرد. سازمانی که قادر باشد تمام این عوامل را کنترل نموده و به نحوی نظام‌مند موجب هم‌افزایی آنها گردد، مسیر موفقیت را برای صعود به مرحله‌ی بعدی زندگی سازمانی که همان یادگیری است، بیماید. آنچه افراد و سازمان‌ها برای بقا و موفقیت باید بیاموزند چیزی جز دانش جدید و مرتبط نیست (رادینگ، ۱۳۸۳).

## ۲-۳- مفهوم مدیریت دانش

دانش بیش از هر منبع گرانبهایی چون منابع مالی، موقعیت بازار و یا فناوری برای سازمان‌ها اهمیت یافته است. چرا که از آن به عنوان منبع اصلی در انجام کارهای سازمان یاد می‌شود. سنت‌ها، فرهنگ، فناوری، اقدامات، تیم‌ها و رویه‌های سازمان همگی بر پایه‌ی دانش و تخصص بنا شده‌اند. دانش برای افزایش قابلیت‌های کارکنان به منظور گسترش و اجرای بهبودها و ارائه خدمات باکیفیت به مشتریان لازم است (خرقانی و سلسله، ۱۳۸۶) دانش برای روزآمدسازی محصولات و خدمات، تغییر نظام‌ها و ساختارها، و دستیابی به راه حل مشکلات، ضروری است. در اقتصاد نوین مبتنی بر دانش، افراد در تمام سطوح و انواع شرکت‌ها برای گسترش دانش، به چالش کشیده خواهند شد تا مسئولیت ایده‌های جدید خود را بپذیرند و تا جایی که می‌توانند آنها را پیگیری کنند. وظیفه‌ی رهبر همانا خلق محیطی خواهد بود که به کارکنان امکان افزایش دانش و عمل بر مبنای آن را بدهد. دانش به طور مستمر در هر گوشه‌ای از کره‌ی زمین خلق شده و هر ۲ تا ۳ سال، دو برابر می‌شود. (رادینگ، ۱۳۸۳) . توماس استیوارت (۱۹۹۱) اذعان میدارد که قدرت فکری در گذشته هرگز برای کسب و کار بسیار مهم نبوده است. اما امروزه، شرکت‌ها بیشتر بر دانش، ثبت اختراعات، فرایند، مهارت‌های مدیریتی، فناوری، اطلاعات در مورد مشتریان، عرضه کنندگان و تجربیات پیشین خود تکیه دارند. وجود چنین

دانشی در سازمان می‌تواند برای ایجاد مزایای مختلفی به کار گرفته شود. به بیان دیگر، دانش، مجموع هر چیزی است که کارکنان شرکت شما می‌دانند و این برای شما سلاح رقابتی در بازار را به وجود می‌آورد (Stewart, 1997). رابرت ریچ (۱۹۹۱) وزیر کار سابق ایالات متحده اذعان می‌دارد که «دیگر شرکت‌ها آنچنان بر محصولات تأکید نمی‌کنند بلکه استراتژی‌های کسب و کار آنان به طور فزاینده‌ای بر دانش تخصصی تمرکز یافته است» (Williams & Shawa, 2009) تا زمانی که شرکت تعریف خود را از دانش تعیین نکرده و نوع دانشی که از نظر سازمانی اهمیت دارد، شناسایی ننموده است، قادر به مدیریت دانش عملیاتی خود نخواهد بود. پر واضح است که همه‌ی دانش‌ها ارزش یکسانی ندارند. شکل زیر سلسله مراتب یا پیوستار دانش را نشان می‌دهد. در سطوح بالاتر سلسله مراتب دانش، پهناء، ژرفا، معنا، مفهوم و ارزش آن افزایش می‌یابد.



شکل ۳-۱ مدل سلسله مراتبی پژوهش

البته، علاوه بر توسعه‌ی سیستم مبتنی بر دانش سازمان و حافظه سازمانی، شناخت انواع و ارزش‌های مختلف دانش مهم است. شرکت‌هایی که به چنین شناختی مجهز می‌شوند، قادر به پیگیری اثربخش نیازهای سازمان خود خواهند بود. با وجود آنکه دانش به آسانی قابل اندازه‌گیری نیست، سازمان‌ها بایستی دانش را به منظور دستیابی به مزایایی که از مهارت‌ها، تجارب و دانش ضمنی کارمندان در سیستم و ساختارشان، قابل اکتساب است، به طور مؤثر مدیریت کنند (al et Hung, 2005). بدلیل اینکه اغلب تعاریف ارائه شده از سوی پژوهشگران بیشتر بر پایه زمینه‌ها و علایق شخصی آنان بوده است، لذا یکی از مهمترین چالش‌های شناسایی شده، توانایی فهم مدیریت دانش و اهداف آن است (et Pina) الگوهای چهارگانه ایجاد دانش در هنگام تغییرات پروژه‌های سازمانی نوناکا (۱۹۹۵) استاد مدیریت دانشگاه هیئتوتسوباشی در توکیو، چنین می‌نویسد: «شرکت‌های موفق، سازمان‌هایی هستند

که به طور ثابت به خلق دانش نوین از تغییرات رخ داده و توزیع آن در سراسر سازمان پرداخته به سرعت این دانش نوین را در فناوری‌های محصولات نوین به کار می‌گیرند». در واقع او می‌خواهد بیان کند که «ایجاد دانش باید جزء کانون استراتژی سازمانی شرکت» باشد (Takeuchi, 1995, Nonaka & Nonaka) نوناکا، چهار الگوی تعاملی بین دانش ضمنی و صریح را در ایجاد یا توسعه‌ی دانش سازمانی شناسایی نموده است:

- ضمنی به ضمنی: این شکل رشد دانش هنگامی اتفاق می‌افتد که فرد دانشی را به شخص دیگری در یک رابطه‌ی استاد شاگردی انتقال دهد.

- صریح به صریح: ترکیب و تلفیق دانش صریح موجود حاصل می‌شود، همانند زمانی که شرکت گردآوری و ترکیب اطلاعات را کنترل می‌کند.

- ضمنی به صریح: هنگامی اتفاق می‌افتد که فردی دانش موجود را کسب کرده و به دانش ضمنی خودش اضافه می‌نماید و دانش جدیدی را که می‌تواند در سراسر سازمان به اشتراک گذاشته شود، ایجاد می‌کند.

- صریح به ضمنی: این شکل خلق دانش هنگامی رخ می‌دهد که دانش صریح نوین به وسیله اعضای سازمان برای خلق دانش ضمنی جدید درونی می‌شود، همانند زمانی که فرایند بودجه‌ریزی نوین پیشنهادی بازرس شرکت، به شیوه‌ی استاندارد انجام امور کسب و کار تبدیل می‌شود.

الگوهای چهارگانه‌ی مزبور در شرکت‌های دانش محور، به طور پویا در یک چرخه‌ی مارپیچی دانش با هم در تعامل هستند. این الگوها، به نیروی خلق دانش نوین تبدیل می‌شوند به طوری که تعاملات مختلف بین آنها، تعهد شخصی و انرژی قابل توجهی ایجاد می‌کنند.

فعالیت‌های خلق دانش: سازمان ممکن است تعدادی از فعالیت‌های زیر را برای ارتقای خلق دانش انجام دهد:

یادگیری عملی: این رویکرد به خلق دانش، رهیافتی است که شامل کار کردن بر روی مسائل واقعی، تمرکز بر کسب یادگیری و سپس اجرای راه حل‌ها است. معادله‌ی یادگیری عملی بدین ترتیب است: یادگیری = دانش برنامه‌ریزی شده (دانشی که در حال حاضر به کار گرفته می‌شود) + سؤال کردن (بصیرت‌های جدید در حوزه‌هایی که هنوز شناخته نشده‌اند). یادگیری عملی، تجربه و دانش فرد یا گروه را به وسیله‌ی افزایش مهارت و طرح سؤالات ارزیابی که منجر به دانش نوین می‌شوند، ایجاد می‌کند.



حل نظام‌مند مسأله: کارکنان باید در اندیشه کردن خود، توجه بیشتری به جزئیات داشته، به طور مستمر بر دقت تأکید کرده، و برای دستیابی به علل عوامل به فراتر از عارضه‌های مشهود توجه نمایند (Edwards, 2008) آزمایش (تجربه). این شکل خلق دانش متفاوت از یادگیری عملی و حل سیستماتیک مسأله است. برای اینکه نه توسط موقعیت‌های فعلی یا مشکلات بلکه به وسیله‌ی فرصت‌ها و توسعه‌ی افق‌ها برانگیخته می‌شود. مثالهای مربوط به آزمایش (تجربه)، شامل توسعه‌ی نوآوری‌های اصیل از طریق پژوهش و توسعه، پروژه‌های مقدماتی، و تلاش‌های پژوهشی مستقل و یک بعدی می‌باشد. آزمایش ممکن است به شکل برنامه‌های مستمر یا از نوع پروژه‌های تجربی باشد.

### بررسی پیشینه پژوهش مدل‌های استراتژیک مدیریت دانش

به طور کلی مدل‌های بسیاری راجع به مدیریت دانش پیشنهاد شده که دارای فرایندهای متفاوتی هستند. دسته‌بندی مدل‌ها به دو گونه است: یکی از نظر دیدگاهی که زمینه‌ساز مدل هاست و دیگری با توجه به مراحل فرایندی مدل‌های ارائه شده است. در این بخش، دو نوع از گروه‌بندی دیدگاهی و یک نوع از گروه‌بندی بر مبنای فرایندها معرفی می‌شود.

#### رده بندی مدل‌ها

به عنوان مثال (al et Wallace, 2011) با مرور رده‌بندی‌های دانش در مقاله خود، مدل‌های مدیریت دانش را در چهار گروه بشرح زیر ارائه کرده‌اند:

**۱- مدل‌های شبکه‌ای:** در این نوع از مدل‌ها، تمرکز بر روی ارتباطات، کسب، تسهیم و انتقال به طریق تبادل اطلاعات افقی است. دانش‌های مهم در شبکه‌ای متشکل از افراد که به وسیله ابزار مختلف به هم می‌پیوندند. نهفته است و آگاهی از این بینش‌ها و اطلاعات خارج از گروه‌ها و تیم‌های رسمی، عامل کلیدی به شمار می‌رود. در این نگرش، ساختن روابط اجتماعی، سرمایه اجتماعی و قائل بودن روابط متقابل به عنوان کار و فعالیت اصلی دانش، مورد توجه قرار گرفته است.

**۲- مدل شناختی:** دانش به مثابه دارایی سازمان است که نیاز به دستیابی دقیق، بیان ذخیره، اندازه‌گیری، نگهداری و انتشار کنترل شده دارد. ایجاد ارزش از طریق کاربرد متوالی بهترین روش‌های حاصل و نیز پرهیز از خطاهای نا آشکار ریشه‌یابی شده و کتبی و نیز بهره‌بردن از درس‌های آموخته شده به دست می‌آید. در این نگرش بر روی استفاده دوبار، تکثیر، استانداردسازی و حذف روش‌های قدیمی که کارایی خود را از دست داده‌اند، تمرکز می‌شود.

**۳- مدل‌های انجمنی / ارتباطی:** در این مدل‌ها در باره ویژگی‌های گروه‌های کاری که باید دارای قابلیت‌هایی چون خود سازماندهی، فراگیری مستمر و تبدلات غیررسمی باشند، بحث می‌شود. دانش در تفکری ایجاد می‌شود که در یک انجمن گردش می‌کند، جایی که زبان مشترکی وجود دارد و اعتماد اجازه بهره‌برداری از مکاشفه‌ها را می‌دهد، ممکن است آرایه‌های نهفته به صورت خلاقانه برنامه‌ریزی شود و نشانه‌های مهم و راه حل‌های کاری متوالی به وسیله بیان داستان‌های کاری منتشر می‌شوند.

**۴- مدل‌های فلسفی:** در این مدل‌ها بازارها و فرایندهای داخلی بر پایه گفتگوی دو طرفه در یک زمینه استراتژیک، پرسش در مورد فرضیات و کند و کاو مداوم درباره رفتار رقبا، مورد توجه قرار می‌گیرد. این دیدگاه، شخصی سازی را مقدم بر کد کردن می‌داند و تکنولوژی کمی را مورد استفاده قرار می‌دهد. همچنین محرک‌های فرهنگی اصلی برای این کار، حف ارتباط آزاد (تبادل نظر)، تشویق، انعکاس نظرات، کنکاش خلاقانه و اثبات عقیده و نظر است. با توجه به تجربیات سازمان‌های پیشرفته در زمینه مدیریت دانش، ترکیب مدل‌های شبکه، فلسفی و انجمنی به همراه استفاده از مدل شناختی، ترکیبی مناسب برای مدیریت دانش در سازمان است و محرک‌های اصلی در این راستا، ارتباطات و روابط، اعتماد، همدلی، انجمن، گفتگوی دو جانبه عمیق و تکنولوژی برای دستیابی به گفتگو و برقراری ارتباط با ثبات هستند.

### روش پژوهش

روش انجام این پژوهش از نظر ماهیت و اهداف به صورت کاربردی و از نظر شیوه انجام پژوهش به صورت تحلیلی پیمایشی می‌باشد. هدف پژوهش‌های کاربردی توسعه دانش کاربردی در یک زمینه خاص است. به عبارت دیگر، پژوهش‌های کاربردی به سمت کاربرد عملی دانش هدایت می‌شود. پژوهش کاربردی در جستجوی یک هدف علمی است و تأکید آن بر تأمین سعادت و رفاه توده مردم و بهبود محصول یا فرایند آزمون مفاهیم نظری در موقعیت‌های مسائل واقعی است (خاکی، ۱۳۸۴) و از آنجایی که در این پژوهش در یک سازمان واقعی، عینی و زنده (پویا) صورت گرفته است و از نتایج آن می‌توان به طور عملی استفاده کرد، یک پژوهش کاربردی می‌باشد. از سوی دیگر، روش پژوهش از لحاظ نحوه گردآوری داده‌ها نیز به انواع ذیل طبقه‌بندی می‌شوند:

- پژوهش‌های توصیفی که شامل؛ پژوهش‌های پیمایشی، تحلیلی، همبستگی و موردی و... می‌باشد.
- پژوهش‌های آزمایشی

در اغلب پژوهش‌های علوم انسانی از روش توصیفی استفاده می‌شود. پژوهش‌های توصیفی شامل مجموعه‌ای از روش‌هایی است که هدف آنها توصیف کردن مورد بررسی است. با اجرای این پژوهش‌های می‌توان شرایط موجود را بیشتر شناخت و از آن در فرایند تصمیم‌گیری استفاده نمود. مطالعه توصیفی برای تعیین و توصیف ویژگی‌های متغیرهای یک موقعیت صورت می‌گیرد. از این رو هدف هر مطالعه توصیفی عبارت است از تشریح جنبه‌هایی از پدیده مورد نظر پژوهشگر و با دیدگاهی فردی، سازمانی، صنعتی و نظایر آن (سرمد و همکاران، ۱۳۸۰) در پژوهش توصیفی می‌توان جامعه مورد مطالعه را از طریق پیمایش تحت بررسی و آزمون قرار داد. پیمایش عبارت است از گردآوری اطلاعات است که با طرح و نقشه به عنوان راهنمای عملی توصیف و پیش‌بینی و یا به منظور تحلیل روابط برخی متغیرها، صورت می‌گیرد. پیمایش توصیفی، به توصیف پدیده‌های خاص در محیطی معین می‌پردازد، برای آزمون نظریه‌ها و یا پاسخگویی به پرسش‌های پژوهشی به کار می‌رود و شامل توصیف، نتیجه‌گیری و تحلیل است (آذر، ۱۳۷۳) بنابراین با توجه به مطالب مذکور، می‌توان گفت که این پژوهش، یک پژوهش توصیفی از نوع پیمایشی - تحلیلی می‌باشد. در این پژوهش از متغیر مستقل و وابسته استفاده نمی‌شود بلکه هدف آن است تا مدلی تلفیقی برای انتخاب استراتژی مدیریت دانش طراحی و مورد استفاده قرار گیرد از همین رو (استراتژی مدیریت دانش) و شاخص‌های مرتبط با آن تنها متغیر پژوهش خواهد بود. داده‌های این پژوهش با استفاده از پرسشنامه پژوهشگر ساخته گردآوری خواهد شد. در ابتدا باید کلیه شاخص‌های مرتبط با انتخاب استراتژی مدیریت دانش از پیشینه پژوهش استخراج گردد و سپس با استفاده از پرسشنامه طراحی شده مقایسه زوجی مبتنی بر تلفیق دو تکنیک ANP و DEMATEL، داده‌ها گردآوری و تحلیل گردد. سه پرسشنامه اصلی در این پژوهش استفاده خواهد شد. پرسشنامه اول با توجه به پیشینه پژوهش، شاخص‌های انتخاب استراتژی مدیریت دانش میباشند که با استفاده از پرسشنامه سنجش اهمیت و سنجش آلفای کرونباخ مورد تأیید قرار خواهند گرفت. پرسشنامه دوم پژوهش شامل استراتژی‌های مدیریت دانش، هم بر اساس پیشینه پژوهش و هم بر اساس مصاحبه با خبرگان سازمان می‌باشد و به این دلیل که به صورت زوجی سنجیده می‌شوند و فقط استراتژی‌های سازمان را شامل می‌شود، نیازی به تأیید روایی و پایایی ندارد. پرسشنامه سوم نیز برای سنجش اثرات معیارهای انتخاب استراتژی‌های مدیریت دانش بر یکدیگر طراحی شده است. دلیل اصلی استفاده از این مدل تلفیقی، نوآوری آن در حوزه مدیریت دانش در سازمان‌های ایرانی است. پیش از این، تکنیک‌های تصمیم‌گیری به صورت منفرد، تا حد زیادی در تمامی جنبه‌های سازمانی

مورد استفاده قرار گرفته‌اند اما این شیوه برای اولین بار در سازمان‌های ایرانی مورد استفاده قرار خواهد گرفت و در صورت کاربردی بودن، سایر سازمان‌ها نیز از آن بهره‌مند خواهند شد. از سوی دیگر، هریک از تکنیک‌های تصمیم‌گیری دارای محدودیت‌هایی است. به عنوان مثال تکنیک ANP روابط بین شاخص‌ها را در نظر می‌گیرد اما روابط علت و معلولی را در نظر نمی‌گیرد. به عبارت دیگر، روابط به صورت یک طرفه در نظر گرفته می‌شود. این تکنیک در تلفیق با مدل DEMATEL می‌تواند این جنبه‌های مبهم را نیز پوشش دهد به همین جهت تلفیق این مدل در این پژوهش مورد استفاده خواهد بود.

### ۳-۳- فرآیند پژوهش

#### ۳-۳-۱- شناسایی اهداف، معیارها و استراتژی‌های مدیریت دانش

بر اساس مقاله (Wu, 2008) اهداف و معیارهای پژوهش انتخاب گردید و برای استراتژی مدیریت دانش نیز از مدل ۴ گانه SECI استفاده خواهد شد. مدل سلسله مراتبی پژوهش به صورت شکل زیر است. همانگونه که مشاهده می‌شود، سه هدف اصلی، ۶ معیار و چهار استراتژی در این پژوهش مورد بررسی قرار می‌گیرد.

#### ۳-۴- جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری این پژوهش را کلیه مدیران و کارکنان شهرداری تهران تشکیل می‌دهند. در سه سال اخیر، این سازمان تلاش زیادی داشته است تا با استفاده از الگوبرداری از شهرداری‌های موفق در سایر نقاط جهان، خدمات خود را ارتقا دهد اما همواره از نبود استراتژی مشخص برای مدیریت دانش خود به عنوان مانعی در این الگوبرداری یاد کرده است و به همین دلیل برای بهبود جایگاه این سازمان، این پژوهش در این سازمان انجام خواهد گرفت. با توجه به اینکه حجم جامعه آماری، مشخص و قابل شمارش می‌باشد، بدین منظور پرسشنامه پژوهش به صورت تصادفی بین حداقل ۳۰ نفر از مدیران و کارکنان شهرداری تهران توزیع می‌گردد. لازم به ذکر است که این نمونه فقط برای تأیید معیارها می‌باشد و برای پر کردن پرسشنامه ANP و DEMATEL که مرتبط با استراتژی سازمان است، فقط مدیران ارشد سازمان می‌توانند پاسخگو باشند که در این زمینه از سرشماری مدیران ارشد استفاده می‌گردد.

#### ۳-۵- تحلیل آماری

بر اساس نتایج جدول (۴-۱۸) اولویت‌بندی استراتژی‌های مدیریت دانش در سازمان شهرداری

تهران به شرح زیر است:

۱. اجتماعی سازی

۲. درونی سازی

۳. ترکیب سازی

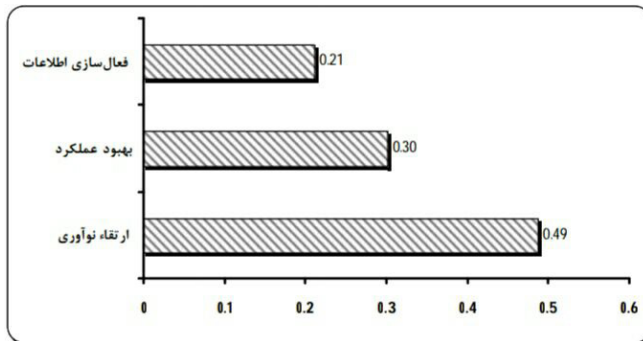
۴. برونی سازی

وزن نرمالایز شده	وزن	استراتژی ها
0/2805	0/0699	A1: اجتماعی سازی
0/2314	0/0577	A2: درونی سازی
0/1343	0/0335	A3: ترکیب سازی
0/3536	0/0882	A4: برونی سازی

نتایج حاصل از پاسخ دهی به سؤالهای پژوهش

**سؤال ۱:** مهمترین اهداف اولویت بندی استراتژی های مدیریت دانش در سازمان شهرداری تهران کدامند؟

در پاسخ به این سؤال باید اذعان داشت با بررسی ادبیات و مطالعه مشابه سه هدف ارتقاء نوآوری، بهبود عملکرد و فعال سازی اطلاعات شناسایی گردید. پس از انجام مصاحبه با خبرگان و کارشناسان مربوطه این سه هدف به عنوان هدف های اولویت بندی استراتژی های مدیریت دانش در شهرداری تهران انتخاب گردید. نتایج حاصل از پیاده سازی مدل پیشنهادی در خصوص تعیین میزان اهمیت این سه هدف به شرح نمودار (۵-۱) است.



همانگونه که نتایج نمودار (۵-۱) نشان می دهد از دیدگاه مدیران و کارشناسان شهرداری تهران، مهمترین هدف در انتخاب استراتژی های مدیریت دانش در این سازمان ارتقاء نوآوری می باشد.

**سؤال ۲:** مهمترین شاخص‌های اثر گذار بر انتخاب استراتژی‌های مدیری دانش در سازمان شهرداری تهران کدامند؟

بر اساس ادبیات نظری پژوهش و مطالعات مشابه، شش شاخص اثر گذار بر انتخاب استراتژی‌های مدیریت دانش شناسایی گردید. سپس با استفاده از پرسشنامه شماره (۱) نظرات مدیران و کارشناسان شهرداری تهران در خصوص میزان تأثیرگذاری این شاخص‌ها بر انتخاب استراتژی‌های مدیریت دانش مورد پرسش واقع شد. نتایج حاصل پس از تأیید شاخص‌ها توسط استاد راهنما حاکی از مناسب بودن این شاخص‌ها بر انتخاب استراتژی‌های مدیریت دانش در این سازمان می‌باشد.

این شش شاخص عبارتند از:

C1: مشوق‌ها

C2: حمایت مدیریت

C3: زمان

C4: ارتباطات

C5: فرهنگ کارکنان

C6: هزینه

**سؤال ۳:** مدل تلفیقی انتخاب استراتژی‌های مدیریت دانش با تکنیک‌های ANP و DEMATEL

به چه صورت است؟

در فصل سوم پژوهش مدل سلسله مراتبی انتخاب استراتژی‌های مدیریت دانش در سازمان شهرداری تهران ارائه گردید. همانطور که قید شد، مدل مذکور دارای سه سطح می‌باشد:

سطح اول: اهداف که عبارتند از: ارتقاء نوآوری، بهبود عملکرد و فعال سازی اطلاعات

سطح دوم: معیارها که عبارتند از: مشوق‌ها، حمایت مدیریت، زمان، ارتباطات، فرهنگ کارکنان و هزینه

سطح سوم: استراتژی‌های مدیریت دانش: اجتماعی‌سازی، درونی‌سازی، ترکیب‌سازی، برونی‌سازی

در مدل پیشنهادی پژوهش، اهمیت اهداف پژوهش بر اساس استراتژی‌های مدیریت دانش تعیین

می‌شود. بنابراین در این مدل یک ارتباط از پایین به بالا وجود دارد. از سویی در مدل پیشنهادی

پژوهش، معیارها بر یکدیگر تأثیر گذار می‌باشند، بطوریکه در تعیین وزن و اهمیت آنها باید ارتباطات

درونی آنها در نظر گرفته شود. بنابراین بر اساس مدل پیشنهادی جداول مقایسه زوجی جهت انتخاب

استراتژی‌های مدیریت دانش عبارتند از:

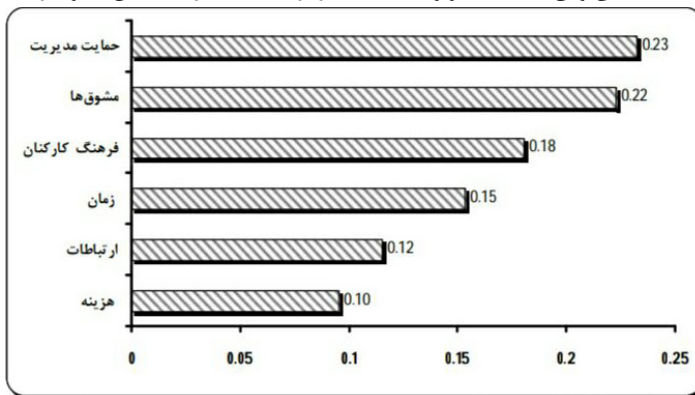
مقایسه زوجی معیارها نسبت به اهداف که در مجموع سه جدول مورد نیاز می‌باشد. مقایسه زوجی معیارها نسبت به یکدیگر جهت تعیین ارتباطات درونی که با توجه به تعداد معیارها، شش جدول مقایسه زوجی مورد نیاز است. شش جدول مقایسه زوجی دیگر، جهت مقایسه استراتژی‌های مدیریت دانش نسبت به معیارها و در نهایت چهار جدول مقایسه زوجی دیگر جهت مقایسه اهداف نسبت به استراتژی‌های مدیریت دانش.

فرایند مقایسات زوجی فوق، فرایند تکنیک تحلیل شبکه‌ای (ANP) می‌باشد. در پژوهش حاضر جهت تعیین ارتباطات درونی معیارها از تکنیک DEMATEL استفاده شد. بنابراین به جای انجام شش جدول مقایسه زوجی، با ارزیابی یک جدول و با استفاده از تکنیک DEMATEL ارتباطات درونی معیارها بدست می‌آید. تلفیق تکنیک DEMATEL و ANP باعث کاهش تعداد جداول مقایسات زوجی در تعیین ارتباطات درونی و افزایش کارایی تکنیک ANP می‌شود. علاوه بر اینکه از جدول نرمالایز شده روابط کل تکنیک DEMATEL در سوپر ماتریکس ANP استفاده شد، از این تکنیک جهت تعیین روابط علت و معلولی معیارها نیز استفاده شد. نتایج حاصل بیانگر این است که معیارهای حمایت مدیریت، فرهنگ کارکنان و مشوق‌ها دارای تأثیرگذاری بالایی می‌باشند و سه معیار دیگر یعنی هزینه، زمان و ارتباطات از تأثیرپذیری بالای برخوردار می‌باشند.

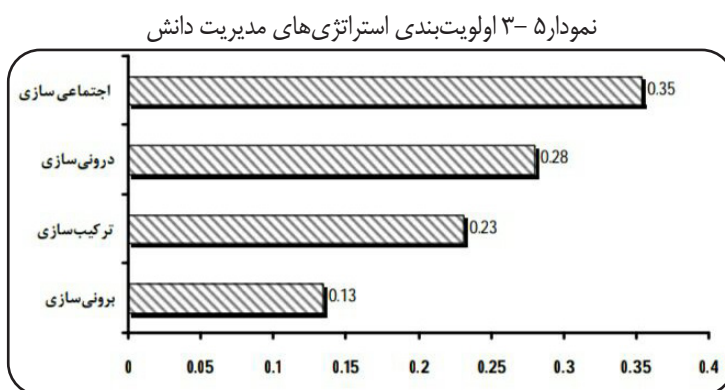
**سؤال ۳:** استراتژی مدیریت دانش منتخب در شهرداری تهران با استفاده از رویکرد تلفیقی ANP و DEMATEL چیست؟

نتایج حاصل از رویکرد تلفیقی ANP و DEMATEL در خصوص تعیین وزن معیارها و اولویت‌بندی استراتژی‌های مدیریت دانش در نمودارهای زیر نشان داده شده است.

نمودار ۵-۲ تعیین وزن معیارهای اولویت‌بندی استراتژی‌های مدیریت دانش با رویکرد تلفیقی



نتایج نمودار فوق بیانگر این است که حمایت مدیریت، مهمترین معیار در انتخاب استراتژی‌های مدیریت دانش در شهرداری تهران می‌باشد.



نتایج رویکرد تلفیقی حاکی از این است که بهترین استراتژی مدیریت دانش برای شهرداری تهران، استراتژی اجتماعی سازی می‌باشد.

### پیشنهاد‌های کاربردی

شاید یکی از مهمترین بخش‌های هر پژوهش ارائه راهکارهایی عملی و واقع‌بینانه در جهت رفع مشکلی که در طول پژوهش پژوهش‌گر به دنبال کشف آن بوده است، می‌باشد. هدف این پژوهش اولویت‌بندی استراتژی‌های مدیریت دانش در شهرداری تهران بود، بر اساس یافته‌های پژوهش، پیشنهاد‌های زیر از دیدگاه پژوهشگر ارائه می‌شود.

« سازمان شهرداری تهران با ارائه‌ی آموزش‌ها و مشوق‌های لازم، زمینه‌ی اجتماعی‌سازی دانش، کار تیمی، تبادل افکار، ایده‌ها، دانش و اطلاعات، تجربیات، روش‌های انجام کار، خلاقیت‌ها و نوآوری‌ها و ... را فراهم سازد.

« لازم است به مشتریان سازمان توجه شده، زمینه‌ی تبادل نظر بین تمام این اقشار فراهم و از نظرها، نیازها و خواسته‌ها و تجربیات آنها در برنامه‌ریزی‌ها و تصمیم‌گیری‌ها استفاده گردد.

« زمینه‌های لازم برای شناسایی، دستیابی، سازماندهی، و انتقال دانش فراهم شده، در این میان علاوه بر توجه به دانش موجود در افراد و ساختار سازمان، مشتریان نیز مد نظر قرار گیرند.

« با تشکیل یک واحد سازمانی، تیم‌های متخصصی دانش حاصل از دیدگاه افراد داخل سازمان و



مشتریان را با تئوری‌های روز علمی ترکیب نموده، با سازماندهی آنها را آماده‌ی انتقال سازند.

« زمینه برای نهادینه کردن دانش جدید حاصل شده برای اعضای سازمان فراهم گردد تا سرمایه‌ی انسانی بالنده گردیده، ساختار سازمان آمادگی لازم برای انتقال دانش را پیدا کند و نیازهای مشتریان به بهترین شکل تامین گردد.

« سازمان شهرداری بجای بهره‌گیری از قدرت و اختیارات قانونی بمنظور اجرای تغییرات فرهنگی درمیان کارکنان، مطلوب تر است با برجسته نمودن نقش و کارکردهای رهبران سازمانی، فرآیند نهادینه سازی مدیریت دانش در سازمان را به شکلی مطلوب و اثربخش اجرا نمایند.

« با توجه به اهمیت حمایت مدیران در استراتژی اجتماعی سازی، پیشنهاد می‌شود مدیران با نظر به مشخص و دقیق بودن ماهیت وظایف، تفاهم و انسجام بین سطوح مختلف، برخورداری از آزادی، اختیار و استقلال و پشتیبانی مدیران سطوح عالی مدیریت در فرآیند تبادل دانش آشکار با آشکار مشارکت نمایند.

### پیشنهادهایی برای پژوهش‌های آینده

سعی این پژوهش بر آن بوده است با استفاده از تکنیک ANP و DEMATEL به اولویت‌بندی استراتژی‌های مدیریت دانش در سازمان شهرداری تهران بپردازد. در این راستا پیشنهادهایی برای پژوهش‌های بیشتر از دیدگاه نگارنده به شرح ذیل اعلام می‌شود.

« بکارگیری مدل تلفیقی پیشنهادی پژوهش در محیط فازی

« شناسایی معیارهای ارزیابی با استفاده از تکنیک دلفی فازی

« مقایسه تکنیک‌های تصمیم‌گیری چند معیاره جهت اولویت‌بندی استراتژی‌های مدیریت دانش

« تعیین روابط بین معیارها و زیر معیارها با استفاده از تکنیک DEMATEL

### جمع‌بندی

امروزه مدیریت دانش یکی از جدیدترین و کلیدیترین مباحث مدیریتی تلقی می‌شود. در واقع، مدیریت دانش واکنشی نسبت به تغییرات فزاینده محیط فعالیت مؤسسات کنونی است. تغییر در عملکردهای مدیریت، امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر است. تمامی مؤسسات، به منظور بقا و توسعه خویش و انطباق با تغییرات محیط رقابتی، نیازمند اجرای اثربخش استراتژی‌های مدیریت دانش هستند. از این رو با توجه به کمبود منابع سازمانی، انتخاب استراتژی مناسب با ساختار سازمانی پیش از پیش اهمیت پیدا می‌کند. این

پژوهش در راستای همین موضوع و با ارائه یک مدل تلفیقی جهت اولویت‌بندی استراتژی‌های مدیریت دانش در سازمان شهرداری تهران انجام گرفت. جهت دستیابی به نتایج پژوهش، نظرسنجی از خبرگان و ارزیابی استراتژی‌های منتخب صورت پذیرفت. نکته حائز اهمیت در فرایند ارزیابی این است که در صورت تعدد بیش از حد جداول ارزیابی، دقت پاسخ دهندگان کاهش یافته و این امر توأم با نتایج نادرست خواهد بود. از سوی دیگر وجود روابط پایین به بالا و درونی معیارها در مدل پیشنهادی پژوهش، استفاده از تکنیک ANP را برای این پژوهش توجیه می‌نماید. بدین منظور جهت کاهش جداول ارزیابی مقایسات زوجی در تکنیک ANP، در پژوهش حاضر از تکنیک DEMATEL استفاده گردید. استفاده از تکنیک DEMATEL باعث شد که ارزیابی به جای ارزیابی شش جدول مقایسه زوجی تأثیر معیارها بر یکدیگر، یک ماتریس روابط کلی را تکمیل کنند. این امر از سویی باعث کاهش تعداد جداول مقایسه زوجی در پژوهش حاضر گردید و از سوی دیگر امکان دسته‌بندی معیارها را به دو صورت علت و معلول فراهم آورد. در مجموع نتایج رویکرد تلفیقی پژوهش حاضر در اولویت‌بندی استراتژی‌های مدیریت دانش حاکی از این بود که معیارهای حمایت مدیریت، فرهنگ کارکنان و مشوق‌ها دارای تأثیرگذاری بالا و معیارهای هزینه، زمان و ارتباطات دارای تأثیرپذیری بالایی هستند. همچنین از بین معیارهای مذکور، معیار حمایت مدیریت دارای بیشترین اهمیت در اولویت‌بندی استراتژی‌های مدیریت دانش است. در نهایت نتایج اولویت‌بندی استراتژی‌های مدیریت دانش با استفاده از رویکرد تلفیقی نشان داد که بهترین استراتژی مدیریت دانش برای سازمان شهرداری تهران، استراتژی اجتماعی سازی می‌باشد.

## منابع و مأخذ:

- افزاره، عباس (۱۳۸۲) مدیریت کیفیت اطلاعات جامع در مدیریت دانش، مرکز اطلاع رسانی وزارت صنایع و معادن ایران.
- امیرخانی، امیرحسین (۱۳۸۳) پایگاه دانش: تلاش در ایجاد تعامل میان مدیریت دانش و نوآوری، تهران، فصلنامه کتاب، شماره ۵۹.
- آذر، عادل (۱۳۷۳) تبیین آماری فرضیات در پژوهش‌های مدیریتی - رفتاری، دانش مدیریت، انتشارات دانشکده مدیریت دانشگاه تهران، شماره ۲۶، پاییز ۱۳۷۳.
- برکپور، ناصر و گوهری پور، حامد و کریمی، مهدی (۱۳۸۹) ارزیابی عملکرد شهرداری‌ها بر پایه سنجش میزان رضایت مردم از خدمات شهری، مدیریت شهری، شماره ۲۵، صص ۲۱۸-۲۰۳.

- برگرن، برایان (۱۳۸۵)/*اصول و مبانی مدیریت دانش*، ترجمه دکتر محمد قهرمانی. انتشارات موسسه پژوهشات و آموزش مدیریت.
- پورحسینی، آرنوش (۱۳۹۱) شناسایی و رتبه بندی موانع توسعه شرکت‌های سرمایه گذاری مخاطره پذیر در ایران و ارائه استراتژیهای بهبود (مطالعه موردی: شرکت‌های کارگزاری بورس اوراق بهادار تهران)، *پایان نامه کارشناسی ارشد رشته مدیریت مالی*، دانشگاه تهران، پردیس بین‌المللی کیش.
- جعفری مقدم، سعید (۱۳۸۲) *مستندسازی تجربیات مدیران از دیدگاه مدیریت دانش*، تهران: موسسه پژوهشات و آموزش مدیریت (وابسته به وزارت نیرو)، چاپ اول.
- جعفری، م و ابن رسول، س و دیده ور، ف (۱۳۸۵) نقش مدیریت دانش و فناوری اطلاعات در مدیریت ریسک پروژه، *نشریه بین‌المللی علوم مهندسی*، شماره ۵، جلد ۱۷.
- حاله، حسن و کریمیان، حسین (۱۳۸۹) انتخاب مناسب‌ترین ساختار برای بهبود قابلیت اعتماد سیستم با استفاده از فرآیند تحلیل شبکه‌ای (ANP)، *نشریه بین‌المللی مهندسی صنایع و مدیریت تولید*، شماره ۳، جلد ۲۱، صفحات ۳۲-۳۴.
- International Journal of Management Reviews. Vol. 3. No. 1. (2001), pp. 41-60.
- Carneiro, A. (2001). The role of intelligent resources in knowledge management. *Journal of Knowledge Management* , 5, 358 - 367.
- Chang, M.-Y., Hung, Y.-C., Yen, D. C., & Tseng, P. T. (2003). The research on the critical success factors of knowledge management and classification framework project in the Executive Yuan of Taiwan Government. *Expert Systems with Applications* , 36, 5376-5386.
- Chen, M. Y., Huang, M. J., & Cheng, Y. C. (2009). Measuring knowledge management performance using a competitive perspective: An empirical study. *Expert Systems with Applications* , Vol. 36, pp. 8449-8459.
- Chen, M. Y., Huang, M. J., & Cheng, Y. C. (2009). Measuring knowledge management performance using a competitive perspective: An empirical study. *Expert Systems with Applications* , 36, 8449-8459.
- Choi, Byounggu & Jong, Ana Maria (2010). Assessing the impact of knowledge management strategies announcements on the market value of firms, *Information & Management*, Volume, 47, Issue 1, pp. 42-52.
- Chua, A.Y.K. (2009), "The dark side of successful knowledge management initiatives", *Journal of Knowledge Management*, Vol. 13 No. 4, pp. 32-40.



# راهکارهای اقتصادی تامین منابع آب استان خراسان جنوبی (مطالعه موردی شهر بیرجند)

مهندس سمیرا محتشمی

## چکیده

آب کالایی اقتصادی است و مانند دیگر کالاها عرضه و تقاضا دارد. اقتصاد و قیمت‌گذاری آب، همچنین ناظر به کمیابی آب است؛ بدین معنی که به دلیل کمبود سرمایه‌گذاری برای استحصال آب یا کمبود منابع آبی، جمعیت قادر به دستیابی به آب کافی نیستند. در اقتصاد سنتی، آب به عنوان یک عامل تولیدی در حساب‌های ملی وارد نمی‌شود؛ ولی در واقعیت، آب به طور مستقیم و غیرمستقیم نهاده اولیه بسیاری از کالاها و خدمات است. روند روبه رشد استان خراسان جنوبی در سال‌های اخیر از یکسو و قرار داشتن این استان در یک منطقه خشک و نیمه خشک از سوی دیگر، وجود راهبردهای اقتصادی تامین منابع آب در این منطقه را بیش از پیش ضروری می‌سازد.

این مطالعه به روش تحلیلی - توصیفی با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و آمار و مستندات اداره آب و فاضلاب استان خراسان جنوبی انجام شده و به ارائه راهکارهای اقتصادی تامین منابع آب پرداخته است. نتایج تحقیق حاکی از آن است که هرچند طرح‌های مهار و انتقال آب‌های سطحی منطقه دارای حجم آب کم و هزینه‌های بالایی هستند، ولی در مقایسه با گزینه انتقال آب از دریا، از نظر اقتصادی و زیست محیطی از ارجحیت ملموسی برخوردار می‌باشند. کاهش مصارف کشاورزی از آب زیرزمینی تا سقف آب قابل برنامه‌ریزی، بازچرخانی پساب فاضلاب شهر بیرجند به عنوان راهکار تکمیلی تامین آب مطرح هستند. برای بازچرخانی پساب، دو راهکار جابجایی با مصارف کشاورزی آبخوان‌ها و یا تصفیه تکمیلی و تزریق آن به آبخوان شرب مطرح است که هر دو راهکار، پتانسیل مناسبی برای تولید آب دارند.

**کلیدواژه‌گان:** تامین منابع آب، قیمت‌گذاری آب، عرضه و تقاضا، راهبردهای اقتصادی.

## مقدمه و بیان مساله

در میان کالاها و خدمات عمومی، آب از اهمیت حیاتی برخوردار است زیرا مصرف این کالا ارتباط تنگاتنگی با سلامتی جامعه دارد و به عنوان کالایی ضروری است که هر فرد برای سلامتی در حداقل معیشت به آن نیاز دارد. از سوی دیگر، عرضه این کالا تا حد زیادی به شرایط اقلیمی و جوی منطقه مانند میزان بارندگی و درجه حرارت بستگی دارد که این عوامل، لزوم برنامه‌ریزی جامع برای مدیریت مصرف بیش از نیاز این منبع حیاتی را فراهم می‌کند (خوشبخت و همکاران، ۱۳۹۰). کمبود آب در دسترسی به مواد غذایی، سلامت انسان، معیشت و همچنین توسعه اقتصادی تاثیرگذار است (پژویان و حسینی، ۱۳۸۲)، چندین نهاد، بنگاه و محقق بین‌المللی به خطر کمبود آب جهانی به عنوان یک مشکل بالقوه جدی اقتصادی، بهداشتی و حتی امنیتی اشاره کرده‌اند. بر اساس گزارش یونسکو، ۲۰ درصد مردم دنیا دسترسی کافی به آب آشامیدنی ندارند و برای مراعات اصول بهداشتی متناسب نیز برای ۴۰ درصد آنها آب کافی موجود نیست. به این دلیل سالانه ۲٫۲ میلیون نفر در اثر بیماری‌های ناشی از کم‌آبی جان می‌سپارند که این امر یک تراژدی کامل است. طبق نظر سازمان ملل متحد، در حال حاضر، یکی از جدی‌ترین مشکلاتی که کشورهای در حال توسعه با آن مواجهند، ذخایر آب است؛ به گونه‌ای که وضعیت بسیاری از نواحی بحرانی است. البته، مشکلات مربوط به منابع آب در این نواحی در ارتباط با وضعیت جغرافیایی، توپوگرافی و شرایط آب و هوایی هر ناحیه است (سازمان ملل، ۲۰۱۴).

مدیریت اقتصادی منابع آب یکی از چالش‌هایی است که بشر به ویژه در سده‌های اخیر به میزان زیادی با آن رو به رو بوده است. تا قبل از آغاز قرن بیستم، وفور منابع آب نسبت به تقاضا و فقدان فشار جمعیتی و سایر انواع تقاضاهای آب، بر روی منابع آبی منجر به پذیرش این ایده شد که آب از دیدگاه عامه مردم و همچنین اقتصاددانان در جایگاه کالایی رایگان و کم‌ارزش شناخته می‌شود. مرحله‌ای که به نظر می‌رسد تقریباً در سراسر نقاط جهان عمر آن به پایان رسیده و در هیچ کشوری وجود نخواهد داشت. بعد از قرن بیستم به علت رشد سریع جمعیت، توسعه اقتصادی و بالا رفتن سطح استانداردهای زندگی و غیر آن، استفاده از منابع آبی در کانون توجهات قرار گرفت و برای پاسخگویی به همه انواع تقاضاهای آب، مصرف آن به طور بی‌سابقه‌ای افزایش یافت؛ بنابراین مدیران و سیاست‌گذاران حوزه آب مجبور شدند تفکرات خود را در چارچوب کمیابی آب شکل دهند. در حال حاضر با توجه به محدودیت‌های کمی و کیفی منابع آب سطحی در برخی از نقاط جهان، منابع آب زیرزمینی مهمترین منبع تامین‌کننده آب در بخش‌های مختلف مصرف به شمار می‌رود. کشور ایران در سرزمینی خشک و نیمه خشک با نزولات جوی کم واقع

شده و از طرفی رشد سریع جمعیت سبب گردیده میزان مصرف آب از منابع سطحی و زیرزمینی افزایش یابد، به صورتی که در بسیاری از مناطق با افت شدید منابع همراه شده است. لذا جستجو برای کشف منابع جدید، بیشتر از قبل اهمیت پیدا کرده است. در حال حاضر حجم قابل توجهی از منابع آب به دلیل عدم استفاده از تکنولوژی‌های پیشرفته به هدر می‌رود. تعدادی از کارشناسان معتقدند که مدیریت منابع آب کشور در شرایط فعلی، مدیریت مناسبی نبوده و منجر به کاهش شدید دسترسی به آب و سطح زیر کشت کشاورزی در برخی مناطق می‌شود. مدیریت منابع آب به عنوان بخشی از برنامه‌ریزی توسعه کشور و بر مبنای میزان آب در دسترس، راهکارهای اقتصادی خاصی را برای تامین آب و بهره‌برداری بهینه از منابع آب موجود می‌طلبد. در این مطالعه استان خراسان جنوبی در شرق ایران، با توجه به مشکلات موجود در تأمین آب شرب روستاها و شهرهای استان و با توجه به قرارگیری استان در یک منطقه خشک و نیمه خشک، به عنوان منطقه هدف انتخاب شده است. استان خراسان جنوبی با مساحتی معادل ۱۵۱ هزار کیلومتر مربع و جمعیت ۷۶۹ هزار نفر (بر اساس نتایج سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵)، در شرق ایران و موقعیت جغرافیایی ۵۷ تا ۶۱,۳۰ طول شرقی و ۳۰,۳۰ تا ۳۵ عرض شمالی قرار دارد. این استان سومین استان پهناور ایران بوده و از لحاظ موقعیت زمین شناسی، در بخش لوت شمالی قرار دارد. بلوک لوت، با درازایی حدود ۹۰۰ کیلومتر، شرقی‌ترین بخش فلات ایران مرکزی است که از نظر فعالیت‌های زمین شناسی به سه بخش لوت شمالی، لوت میانی و لوت جنوبی تقسیم می‌شود. مرز خاوری آن با گسل نهبندان و حوضه فلیشی خاور ایران و مرز باختری آن با گسل نایبند و بلوک طبس مشخص می‌شود. استان خراسان جنوبی از نظر ناهمواری‌ها تقریباً به دو قسمت «کوهستانی و مرتفع» و «پست و هموار» تقسیم می‌شود. قسمت‌های کوهستانی بیشتر در شمال و شمال غرب استان قرار داشته و مناطق پست و هموار استان شامل زمین‌ها و دشت‌های همواری هستند که در قسمت‌های مرکزی، غربی و جنوب غربی استان قرار گرفته‌اند. با توجه به قرارگیری خراسان جنوبی در این منطقه، این استان جزو مناطق کم بارش و کمتر برخوردار از منابع آبی محسوب می‌گردد؛ لذا بررسی راهکارهای اقتصادی در جهت تامین منابع آبی استان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

### پیشینه پژوهش

۱. تحقیق انجام شده توسط احمد محبتی و امیر نصرآبادی (۱۳۹۵) با عنوان نقش منابع آب لب شور در تأمین آب شرب شهر بیرجند و مدیریت حفظ و نگهداری آنها. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد سفره‌های

آب زیرزمینی ذخایر ارزشمندی هستند که در زمان‌های طولانی تشکیل شده‌اند و اکنون در اختیار ما قرار گرفته‌اند و بهره‌برداری از آنها باید بر اساس اصول صحیح علمی و متناسب با ظرفیت آبخوان‌ها صورت گیرد. متأسفانه در سال‌های اخیر رشد روز افزون جمعیت و نیاز فزاینده به آب در بخش‌های مختلف مصرف به دلیل انتخاب خط مشی نادرست، توسعه کشاورزی و حفر چاه‌های غیرمجاز، باعث بهره‌برداری بی‌رویه از این منابع حیاتی گردیده است. هرگاه الگوی بهره‌برداری از منابع مشترک به صورت آزاد و بدون کنترل و ضوابط و قوانین مشترک حاکم بر نحوه بهره‌برداری از این منابع صورت گیرد، شدت بهره‌برداری آزاد به حدی خواهد رسید که به "تراژدی یا فاجعه منابع آبی" خواهیم رسید.

۲. تحقیق انجام شده توسط محمدرضا برازنده پور و نوشین خلیل‌پور (۱۳۹۵) با عنوان اقتصاد آب و توسعه پایدار. نتایج این تحقیق حاکی از آن است برای همه جهانیان محرز شده است که حرکت جامعه بشری در راستای توسعه پایدار، تنها راه تداوم حیات روی کره زمین است. برای تحقق این امر، باید در نظریه‌های مدیریتی منابع آب با توسعه پایدار، به محدودیت منابع طبیعی بالادست کشور ایران به طور جدی پرداخته شود. در حال حاضر به نظر می‌رسد که این چالش‌ها در حوزه‌های پراکنده مدیریتی کاملاً آشکار است از این رو ضروریست که اندیشمندان و مدیران ارشد مرتبط با مدیریت آب کشور برای تحقق "توسعه پایدار" و رسیدن به پارادایم "پایدار محوری" در مدیریت منابع آب گامی جدی و اساسی بردارند.
۳. تحقیق انجام شده توسط بهروز محمودی و مهدی سرلک (۱۳۸۷) با عنوان برآورد عوامل موثر بر عرضه و تقاضای آب و جایگاه ایران در منطقه. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد کمبود منابع آب از یک سو و عدم مدیریت مناسب در بهره‌برداری موثر از این منابع از سوی دیگر مشکلات اصلی پیش روی توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور محسوب می‌شود. یکی از نیازهای اصلی برنامه‌ریزی دقیق در مورد مسایل آب، پیش‌بینی در مورد تقاضا و آشنایی به عوامل و ابزارهای موثر بر تقاضا می‌باشد.
۴. تحقیق انجام شده توسط غلامرضا سلطانی (۱۳۹۱)، با عنوان بررسی تطبیقی الگوی مصرف و مدیریت تقاضای آب کشاورزی در کشورهای منطقه منا (خاورمیانه و شمال آفریقا). نتایج تحقیق نشان داد مقایسه سرانه منابع آب موجود در کشورهای منطقه حاکی از آن است کشورهای که با بحران آب مواجه می‌باشند، در استفاده از ابزارهای مدیریت تقاضا جهت ارتقا کارایی و بهبود الگوی مصرف آب کشاورزی نشان می‌دهد که با وجود لزوم تغییر پارادایم از مدیریت عرضه به مدیریت تقاضای آب این تغییر در الگوی مصرف آب کشاورزی برخی دیگر از این کشورها از جمله ایران انعکاس نیافته است.
۵. تحقیق انجام شده توسط فاطمه پورصالحی، ابوالفضل اکبرپور (۱۳۹۵)، با عنوان بررسی مکانیزم‌های



فعال بر سرانه آب شهری و منابع تخصیص یافته آن با اولویت توسعه پایدار (مطالعه موردی شهر بیرجند). نتایج نشان داد که با ادامه الگوی مصرف موجود در منطقه میزان سرانه آب مصرفی شهروندان رو به افزایش بوده و موجب افت سطح آب زیر زمینی دشت بیرجند می‌گردد، همچنین می‌توان دریافت که به کارگیری سیاست‌های دولتی در بخش آب و نیز صرفه‌جویی در مصرف توسط شهروندان بصورت همزمان، به طور میانگین با کاهش ۳۰,۰۳ درصد در سرانه آب شهری نسبت به الگوی مصرفی موجود، به عنوان روشی موثر در تغییر الگوی مصرف و به تبع آن کنترل مصرف آب شهری، می‌تواند به طور قابل ملاحظه‌ای روند افزایشی افت سطح آب زیرزمینی منطقه را به طور میانگین به میزان ۲۸,۴۷ درصد تقلیل نماید.

### چارچوب اقتصادی تخصیص منابع آب

در تخصیص کارای نهاده از بعد اقتصادی، می‌بایست منفعت نهایی حاصل از نهاده در بین همه بخش‌های استفاده کننده برابر باشد تا از این طریق، رفاه جامعه حداکثر گردد؛ به عبارت دیگر، طبق این مفهوم که نشان دهنده بهینه پارتو است، منفعت حاصل از کاربرد یک واحد بیشتر از یک نهاده در یک بخش، می‌بایست برابر با مقدار آن در همه بخش‌ها باشد، در غیر این صورت جامعه با تخصیص نهاده مورد نظر در بخشی که منفعت یا بازده بالاتری دارد، رفاه خود را افزایش خواهد داد. در شرایط تعادل اقتصادی، ارزش اقتصادی کل استفاده از آب می‌بایست برابر با هزینه کل آن باشد. در این حالت، طبق نظریه اقتصادی کلاسیک‌ها، رفاه عمومی حداکثر می‌شود. در این تعریف، توجه به اجزای ارزش و هزینه کل آب و لحاظ آنها در قیمت‌گذاری بسیار اهمیت دارد.

در ارتباط با هزینه کل عرضه آب می‌بایست سه مفهوم هزینه کل عرضه، هزینه کل اقتصادی و هزینه کل را از یکدیگر مجزا در نظر گرفت. هزینه کل عرضه شامل همه هزینه‌هایی است که به علت عرضه آب به مصرف کننده بدون در نظر گرفتن عوامل خارجی و استفاده‌های جایگزین از آب ایجاد می‌شود. هزینه کل عرضه شامل دو جزء است: هزینه عملیات و نگهداری و هزینه مربوط به سرمایه بکار رفته برای عرضه آب که بایستی هر دو ارزیابی کل هزینه اقتصادی نهاده‌ها در نظر گرفته شوند. هزینه عملیاتی و نگهداری، شامل مواردی همچون نیروی کار، تعمیر، توزیع و خرید نهاده‌ها است. هزینه سرمایه شامل پرداختی برای استهلاک سرمایه و بهره مربوط به آن است. هزینه کل اقتصادی شامل مجموع هزینه کل عرضه، هزینه فرصت استفاده از آب و تاثیرات خارجی آن بر افراد دیگر اجتماع (به خاطر استفاده از آب توسط فرد) می‌باشد.

هزینه کل مصرف آب شامل هزینه کل اقتصادی و هزینه مربوط به تاثیرات خارجی آن بر محیط زیست می‌باشد. آثار خارجی زیست محیطی شامل مواردی می‌شود که به سلامت عمومی و بقای بوم سامانه مربوط می‌شوند. در حالی که آثار خارجی اقتصادی شامل مواردی همچون استخراج بیش از حد آب و اجبار برای تغییر کاربرد نهاده‌ها هستند.

ارزش کل آب به نوع استفاده کننده و نوع کاربرد آن بستگی دارد. اجزای اقتصادی آب شامل ارزش آب برای استفاده کنندگان، خالص منافع حاصل از جریان آب برگشتی، خالص منافع حاصل از استفاده‌های غیرمستقیم و تعدیل‌های مربوط به اهداف اجتماعی است. در واقع ارزش آب را می‌توان از سه روش مد نظر قرار داد: اولین مورد ارزش آب مربوط به کاربرد آن برای استفاده فعلی است، دومین حالت مربوط به استفاده از آب در آینده یا برای کاربردهای احتمالی مربوط به آب است و سومین حالت مربوط به ارزش ذاتی آب می‌باشد.

### تاریخچه تامین آب در استان خراسان جنوبی

متوسط بارندگی در دراز مدت در استان خراسان جنوبی ۱۱۵ میلیمتر بوده و این استان جزو مناطق با آب و هوای گرم و خشک محسوب می‌شود. حداقل مطلق دما ۲۷- درجه سانتی‌گراد در قاین و حداکثر آن ۴۸+ درجه سانتی‌گراد در بشرویه و طبس می‌باشد. میانگین حرارت در بیرجند (مرکز استان) ۱۷ درجه و تعداد روزهای مرطوب آن ۱۳۵ روز است. استان خراسان جنوبی محصور در کویر بوده و کویر نمک خواف و از طرفی کویر مرکزی در حوالی طبس واقع شده که کمترین بارندگی را دارا می‌باشد. به لحاظ فقدان آب سطحی در استان، عمده منابع آبی از طریق آب زیرزمینی تامین می‌شود. بدلیل وضعیت نابسامان آب در استان، در گذشته آب انبارهای زیادی ساخته شده که با ذخیره سیلاب‌ها در زمستان بتوان در فصول خشک از این آب‌ها استفاده نمود. وجود بندهای قدیمی چون امیرشاه و بند النگ و بند دره که قدمت آن به دوران قاجار می‌رسد و بند بیهود (صفاریان) گویای کمبود آب در این منطقه در سنوات گذشته بوده است. وجود قنوات بسیار فراوان و طولانی با مادر چاه‌های عمیق گویای عدم وجود آب‌های سطحی کافی در این منطقه است. از طرفی خراسان جنوبی دارای پیشینه طولانی در ساخت سازه‌هایی همچون سد می‌باشد؛ سد کریت در نزدیکی طبس در دوره مغول‌ها ساخته شده که با ارتفاع حدود ۴۶ متر در حدود ۵۵۰ تا ۶۰۰ سال بلندترین سد جهان بوده است. نخستین بار در سال ۱۳۰۱ طرح احداث شبکه‌های لوله‌کشی آب شرب شهرهای ایران بررسی شد و بخشی از شهرهای آبادان، مشهد و بیرجند لوله‌کشی گردید. اولین

سازمان لوله کشی شهری در ایران بنگاه مستقل خیریه آب لوله بیرجند بود که در سال ۱۳۰۲ با احداث و بهره برداری یک رشته لوله به طول ۹ کیلومتر و یک منبع و قنات تامین کننده آب، فعالیت خود را آغاز نمود. پیش از فعالیت موسسه خیریه آب لوله بیرجند، آب مورد نیاز ساکنان این شهر چون دیگر شهرها از آب انبارهایی تامین می شد که عمدتاً افراد خیر و نیکوکار در شهرها بنا می کردند. آب انبارهای شهر بیرجند با آب قنات آبدی های دامنه کوه باقران پر می گردید. ایده احداث شبکه لوله کشی و تامین آب سالم و بهداشتی برای مردم شهر در پایان جنگ جهانی اول مطرح شد و در اجرای این طرح از لوله هایی که ارتش انگلستان برای لوله کشی کمپ های نظامی خود به منطقه سفیدابه واقع در ۲۵۰ کیلومتری جنوب بیرجند و نقاط دیگر آورده و بلااستفاده مانده بود، استفاده گردید. برای تامین آب مورد نیاز، برخی از مالکین سهم آب خود از قنات علی آباد را واگذار کردند و با همت معتمدین و مسئولین شهر، کمیسیون لوله کشی تشکیل شد و برای احداث خط لوله و منبع اقدام به جمع آوری اعانه نمود. رشته لوله ای که آب قنات را به شهر بیرجند می آورد، ۹ کیلومتر طول داشت. در مرتفع ترین نقطه شهر آب را به داخل منبع می ریخت و از آنجا آب سالم با دو رشته لوله که در مسیر آن شیرهای برداشت نصب شده بود در دسترس مردم قرار می گرفت. از این زمان به بعد روستای علی آباد به نام «علی آباد لوله» مشهور شد.

رشد سریع جمعیت شهر بیرجند به عنوان مرکز استان در پی تشکیل استان خراسان جنوبی در سال ۱۳۸۴ به دلیل تمرکز خدمات و صنعت و امکانات و افزایش مهاجرت در نتیجه وقوع خشکسالی و بروز بیکاری در روستاها موجب شد تا علاوه بر افزایش جمعیت شهر، اسکان و جمعیت در روستاهای حاشیه شهر به میزان چشمگیری افزایش یابد. این موضوع باعث شد که علیرغم اجرای پروژه های متعدد در سالیان اخیر (جدول ۱)، همچنان تامین آب این شهر با چالش مواجه بوده و وضعیت تولید و مصرف آب در فصل گرما بصورت سربه سر باشد.

جدول ۱: طرح های اجرا شده انتقال آب جهت تامین منابع آبی شهر بیرجند

نام پروژه	سال بهره برداری	حجم آب انتقالی (MCM)
آبرسانی به بیرجند از دشت رکات	۱۳۷۶	۵٫۸
آبرسانی به بیرجند از دشت سریشه	۱۳۸۶	۳٫۱
آبرسانی به بیرجند از دشت مرک	۱۳۸۸	۲٫۹
کل حجم آب انتقالی (MCM)	-	۱۱٫۸

ماخذ: شرکت آب منطقه ای خراسان جنوبی

ازسوی دیگر افزایش جمعیت روستاهای حاشیه شهر، تأمین آب این روستاها را درحال حاضر با مشکل مواجه کرده است. بدیهی است با افزوده شدن این جمعیت به جمعیت شهری در سال‌های آتی، قطعاً چالش‌های جدیدی را در حوزه تأمین آب شرب شهر ایجاد خواهد نمود و منابع برنامه‌ریزی شده برای انتقال به بیرجند نیز تکافوی این نیاز را نخواهد کرد.

## برآورد آب مورد نیاز شهر بیرجند

به استناد مصوبات دفتر مطالعات و بررسی‌های فنی شرکت مهندسی آب و فاضلاب کشور، نیاز آبی شرب شهری محدوده مورد مطالعه طی سال‌های آینده به شرح جدول ۲ برآورد می‌شود:

جدول ۲: برآورد حجم آب شرب مورد نیاز شهر بیرجند و روستاهای حاشیه در سال‌های آینده

سال ۱۴۲۵	سال ۱۴۱۰	حجم آب مورد نیاز سالانه (MCM)
۲۳,۸۶	۱۹,۱۸	شهر بیرجند
۲,۵۸	۲,۲۲	روستاهای حاشیه شهر
۲۶,۴۴	۲۱,۴۰	کل حجم آب مورد نیاز (MCM)

ماخذ: شرکت آب منطقه‌ای خراسان جنوبی

## تجربیات استفاده از پساب در شهرهای مختلف کشور جهت آبیاری

بررسی پیامد آبیاری با پساب بر برخی از ویژگی‌های شیمیایی خاک‌های ناحیه برخوردار اصفهان و انباشتگی برخی از عناصر در گیاه یونجه که در نتیجه مشاهده شد که هفت سال آبیاری با پساب توانسته است زمین‌های شور و سدیمی منطقه را بدون هیچ تیمار دیگری به یک خاک مناسب برای کشاورزی تبدیل کند و شوری سدیم محلول و تبدلی و همچنین سدیم کل خاک را به اندازه چشمگیری کاهش دهد. هم چنین آبیاری با پساب نتوانسته است غلظت عناصر سنگین گیاه را به مرز زیان آور برساند. بررسی روش‌های بازیافت و کاربرد فاضلاب‌ها در امور کشاورزی و احیای اراضی که بیانگر نقش مثبت استفاده اصولی از پساب‌ها و هم چنین نقش خاک و زمین در پالایش فاضلاب‌ها می‌باشد. بررسی تاثیرات استفاده مجدد از پساب پالایشگاه تهران، در آبیاری جنگل‌های اطراف پالایشگاه نشان داد که میزان اغلب آلودگی‌های پساب پالایشگاه تهران در حدی است که نمی‌توان از آن برای آبیاری درختان جنگلی یا مصرف مجدد در پالایشگاه استفاده نمود.

بررسی پیامدهای استفاده سه ساله از پساب شمال اصفهان بر خواص شیمیایی، فیزیکی و زیست محیطی خاک نتایج نشان داد که آبیاری با پساب طی مدت سه سال، باعث کاهش وزن مخصوص ظاهری، نفوذپذیری و افزایش درصد رطوبت در ظرفیت مزرعه، عملکرد و کیفیت محصول نسبت به مزرعه آبیاری نشده با پساب گردیده است.

## مدیریت منابع آب در آینده

بطور کلی، تصفیه فاضلاب‌های شهری و صنعتی باید بتواند چنان کیفیتی تولید نماید که مصارف مطلوبی برای آن قابل پیش‌بینی باشد. مهمترین راه حل منطقی توسعه منابع آب در آینده، استفاده مجدد از فاضلاب‌های تصفیه شده بعنوان یک منبع جدید است.

## عوامل موثر بر بروز بحران و کمبود آب استان

دوری از مسیر بادهای باران‌آور و قرار گرفتن در شرق ایران که باعث می‌شود رطوبت ابرهای باران‌زایی که از قسمت دریای مدیترانه و اقیانوس اطلس می‌آیند تا حد بسیار زیادی کاهش می‌یابد و منجر به کاهش بارندگی‌ها می‌گردد.

عدم وجود ارتفاعات مهم؛ ارتفاعات دو مزیت عمده دارند، یکی تعدیل هوا و دیگری جذب نزولات آسمانی با توجه به این شرایط عدم وجود ارتفاعات مهم در استان خراسان جنوبی به نوعی این استان را از این دو جهت با چالش مواجه می‌کند.

مجاورت با دشت کویر که خشکی هوا و حاکم شدن فضای بیابانی بر استان را سبب شده است. روزهای اندک ابری در سال که به حدود ۱ یا ۲ ماه در سال میرسد که دو پیامد عمده را در بردارد، شدت تبخیر را بالا می‌برد و هم چنین فرصت بارندگی را از بین می‌برد.

وزش بادهای شدید؛ نظیر بادهای تابستانه که در اقلیم نواحی شرقی به ویژه در سیستان و بلوچستان می‌وزد که این ناحیه را نیز تحت تاثیر قرار می‌دهد و باعث خشکی بیشتر هوا می‌گردد.

طولانی بودن دوره گرما؛ معمولاً شروع فصل گرم از بهار شروع می‌شود و در خرداد و تیر به اوج می‌رسد، این طولانی بودن دوره گرما تبخیر آب و هم چنین خشکی اقلیم را در پی دارد.

رژیم نامناسب بارندگی؛ بخش عمده‌ی بارندگی در این منطقه در فصل سرد سال می‌بارد، یعنی در فصلی که کمبود منابع آبی احساس نمی‌شود و عمدتاً محصولات کشاورزی نیاز زیادی به آب ندارند.

ناگهانی و سیلابی بودن بارندگی‌ها؛ که از ویژگی مناطق بیابانی است که ضریب مزایای بارندگی را کاهش می‌دهد با توجه به اینکه بارندگی ناگهانی و سیلابی فرصت استفاده مناسب از آب‌های جاری شده بر اثر بارندگی را از بین می‌برد و این آب قبل از استفاده مناسب وارد بیابان و زمین‌های لم یزرع می‌شود و از دست می‌رود. از دیگر معایب این نوع بارندگی به بار آوردن خسارت و هم چنین فرسایش خاک می‌باشد. نوسانات شدید بارندگی (مجموع بارندگی سالانه و ماهیانه نامشخص)؛ که برنامه‌ریزی برای استفاده صحیح از بارندگی‌ها را با مشکل مواجه می‌کند.

روش سنتی آبیاری و هدر رفتن آب؛ با توجه به حاکم بودن شرایط اقلیمی گرم و خشک بر منطقه روش غرقابی روش مناسبی برای آبیاری مزارع و باغات نیست، ولی متأسفانه همین روش، روش غالب آبیاری باغات و مزارع خراسان جنوبی است و باعث به هدر رفتن مقادیر زیادی آب بر اثر تبخیر می‌گردد.

### آثار و پیامدهای کمبود و بحران آب (با تاکید بر استان خراسان جنوبی)

کمبود منابع آب و بروز بحران بی آبی و کم آبی موجب بروز انواع تنش‌ها و نابسامانی‌ها در مناطق مختلف جهان می‌شود. در یک نگرش کلی می‌توان سطوح تاثیر گذار بحران آب را در سه سطح محلی، ملی و بین‌المللی تقسیم‌بندی کرد:

« در سطح محلی: نزاع محدود بر سر توزیع و تقسیم آب

« در سطح ملی: انتقال آب از یک منطقه به منطقه دیگر

« در سطح بین‌الملل: مسئله آب‌های مشترک و چگونگی تقسیم بهره‌برداری و مدیریت آنها

بحران آب چه ناشی از کمبود بارش و خشکسالی‌های متعدد باشد و چه ناشی از افزایش شدید و بی‌رویه برداشت از سفره‌ها و منابع زیر زمینی، به عنوان یک تهدید جدی در بردارنده پیامدهای منفی اقتصادی، اجتماعی، زیست محیطی و سیاسی - امنیتی است. در شرق و شمال شرق کشور، جمعیت و فعالیت‌های اقتصادی در ظرف چندین دهه چندین برابر گشته است. در نتیجه کنترل و برداشت از آب‌های سطحی به حداکثر رسیده است و به علت برداشت بی‌رویه چاه‌ها، سفره‌های زیر زمینی با بحران روبه‌رو شده است. شرق کشور به جز در موارد استثنائی همه با مشکل کمی و کیفی آب روبه‌رو هستند (پاپلی یزدی، ۱۳۹۰:۱۳۹). استان خراسان جنوبی هم به دلیل قرار گرفتن در منطقه خشک و بیابانی و کمبود شدید بارش و بروز خشکسالی‌های پی‌درپی و هم به دلیل عدم مصرف بهینه منابع

آبی دچار بحران شده است و این بحران پیامدهای مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی - امنیتی را به همراه دارد که در ادامه مطلب به آن می‌پردازیم.

### **الف. پیامدهای اقتصادی:**

۱- فروپاشی اقتصاد محلی و فقر بیشتر حاشیه نشینان: فعالیت غالب حاشیه نشینان استان خراسان جنوبی مربوط به فعالیت‌های کشاورزی و دامداری است. با توجه به خشکسالی‌های پی در پی این موضوع با چالش جدی مواجه شده است. به طوری که درآمد و یا به طور کل اقتصاد حاشیه نشینان استان را خدشه دار ساخته است.

۲- کاهش تولید غذا و مواد غذایی: با توجه به مورد اول که مسئله فروپاشی اقتصاد محلی است، خشکسالی موجب می‌شود که رونق و آبادانی کاهش یابد و یا به طور کلی از بین برود، این مسئله موجب بروز مشکلات در تولید مواد غذایی می‌گردد و نوعی وابستگی به استان‌های داخل و یا حتی خارج از کشور به منظور تامین منابع غذایی می‌گردد.

### **ب. پیامدهای اجتماعی:**

۱- بیکاری: از جمله پیامدهای اجتماعی کمبود آب و خشکسالی که امنیت منطقه را تحت تاثیر قرار می‌دهد بیکاری و از بین رفتن مشاغل در این مناطق است. مهم‌ترین این مشاغل که با این وضعیت تهدید شده‌اند، کشاورزی، دامداری، شکار و حتی زندگی و فعالیت‌های مرتبط با کوچ‌نشینی منطقه می‌باشد.

۲- نزاع‌های محلی و منطقه‌ای: آب در مناطق بیابانی و نیمه بیابانی ماده‌ای ارزشمند و در عین حال چالش برانگیز است. با توجه به خشکسالی‌ها و اهمیت بیشتر آب و منابع آب برخوردارهای بین روستایی و یا بین روستاها و شهرها به منظور دسترسی به آب افزایش یافته است.

۳- تغییر شیوه‌ی زندگی: با توجه به مسائلی که در اثر خشکسالی وضعیت منطقه را با مشکل مواجه ساخته (فروپاشی اقتصاد محلی، کاهش مواد غذایی، بیکاری و...) و نیز با توجه به نزدیکی به مرزهای ناامن افغانستان، به نوعی به تغییر شیوه‌ی زندگی از سمت فعالیت‌های کشاورزی و دامداری به سمت قاچاق کالا، مواد مخدر و سوخت کمک نموده است.

۴- مهاجرت گسترده و کاهش شدید جمعیت: یکی از پیامدهای جدی خشکسالی و بحران آب در استان مهاجرت گسترده به خصوص از مناطق روستایی و خالی شدن این مناطق از جمعیت است.

۵- کاهش سطح بهداشت و سلامت: قطعاً وضعیت بهداشتی و سلامتی استان تحت تاثیر خشکسالی و کاهش منابع آب قرار می‌گیرد. علی‌رغم گرایش‌های موجود به منظور افزایش سطح بهداشت، مسئله اینجاست که افزایش سطح بهداشت در شرایطی که صرفه جویی در مصرف آب ضروری است، با مشکل مواجه می‌شود.

### پ. پیامدهای زیست محیطی:

- ۱- تشدید پدیده بیابان‌زایی: اغلب فضای استان، بیابانی و نیمه بیابانی است، کمبود بارش و خشکسالی‌های چندین ساله در این منطقه سبب گسترش قلمرو بیابانی شده که خود پیامدهای مخصوصی به همراه دارد.
- ۲- تخریب محیط زیست: آب مایه حیات است، تمام جانداران زندگی خود را مدیون آب هستند. در این شرایط خشکسالی‌ها و کمبود بارش‌ها در نابودی حیات گیاهان و نباتات تاثیرگذار است.
- ۳- از بین رفتن زاد و ولد در حیات وحش: با توجه به موضوع فوق‌الذکر، علاوه بر از بین رفتن و تخریب حیات گیاهی، حیات جانوری و وحش نیز، تحت تاثیر قرار می‌گیرد و فعالیت‌های مرتبط با آن همچون شکار را تحت تاثیر قرار می‌دهد.

### ت. پیامدهای سیاسی - امنیتی:

استان خراسان جنوبی با کشور افغانستان هم مرز است. افغانستان به دلیل وجود شرای طی چون جنگ و بی ثباتی سیاسی، ناامنی، فقر، توسعه نیافتگی، کشت و تولید وسیع مواد مخدر و... در طی سه دهه گذشته همواره منشاء صدور بحران به کشورهای همسایه بوده (کریمی، ۱۳۸۰: ۴۵). مجاورت با افغانستان با شرایط مذکور از یک سو و وجود مولفه‌هایی چون ضعف و فروپاشی اقتصاد محلی، نرخ بالای بیکاری و سطح نامطلوب رفاه در این منطقه در اثر خشکسالی و کمبود منابع آبی از سوی دیگر منجر به بروز برخی فعالیت‌های ضد امنیتی همچون قاچاق کالا، قاچاق مواد مخدر، قاچاق انسان، گروگان‌گیری، تردهای غیر مجاز مرزی و... شده است و ضریب ناامنی در برخی نقاط استان به خصوص مناطق مرزی افزایش یافته است. به عبارت دقیق‌تر کمبود آب و خشکسالی موجب گرویدن مرزنشینان از فعالیت‌های سالم اقتصادی در بخش کشاورزی و دامداری به سمت فعالیت‌های ناسالم اقتصادی همچون قاچاق کالا، مواد مخدر و سوخت شده و امنیت و نظم منطقه را تحت تاثیر قرار داده است.

علاوه بر این، خشکسالی و بحران آب به خصوص در مناطق شرقی و مرزی استان سبب مهاجرت



گسترده از مناطق مرزی شده است و موجب پدیدار شدن حفره‌های دولت و مناطق غیر قابل کنترل در نواحی مرزی شده است. این مناطق فضای مناسبی را برای توسعه‌ی ناامنی و قاچاق فراهم می‌آورد. ضمن اینکه خشکسالی زندگی عشایر نشینان مرزی به ویژه در منطقه‌ی نهبندان را مختل ساخته است. با توجه به نقش عشایر به عنوان پاسداران مرزها، اختلال در زندگی آنان و روی آوردن آنها به مهاجرت و یک جانشینی پیامدهای امنیتی برای مرزهای استان در بر خواهد داشت. مسئله‌ی دیگر که باید مورد توجه قرار گیرد، خشکسالی‌های پی در پی و نیاز روز افزون به تامین منابع آبی از سایر مناطق کشور و یا خارج از مرزها است. این وضعیت مساوی است با وابستگی بیشتر و شدید تر به منبع تامین آب در داخل و یا کشور بالا دستی در تامین آب که در این صورت وضعیت نامطلوبی در منطقه یا در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران پدید می‌آید.

## سناریوهای تامین آب استان

### ۱. سناریوهای تامین و انتقال آب از داخل کشور:

یکی از راهکارهای مقابله با بحران آب، تامین آب مورد نیاز منطقه از منابع خارج از حوضه آبریز منطقه است. تاکنون برای تامین آب مناطق کم آب کشور طرح‌های مختلفی پیشنهاد شده است. سه مورد از این طرح‌ها عبارتند از:

« تامین آب شرق از طریق انتقال آب از غرب کشور.

« تامین آب از طریق انتقال آب دریای خزر به کویر مرکزی.

« تامین آب از طریق انتقال آب از آب‌های جنوب.

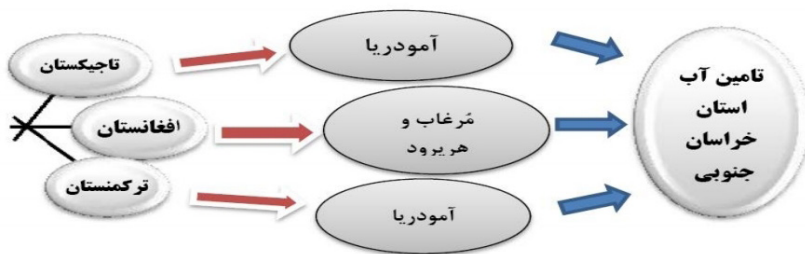
در انتقال آب از غرب به شرق چند نکته بایستی مورد توجه قرار گیرد از جمله اینکه غرب کشور آنقدر منابع آب مازاد بر مصرف ندارد که بتوان میزان قابل توجهی از آن را به شرق کشور انتقال دهیم و همچنین با توجه به توپوگرافی فلات ایران این انتقال نیاز به تکنولوژی پیشرفته و سرمایه عظیمی دارد. علاوه بر این به فرض اینکه این انتقال صورت گیرد، مناطق دچار کمبود آب و تشنگی در طول مسیر انتقال به شرق نیز، باید مورد توجه قرار گیرند.

در مورد انتقال از دریای خزر باید اشاره شود که این طرح به علت اعتراضات استان‌های ساحلی دریای خزر و همچنین پیامدهای زیست محیطی آن مورد چالش واقع شده است. در نهایت انتقال آب از آب‌های جنوب نیز با توجه به هزینه و تکنولوژی بالا مورد تردید است، علاوه بر اینکه هزینه شیرین سازی بالایی را نیز می‌طلبد.

سه طرح انتقال آب مطرح شده در داخل ایران که تا حد زیادی مانند طرح‌های مطرح شده فوق می‌باشد:  
 الف) طرح انتقال آب از حاشیه‌ی بندرعباس به هرمزگان، سیرجان و کرمان،  
 ب) طرح انتقال خزر به طرف قم، سمنان، کاشان و اصفهان  
 ج) طرح انتقال خزر (ساحل گلستان) به سمت خراسان رضوی، جنوبی و نهایتاً یزد  
 هزینه این سه طرح ۶ تا ۷ هزار میلیارد تومان برآورد شده است. (www.inn.ir)

### سناریوهای تامین آب شرق کشور از فراسوی مرزها

یکی دیگر از راهکارهای تامین آب در مناطق کم آب به خصوص در نیمه شرقی کشور، انتقال آب از فراسوی مرزها است. ضرورت این موضوع باعث شده است حتی در برنامه پنجم توسعه نیز به آن توجه شود. چنانکه در بند ج ماده ۱۴۰ قانون برنامه پنجم توسعه تحت عنوان واردات و صادرات آب با کشورهای منطقه این موضوع دیده شده است، البته باید توجه داشت که ما آب چندانی برای صادرات نداریم (پاپلی یزدی، ۱۳۹۰:۹۰).



سناریوهای انتقال آب از فراسوی مرزها

از گزینه‌های انتقال آب به کشور می‌توان به سه مورد یعنی انتقال آب از کشور تاجیکستان، افغانستان و ترکمنستان اشاره کرد.

در مورد این طرح‌های انتقال آب مدیر عامل شرکت سهامی آب منطقه‌ای خراسان رضوی چنین می‌گوید: طرح اول، در منطقه‌ای به نام رودخانه پنج در مرز تاجیکستان و افغانستان و انتقال آب از طریق افغانستان با ایجاد خط انتقال به طول ۹۰۰ کیلو متر تا تایباد می‌باشد که حدود ۱ میلیارد متر مکعب آب از این طریق منتقل می‌شود.

طرح دوم: از طریق احداث سد روی رودخانه مرغاب در افغانستان است که قابلیت انتقال سالانه ۶۰۰ میلیون متر مکعب آب به کشور را دارد و طرح سوم: تامین و انتقال آب از طریق ترکمنستان و کانال

قره قوم است که با ۵۰۰ کیلومتر لوله گذاری تا یک میلیارد متر مکعب آب آمودریا را از کانال قره قوم وارد کشور می‌کند. همچنین با اجرای طرح انتقال آب آمودریا از تاجیکستان می‌توان سالانه ۱ میلیون و ۵۰۰ هزار متر مکعب آب به استان‌های خراسان منتقل کرد (www.econews.ir). نکته‌ای که باید توجه داشت این است که انتقال آب از آمودریا شاید بعید به نظر می‌رسد اما نیاز شدید شرق به آب در چشم انداز ۲۰ ساله توجیه کننده این انتقال می‌باشد (پاپلی یزدی، ۱۳۹۰:۱۶۴).

در زمینه این طرح‌های انتقال آب چند نکته مهم قابل ذکر است. اگر قرار باشد آبی از آمودریا از طریق افغانستان منتقل شود، از نظر طبیعی و اقتصادی لاجرم از طریق هریرود باید باشد که با ساختن یک سد جدید و پمپاژ آب به داخل ایران عملی است. همچنین در زمینه انتقال آب از طریق ترکمنستان باید به دو نکته توجه داشت. خرید از سهم ترکمنستان (۲۲ میلیارد متر مکعب) که می‌توان با مذاکره ۲ تا ۴ میلیارد متر مکعب را خریداری و سپس آن را به داخل ایران منتقل کرد و می‌توان سهم آبی که از آمودریا به دست می‌آید را از کانال قره قوم تا مقابل سرخس و ترکمن صحرا آورد و از آنجا به داخل ایران پمپاژ کرد (پاپلی یزدی، ۱۳۹۰). در مقابل این طرح‌ها دارای محدودیت‌ها و معایبی نیز است. محدودیت‌ها و معایب انتقال آب از ترکمنستان بدین شرح است:

ترکمنستان بزرگترین مصرف کننده آب است، اگر روزی آب وارداتی از افغانستان و تاجیکستان به ترکمنستان به هر دلیلی قطع شود این کشور تبدیل به یک بیابان بزرگ خواهد شد  
ترکمنستان رود دائمی ندارد انتقال آب از کانال قره قوم به علت آلودگی‌های شدید شیمیایی، هزینه تصفیه آب به خصوص برای مصرف شرب را بالا می‌برد.  
ما باید به ترکمنستان به عنوان یک منبع ترانزیت آب نگاه کنیم، نه یک منبع تامین کننده آب در این زمینه پیشنهادی که دکتر پاپلی یزدی ارائه می‌دهند نیز باید مد نظر قرار گیرد، از نظر پاپلی یزدی در یک معاهده سه جانبه (ترکمنستان، افغانستان و ایران) یک سوم آب مرغاب را خریداری شود و که این انتقال از سه طریق پیشنهاد می‌شود:

(الف) از طریق پمپاژ آب و باز گرداندن آب به حوضه هریرود و تحویل گرفتن در مرز ایران.  
(ب) از طریق تونلی که بتواند آب را به صورت ثقلی از پشت سد مرغاب به هریرود در مرز ایران منتقل کند

(ج) شاید بهترین راه این باشد که ما آب خریداری شده را به ترکمن‌ها تحویل دهیم ولی در عوض از سهم ترکمن‌ها در پشت سد دوستی برداشت کنیم.

همچنین از دیدگاه صاحب نظران برخی از مهمترین معایب و محدودیت‌های انتقال آب از خارج کشور به ویژه انتقال از آمودریا به شرح زیر است:

بحث وابستگی به کشور صادر کننده و ترانزیت کننده: تامین آب از طریق انتقال آن از کشور دیگر وابستگی به کشور مبدا را پدید می‌آورد که به نوعی موجب تبعیت از سیاست‌های کشور انتقال دهنده می‌گردد.

یکی از شاخص‌های اصلی آسیب پذیری در برابر کمبود آب در یک کشور، میزان وابستگی به جریانهای سطحی و ورودی از آن سوی مرزها می‌باشد. این وابستگی در زندگی مردمان شرق ایران به آب رودخانه‌های مرزی مشترک و نیز قرار گرفتن سرچشمه‌ی این رودخانه‌ها در آن سوی مرزهای سیاسی موجب نقش آفرینی آب‌های مرزی در روابط سیاسی بین دو کشور ایران و افغانستان شده است. در این میان تاریخ دو سده مناقشه ایران و افغانستان بر سر رودخانه‌ی مرزی مشترک هیرمند، نه تنها در روابط دو کشور به عنوان یک عامل عمده تاثیرات منفی زیادی داشته، بلکه به گونه‌ای اثرگذار، بحران‌هایی مانند فقر و بیکاری، قاچاق مواد مخدر و از همه مهمتر موضوع نا امنی در این منطقه از کشور را با خطر جدی و اساسی مواجه ساخته است (علیزاده، ۱۳۸۴: ۳۴)

کنترل آب و وارد آوردن فشار به منظور امتیاز گیری: با توجه به مورد فوق، آب تبدیل به اهرم فشار می‌گردد به منظور امتیاز‌گیری از کشور وابسته به آن. اقدامات کنترلی مانند ساخت سد، منحرف کردن رود، برداشت بیشتر از آب و... با توجه به وابستگی کشور نیازمند، می‌تواند زمینه را برای امتیاز‌گیری فراهم می‌آورد.

درگیری وزارتخانه‌ها و دستگاه‌های اجرایی و امنیتی، فرآیند انتقال آب فرآیند پیچیده‌ای است که مستلزم دخالت و درگیری وزارتخانه‌هایی همچون، وزارت امور خارجه، اقتصاد، کشور، اطلاعات است و همچنین سازمان‌هایی نظیر محیط زیست نیز، در این فرآیند تاثیر گذارند.

انتخاب مسیر علاوه بر اینکه یک امر فنی است، یک کار دیپلماتیک، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی - امنیتی و توسعه‌ای هم است. به این معنی که قبل از تعیین مسیر انتقال آب که بیشتر مسئله‌ای فنی است، ابتدا بایستی از طریق فعالیت‌های سیاسی و دیپلماتیک و با در نظر گرفتن پیامدهای اجتماعی - امنیتی و اقتصادی آن خود موضوع انتقال آب مورد توافق واقع شود.

اثر گذاری رقبای جمهوری اسلامی ایران (اسرائیل، آمریکا، روسیه، ترکیه و...): در انتقال آب از کشورهای دیگر به جمهوری اسلامی ایران به ویژه منطقه شرق آن، باید به تاثیر گذاری کشورهای

منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای نیز توجه شود. امروزه کشورهایی مثل آمریکا، روسیه، اسرائیل، ترکیه و... به صورت چشمگیری در منطقه آسیای مرکزی نفوذ دارند که این مسئله موجب تاثیرگذاری و سنگ اندازی در زمینه انتقال آب می‌گردد.

استفاده از آب آمودریا منوط به مذاکره با ۶ کشور (افغانستان + ۵ عضو پیمان آلماتی): مهمترین رودخانه‌ای که به منظور انتقال آب به شرق ایران مطرح شده است رودخانه آمودریاست. مسئله اینجاست که رودخانه آمودریا متعلق به یک کشور نیست. در واقع منشا این رودخانه افغانستان است و پس از تعیین مرز تاجیکستان و افغانستان وارد ترکمنستان می‌شود و در نهایت به دریاچه آرال می‌ریزد. در این فرآیند کشورهای افغانستان، ترکمنستان، قرقیزستان، تاجیکستان، قزاقستان و ازبکستان مستقیماً درگیرند.

برداشت بیشتر از آب آمودریا با مخالفت سازمان جهانی محیط زیست و NGOهای زیست محیطی و مردم منطقه مواجه می‌شود. با توجه به اینکه برداشت بیشتر از رودخانه‌ی آمودریا باعث کاهش بیشتر آب ورودی به دریاچه آرال می‌گردد. این مسئله موجب پیامدهای زیست محیطی عمده‌ای (خشک شدن دریاچه، پخش گرد و غبار، برهم خوردن اکوسیستم منطقه، شیوع انواع بیماری‌ها و...) می‌شود که مخالفت سازمان جهانی محیط زیست و NGOهای زیست محیطی و مردم منطقه را در بر خواهد داشت.

خشکسالی‌های قرن ۲۱ آسیای مرکزی و در نتیجه کاهش محصولات، بحران زیست محیطی که تقریباً با فقر گسترده و تنش‌های امنیتی همراه شده است منطقه را مستعد کشمکش‌های طولانی می‌کند. منطقه مستعد کشمکش ضمانت مناسبی برای انتقال مستمر و بدون وقفه راه، پدید نمی‌آورد و ممکن است در صورت اجرای طرح انتقال، چالش‌های امنیتی در این فرآیند پدید آید.

انتقال آب نیازمند تکنولوژی پیشرفته: مسئله بسیار مهم در باره طرح‌های انتقال آب با توجه به توپوگرافی منطقه آسیای مرکزی که ترکیبی از کوهستان‌ها، دره‌ها و بیابان‌هاست، وجود تکنولوژی پیشرفته به منظور اجرای این طرح‌ها است. جلب نظر سایر کشورهایی که از آمودریا منفعت می‌برند مثل کشورهای افغانستان، قرقیزستان، ترکمنستان و روسیه نیز مهم است که نظر و منافع آنها نیز تامین گردد (عسکری، ۱۳۸۱: ۵۰۰).

## مواد و روش‌ها

در روش‌های جمع‌آوری منابع آب، هرگونه تغییر در محیط زیست، کل اقتصاد را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ خواه این تغییر ناشی از مخاطرات طبیعی یا به علت دخالت انسان باشد. با توجه به سهم بالای آب آبیاری از کل مصارف آب و وابستگی بخش کشاورزی به آبیاری و ارتباطات پسین و پیشین بخش کشاورزی با سایر بخش‌ها، هرگونه شوک کم‌آبی، کل اقتصاد را تحت تأثیر قرار می‌دهد. برای مثال، خشکسالی باعث کاهش تولید محصولات کشاورزی و دامی و در نهایت منجر به کاهش درآمد کشاورزان می‌شود. همچنین خشکسالی از یک طرف باعث کاهش عرضه آب شرب و از طرف دیگر افزایش شیوع بیماری‌های اپیدیمی را به دنبال دارد. از آثار نامستقیم خشکسالی، می‌توان به تهدید امنیت غذایی کشور، بیکاری، مهاجرت و سایر ناپایداری‌های اقتصادی و اجتماعی اشاره کرد. بنابراین، برای بررسی اطلاعات جمع‌آوری شده بخش آب نیاز به روشی است که بتواند ارتباطات متقابل بین بخش آب و سایر بخش‌ها را لحاظ کند. به عبارتی، به چارچوب گستره‌تری نظیر مدل‌های تعادل عمومی است.

در این گزارش پس از انجام مطالعات جامع اسنادی و کتابخانه‌ای و بازدیدهای متعدد به بررسی راهکارهای اقتصادی تامین منابع آبی خراسان جنوبی (شهر بیرجند) از طریق جمع‌آوری اطلاعات از سایت‌های مرتبط شرکت آب منطقه‌ای و جهاد کشاورزی استان و مصاحبه با مسئولین شرکت آب منطقه‌ای، مبادرت ورزیده شد. روش کار در این گزارش بصورت تحلیلی - توصیفی بوده و آمار مورد نیاز از سایت اداره آب و فاضلاب استان استخراج شده است. و در انتها پیشنهادات و راهکارهای اقتصادی جهت تامین منابع آبی ارائه گردیده است.

## بحث و نتیجه گیری

آب یک منبع طبیعی، کمیاب و حیاتی است که انسان بطور مستمر در هر زمان و مکان بدان نیاز دارد. آب یک کالای با ارزش و غیرقابل جایگزین در توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور هاست. در ایران، محدودیت منابع آب قابل دسترس، توزیع غیریکنواخت آن در سطح کشور و الگوی نامناسب شهرنشینی و مراکز سکونتگاهی و نوع و شیوه تولید محصولات زراعی از منظر سازگاری با اقلیم، تامین آب مورد نیاز را در بسیاری از مناطق کشور با مشکل مواجه نموده و به تدریج بر ابعاد مساله افزوده است. از طرفی بروز خشکسالی پی در پی در سال‌های اخیر دسترسی به آب را با بحران شدیدتری

مواجهه نموده به طوری که تامین آب قابل دسترس و مطمئن برای مصارف مختلف یکی از چالش‌های مهم کشور و به خصوص استان خراسان جنوبی محسوب می‌شود. برداشت بی‌رویه از منابع آب زیرزمینی و اضافه برداشت سالانه ۹ میلیارد متر مکعب از این منابع و کاهش تغذیه، افت آبخوان‌ها و نشست زمین از دیگر مسائل و مشکلات بخش آب می‌باشد. از طرف دیگر افزایش پساب‌ها و آلوده شدن منابع آب و همچنین مسائل مربوط به آب‌های مرزی و مشترک از مشکلات مدیریت آب است. تشدید بحران آبی ناشی از خشکسالی‌های پی در پی سال‌های اخیر، بر اهمیت مدیریت منابع آب در نواحی خشک کشور، که برای فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی خود متکی بر ذخیره محدود آب‌خانه‌های دشت‌ها هستند افزوده است. هرچند بحران ناشی از تاثیرگذاری خشکسالی بر منابع آب به طور جدی در نهادهای مدیریتی این مناطق نفوذ کرده؛ اما تکیه بر اقدامات مقطعی جهت جبران و تعدیل خسارات وسیع ناشی از این امر چاره ساز نبوده و ضرورت دارد برنامه ریزان ناحیه‌ای در کنار سایر روش‌ها، به تمهید سیاست‌ها و روش‌های خاصی که بازنگری جدی در مدیریت منابع محدود آب را در این مناطق سامان دهد توجه بیشتری نمایند. هرچند طرح‌های مهار و انتقال آب‌های سطحی منطقه دارای حجم آب کم و هزینه‌های بالایی هستند، ولی در مقایسه با گزینه انتقال آب از دریا، از نظر اقتصادی و زیست محیطی از ارجحیت ملموسی برخوردارند. کاهش مصارف کشاورزی از آب زیرزمینی تا سقف آب قابل برنامه‌ریزی و بازچرخانی پساب فاضلاب شهر بیرجند به عنوان راهکار تکمیلی تامین آب مطرح هستند. برای بازچرخانی پساب، دو راهکار جابجایی با مصارف کشاورزی آبخوان‌ها و یا تصفیه تکمیلی و تزریق آن به آبخوان شرب مطرح است که هر دو راهکار، پتانسیل مناسبی برای تولید آب دارند. نیاز آبی شهر بیرجند در افق ۱۴۲۰ به میزان ۵/۱ برابر نیاز فعلی خواهد بود که با در نظر گرفتن منابع آب محلی و بازچرخانی پساب، نه تنها دارای کمبود نخواهد بود، بلکه ۱۲۲ میلی متر مکعب در سال معادل ۳۰٪ نیاز آبی شرب آب مازاد نیز در جهت حاشیه اطمینان وجود خواهد داشت.

منابع آب کافی همواره برای یک کشور به معنای توسعه در بخش کشاورزی، غذای کافی، رشد اقتصادی و رفاه عمومی بوده است و دستیابی به منابع آبی کافی قابل اعتماد (از نظر کمی و کیفی) به معنای برخورداری از ظرفیت و پتانسیل لازم برای توسعه اقتصادی و اجتماعی و در یک کلام بهبود استانداردهای زندگی و رفاه جامعه می‌باشد. نیمه شرقی کشور در طی تاریخ نسبت به نیمه غربی و شمالی همواره بارش کمتری را دریافت کرده است و از این رو کمبود آب و خشکسالی همزاد این مناطق است. استان خراسان جنوبی همراه با سایر بخش‌های کشور در دهه‌های اخیر در عرصه‌های

مختلف توسعه اقتصادی، اجتماعی پیشرفت‌هایی خوبی را داشته است و از آنجا که توسعه اقتصادی و اجتماعی جوامع عمدتاً همراه با افزایش شدید مصرف آب به خصوص در بخش‌های شهری و خانگی است، این استان با چالش جدی در موضوع منابع آب برخوردار است. به عقیده صاحب نظران آب الفبای توسعه است و از این رو فقدان وجود منابع آبی کافی نتیجه‌ای جز عدم توسعه یا توسعه محدود نخواهد داشت. کمبود شدید منابع آب در کشور و به خصوص استان‌های نیمه شرقی همانند استان خراسان جنوبی در بردارنده پیامدها و تهدیدات مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و امنیتی می‌باشد. از بین رفتن زمینه‌های اشتغال در بخش‌های کشاورزی و افزایش نرخ بیکاری، افزایش شغل‌های کاذب، قاچاق کالا، مواد مخدر و... افزایش مهاجرت به شهرها و استان‌های مجاور و خالی شدن مناطق مرزی از جمعیت و ایجاد حفره‌های امنیتی و... بخشی از این تهدیدات به خصوص در حوزه سیاسی - امنیتی است. برای مقابله با بحران آب در استان خراسان جنوبی، بایستی از یک سو به اصلاح ساختار معیوب مصرف آب به خصوص در بخش کشاورزی پرداخت و از سوی دیگر به فکر استفاده از منابع آبی سایر نقاط کشور و حتی فرا سوی مرزها بود. امری که اگر چه در وهله اول بعید می‌نماید اما ضرورت آن در سال‌های آتی بیشتر آشکار خواهد شد.

## پیشنهادات

- با در نظر گرفتن نتایج مطالعه حاضر، مهمترین پیشنهاداتی که از منظر اقتصادی در جهت تامین منابع آبی استان و بالاخص شهر بیرجند می‌توان ارائه نمود بشرح ذیل است:
- جهت مدیریت مصرف و تقاضا به جای مدیریت تامین، پیشنهاد می‌گردد اعمال مدیریت تخصیص مجدد و توجه ویژه به منابع آبی از قبیل منابع حاصل از تجارت مجازی آب، منابع حاصل از بازچرخانی آب و منابع حاصل از شیرین سازی آب‌های شور صورت گیرد.
  - افزایش بهره‌وری و بهبود عملکرد اقتصادی آب با هماهنگی سیاست‌های کلان اقتصادی (سیاست‌های قیمتی و غیرقیمتی) با هدف افزایش کارایی اقتصادی آب و تغییر نظام تخصیص مبتنی بر اصول اقتصادی که هدف آن به دست آوردن حداکثر ارزش اقتصادی از منابع آب باشد.
  - اصلاح معیارهای تشویق زارعین و انتخاب کشاورزان نمونه با در نظر گرفتن اصلاح روش‌های آبیاری و افزایش کارایی استفاده از آب، میزان محصول به ازای هر متر مکعب آب به جای عملکرد در هکتار.



- ترویج و آگاه‌سازی افراد جامعه اعم از روستایی و شهری در راستای اصلاح دیدگاه افراد در خصوص آب به عنوان یک کالای اقتصادی که هر چند تجدید شدنی است اما دارای ارزش فزاینده‌ای است.
- برنامه‌ریزی جهت توسعه شبکه پایش کمی و کیفی منابع آب و مهندسی مجدد و بازتوانی توان اولیه تاسیسات.
- تصفیه آب فاضلاب‌ها با هدف کاهش آلاینده‌ها، استفاده مجدد از پساب‌ها و شیرین‌سازی آب‌های شور با هدف تامین بخشی از آب مصرفی در بخش‌های شرب، کشاورزی و صنعت.
- ایجاد و توسعه بازارهای منطقه‌ای برای آب در کل کشور.

## منابع و ماخذ

۱. گزارشات تهیه شده توسط دفتر مطالعات پایه منابع آب شرکت آب منطقه‌ای خراسان جنوبی.
۲. انصاری، مجید (۱۳۹۳)، بحران خشکسالی و هفت عامل کم‌آبی در جهان، انتشارات مشوق، تهران.
۳. جهاد کشاورزی استان خراسان جنوبی، (۱۳۹۵)، طرح توسعه آبخوان داری در شرق دشت بیرجند، مرکز تحقیقات منابع طبیعی.
۴. سازمان جهاد کشاورزی خراسان جنوبی، (۱۳۹۷)، نگرشی بر توسعه اقتصادی خراسان جنوبی، معاونت طرح و برنامه اداره آمار و فن آوری اطلاعات.
۵. شرکت آب منطقه‌ای خراسان جنوبی، (۱۳۹۷)، معاونت برنامه‌ریزی و بهبود مدیریت.
۶. شرکت آب منطقه‌ای خراسان جنوبی، (۱۳۹۷)، وضعیت منابع آب زیرزمینی آب دشت بیرجند، امور مطالعات منابع آب. آبی
7. Abuzeid, M. (2002), Water pricing in irrigated Agriculture, [www.anafide.org/doc/HTE%20125/125-11.pdf](http://www.anafide.org/doc/HTE%20125/125-11.pdf)
8. Asadi, H., Soltani, Gh.R. & Torkamani, J. (2007). water pricing in Iran, the case study of Taleghan dam's area, Journal of Agricultural Economics and Development, 58: 61-90. (In Farsi)
9. Binswanger, H. P., Deininger K. & Gershon F. (1993), Agricultural land relations in the developing world, American, 75, 1242-1248.
10. Bragança, J. (1998). Portugal, personal communication.

11. Chohin-Kuper, A., Rieu, T. & Montginoul, M. (2003). Water policy reforms: Pricing water, cost recovery, water demand and impact on agriculture. Lessons from the Mediterranean experience. Water pricing Seminar, Barcelona, June 30-July 2.
12. Dandy, G.C., Mcbean. E.A. & Hutchinson B.G. (1984), A model for constrained optimum water pricing and capacity expansion, Water Resources Research, 20(5), 511-520.
13. Farrokh, B. (1996), the pricing according to marginal cost, Water and Development Journal, 1, 22 - 33.
14. Garrido, A. & Calatrava, J. (2010) Agricultural water pricing: EU and Mexico, Organization for Economic Co-Operation and Development (OECD).
15. Gittinger, P.J. (1987). Economic analysis of agricultural projects, translated by Majid Kopahi, Tehran University Press, Tehran. (In Farsi)
16. Griffin, R.C. & Perry G.M. (1985), Volumetric pricing of agricultural water supplies: a case study, Water Resources Research, 21(7), 944-950.

## Abstract

**Introduction:** Water is an economic commodity and, like other commodities, supply and demand. The economics and pricing of water also reflect the scarcity of water. This means that the population is not able to get enough water due to lack of investment for water extraction or lack of water resources. In traditional economics, water is not introduced into national accounts as a productive factor. But in reality, water is directly and indirectly the primary input of many goods and services. The growing trend of South Khorasan province in recent years and its location in a dry and semi-arid region on the other hand, makes it more necessary to have economic strategies for water supply in this area.

**Methods:** This descriptive-analytical study was carried out using library resources and statistics and documentation of the Water and Wastewater Administration of the Province of South Khorasan to Birjand city center providing economic solutions.

**Results:** The results of this study indicate that although surface water containment and transportation plans have low water volume and high costs, they are economically and ecologically preferable compared to sea water options. Reduction of agricultural use from groundwater to programmable water ceiling, recycling of Birjand wastewater effluent are considered as a complementary solution to water supply. To recycle wastewater, there are two alternatives to agricultural water use or supplementation and injection into potable water, both of which have the potential to produce water.

**Keywords:** Water resources supply, Water pricing, Supply and demand, Economic strategies.



# ارائه مدل تلفیقی ارزیابی عملکرد شرکت‌های لجستیکی طرف سوم (3pls) در صنایع خودرو سازی کشور

مهندس بهناز اطمینان

## چکیده

تحقیقی تحت عنوان "ارائه مدل تلفیقی ارزیابی عملکرد شرکت‌های لجستیکی طرف سوم (3pls) در صنایع خودرو سازی کشور" صورت گرفته است که مطالعه حاضر، پژوهشی کاربردی است که با هدف ارائه مدل ارزیابی عملکرد شرکت‌های لجستیک طرف سوم (3pls) در صنعت خودروسازی صورت گرفته است. برای دستیابی به اهداف پژوهش ابتدا با توجه به مطالعات پیشین و مصاحبه با خبرنگاران، مجموعه‌ای از شاخصهای ارزیابی عملکرد شرکت‌های لجستیک طرف سوم شناسایی شدند. روابط معنی‌دار میان عوامل با تکنیک دیمتل تعیین شد و سپس عوامل با استفاده از تکنیک مدل‌سازی تفسیری - ساختاری، تجزیه و تحلیل و در نهایت ارتباط و توالی شاخص‌ها به دست آمده است. بینشی که این مدل به مدیران صنعت خودروسازی ارائه می‌کند می‌تواند به آنها در برنامه‌ریزی راهبردی برای انتخاب بهترین شرکت‌ها جهت استفاده در سیستم آمادگی و پشتیبانی کمک کند.

**کلمات کلیدی:** شرکت‌های لجستیکی، صنایع خودروسازی، تکنیک دیمتل، برنامه‌ریزی راهبردی

لجستیک (پشتیبانی) یکی از فعالیت‌های پویایی است که امکان ارتباط میان تولید و مصرف را برقرار میکند. براساس تعریف اتحادیه حرفه‌ای زنجیره تامین، لجستیک شامل دسته‌ای از فرایندهای برنامه‌ریزی، بکارگیری و کنترل گردش کالاها، خدمات و اطلاعات مرتبط است. (ویتاسک، ۲۰۱۳)، پشتیبانی فعالیت‌های پیچیده‌ای را دربردارد و می‌تواند از دیدگاه‌های متنوعی مورد ارزیابی قرار گیرد. یکی از اهداف لجستیک تضمین دستیابی به نیازمندی‌ها و خواسته‌های مشتریان به صورت کارا و اثربخش است (دومینگوئز و همکاران، ۲۰۱۵)، یکی از راه کارهای دستیابی به اهداف پشتیبانی در صنعت خودروسازی، برون سپاری فعالیت‌های لجستیک به یک شرکت تخصصی است که امروزه با نام «شرکت‌های لجستیک طرف سوم» یا به صورت اختصاری *TPL* شناخته می‌شوند. این شرکت‌ها قادر هستند تا با تمرکز بر شیوه‌های نوین، امور لجستیکی شرکت‌ها را به نحوی مطلوب انجام داده و علاوه بر کاهش هزینه‌ها، کیفیت و بهره‌وری بیشتری به سازمان ارائه دهند (ژی و ژیانگ، ۲۰۱۲).

### چارچوب نظری و ادبیات پژوهش

تمایل به جهانی شدن، نیاز سازمان‌ها به چابک شدن، پیچیدگی و تخصصی شدن کارها، وجود ریسک‌ها، عدم اطمینان در بازار، فشار رقابتی سنگین، توسعه تکنولوژی‌ها، توسعه خدمات ویژه به مشتری، فشار زمان، گسترش ادغام‌های سازمانی، افزایش تقاضا برای خدمات با ارزش افزوده در لجستیک، استفاده عقلایی و حداکثر بهره‌برداری از صنایع در دسترس همه دلایلی روشن بر اهمیت برون سپاری فعالیت‌های لجستیک می‌باشد. برون سپاری لجستیک به عنوان راهکاری برای مواجهه با این پیچیدگی‌ها دیده می‌شود (حسین‌زاده، ۱۳۹۴)، همانگونه که تجربه نزدیک به چهار دهه اخیر کشورها و صنایع پشروی دنیا نشان می‌دهد؛ کارامدی حوزه لجستیک و زنجیره تامین یکی از مهمترین راهبردهای بهبود فضای کسب و کار، کاهش هزینه مبادله و قیمت تمام شده و افزایش بهره‌وری در زمان حاضر می‌باشد. امروزه، لزوم توجه به مقوله لجستیک بر مدیران صنایع و کسب و کارهای مختلف پوشیده نیست؛ چرا که هزینه‌های لجستیکی بعضاً تا ۳۰ درصد از هزینه‌های تحویل (قیمت تمام شده) محصول را تشکیل می‌دهد. از این رو، ارتقای سطح آگاهی از اهمیت لجستیک طی سال‌های اخیر موجب شده تا کم و بیش اقداماتی در جهت توسعه لجستیک در کشورها و شرکت‌های پیشروی دنیا صورت گیرد که از آن جمله میتوان به پدید آمدن شرکت‌های لجستیکی طرف سوم و گسترش استقبال

عمومی از آنها اشاره کرد. بنابر تعریف، شرکت‌های لجستیکی طرف سوم یا به اختصار (3pls) به شرکت‌هایی گفته می‌شود که سازمان‌های تولیدی یا خدماتی بخشی و یا کل امور لجستیکی خود را به آنها برون سپاری می‌کنند. این شرکت‌ها معمولاً در حوزه‌های حمل و نقل و انبارداری متخصص هستند و قادرند خدمات خود را با انواع مختلف و متنوعی از محصولات منطبق سازند (دیوش و زیلور، ۲۰۱۶). فعالیت‌های لجستیک در صنعت خودرو به صورت مستقیم و غیر مستقیم تاثیر گذار می‌باشد. فعالیت‌های مختلف شرکت‌های خودروسازی به صورتی فراگیر متاثر از موضوعات و مفاهیم لجستیکی هستند. از آنجا که هدف لجستیک در هر صنعت حداقل کردن هزینه‌های سازمان با ایجاد مطلوبیت زمانی و مکانی برای کالا است، روش‌هایی مانند برون سپاری لجستیک موجب ایجاد مزیت رقابتی برای شرکت‌های خودروسازی و افزایش بهره‌وری آنها است (شی و همکاران، ۲۰۱۶). از دیرباز بیشتر سازمان‌ها لجستیک را به عنوان یک کارکرد پشتیبانی تلقی می‌کردند و نه یک کارکرد اصلی، لذا همواره به عنوان یک جایگزینی مسلم برای برون سپاری مطرح بوده است. از نظر بسیاری از شرکت‌ها، لجستیک فعالیتی نیست که تحت مدیریت مستقیم آنها انجام شود، بلکه فعالیتی است که می‌تواند از متخصصین بیرون سازمان دریافت کنند. شیوه دریافت این خدمات نیز می‌تواند تاثیر مهمی بر کارایی و کیفیت جامع سیستم لجستیک شرکت داشته باشد (روی و همکاران، ۲۰۱۶).

## تکنیک دیمتل

تکنیک دیمتل که توسط مرکز تحقیقاتی جنوا ارائه شده است (فونلا و گابوس، ۱۹۷۶)، برای شناسایی الگوی روابط علی میان متغیرها استفاده می‌شود (هورنگ، ۲۰۱۳). در مطالعه حاضر الگوی روابط علی میان معیارهای اصلی با تکنیک دیمتل شناسایی شده است. با استفاده از این رویکرد کارشناسان قادرند با تسلط بیشتری به بیان نظرات خود در رابطه با اثرات (جهت و شدت اثرات) میان عوامل پردازند. لازم به ذکر است که ماتریس حاصله از تکنیک دیماتل (ماتریس ارتباطات داخلی)، هم رابطه علی و معلولی بین عوامل را نشان می‌دهد و هم اثرپذیری و اثرگذاری متغیرها را نشان می‌دهد. **گام ۱)** محاسبه ماتریس ارتباط مستقیم: ابتدا دیدگاه خبرگان گردآوری شده است و با طیف جدول ۱ کمی شده است. زمانی که از دیدگاه چند کارشناس استفاده می‌شود از میانگین حسابی ساده نظرات استفاده می‌شود و ماتریس ارتباط مستقیم یا  $X$  را تشکیل می‌دهیم.

جدول ۱- طیف فازی و تکنیک دیمتل، منبع: وانگ، ۲۰۱۱؛ وانگ و چانگ ۱۹۹۵

متغیر زبانی	بدون تاثیر	تاثیر کم	تاثیر گذار	تاثیر زیاد	تاثیر خیلی زیاد
معادل کمی	۰	۱	۲	۳	۴

**گام ۲)** محاسبه ماتریس ارتباط مستقیم نرمال: برای نرمال سازی جمع تمامی سطرها و ستونها محاسبه می شود. بزرگترین عدد سطر و ستون  $K$  را تشکیل می دهد. تمامی مقادیر جدول بر معکوس این عدد ضرب می شود تا ماتریس نرمال شود.

$$k = \max \left\{ \max \sum_{i=1}^n x_{ij}, \sum_{i=1}^n x_{ij} \right\}, N = \frac{1}{k}, X$$

**گام ۳)** محاسبه ماتریس ارتباط مستقیم کامل: برای محاسبه ماتریس ارتباط کامل ابتدا ماتریس همانی ( $I$ ) تشکیل می شود. سپس ماتریس همانی را منهای ماتریس نرمال کرده و ماتریس حاصل را معکوس می کنیم. در نهایت ماتریس نرمال را در ماتریس معکوس ضرب می کنیم:

$$N.(1-N)^{-1}$$

در نهایت برای تعیین نقشه روابط شبکه ( $NRM$ ) باید ارزش آستانه محاسبه شود. با این روش می توان از روابط جزئی صرف نظر کرده و شبکه روابط قابل اعتنا را ترسیم کرد. تنها روابطی که مقادیر آنها در ماتریس  $T$  از مقدار آستانه بزرگتر باشد در  $NRM$  نمایش داده خواهد شد. برای محاسبه مقدار آستانه روابط کافی است تا میانگین مقادیر ماتریس  $T$  محاسبه شود. بعد از آنکه شدت آستانه تعیین شد، تمامی مقادیر ماتریس  $T$  که کوچکتر از آستانه باشد صفر شده یعنی آن رابطه علی در نظر گرفته نمی شود. ماتریس حاصل به عنوان ورودی در تکنیک  $ISM$  مورد استفاده قرار خواهد گرفت که در جای خود تشریح خواهد شد.

### نتیجه گیری

از آنجا که در صنعت خودروسازی ایران فعالیت های لجستیکی تقریباً به صورت سنتی انجام می شوند، این مسئله هزینه های زیادی را بر تولید ماشین های داخلی و خدمات پس از فروش آنها اضافه می کند، لذا با توجه به آیت مهم و با توجه به خصوصیات شرکت طرف سوم بهتر است تا شرکت های فعال در صنعت خودروسازی از خدمات اینگونه شرکت ها استفاده کنند. در این راستا وجود یک مدل مناسب برای ارزیابی عملکرد شرکت های لجستیک طرف سوم، در صنعت خودروسازی ارائه



گردید. براساس یافته‌های این تحقیق پیش از عقد قرارداد با هریک از (3pls) ها باید عملکرد آنها به دقت پایش شود و سپس با ایجاد قراردادهای بلند مدت منافع جاری و آتی شرکت تضمین گردد. یکی از مهمترین دلایل استفاده از شرکت‌های لجستیک طرف سوم صنعت خودرو کاهش هزینه‌ها و دسترسی سریع به خدمات با کیفیت و تخصصی است. این به معنای تولید بیشتر با استفاده از همان قطعات و مجموعه‌ها است که خود منجر به سودآوری در مقیاس اقتصادی شده و ازینرو کاهش قیمت تمام شده و هزینه‌ها را هم برای تامین کننده، هم تولیدکننده و هم فروشندگان به دنبال خواهد داشت. برای انتخاب بهترین شرکت جهت برون سپاری فعالیت‌ها استفاده از شاخص‌های دقیق ارزیابی شرکت‌های لجستیک طرف سوم می‌تواند راه گشا باشد. تحقیقات به عمل آمده پیشین حاکی از آن است که در صنعت خودرو بیشترین ارزش افزوده در انتهای زنجیره تامین خودرو و در ارتباط با خدمات پس از فروش محقق می‌شود. براساس این روند در صنایع خودرو نقش هر یک از عناصر زنجیره نیز تغییر یافته است به نحوی که پیش از این، فعالیت‌هایی از جمله خدمات پس از فروش، توزیع، فروش و بازاریابی و مدیریت نام و نشان تجاری توسط واسطه‌ها و توزیع کنندگان انجام می‌شد و خودروسازان به طور عمده به ساخت، تولید و مونتاژ می‌پرداختند؛ ولی ازین پس خودروسازان بیشتر به فرایندهای توزیع، فروش و بازاریابی و مدیریت نام و نشان تجاری پرداخته و در مقابل بخش عمده‌ای از تولید و مونتاژ مجموعه‌ها و فوق مجموعه‌ها برعهده تامین کنندگان گذاشته شده است. براساس نتایج تحقیق، ظرفیت، به موقع بودن و زمان تامین از بازارها در سطح نخست قرار دارند و پایه‌ای ترین متغیرها جهت انتخاب و ارزیابی شرکت‌های طرف سوم می‌باشند. عملکرد صحیح شرکت‌های خدماتی لجستیکی طرف سوم در صنعت خودروسازی در نهایت منجر به بهبود بهره‌وری شود.

## منابع

- اصغرپور، محمدجواد (۱۳۹۰)، *تصمیم‌گیری‌های چند معیاره تهران*؛ انتشارات دانشگاه تهران.
- اصغرپور؛ *تصمیم‌گیری چندمعیاره*، ۱۳۸۴ و ۱۳۷۷.
- اصلی‌زاده، احمد؛ پیله‌وری، نازنین؛ کرک‌آبادی، فاطمه؛ کتب "زنجیره تامین سبز" (۱۳۹۶)، دانشگاه آزاد اسلامی واحد یادگار امام ره.
- آذر، عادل و فرجی، حجت؛ *علم مدیریت فازی*، انتشارات موسسه کتاب مهربان نشر، ۱۳۸۷.
- آذر، عادل؛ بیات، کریم؛ (۱۳۸۷)، طراحی مدل فرایند محوری کسب و کار با رویکرد مدلسازی

- ساختاری تفسیری (ISM)، نشریه مدیریت فناوری اطلاعات، دوره ۱، شماره ۱، از صفحه ۳ تا ۱۸.
- آذر، عادل؛ رجبزاده، علی؛ "تصمیم‌گیری کاربردی، رویکرد MADM"، نشر قلم، ۱۳۸۹.
- آزمون، مهندس آرش، ۱۳۹۱، یکپارچگی و افزایش بهره‌وری در لجستیک و زنجیره تامین، مرکز مطالعات و پژوهش‌های لجستیکی.
- باقری، جواد؛ صادق، محسن، (۱۳۹۰)، ارائه مدلی جهت انتخاب مناسبترین گزینه از شرکت‌های لجستیک طرف سوم در ایران، دومین کنفرانس بین‌المللی و چهارمین کنفرانس ملی لجستیک و زنجیره تامین، تهران، موسسه همایش صنعت.
- پیله‌وری، نازنین؛ بابایی، محمدرضا؛ مهری، نصیبه؛ پایان‌نامه ارزیابی عوامل اجرای مدیریت زنجیره تامین سبز با تکنیک دیمتل (مطالعه موردی: صنعت غذایی)، ۱۳۹۶.
- پیله‌وری، نازنین؛ پیدایی، مهرداد؛ مومن‌زاده، رضا؛ شناسایی تاثیر شاخص لاج بر عملکرد زنجیره تامین با استفاده از معاملات ساختاری (مورد مطالعه صنعت خودروسازی)، ۱۳۹۶.
- ترابی نوید، صفورا؛ دانشگاه آزاد اراک، ۱۳۹۱، مهندسی صنایع، پایان‌نامه کارشناسی ارشد "تعیین معیارهای ارزیابی شرکت‌های خدمات لجستیک طرف سوم با رویکرد MOLP و FANP".
- جمالی، احمد (۱۳۹۱)، مدیریت زنجیره تامین سبز و حمل و نقل چندوجهی، بندر و دریا، شماره ۱۹۳، صفحه ۱۰۷.

# تاثیر عارضه‌یابی از واحدهای صنعتی بر رونق تولید و رشد اقتصادی

حسن سهرابی‌فرد، حامد زارعی

## چکیده

سرمایه‌گذاری یکی از سیاست‌های مهم توسعه و رشد اقتصادی و ایجاد درآمد و فرصت‌های شغلی است. سرمایه‌گذاری از سه طریق امکان‌پذیر می‌باشد: تأسیس کسب و کارهای جدید، توسعه کسب و کارهای موجود و فعال‌سازی کسب و کارهای غیرفعال یا نیمه‌فعال. تعطیلی یا نیمه‌فعال شدن واحدهای صنعتی می‌تواند به دلایل مختلفی نظیر بازار فروش، نقدینگی یا عدم توان پرداخت تسهیلات بانکی اتفاق افتد که می‌تواند عواقب خطرناکی را برای اشتغال و کارآفرینی استان ایجاد نماید. با توجه به شعار سال، تولید داخلی یکی از دغدغه‌های اصلی امسال برای دستگاه‌های اجرایی به حساب می‌آید. مقام معظم رهبری موضوع رکود را از طریق رونق تولید داخلی را از اولویت‌های اصلی و بسیار مهم در بخش اقتصاد برشمردند و خاطرنشان کردند که مشکلات اقتصادی به ویژه رکود و اشتغال باید به صورت عملیاتی حل شوند. یکی از ماموریت‌های بسیج مهندسين صنعتی استان کمک به رونق واحدهای صنعتی فعال و نیمه‌فعال استان جهت خروج از رکود و کارآفرینی جوانان استان می‌باشد و بر خود لازم می‌داند که این ماموریت را در راستای اهداف نظام به بهترین نحو انجام دهد. لذا سعی شده است در پژوهش حاضر عوامل مؤثر بر غیرفعال شدن برخی از واحدهای صنعتی مستقر در شهرک‌های صنعتی استان خراسان جنوبی به منظور تعیین اولویت‌ها و راهکارهای لازم جهت فعال‌سازی مجدد آن‌ها به عنوان بخشی از توان بالقوه جهت ایجاد کارآفرینی، خروج از رکود واحدهای صنعتی و در نتیجه رونق تولید داخلی در قالب طرح عارضه‌یابی بررسی گردد.

**کلمات کلیدی:** واحد صنعتی، کسب و کار، اشتغال، رشد اقتصادی، عارضه‌یابی

## ۱- مقدمه

بنا به فرموده مقام معظم رهبری، ایران بزرگ امروز بیش از هر زمان دیگر به کار و کارآفرینی نیاز دارد تا همچون عقابی تیز پرواز، در فضای پیشرفت و آبادانی و افتخار اوج گیرد. (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار صدها تن از کارآفرینان عرصه‌های مختلف، دی ماه ۱۳۸۹) همچنین از دیدگاه اسلام، ایجاد اشتغال همراه با خروج از رکود واحدهای صنعتی را می‌توان زمینه‌سازی برای به کارگیری گنجینه استعداد‌های انسانی دانست. واضح است که عدم اجرای این پژوهش باعث رکود واحدهای صنعتی نیمه فعال استان می‌گردد که این می‌تواند نتایجی از قبیل عدم توجه به کارآفرینی و تولید داخلی، رکود بازار و بیکاری جوانان استان گردد. همچنین می‌توان از دیگر معایب عدم اجرای این پژوهش را، عدم ایجاد ارتباط علمی و بهره‌گیری از توانایی‌های علمی صنعت و نیروهای فرهیخته بسیجی دانست که می‌توانند به صنایع استان کمک شایانی نمایند. از طرفی در صورت پاسخ به این نیاز دانشی می‌توان دستاوردهایی نظیر: ایجاد سهمی بزرگ توسط بسیج مهندسين صنعتی در راستای اهداف این رده نظیر: رونق تولید داخلی و خروج واحدهای صنعتی از رکود را متصور شد. از طرفی می‌توان به رابطه عمیق‌تر بین نیروهای فعال بسیجی و صنعت استان متمرکز شد که این می‌تواند ایجاد انگیزه در نیروهای علمی بسیج نماید. همچنین می‌توان گام مهمی در راستای توسعه و پیشرفت و آبادانی استان برداشت که بنا به فرموده مقام معظم رهبری از وظایف اصلی سپاه به حساب می‌آید.

اهمیت موضوع از جنبه کاربردی را می‌توان به این صورت بیان کرد که استان خراسان جنوبی به دلیل هم‌مرز بودن با کشور افغانستان از موقعیت استراتژیک خاصی برای دولت جمهوری اسلامی ایران برخوردار است. بنابراین توسعه این استان بخشی از اولویت‌های دولت در زمینه توسعه می‌باشد. علیرغم سیاست‌گذاری‌ها و سرمایه‌گذاری‌های انجام‌شده در خصوص ایجاد و توسعه شهرک‌های صنعتی استان، تأمین زیرساخت‌های موردنیاز آن‌ها و نیز حمایت‌های مالی از توسعه بنگاه‌های اقتصادی کوچک و متوسط طی سال‌های گذشته با هدف دستیابی به رشد اقتصادی و توسعه صنعت و اشتغال، برخی از واحدهای مستقر در شهرک‌های صنعتی استان غیرفعال می‌باشند و امکان مشارکت در اقتصاد و توسعه استان را ندارند. از این رو شناسایی عوامل رکود این واحدها، ضمن کمک به اتخاذ تدابیر مناسب به منظور فعال‌سازی مجدد آن‌ها و فراهم‌نمودن زمینه برای نقش‌آفرینی در اقتصاد استان، نقش مناسبی در اصلاح سیاست‌ها و برنامه‌های آتی توسعه را خواهد داشت. از اهداف اصلی این پژوهش می‌توان به بررسی علل رکود واحدهای صنعتی نیمه فعال و راهکارهای رفع آن متناسب با

ماموریت‌های سپاه استان (مورد مطالعه: ۱۰ واحد صنعتی نیمه فعال استان خراسان جنوبی) اشاره کرد.

## ۲- اهداف، دستاورد و مبانی پژوهش

از اهداف فرعی نیز می‌توان به بررسی علل رکود برخی از واحدهای صنعتی مستقر در شهرک‌های صنعتی استان راه کارهای رفع رکود متناسب با ماموریت‌های سپاه استان اشاره کرد. شناخت علل رکود واحدهای نیمه فعال و ارائه راهکارهای رفع رکود، برنامه ریزی مناسب و دقیق به منظور فعال کردن واحدهای صنعتی، کمک به خروج واحدهای صنعتی نیمه فعال از رکود، رونق اقتصادی واحدهای صنعتی نیمه فعال در جهت کمک به رونق تولید داخلی از جمله مهمترین دستاوردهای این پژوهش است. مبانی این پژوهش را می‌توان به دو دسته دینی و سازمانی تقسیم‌بندی کرد. از دیدگاه دینی تحریم ربا، رشوه، اصراف و تشویق به کاهش مصرف و کار شرافتمندانه، عبادت تلقی کردن کوشش برای امرار معاش و تسریع و نهادینه ساختن توجه به حقوق کارگر مانند پرداخت حقوق کارگر پیش از اتمام کار، ارتباط دادن رضایت اخروی خداوند به کوشش مولد در امور دنیوی، در ساختار نظام اقتصادی می‌تواند ثابت و پایداری را به ارمغان آورد. به تعبیر پیامبر مکرم اسلام کسی که در دنیا برای نیازمند نبودن به مردم و توسعه رفاه خانواده‌اش در جهت طلب رزق حرکت کند خداوند را در روز قیامت در حالتی ملاقات می‌کند که صورتش مثل ماه درخشان است. مبانی پژوهش از دیدگاه سازمانی را می‌توان، لزوم اقدام عملی در راستای اجرای منویات مقام معظم رهبری در خصوص اقتصاد مقاومتی و حمایت از تولید داخلی، تعریف ماموریت عارضه‌یابی و حل معضلات واحدهای صنعتی برای سازمان بسیج مهندسین صنعتی، لزوم اجرای برنامه علمی و دقیق عارضه‌یابی به جای تکمیل فرم‌های عارضه‌یابی فاقد خروجی برشمرد.

## ۲- روش‌ها و فرآیندها

### الف- روش پژوهش

تحقیقات علمی را بر اساس دو مبنا یعنی هدف و روش می‌توان تقسیم‌بندی نمود. بر اساس هدف، این تحقیق را می‌توان یک تحقیق کاربردی دانست. تحقیقات کاربردی، تحقیقاتی هستند که با استفاده از زمینه و بستر معلوماتی که توسط تحقیقات بنیادی فراهم شده، برای رفع نیازمندی‌های انسان مورد استفاده قرار می‌گیرند (داوس، ۱۳۸۹). همچنین از نظر روش، این تحقیق یک تحقیق

توصیفی- پیمایشی است و شامل مراحل پیش رو می‌باشد: ۱- مطالعات اولیه: شناسایی و تعیین معیارهای لازم به منظور ارزیابی مشکلات واحدهای صنعتی غیرفعال و تنظیم پرسشنامه ۲- مطالعه وضع موجود: ارزیابی موانع و مشکلات فعالیت واحدهای صنعتی نیمه فعال و غیرفعال استان از طریق جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل اطلاعات به کمک پرسشنامه تنظیمی ۳- شناسایی و پیشنهاد راه‌حل‌های مناسب جهت کمک به فعال‌سازی مجدد واحدهای غیرفعال.

تحقیق توصیفی شامل مجموعه روش‌هایی است که هدف آن‌ها توصیف کردن شرایط یا پدیده‌های مورد بررسی است. اجرای تحقیق توصیفی می‌تواند صرفاً برای شناخت شرایط موجود یا یاری دادن به فرآیند تصمیم‌گیری باشد. از سوی دیگر، برای بررسی توزیع ویژگی‌های یک جامعه آماری از روش تحقیق پیمایشی شناخت صفات، ویژگی‌ها، عقاید، نگرش و سایر مسائل افراد یک جامعه از طریق مراجعه به آن‌هاست.

### ب- روش گردآوری اطلاعات (میدانی، کتابخانه ای و غیره)

در این تحقیق از روش توزیع پرسشنامه میان اعضای نمونه انتخاب‌شده از جامعه آماری استفاده می‌گردد.

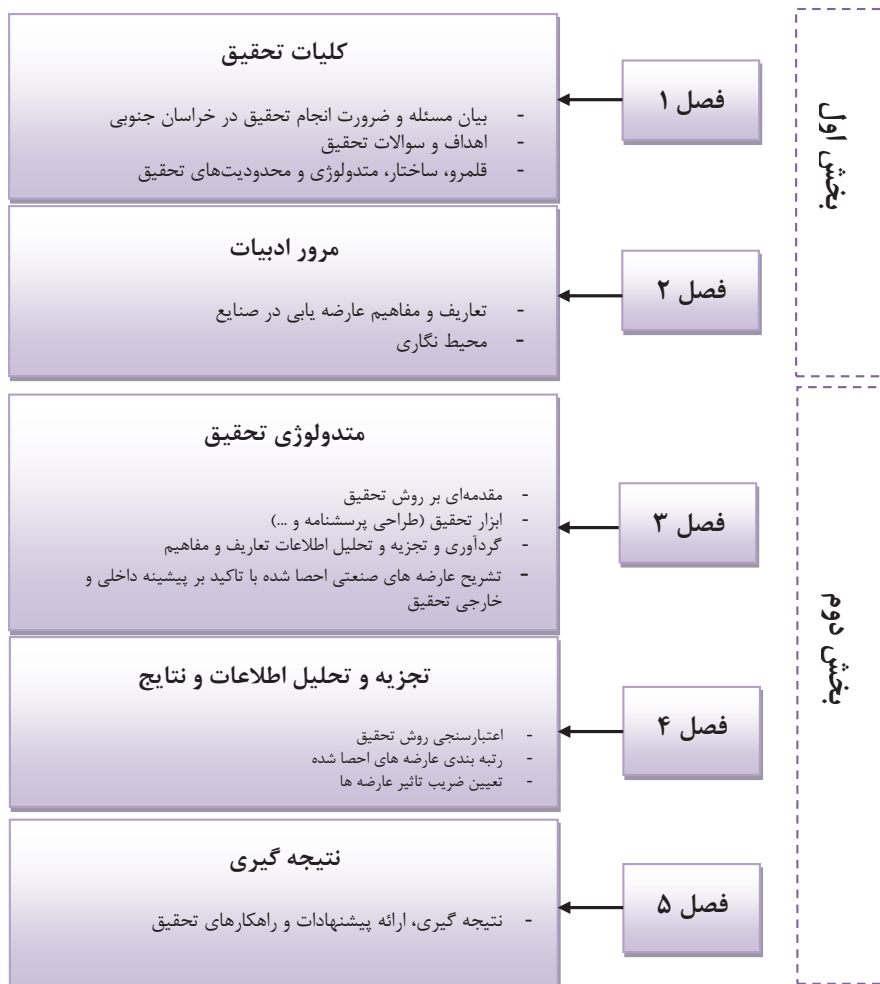
### ج- ابزار گردآوری اطلاعات (پرسشنامه، کارت مصاحبه، کارت مشاهده، کارت آزمون، فیش و غیره)

گردآوری اطلاعات در این پژوهش به صورت پرسشنامه و مصاحبه حضوری انجام گرفته است.

### د- روش تجزیه و تحلیل اطلاعات

جهت تجزیه و تحلیل اطلاعات به دست آمده از پرسشنامه‌ها از ابزارهای آماری نظیر آزمون T و فریدمن استفاده شده است و به کمک آن‌ها مشکلات فرآروی فعالیت واحدهای صنعتی غیرفعال استان طبقه‌بندی و رتبه‌بندی می‌گردند. به این ترتیب امکان شناسایی راه‌حل‌های مناسب و پیشنهاد راه‌حل‌های کارا به منظور رفع عمده مشکلات فراهم می‌گردد.

### ۳- ساختار و محتوای پژوهش



شکل ۱- ساختار گرافیکی تحقیق

تحقیق حاضر به دو بخش اصلی تقسیم می‌گردد. بخش اول (فصل‌های اول و دوم) که به بیان کلیات و تشریح ادبیات و پیشینه تحقیق با تاکید بر بررسی و مقایسه متدولوژی‌های بکار رفته در حوزه‌ی عارضه‌یابی صنایع در منابع کتابخانه‌ای می‌پردازد. بخش دوم (فصل سوم) شامل روش تحقیق و گام‌های آن به صورت کامل همراه با جزئیات مربوطه می‌باشد که به تشریح جامعه آماری، ابزار تحقیق و روش گردآوری داده‌ها و اطلاعات و اعتبارسنجی چارچوب پیشنهادی می‌پردازد. در ادامه بخش دوم (فصل چهارم) تجزیه و تحلیل اطلاعات می‌پردازد و در نهایت در فصل پنجم نتایج تحقیق ارائه می‌گردد. نمای گرافیکی ساختار تحقیق در شکل ۱ نشان داده شده است.

#### ۴- جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری این تحقیق را مدیران و کارشناسان برخی از واحدهای صنعتی نیمه فعال و غیرفعال مستقر در شهرک‌های صنعتی استان خراسان جنوبی تشکیل می‌دهند.

#### ۵- پیشینه پژوهش

برای اولین بار سازمان‌های ژاپنی متوجه شدند که سازمان نیز همچون یک موجود زنده می‌تواند دچار مشکلات و عارضه‌هایی شود. آنان مطالعات عارضه‌یابی خود را در صنایع مواد شیمیایی از دهه ۱۹۵۰ آغاز نمودند. البته مطالعات در آن زمان دارای چارچوب و مدل‌های فعلی نبوده و به تدریج و به مرور زمان تکوین یافت. در ایران نیز، مطالعات عارضه‌یابی برای اولین بار در شرکت نفت صورت گرفت. این مطالعات از حدود سال‌های ۱۳۸۱-۱۳۸۰ بنا بر ضرورت و اهمیت تجهیزات شرکت نفت و اینکه تعطیلی‌های ناشی از تجهیزات، ضررهای جبران‌ناپذیری را موجب می‌شد، آغاز گردید (فیاض-آزاد، ۱۳۸۹). شرکت نوسازی صنایع ایران نیز به طور رسمی و گسترده مطالعات عارضه‌یابی را در صنایع مختلف از سال ۱۳۸۲ از طریق مشاورین مختلف و به عنوان ناظر پروژه آغاز نمود. در مطالعات انجام‌شده، برخی از متغیرهای کلیدی مدیریت شناسایی شده‌اند که نقش قاطعی در موفقیت یا شکست بنگاه‌های کوچک بازی می‌کنند. کاملاً آشکار است که اغلب بنگاه‌های تازه تأسیس فاقد شایستگی‌ها و مهارت‌های اساسی مدیریتی می‌باشند تا از عهده مسائل و چالش‌ها برآیند. نقصان در مدیریت مالی و حسابداری، تخصص و مهارت بازاریابی، نبود فرآیندها و برنامه‌های مناسب تولید و عملیات و اقدامات ناکافی مدیریت منابع انسانی آن‌ها را به سوی شکست سوق می‌دهد.

در حوزه بازاریابی، رویکردهای ارتباط بازاریابی یکپارچه، تمرکز بر بازار و تمرکز بر مشتری متغیرهای بسیار مهمی جهت دستیابی به عملکرد سازمانی بالاتر می‌باشند. اقدامات نامناسب و ناکافی مالی و حسابداری هسته مسائل عملیاتی بنگاه‌های کوچک و بزرگترین منبع نگرانی بنگاه‌های کوچک است. مدیریت سرمایه کاری، گزارش‌گیری حسابداری و سیستم‌های کامپیوتری حسابداری ابعاد بسیار مهمی جهت دستیابی به عملکرد مالی بهتر هستند. بنگاه‌های کوچک می‌توانند عملکرد خود را به وسیله اقداماتی در حوزه مدیریت منابع انسانی که به طور اساسی با توسعه سرمایه از طریق تدارک، انتخاب، آموزش، ارزیابی عملکرد و نگهداری بهتر کارکنان وابسته است، ارتقاء دهند. و سرانجام بنگاه‌های کوچک یابستی بر مدیریت تولید و عملیات و چند بعد کلیدی این متغیر نظیر مدیریت موجودی،



بهره‌وری و کارایی فنی تمرکز نمایند. مدیریت مالی و حسابداری، مدیریت تولید و عملیات، مدیریت بازاریابی و مدیریت منابع انسانی عامل ریشه‌ای شکست‌اغلب کسب و کارهای کوچک و متوسط است. همچنین، این بنگاه‌ها اقدامات مناسبی را جهت مدیریت موجودی اتخاذ نکرده‌اند و کارایی فنی و تکنولوژیکی پایینی و نسبت بهره‌وری کمی دارند.

تحقیقات انجام شده در ۲۰ کشور صنعتی در خصوص سیاست‌های توسعه صنایع کوچک بیانگر آن است که عمده مشکلات و موانع سر راه رشد و توسعه و ترقی صنایع کوچک و متوسط را کمبود نقدینگی و سرمایه لازم، کمبود نیروهای متخصص و ماهر و عدم برخورداری از یک سیستم توسعه منابع انسانی، ضعف و پایین بودن سطح تکنولوژی و عدم دسترسی به تکنولوژی و اطلاع‌رسانی، عدم برخورداری از امکانات لازم برای تولید کالاها و محصولات با ارزش افزوده بالا، عدم بازاریابی، بازاریاب‌شناسی مناسب و فقدان یک رویکرد و یا راهبرد عملی و برنامه‌ریزی شده برای حضور در بازارهای صادراتی و جهانی و موارد مربوط به بازار، بالا بودن هزینه تولید، قیمت تمام شده بالا و پایین بودن سطح بهره‌وری، نامتعادل بودن و عدم ثبات ظرفیت تولیدی، کیفیت نازل و سرمایه‌بری بالای تولیدات و پایین بودن تلاش‌ها و امکانات در تحقیق و توسعه تشکیل می‌دهند.

مطالعات انجام شده توسط سازمان توسعه صنعتی ملل متحد در ایران نشان می‌دهد که عدم برخورداری مناسب از امکانات تحقیقاتی و دستاوردهای تحقیق و توسعه، عدم ارتباط منسجم با مراکز علمی و تحقیقاتی، فقدان یک نظام اطلاع رسانی داخلی و خارجی، فقدان تشکیلات و تشکلهای کامل کننده حلقه های منسجم کننده فعالیت های تولیدی، فروش و صادرات اقلام تولیدی و فقدان ارتباط منسجم بین خود شرکت های کوچک و متوسط صنعتی و نبود یک جو همکاری مستمر و پایه دار بین آنها و عدم دسترسی به صنایع پیشرفته، مراکز تحقیقاتی پیشرفته و استفاده از امکانات آزمایشگاهی و انکوباتورها مهمترین موانع توسعه صنایع کوچک در ایران را تشکیل می‌دهند. نتایج یک تحقیق انجام شده در خصوص عوامل شکست برخی از واحدهای صنعتی کشور بیانگر آن است که ضعف مدیریت، مشکلات مالی و نقدینگی، بالا بودن هزینه‌های مستقیم تولید و بهره‌وری پایین، سطح پایین کیفیت و تکنولوژی و ضعف بازاریابی مهمترین عوامل مؤثر بر عدم موفقیت واحدها را تشکیل می‌دهند.

تحقیقات نشان می‌دهد بیش از ۹۰ درصد بنگاه‌ها در کشورهای در حال توسعه را بنگاه‌های کوچک و متوسط تشکیل می‌دهند و بعلاوه بیش از ۹۰ درصد این بنگاه‌ها نیز بنگاه‌های خرد می‌باشند. توفیق

برخی کشورهای توسعه یافته یا در حال توسعه در توسعه صنایع کوچک را می توان در چند علت اصلی دانست که از جمله می توان به توسعه همه جانبه توانمندی های فنی و تکنولوژی صنایع کوچک و متوسط، تقویت دانش مدیریت کارآفرینی برای کارآفرینان واحدهای صنعتی کوچک و متوسط و تشویق آنها به استفاده از تکنیک های نوآوری و خلاقیت های صنعتی برای تولید محصولات ویژه و منحصر به فرد یا افزایش چشمگیر محصولات صنعتی، تأمین نیازهای مالی و اعتباری از طریق تعدیل سیاست های پولی - مالی، توسعه توانمندی های صادراتی و اعمال سیاست های پشتیبانی کننده در بازاریابی و بازاریابی منطقه ای، فرامنطقه ای و جهانی و بکارگیری سیاست های تشویقی و حمایتی و بهره گیری از آخرین پدیده های تکنولوژیکی و پدیده های نوین تولیدی اشاره کرد.

سازمان توسعه صنعتی ملل متحد<sup>۱</sup> (۲۰۰۳) نیز در سند استراتژی افزایش مشارکت مؤثر و رقابتی با موضوع بخش صنایع کوچک و متوسط در توسعه اقتصادی و صنعتی جمهوری اسلامی ایران با توجه به ساختار اقتصاد ایران بخش اعظم اقتصاد ایران را متعلق به صنایع خرد، کوچک و متوسط می داند و بر ضرورت توجه به ایجاد دو عامل اساسی محیطی، در درجه اول، ایجاد یک ساختار حقوقی مناسب برای صنایع کوچک و متوسط و دیگر ایجاد یک ساختار حمایتی نهادینه و مناسب شامل خدمات مشاوره کسب و کار، تأمین اطلاعات، آموزش، خدمات مالی و امثال آن تأکید دارد. ضمن آنکه افزایش رقابت پذیری و توسعه صادرات آنها را نیز مورد توجه قرار داده است. با اینحال تعداد زیادی از صنایع کوچک و متوسط در کشور ما از مشکلات متعدد رنج برده و نیمه فعال و یا غیرفعال می باشند. بر این اساس ضرورت دارد تا به نحو مناسب نسبت به عرضه - یابی و بهبود مشکلات آنها اقدام نمود. شناسایی پروژه های منطقی بهبود کارگاه ها عمدتاً به استفاده خلاقانه از اصل پارتو وابسته است. باید علل مشترکی را شناسایی کرد که در ریشه ی بالاترین میزان مشکلات کارگاه ها قرار دارند و باعث می شوند که بالاترین ارزش بهبود با کمترین هزینه تجزیه و تحلیل به دست آید.

لذا پرسش آغازین در این پژوهش به صورت زیر تدوین می شود: «دلایل مهم غیرفعال شدن برخی از واحدهای صنعتی مستقر در شهرک های صنعتی کشور چیست؟». سرآمدشدن سازمان فرآیند پیوسته ای است که با برنامه ریزی و هدف گذاری آغاز می شود و در طول مسیر با ارزیابی مداوم و استفاده از اهداف از پیش تعیین شده، نواقص و نارسایی ها مشخص شده و با اصلاحات لازم، حذف موانع و تقویت نقاط قوت انجام می شود. نقطه شروع در هر تغییر و بهبودی، درک و شناخت کامل

2- UNIDO (United Nations Industry Development Organization)

از وضعیت موجود سازمان و پیدا کردن مشکلات آن است که با عنوان عارضه‌یابی خوانده می‌شود. عارضه‌یابی، نوعی ارزیابی و ممیزی سازمان با یک متدولوژی منسجم و مدون است که موقعیت حاضر سازمان را با در نظر گرفتن کلیه جوانب و عوامل داخلی و بیرونی، روشن و شفاف می‌سازد و علل حضور سازمان در این موقعیت را نیز بیان می‌کند. مطالعات عارضه‌یابی دارای چرخه‌ای است که بایستی در بازه‌های مختلف زمانی، عملکرد سازمان را اندازه‌گیری نموده و از این طریق، عوامل و موانع حرکت سالم و پیشرفت سازمان مشخص گردد و زمینه‌های بهبود تعریف و راهکارهای لازم ارائه شود. به طور کلی مطالعات عارضه‌یابی، کلیه سازمان‌های تولیدی، خدماتی اعم از کوچک یا بزرگ و نوپا یا با سابقه را تحت پوشش خود قرار داده و نتایج قابل قبولی را در اختیار سازمان و علی‌الخصوص تیم مدیریتی آن جهت تصمیم‌گیری‌های آینده و بهبود سازمان قرار می‌دهد.

## ۶- خروجی‌های پژوهش

ابتدا تاثیر عواملی مانند «کمبود نقدینگی و عدم دسترسی به سرمایه در گردش کافی در زمان مناسب»، «کاهش میزان فروش و درآمد»، «وجود رقبای قدرتمند»، «کافی نبودن حمایت‌های مالی و دشواری شرایط استفاده از تسهیلات بانکی»، «قیمت تمام شده بالا»، «افزایش هزینه‌های نیروی انسانی» و «بالارفتن هزینه‌های انرژی» بر غیرفعال شدن واحدها مورد بررسی قرار خواهد گرفت. همچنین اثر «کاهش تقاضای بازار به دلیل کیفیت پایین محصولات تولیدی»، «ناتوانی در پرداخت بدهی به کارکنان و سایر طلبکاران»، «مشکلات فنی و فرسودگی ماشین‌آلات و تجهیزات»، «ظرفیت پایین و غیراقتصادی بودن تولید»، «قدیمی بودن تکنولوژی»، «کمبود تنوع محصولات تولیدی»، «بالارفتن هزینه‌های عملیاتی توزیع و فروش»، «قاچاق و ورود بی‌رویه محصولات خارجی»، «بدهی‌های بانکی و ورشکستگی»، «ساختار نامناسب مالی واحد تولیدی» مورد مطالعه قرار خواهد گرفت و این عوامل در مورد واحدهای صنعتی مورد هدف با استفاده از پرسشنامه و مراجعه حضوری احصاء خواهد شد. در این تحقیق سپس بر آن خواهیم شد تا راهکارهای عملی برای بهبود وضعیت صنایع هدف مبتنی بر نوع مشکل‌شان ارائه نماییم.

با انجام مطالعات میدانی و تمرکز بر شناسایی واحدهای صنعتی استان، محصولات و خدماتی که هر واحد صنعتی ارائه می‌دهد، مطالعه گزارش‌ها و مصاحبه‌ها و درددل‌های صنعتگران و ارائه پرسش‌نامه، در نهایت پس از تحلیل نتایج مهم‌ترین علل رکود واحدهای صنعتی استان به شرح زیر ارائه می‌گردد:

- ۱- دوری از بازارهای توریع
- ۲- نبود سرمایه در گردش
- ۳- بالا بودن نرخ تسهیلات بانکی
- ۴- قوانین و مقررات دست و پاگیر
- ۵- بالا بودن هزینه بیمه تامین اجتماعی
- ۶- یکپارچه نبودن ساختار جامع از صنعتگران استان
- ۷- عدم اطلاع رسانی مناسب در خصوص برگزاری همایش‌های مرتبط
- ۸- عدم وجود بانک جامع اشتراک اطلاعات صنایع استان
- ۹- واردات بی‌رویه محصولات چینی
- ۱۰- عدم ثبات سیاسی در زمینه صادرات و واردات
- ۱۱- تحریم‌ها ۱۲- بدهی‌های معوقه ارگان‌های دولتی به شرکت‌ها
- ۱۳- ورود آزادانه بخش خصوصی به صنعت
- ۱۴- عدم تناسب ظرفیت‌های تولید با ظرفیت بخش‌های بالا دست
- ۱۵- عدم هماهنگی در سرمایه‌گذاری در بخش‌های وابسته به هم
- ۱۶- تکوین واحدهای صنعتی کوچک مقیاس
- ۱۷- ساختار غیر رقابتی بازار
- ۱۸- کمبود اعتبارات صنعتی
- ۱۹- کمبود زیربنای اصلی
- ۲۰- عدم سازماندهی نیروهای متخصص
- ۲۱- نبود ارتباط کارآمد بین دانشگاه و صنعت
- ۲۲- ضعف بازاریابی بنگاه‌های اقتصادی
- ۲۳- عدم ساماندهی مناسب مراکز خرید و فروشگاه‌های زنجیره‌ای
- ۲۴- عدم کفایت لازم در طرح‌های تشویقی در جذب سرمایه‌های بخش خصوصی

## ۶- پیشنهادات کاربردی

بر اساس یافته‌های تحقیق و با توجه به مهم‌ترین علل احصاء شده در زمینه رکود واحدهای صنعتی استان، راهکارهایی به منظور پیشگیری و رفع رکود جهت ارائه به نهادهای دولتی تدوین گردیده که به مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌گردد:

- ۱- تعبیه مشوق‌های مناسب به منظور ایجاد شرکت‌های سهامی بزرگ
- ۲- اعمال ضوابط لازم برای کمک به توان رقابتی صنایع
- ۳- تفکیک عایدات نفتی از بودجه دولت برای رفع مشکل عدم ثبات نرخ ارز
- ۴- تقویت بانک صنعت و معدن و تغییر نظام انگیزش مالی به نفع صنعت به منظور رفع مشکل تسهیلات صنعتی

- ۵- اولویت‌بندی طرح‌های صنعتی بر حسب درصد پیشرفت فیزیکی
- ۶- توقف طرح‌هایی که دارای صرفه‌ی مقیاس نیستند
- ۷- نظارت بر اعطای تسهیلات بانکی برای صنعت
- ۸- فراهم‌سازی تسهیلات لازم برای صدور مجوز کالا از گمرکات استان
- ۹- تقویت بازارچه مرزی استان
- ۱۰- بخشش جرائم دیرکرد به صنایع استان